

کیمهان

۵۴۱

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۱۴ تیر پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۲۰۰۷

روسیه شریک موقت جمهوری اسلامی

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۰۷ (۵۴۱)

۱۴ تا ۲۰ آذر ۱۴۰۴
۵ تا ۱۱ دیماه ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه ها و عاشقانه ها" با انتشارات مهرپیران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب**

۴	سرمقاله - «زیست عقیقانه»، ابزار دولت اصلاحات علیه زنان / روشنگر آستر کی
۴-۵	تیر هفته - روسیه شریک موقت جمهوری اسلامی ... /
۶	مؤسسه تحقیقاتی «آلما»: اسرائیل باید راهبرد «پیش‌دستانه» را برای حفظ برتری خود ادامه دهد...
۷	روزنامه «تایمز اسرائیل»: حکومت در حال فروپاشی است امار هبران آن جشن پیروزی می گیرند...
۸	خبرگزاری فرانسه: جمهوری اسلامی ایران وارد یکی از سخت ترین مقاطع تاریخ خود شده است...
۹	وزیران و نادر محاصره آمریکا: چرا چین و روسیه مأمور را مثل خامنه‌ای تنها گذاشتند؟...
۱۰-۱۱	ولیعهد رضا پهلوی و راهی ملت او... / ماریو فیلیپو برامیلادی کارینانو
۱۱	وضعیت نارنجی! ... / خیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	جامعه، دولت و جنبش زنان ایران (بخش پایانی) ... / دکتر مهر انگیز دولتشاهی
۱۳	دوران محمدرضا شاه: ایران پایدارترین کشور خاورمیانه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۱۳	دوران محمدرضا شاه: محصلین ایرانی در خارجه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۱۴	خامنه‌ای ارسال پیام به آمریکا: «غنی سازی صفر» دروغ محض / دانست ...
۱۴-۱۵	عباس عراقچی: آمریکا اگر «غنی سازی صفر» می خواهد توافق غیر ممکن است ...
۱۵	وزارت خارجه آمریکا: خامنه‌ای به جای اسراف و حمایت از تروریسم به مردمان ایران خدمت کند ...
۱۶	تغییر کاربری کشتی تجاری «توبوکان» به «تاویندر کر دستان» حامل پپیادهای انتحاری ...
۱۶	انفجار در دو نفتکش متعلق به ناوگان سایه روسیه در دریای سیاه ...
۱۷	سفر همزمان دو مقام ارشد ترکیه و عربستان سعودی به تهران ...
۱۷	خبرنامه امیر کبیر: اهتزاز پرچم ملی شیر و خورشید ایران بر سکوی نخست المپیا جهانی ...
۱۸	تهران در آستانه تخلیه است با باحیران در گفتار سیاسی دست و پنجه ... / سالمه الموشی (ایندیپندنت عربی)
۱۹	جنبش دانشگاهی ایران پس از انقلاب: تفاوت‌های بنیادین با دوره پیش از انقلاب ... / دکتر ضاسعیدی فیروز آبادی
۲۰	دوران محمدرضا شاه: یک گام جلوتر از رخدادها (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۰	اسرائیل هیوم: درخواست عفو نتانیاها و نشانه‌هایی از احتمال سقوط رژیم ایران دارد ...
۲۱	رزمایش سیاه پاسداران در آذربایجان شرقی با همکاری کشورهای عضو شانگهای ...
۲۱	سومین کشتی روس در دریای سیاه مورد اصابت قرار گرفت ...
۲۲-۲۳	خامنه‌ای و انتکار گفتگو با آمریکا ... / اتونی فرانسیس (ایندیپندنت عربی)
۲۳	روسیه از شهروندان خود خواست در سفر به ایران از عکاسی خودداری کنند ...
۲۴-۲۵	اسلام گرای ۵۷؛ معامله دوسر باخت برای غرب ... / فرد صابری
۲۵	استقرار یگان پیادهای انتحاری آمریکا در خاورمیانه ...
۲۶	رویتوز: دولت عراق از طبقه بندی حزب الله و حوثی ها به عنوان گروه تروریستی عقب نشینی کرد ...
۲۶-۲۷	آزادی موقت علیرضا میرز پورناک از متهمان «پرونده کبان» با وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی ...
۲۷	هشدار وزیر خارجه ژاپن به عراقچی درباره ضرورت «همکاری فوری» جمهوری اسلامی با آژانس و ...
۲۸	اکونومیست: بسیاری در اسرائیل معتقدند جنگ مجدد با جمهوری اسلامی ایران در راه است ...
۲۸-۲۹	محمد باقر قالیباف: تعلیق همکاری با آژانس برای جمهوری اسلامی تولید قدرت کرد ...
۲۹	دولت عراق، حزب الله لبنان و حوثی های یمن را سازمان تروریستی اعلام کرد ...
۳۰	وضعیت تکان دهنده و نیمه مخروب «کاخ مروارید»، کاخ شاهدخت شمس پهلوی ...
۳۱	استعفای رئیس و نائب رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران پس از بازداشت گروهی سینماگران ...
۳۲	آمار غیر واقعی دولت از نرخ خودکشی در ایران: آمار واقعی افزایشی و «تکران کننده» است ...
۳۳	خشکسالی و ایران کنند در ایران؛ مرگ تالاب گاو خونی به نقطه ای بی بازگشت رسید ...
۳۴	قیمت دلار از مرز ۱۲۰ هزار تومان گذشت؛ دلایل افزایش قیمت ارز چیست؟ ...
۳۵	کمیسیون نایب شدن دار و در ایران: دار و هائی بابر کد ایرانی در دار و خانه های عراق ...
۳۶	دور تاز ه اعتراضات کارگران بیمانی پارس جنوبی؛ هشدار درباره تغییر شیوه اعتراضات در ...
۳۷	وضعیت بحرانی آلودگی هوای تهران و چند کلانشهر ایران ...
۳۸	فرونسخت زمین؛ زلزله خاموش در ایران ... / اروز به اسکندری
۳۹	وقتی سیاست و ورزش در هم می آمیزند: حضور کر بستیانو رونالدو در ضیافت افتخاری کاخ سفید ...
۴۰	بیانیه ۱۷۲ نماینده مجلس شورای اسلامی درباره مشکلات اقتصادی کشور ...
۴۱-۴۲	مرگی که پیش از مرگ رخ می دهد: بررسی علل و پیامدهای خودکشی و مرز بار یک میان ...
۴۲-۴۳	قانون حمایت از معلولان ۱۸ سال پیش تصویب اما همچنان اجرایی نشده است ...
۴۴	سخنگوی دولت پزشکیان از برنامه برای مبارزه با «بی حجابی» خبر داد ...
۴۵	مشکلات ناشی از آلودگی هوا: افزایش آلودگی و کم درآمد ها را هدف می گیرد ...
۴۶	رزم گشایی از مشهور کوروش کبیر در گفتگو با دکتر محمود کویر ...
۴۶	نمایش «این مال کیه؟»؛ نخستین تجربه کارگردانی به رنگ پورمحمد پس از مهاجرت ...
۴۶-۴۷	کاهش ۳۹/۹۹ درصدی بارش هانسیست به سالهای گذشته ...
۴۸-۴۹	تبدیل «سنگر ملی» به «دفتر یخسانه» در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ...
۵۰-۵۱	بررسی چالش های اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی در گفتگو با پروفیسور علی حسامی ...
۵۲-۵۳	موج جدید گرانی ها با حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت بنزین ...
۵۳-۵۴	آزیر خطر گرانی کالا های اساسی؛ تورم ۶۰ درصدی تا پایان سال ...
۵۴-۵۵	موج انتقادات به افزایش قیمت بنزین؛ حمایت روزنامه «کیهان» از تصمیم دولت اصلاح طلب پزشکیان ...
۵۶-۵۷	خبر های کوتا ه ...
۵۸	پشت جلد - عکس هفته / فر ایران پیروز است



بازنشر
بازنشر

«زیست عقیفانه»، ابزار دولت

اصلاحات علیه زنان

دولت اصلاح طلب مسعود پزشکیان عزم خود را جزم کرده که تحت عنوان ترویج «زیست عقیفانه» عرصه را بر زنان تنگتر، و سرکوب‌های اجتماعی را تشدید کند. همزمان رهبر جمهوری اسلامی دستوری «محرمانه» برای مبارزه با «بی‌حجابی» به دولت ابلاغ کرده و رئیس قوه قضاییه نیز بر برخورد «قاطعانه» با ناهنجاری‌های اجتماعی که «بی‌حجابی» را از مصادقات آن خوانده تأکید کرده است.



مسعود پزشکیان و باران اصلاح طلب او که چندی پیش «آزادی‌های اجتماعی» و «کاهش فشار بر زنان به بهانه حجاب» را از محورهای مهم تبلیغات انتخاباتی قرار داده بودند، حالا، همسو با دیگر جریان‌های حکومت برنامه بستن فضا و افزایش کنترل‌های اجتماعی با هدف قرار دادن زنان در دستور کار دارند.

به نظر می‌رسد هدف اصلی جمهوری اسلامی بیش از مبارزه با آنچه است که «بی‌حجابی» خوانده می‌شود، از یکسو به علت هراس از اعتراضات گسترده مردمی که برخی تحلیلگران بروز آن را با توجه به تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی محتمل می‌دانند، حکومت به دنبال افزایش رصدهای اجتماعی و فشارهای امنیتی و قضایی بر شهروندان است. در این میان «مبارزه با بی‌حجابی» بهانه خوبی برای مستقر کردن نیروهای انتظامی و لباس شخصی در معابر عمومی، رصد جامعه و سرکوب سریع اعتراضات احتمالی است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی به دنبال آنست که شکاف عمیق میان مردم و حکومت که یکی از خروجی‌های آن در «پوشش اختیاری» ظاهر می‌شود را پنهان کند.

در آتسو آتش زدن روسی‌ها توسط زنان برجسته‌ترین نماد اعتراضات ۱۴۰۱ بود که در پی قتل مهسا امینی بدست مأموران گشت ارشاد آغاز و به سرعت به اعتراضاتی ضدحکومتی تبدیل شد. پس از آن بود که استفاده از «پوشش اختیاری» در قالب مبارزه‌ای مدنی و خرنده از سوی زنان ایران فراگیر شد تا مرزبندی شهروندان و بدنه حکومت را در سطح جامعه برجسته و تفاوت میان «ما» و «آنها» را نشان دهد.

فراتر آنکه، زنان ایران که از بیش از یک قرن پیش و همزمان با انقلاب مشروطه، جنبش برابری خواهانه‌ای را پیش برده و گام به گام برای دستیابی به آزادی و حقوق برابر تلاش کردند، طی ۴۷ سال گذشته نیز نشان داده‌اند به تاکتیک تبدیل زن ایرانی به زن مسلمان انقلابی و جاهایی در ویتن انقلاب تن نمی‌دهند.

در چنین شرایطی، هرچند حکومت به اشکال مختلف قانونی، قضایی و انتظامی و برای دستیابی به اهدافی که مطرح شد تلاش دارد فشار بر زنان را تشدید کند اما نگرانی از اینکه همین فشارها نیز جرقه‌ای برای شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر نارضایتی‌ها شود، هشدار برخی حکومتی‌ها را به دنبال داشته و معتقدند حکومت همچنان باید با موضوع «حجاب» کجدار و مریز برخورد کند.

روسیه شریک موقت جمهوری اسلامی



● گسترش همکاری بین جمهوری اسلامی و روسیه موقتی است و تهران نمی‌تواند روی آن حساب دائمی باز کند. برای روسیه این گسترش همکاری برگه است که ولادیمیر پوتین می‌خواهد از آن برای مذاکره با دونالد ترامپ استفاده کند.

جمهوری اسلامی و روسیه منتشر کردند.

سایت خبری اسرائیلی «واینت»، که منبعی نزدیک به نهادهای اطلاعاتی این کشور به حساب می‌آید، در گزارشی به سفر هیئت‌های نظامی-اقتصادی جمهوری اسلامی به روسیه منتشر و ادعا کرده مسکو تصمیم گرفته است از برنامه تسلیحاتی هسته‌ای تهران حمایت کند. این رسانه اسرائیلی می‌نویسد روسیه تصمیم گرفته است جمهوری اسلامی را در تکمیل مرحله نهایی طراحی سلاح اتمی یاری رساند. در این گزارش، به نقل از منابع امنیتی اسرائیلی، به دو دیدار هیئت‌های تسلیحاتی-اقتصادی جمهوری اسلامی در ماه‌های اوت و نوامبر در سن‌پترزبورگ با مسئولان و پژوهشگران شرکت «فناوری نظامی روسیه» و شرکت «سیستم‌های لیزری» اشاره شده است. این دو شرکت روسی از مدت‌ها پیش در فهرست تحریم‌های ایالات متحده آمریکا قرار دارند.

همکاری هسته‌ای روسیه با جمهوری اسلامی

منابع اطلاعاتی اسرائیل به «واینت» گفته‌اند جمهوری اسلامی به تازگی از آستانه قطعی و بدون بازگشت اتمی که تهدیدی جدی است گذر کرده است و مسکو در این روند نقش موثری را ایفا کرده و خواهد کرد. به گفته این منابع، بدون کمک روسیه این پیشرفت نمی‌توانست در شرایط کنونی انجام شود. پایگاه خبری «واینت» می‌نویسد: «این همکاری گسترده دو واقعیت ترسناک را نمایان می‌کند. اول اینکه جمهوری اسلامی دستیابی به سلاح هسته‌ای را سرعت بخشیده و علاوه بر آن روسیه را به عنوان شریک

تشدید تحریم‌های بین‌المللی، همکاری مسکو با تهران در زمینه‌های مختلف، از هسته‌ای تا تسلیحاتی و اتمی، را گسترده‌تر کرده است. با فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی کشورهای اروپایی (فرانسه، بریتانیا و آلمان) تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که تا پیش از امضای برجام وجود داشتند بصورت خودکار بازگشتند. این تحریم‌ها در کنار تحریم‌هایی که آمریکا در جریان دولت قبلی دونالد ترامپ وضع کرده بود، فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش داده‌اند. همزمان کشورهای عضو اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند فشارها بر کرملین را افزایش داده و خرید نفت از روسیه را تا پایان سال آینده میلادی متوقف سازند و پول‌های مسدود شده روسیه را بصورت وام در اختیار اوکراین قرار دهند.

جبهه مشترک تهران و مسکو برای دور زدن تحریم‌ها

تشدید فشار بر جمهوری اسلامی و فدراسیون روسیه، این دو کشور را مجبور کرده است که جبهه مشترکی را برای دور زدن تحریم‌ها تشکیل دهند. در ازای همکاری تهران، که سابقه‌ای طولانی برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی دارد، مسکو مجبور شده است که تقاضای همکاری نظامی، تسلیحاتی و هسته‌ای تهران را بطور موقت بپذیرد. تنها در ماه نوامبر دو هیئت از جمهوری اسلامی که مسئولان هسته‌ای و تسلیحاتی را در بر می‌گرفت راهی روسیه شدند و در سن‌پترزبورگ با همتایان روسی خود ملاقات کردند. همزمان شرکت‌های بین‌المللی که حمل‌ونقل نفتکش‌ها را رصد می‌کنند، گزارش‌هایی را در رابطه با ناوگان سایه

جمهوری اسلامی در نفتکش‌ها به بالاترین سطح در دو سال گذشته رسیده است. با این وجود تولید نفت و میعانات آن در جمهوری اسلامی در سال جاری میلادی بین ۱/۵ تا ۱/۷ میلیون بشکه در روز بوده است؛ ۲۵ درصد بیش از نفت استخراج شده در سال ۲۰۲۳ میلادی. سازمان بین‌المللی انرژی مدعی است که در ماه اکتبر سال جاری میلادی تولید نفت جمهوری اسلامی به مرز ۲/۴ میلیون بشکه در روز رسیده است. با وجود افزایش تولید، فروش آن کاهش یافته است. چین که خریدار ۹۰ درصد از نفت صادراتی ایران در سال گذشته میلادی بوده است، به دلیل فشارهای بین‌المللی واردات نفت خام خود از ایران را کاهش داده است. در حال حاضر تنها پالایشگاه‌های موسوم به «قوری» در چین به خرید نفت جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند. پالایشگاه‌های

باشند.

شرکت «Maritim Cook Islands» بنا بر فهرستی که «Lloyd's List» بریتانیایی منتشر کرده در سال ۲۰۲۴ میلادی سریع‌ترین رشد در سطح جهانی را در امور ثبت کشتی داشته است. درآمد جزایر کوک در پنج سال گذشته از مالیات بر ثبت کشتی و عوارض دریانوردی رشدی ۴۰۰ درصدی داشته است. البته «Royal United Services Institute» در گزارشی می‌نویسد جمهوری اسلامی برخی از نفتکش‌های ناوگان سایه خود را در دیگر جزایر اقیانوس آرام چون پلائو، نیوئه و ناورو نیز به ثبت رسانده است.

نفت‌های سرگردان در دریاها

ناوگان سایه جمهوری اسلامی که برخی از آنها با روسیه

ژئوپولیتیک خود انتخاب کرده است تا بطور مشترک تحریم‌های بین‌المللی را دور بزنند. هیئت ایرانی تحت پوشش شرکت «دماوندتک» به روسیه سفر کرده است. «دماوندتک» متعلق به علی کالوند است که از اکتبر سال گذشته میلادی نامش در فهرست تحریم‌های وزارت خارجه آمریکا ثبت شده است. این رسانه خبری می‌نویسد هیئت ایرانی از سوی «دماوندتک» سازماندهی شده بود که یک شرکت پوششی برای «سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی» یا «سپند» است که از سال ۲۰۰۳ میلادی برنامه پژوهش‌های تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی را هدایت می‌کند.

ناوگان سایه نهران و مسکو



بزرگتر چین پس از تصویب تحریم‌های بین‌المللی حداقل به صورت رسمی خرید نفت خام از جمهوری اسلامی را متوقف ساختند.

البته نباید از نظر دور داشت که گسترش همکاری بین جمهوری اسلامی و روسیه موقتی است و تهران نمی‌تواند روی آن حساب دائمی باز کند. برای روسیه این گسترش همکاری برگه‌ای است که ولادیمیر پوتین می‌خواهد از آن برای مذاکره با دونالد ترامپ استفاده کند. اگر توافقی بین مسکو و واشنگتن در رابطه با جنگ اوکراین بدست آید، بدون شک ولادیمیر پوتین بلافاصله این همکاری نزدیک با رژیم ایران را متوقف خواهد کرد؛ البته بدون اینکه بطور رسمی در روابط خود با جمهوری اسلامی تجدید نظر کند. جمهوری اسلامی برگه‌ای است که مسکو نمی‌خواهد از دست بدهد تا بتواند هر زمانی که لازم بود بار دیگر آن را روی میز قرار دهد.

مشترک هستند در حال حاضر حدود نیم میلیارد بشکه نفت را بار زده‌اند که در دریاها، بویژه در آب‌های مالزی، در انتظار خریدار هستند. خیرگزاری اقتصادی بلمبرگ می‌نویسد در سه ماه گذشته حدود یک میلیارد بشکه نفت در آب‌های بین‌المللی انباشت شده‌اند که بیش از ۴۰ درصد آنها متعلق به کشورهایی چون جمهوری اسلامی، روسیه و یانزوئلا هستند. کشورهایی که تحت تحریم قرار دارند. این سه کشور تولیدکننده ۱۷ درصد از نفت جهان هستند. این نفت‌های در حال تردد در آب‌های بین‌المللی به دنبال خریدار هستند. جمهوری اسلامی بر مبنای آخرین گمانه‌زنی‌ها آماده فروش هر بشکه نفت با تخفیفی ۸ دلاری نسبت به نرخ روز است.

همکاری تاکتیکی روسیه با جمهوری اسلامی

با وجود این تخفیف قابل توجه، حجم نفت ذخیره شده

در جزایر کوک که در اقیانوس آرام بین کشورهای استرالیا و نیوزلند قرار دارد نیز بخش دیگری از همکاری مسکو با تهران رقم خورده است. در دفتر کوچکی شرکت «Maritim Cook Islands» فعال است که در زمینه ثبت کشتی‌های تجاری فعالیت می‌کند. در جزایر کوک بدون سفر به این جزیره می‌توان کشتی‌های باری و بویژه نفتکش‌ها را ثبت کرد. بنا بر اطلاعاتی که شرکت‌های رصد تردد کشتی‌های تجاری منتشر کردند ناوگان سایه مشترک جمهوری اسلامی و روسیه ۳۴ نفتکش را در بر می‌گیرد. دولت آمریکا ۲۰ نفتکش از ناوگان سایه را شناسایی و در فهرست تحریم‌های خود قرار داده است. ۱۴ نفتکش دیگر نیز در فهرست تحریم‌های بریتانیا قرار دارند. البته یک کارشناس کشتیرانی تجاری در ایتالیا به «کپهان لندن» می‌گوید حدس زده می‌شود که ناوگان سایه تهران و مسکو در مجموع ۴۸ نفتکش را در جزایر کوک به ثبت رسانده

مؤسسه تحقیقاتی «آلما»: اسرائیل باید راهبرد «پیش‌دستانه» را برای حفظ برتری خود ادامه دهد



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و همکارانش عملیات هوایی در یمن را زیر نظر دارند

وضعیت پیچیده سوریه

در سوریه، وضعیت پیچیده است؛ رژیم جدید برای اعمال کامل نظم و قانون با مشکل روبه‌روست، بنابراین اسرائیل علیه چندین تهدید در جنوب سوریه اقدام می‌کند: تهدیدهای ناشی از سلول‌های تروریستی (وابسته به ایران، حزب الله، داعش، حماس، جهاد اسلامی فلسطین و الجماعه الاسلامیه)، تلاش برای قاچاق سلاح و درگیری‌های خشونت‌آمیز میان اقلیت‌ها و نیروهای امنیتی که می‌تواند از کنترل خارج شود و به متحدان اسرائیل آسیب برساند. حضور فیزیکی اسرائیل در پنج نقطه استراتژیک در لبنان و دست‌کم ۹ نقطه در منطقه حائل سوریه ناشی از منافع سیاسی یا تلاش برای تصرف سرزمینی -چنان‌که ادعا می‌شود- نیست، بلکه نیاز به دور کردن تهدیدها از خط تماس و حفاظت از جوامع اسرائیلی نزدیک مرز آن را ایجاب می‌کند.

مقابله با ایران اقی

جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران نیز اقدامی دفاعی و پیشگیرانه بود که هدفش جلوگیری از تبدیل شدن ایران به یک کشور هسته‌ای با تهدیدی وجودی علیه اسرائیل بود. پرسش آشکار این است که آیا بهتر بود منتظر ماندن تا تهدید هسته‌ای محقق شود و سپس واکنش نشان دهند؟ حکومت ایران طی سال‌ها راهبرد حمله ترکیبی از همه جبهه‌ها علیه اسرائیل را دنبال کرده است؛ بنابراین اسرائیل نیز در همه جبهه‌ها علیه نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی عمل می‌کند. اسرائیل با دشمنی مصمم مواجه است که نیت خود برای نابودی اسرائیل را پنهان نمی‌کند و از هیچ ابزاری دریغ نمی‌ورزد، در حالیکه اسرائیل ناچار است خوبتنداری کند. در انتهای این مقاله آمده بازگشت به «سیاست مهار» اشتباه خواهد بود؛ اسرائیل باید همچنان قاطعانه با هرگونه تهدید مقابله کند و برتری راهبردی خود نسبت به دشمن را حفظ کند. اسرائیل رفتار تهاجمی ندارد، برعکس راهبرد فعلی آن از تشدید خطرناک جلوگیری می‌کند. رسیدگی به تهدیدها در مراحل اولیه امنیت منطقه‌ای را تقویت می‌کند، دست بازیگران میانه‌رو را بالا می‌برد، و مسیر را برای توافقی‌ها و عادی‌سازی در منطقه هموار می‌سازد.

توصیف می‌شود؛ رفتاری که گویی یک هژمون دشمن را هر زمان و در هر مکان هدف قرار می‌دهد. راهبردی که اسرائیل در دو سال گذشته اتخاذ کرده، راهبردی متمرکز و حساب‌شده است؛ تهاجمی نیست بلکه دفاعی است. این سیاست از میل به گسترش و سلطه بر منطقه ناشی نمی‌شود، بلکه از نیازهای امنیت ملی سرچشمه می‌گیرد. اسرائیل به‌صورت محدود عمل می‌کند و هدفش کاهش آسیب و پرهیز از صدمه به غیرنظامیان است؛ اما همزمان دیگر از برخورد با تهدید -اگر تنها یک تهدید بالقوه باشد- خودداری نمی‌کند. هدف این است که تهدید پیش از بالفعل شدن خنثی شود، نه اینکه پس از وقوع و با هزینه‌ای سنگین‌تر به آن پاسخ داده شود.

هدف خنثی‌سازی توانایی‌های بالقوه دشمن پیش از آن است که دشمن بتواند اهداف خود را محقق کند (چیزی که پیش‌بینی آن بسیار دشوار است). همزمان، اسرائیل مسیرهای دیپلماتیک مستقیم یا غیرمستقیم را نیز پیش می‌برد و آماده توافق است، مادامی‌که این توافقی‌ها نیازهای امنیتی اسرائیل و ثبات منطقه را تأمین کنند.

در بخشی دیگری از این مقاله اشاره می‌شود، اسرائیل به‌طور مستمر در همه جبهه‌ها برای خنثی‌سازی تهدیدها اقدام می‌کند؛ در جبهه شمالی حملات هوایی و یورش‌های زمینی علیه زیرساخت‌ها و عوامل تروریستی انجام می‌دهد تا از استقرار دوباره حزب‌الله و دیگر سازمان‌های تروریستی در امتداد مرز جلوگیری کند. در لبنان، از زمان آتش‌بس، بیش از ۶۷۰ حمله هوایی صورت گرفته و بیش از ۲۰۰ عضو حزب‌الله (و نزدیک به ۳۰۰ عضو دیگر از گروه‌هایی همچون حماس) از میان برداشته شده‌اند. این فعالیت روزانه علیه هرگونه نقض آتش‌بس است و هدف آن جلوگیری از تلاش‌های بازسازی حزب‌الله است.

برخلاف گذشته، راهبرد کنونی اجازه بازتوانی و احیای قدرت به حزب‌الله نمی‌دهد، بلکه در پی حفظ دستاوردهای جنگ و ضعیف نگاه‌داشتن حزب‌الله است. اسرائیل همچنین علیه زیرساخت‌های غیرنظامی که پوششی برای فعالیت نظامی حزب‌الله هستند اقدام می‌کند.

● مؤسسه تحقیقاتی «آلما» در یک مقاله که سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) منتشر شد می‌نویسد راهبرد دفاعی جدید اسرائیل یعنی عملیات «پیش‌دستانه» باعث شد با تهدیدات در همان مراحل اولیه تا پیش از تقویت دشمن و تشدید وضعیت امنیتی مقابله شود.

● جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران نیز اقدامی دفاعی و پیشگیرانه بود که هدفش جلوگیری از تبدیل شدن ایران به یک کشور هسته‌ای با تهدیدی وجودی علیه اسرائیل بود. پرسش آشکار این است که آیا بهتر بود منتظر ماندن تا تهدید هسته‌ای محقق شود و سپس واکنش نشان دهند؟ اسرائیل رفتار تهاجمی ندارد، برعکس راهبرد فعلی آن از تشدید خطرناک جلوگیری می‌کند. رسیدگی به تهدیدها در مراحل اولیه امنیت منطقه‌ای را تقویت می‌کند، دست بازیگران میانه‌رو را بالا می‌برد، و مسیر را برای توافقی‌ها و عادی‌سازی در منطقه هموار می‌سازد.

مؤسسه تحقیقاتی «آلما» در یک مقاله که سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) منتشر شد می‌نویسد راهبرد دفاعی جدید اسرائیل یعنی عملیات «پیش‌دستانه» باعث شد با تهدیدات در همان مراحل اولیه تا پیش از تقویت دشمن و تشدید وضعیت امنیتی مقابله شود.

در این نوشتار آمده، تا پیش از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» و به‌مدت بیش از دو دهه، اسرائیل در مقابل تهدیدها «سیاست مهار» را دنبال می‌کرد. هدف برقراری «آرامش به هر قیمت» بود؛ اسرائیل به حملات پاسخ می‌داد اما برای خنثی‌سازی تهدیدها به‌صورت پیش‌دستانه عمل نمی‌کرد.

اما پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» تغییر مهمی راهبرد اسرائیل رخ داد و از سیاست مهار به سیاستی فعال و «پیش‌دستانه» روی آورد؛ سیاستی مبتنی بر خنثی کردن تهدیدها در مراحل اولیه برای جلوگیری از تقویت دشمن و تشدید وضعیت امنیتی.

این سیاست اغلب از سوی دولت‌های منطقه، بازیگران بین‌المللی و رسانه‌های خارجی مورد انتقاد قرار می‌گیرد و از سوی آنان به‌عنوان رفتار تهاجمی و کنترل‌نشده اسرائیل

روزنامه «تایمز اسرائیل»: حکومت در حال فروپاشی است اما رهبران آن جشن پیروزی می‌گیرند



بی‌سابقه است: همان تندروهایی که پیش‌تر خواستار حرکت در مدار ایدئولوژی‌های انقلاب بودند، اکنون بزرگ‌ترین تهدید داخلی نظام معرفی می‌شوند. سقوط اقتصادی همچنان ادامه دارد و ناامیدی عمومی شدید است. چگونه ممکن است دولت کمبود ارز اعلام کند، اما واردات کالاهای لوکس را آسان‌تر کند؟ حتی افزایش حقوق ۲۸ درصدی وعده داده شده در تورم دو برابر، بی‌معنی است. طبقه متوسط دیگر از ناراحتی نمی‌ترسد؛ از فروپاشی می‌ترسد.

سیم‌کارت‌های سفید

«سیم‌کارت سفید» نیز این وضعیت را روشن‌تر می‌کند. اینترنت پرسرعت و بدون سانسور که مخصوص مقام‌ها و خبرنگاران وفادار به حکومت است، در حالیکه مردم همچنان با اتصال محدود، سانسور شده و گران قیمت مواجه‌اند، آشکار شد. برای بسیاری، این تنها یک مشکل فنی نیست، بلکه نشانه‌ای از دسته‌بندی‌های طبقاتی است. جایی که خودی‌ها در جهانی متفاوت زندگی می‌کنند. در دوره‌ای که دسترسی آنلاین آخرین مسیر اقتصادی قابل دسترس است، این نابرابری با تأیید دولت احساس می‌شود. این واقعیت‌ها در پس رژه پیروزی است: رجزخوانی درباره موفقیت در خارج و مبارزه‌ای دشوار برای بقا در داخل. رژیم که به تحقیر ابرقدرت‌ها می‌بالد، نمی‌تواند اینترنت بدون فیلتر به مردم ارائه دهد؛ حکومتی که ادعای موفقیت نظامی تاریخی دارد، نمی‌تواند قیمت مایحتاج روزمره را ثابت نگه‌دارد؛ و رهبری که وحدت حرف می‌زند، نمی‌تواند پنهان کند که جناح‌های درون حکومت در حال تکه‌تکه کردن یکدیگرند.

در پایان این مقاله آمده رهبران جمهوری اسلامی فکر می‌کنند قدرتمندی در خارج ضعف داخلی را جبران می‌کند. اما ضعف خود را نشان می‌دهد، مهم نیست چند موشک روی تلویزیون دیده شود. این «پیروزی» شاید در تالارهای قدرت صدا کند، اما در محله‌ها، آشپزخانه‌ها، اتوبوس‌ها و بازارهای ایران، همان چیزی است که هست: یک نمایش. و هیچ رژیم، هرچقدر در نمایشگری مهارت داشته باشد، نمی‌تواند برای همیشه بر نمایش‌ها تکیه کند.

شده دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نویسنده در ادامه اشاره می‌کند پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی نیز نیز با این الگو مطابقت دارد. مقام‌های ایرانی اصرار دارند که برنامه هسته‌ای غیرقابل نفوذ است و دانش هسته‌ای «در ذهن دانشمندان» جای گرفته و با تحریم یا خرابکاری متوقف نمی‌شود. مکانیزم ماشه که اروپا فعال کرده، به‌عنوان یک حرکت سیاسی نادیده گرفته می‌شود. حتی مجلس درباره خروج از NPT بحث عمومی می‌کند، گویی خروج از یک معاهده بنیادین مانند تغییر یک دستورالعمل اداری کم‌اهمیت است. این تظاهر به پیروزی همزمان نمایشی و استراتژیک است: کشوری که هر زمان تحت فشار قرار گیرد تهدید به خروج از NPT می‌کند، اعتمادبه‌نفس نشان نمی‌دهد، بلکه ضعف خود را آشکار می‌سازد.

روایت جنگ ۱۲ روزه

در بخش دیگری این مقاله آمده روایت جنگ ۱۲ روزه، که به‌عنوان نشانه‌ای از برتری تازه ایران بازاریابی می‌شود، هدف مشابهی دارد. مقام‌ها ادعا می‌کنند که به دفاع هوایی غرب نفوذ کرده و «خسارت سنگین» به واشنگتن و تل‌آویو وارد کرده‌اند. بازدیدهای ناگهانی دیپلمات‌های ترکیه و عربستان نیز به‌عنوان نشانه‌ای از تقویت نفوذ ژئوپلیتیک ایران برجسته می‌شود. اما در پس این خودستایی، واقعیتی سخت‌تر نهفته است: متحدان منطقه‌ای ایران ضربات سنگینی متحمل شدند و آسیب‌پذیری داخلی کشور نه پنهان، بلکه آشکار شد. بنابراین روایت پیروزی، بیشتر نمایشی و بی‌اثر است تا تحلیلی.

چیزی جز اتحاد وجود ندارد

سیاست داخلی نیز پرتنش‌تر می‌شود. علی‌خامنه‌ای اکنون خواستار «وحدت ملی» شده و حمایت کامل از مسعود پزشکیان اعلام می‌کند، اما واقعیت چیزی جز تفرقه نیست. جناح‌های سیاسی ایران در جنگی علنی، با تبادل اتهام در مطبوعات و مانور برای کسب مزیت، درگیرند. به‌طرز شگفت‌انگیزی، اکنون صداهایی در بین جریان اصلاح‌طلب، اصولگرایان را مقرر بی‌ثبات کردن نظام و تحریف رهنمودهای علی‌خامنه‌ای می‌دانند. این بازگشتی

● روزنامه «تایمز اسرائیل» روز سه‌شنبه دوم دسامبر (۱۱ آذرماه) در مقاله‌ای به قلم سوگند فاخری با اشاره به انبوهی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که ایران با آن روبه‌روست، نوشت در حالیکه کشور از دورن در حال فروپاشی است اما رهبران آن «جشن پیروزی» می‌گیرند.

● حکومت در اواخر سال ۲۰۲۵ در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی- روبه فروپاشی است، در حالیکه رهبران برای نجات به روایت پیروزی چنگ می‌زنند. تضاد میان گرافه‌گویی‌های رژیم و تجربه واقعی مردم، به ندرت تا این حد شدید بوده است. هرچه رهبران بیشتر جشن می‌گیرند، نمایش سورئال‌تر می‌شود.

● این حس پیروزی بیشتر از آنکه به موفقیت نظامی مربوط باشد، ناشی از تلاش برای بقاست. با تورم رسمی نزدیک به ۵۰ درصد و افزایش بیش از ۶۰ درصدی قیمت مواد غذایی اساسی، حکومت دریافته است که نمایش قدرت ژئوپلیتیک ارزان‌تر از مدیریت اقتصادی است.

روزنامه «تایمز اسرائیل» روز سه‌شنبه دوم دسامبر (۱۱ آذرماه) در مقاله‌ای به قلم سوگند فاخری با اشاره به انبوهی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که ایران با آن روبه‌روست، نوشت در حالیکه کشور از دورن در حال فروپاشی است اما رهبران آن «جشن پیروزی» می‌گیرند.

در مقدمه این نوشتار آمده، رهبران جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه جشن پیروزی گرفتند و خوشحالی کردند. رسانه‌های حکومتی در تهران نوشتند که موشک‌های جمهوری اسلامی «سپر دفاعی ناتو را شکافتند»، «گنبد آهنین فرو ریخت» و «عصر بازدارندگی غرب به پایان رسیده است».

علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، در سخنرانی تلویزیونی خود ادعا کرد که اسرائیل و ایالات متحده «شکست خوردند و دست خالی [کنک خوردند] و بازگشتند». روایت جشن پیروزی آنقدر اغراق شده و نمایشی است که تقریباً به نظر می‌رسد برای تئاتر طنز طراحی شده باشد. اما حتی با نیم‌نگاهی به بیرون، فاصله میان واقعیت و روایت آشکار است. کشوری که جشن پیروزی می‌گیرد، همان کشوری است که با فروپاشی داخلی روبه‌روست.

حکومت در اواخر سال ۲۰۲۵ در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی- رو به فروپاشی است، در حالیکه رهبران برای نجات به روایت پیروزی چنگ می‌زنند. تضاد میان گرافه‌گویی‌های رژیم و تجربه واقعی مردم، به ندرت تا این حد شدید بوده است. هرچه رهبران بیشتر جشن می‌گیرند، نمایش سورئال‌تر می‌شود.

سخنرانی‌ها به جای ثبات

در واقع، این حس پیروزی بیشتر از آنکه به موفقیت نظامی مربوط باشد، ناشی از تلاش برای بقاست. با تورم رسمی نزدیک به ۵۰ درصد و افزایش بیش از ۶۰ درصدی قیمت مواد غذایی اساسی، حکومت دریافته است که نمایش قدرت ژئوپلیتیک ارزان‌تر از مدیریت اقتصادی است. به جای ارائه قیمت‌های پایدار، تصاویر موشک ارائه می‌دهد؛ به جای کمک مالی، سخنرانی درباره «درهم شکست قدرت غرب» می‌دهد؛ و به جای پاسخگویی، ادعاهای پیروزی خود را بزرگ‌تر می‌کند. مردم عادی با حقوق‌های کم، افزایش قیمت بنزین و حس داغی اینکه معیشت سخت‌تر

خبرگزاری فرانسه: جمهوری اسلامی ایران یکی از سخت‌ترین مقاطع تاریخ خود شده است

در لبنان بسیاری از نیروهایش را از دست داده بود. ایران از واکنش مستقیم اسرائیل و احتمال ورود آمریکا نگران بود و بنابراین دخالت نکرد. حتی مانع استفاده حزب‌الله از موشک‌ها شد و آن را به راکت محدود کرد.

حماس نیز خسارت‌های مشابهی دید. بسیاری از رهبران کشته شدند و توان تسلیحاتی‌اش به شدت کاهش یافت.

در سوریه، سقوط بشار اسد در ۸ دسامبر ۲۰۲۴ ضربه‌ای دیگر بود. جانشین او، احمد الشرع مورد حمایت آمریکا و کشورهای غربی قرار دارد.

دولت دمشق برای رژیم ایران حلقه حیاتی لجستیکی بود. با وجود سقوط اسد، ایران تماس خود را با عربستان حفظ کرد، چون این رابطه برای صادرات نفت و گاز و پشتیبانی از راهبرد جدید ملی‌گرایانه‌اش ضروری بود.

فقط حوثی‌های یمن همچنان دست‌نخورده باقی مانده‌اند و با وجود حملات سنگین، توان موشکی‌شان قابل توجه است. آن‌ها در مه ۲۰۲۵ با آمریکا به آتش‌بس رسیدند.

تلاش برای حفظ نفوذ در عراق

عراق اکنون مهم‌ترین پایگاه حکومت ایران در منطقه است. حدود ۲۰ گروه شیعه با حدود ۲۳۵ هزار نیرو همچنان با تهران هماهنگ‌اند، اگرچه آمریکا کنترل حریم هوایی عراق را در دست دارد.

انتخابات ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵ عراق از سوی تهران و واشنگتن با دقت دنبال شد. در ۱۷ نوامبر، چارچوب هماهنگی (متحدان ایران) اعلام کردند بیشترین کرسی‌ها را برده‌اند و برای معرفی نخست‌وزیر بعدی در موقعیت مطلوب‌اند لحظه‌ای کم‌نظیر برای ایران.

به نوشته خبرگزاری فرانسه «فروپاشی محور مقاومت»، جمهوری اسلامی را آسیب‌پذیرتر از همیشه کرده است و «بسیاری اکنون اسرائیل را قدرت مسلط سیاسی و نظامی می‌دیدند.»

روابط ایران با روسیه و چین همچنان مهم اما محدود است. روسیه توافق هسته‌ای با ایران امضا کرده و حمایت دیپلماتیک می‌دهد، اما فزاینده‌تر است.

چین حملات اسرائیل را محکوم کرد اما حمایت خود را عمدتاً اقتصادی حفظ کرده است. توافق ۴۰۰ میلیارد دلاری سال ۲۰۲۱ به ایران کمک کرد تحریم‌ها را دور بزند. ایران به سازمان همکاری شانگهای و بلوک بریکس پیوسته و جایگاهش را در جنوب جهانی تقویت کرده است.

اما نشریه «دیپلمات» می‌نویسد چین در کمک نظامی محتاط خواهد بود؛ به اندازه‌ای که از آسیب‌پذیری ایران بهره‌برد، اما نه آنقدر که رقابتش را تحریک کند.

فشارهای فزاینده

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی را نتوانسته ردیابی کند. مذاکرات با اروپایی‌ها متوقف مانده و تحریم‌ها بازگشته‌اند.

بر اساس نظرسنجی مؤسسه «دموکراسی اسرائیل» ۷۰ درصد اسرائیلی‌ها از حمله به جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند؛ این میزان در میان یهودیان اسرائیل ۸۲ درصد بود. در میان شهروندان عرب اسرائیل، ۶۵ درصد مخالف این حمله بودند.



بازدید علی خامنه‌ای نماینده‌ی «پیشگامان پیشرفت» / بهمن ۱۴۰۳

عرب را به اسرائیل نزدیک کند، از جمله عربستان که رقیب اصلی ایران است.

به گفته اورکاد، اسرائیل، رژیم ایران را «دشمن بالقوه واقعی خود» می‌داند؛ کشوری با ۹۰ میلیون جمعیت، تجربه نظامی و برنامه هسته‌ای.

تحلیلگران دیگر نیز معتقدند همسایگان ایران محتاط عمل کردند. صنم وکیل مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در «چتم هاوس»، پیش‌تر به «نیویورک تایمز» گفته بود کشورهای منطقه نمی‌خواهند جنگی دیگر را تجربه کنند و همچنان توان ایران برای ایجاد بی‌ثباتی - حتی در وضعیت ضعیف کنونی‌اش - را جدی می‌گیرند، از جمله از طریق نیروهای نیابتی‌اش در لبنان، عراق، یمن و خلیج فارس.

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد ترور قاسم سلیمانی در بغداد در سال ۲۰۲۰ ضربه‌ای دیگر بود. سلیمانی شبکه گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی را شکل داده و سال‌ها برای بهبود روابط با ریاض تلاش کرده بود.

اما تغییر جدی در آوریل ۲۰۲۳ رخ داد؛ زمانی که ایران و عربستان با میانجیگری چین روابط خود را احیا کردند. اورکاد می‌گوید این توافق «فادین» بود و نشانه بازگشت ایران به ملی‌گرایی و دفاع از مرزهایش تا زمانی که «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ فرا رسید.

فروپاشی شبکه نفوذ

در گزارش خبرگزاری فرانسه آمده، حملات حماس به اسرائیل تأثیر مهمی بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران گذاشت. تهران با وجود اعلام بی‌طرفی رسمی در جنگ غزه، بهای سنگینی پرداخت. در دو سال بعد، حملات اسرائیل نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کرد.

تا اواخر ۲۰۲۴، حزب‌الله اصلی‌ترین متحد [حکومت] ایران

ژان-نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه در دیدار با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که در پاریس انجام شد، از ایران خواست تا همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «فوری» از سر بگیرد اما همچنان مقامات تهران علی‌رغم فشارهای بین‌المللی اجازه بازدید از تأسیسات اتمی [فردو، اصفهان و نطنز] را که در جنگ ۱۲ روزه بمباران شده بودند به بازرسان آژانس نمی‌دهند.

بر اساس نظرسنجی مؤسسه «دموکراسی اسرائیل» ۷۰ درصد اسرائیلی‌ها از حمله به جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند؛ این میزان در میان یهودیان اسرائیل ۸۲ درصد بود. در میان شهروندان عرب اسرائیل، ۶۵ درصد مخالف این حمله بودند.

ژان-نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه در دیدار با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که در پاریس انجام شد، از ایران خواست تا همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «فوری» از سر بگیرد اما همچنان مقامات تهران علی‌رغم فشارهای بین‌المللی اجازه بازدید از تأسیسات اتمی [فردو، اصفهان و نطنز] را که در جنگ ۱۲ روزه بمباران شده بودند به بازرسان آژانس نمی‌دهند.

خبرگزاری فرانسه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ در گزارشی نوشت جمهوری اسلامی ایران وارد یکی از سخت‌ترین مقاطع تاریخ خود شده است. ائتلاف‌هایی که طی سال‌ها در منطقه ساخته بود در حال فروپاشی‌اند، تحریم‌های غرب بازگشته‌اند و رقابتش در حال پیشروی‌اند. در همین گزارش تأکید شده است در حالی که حکومت ایران تلاش می‌کند شرکای خود را حفظ کند اما، درمی‌یابد که قدرتش تا چه حد کاهش یافته است.

در مقدمه این گزارش آمده، اگرچه جمهوری اسلامی ایران دهه‌ها با انزوای بین‌المللی زندگی کرده - از اشغال سفارت آمریکا تا جنگ طولانی با عراق در دهه ۱۹۸۰- اما ناظران می‌گویند فشارهای کنونی ماهیتی کاملاً متفاوت دارند. اتحادهای قدیمی حکومت [محور مقاومت] در حال ازهم‌گسیختن‌اند و جمهوری اسلامی در منطقه‌ای با سرعت در حال تغییر، برای حفظ جای پای خود تقلا می‌کند.

نقطه بحرانی پس از خروج دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ رقم خورد. پیش از آن، تهران سال‌ها تلاش کرده بود از طریق دولت حسن روحانی و وزیر خارجه‌اش جواد ظریف به سمت گشایش به جهان حرکت کند، راهبردی که بر حمایت اروپا تکیه داشت. اما با خروج آمریکا و بازگشت تحریم‌ها، آن مسیر فرو ریخت.

برنارد اورکاد، کارشناس ایران در مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) می‌گوید: «آن‌ها بازی را باخته بودند. نمی‌توانستند مسیر را برگردانند، چون اروپایی‌ها در برابر تصمیم آمریکا نایستادند.»

او می‌افزاید جناح‌های تندرو در تهران از این لحظه استفاده کردند تا کشور را دوباره به سمت تقابل سوق دهند «در حالی که می‌دانستند بن‌بست است.»

تغییر توازن قدرت

راهبرد ترامپ جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در منطقه دگرگون کرد. آمریکا «پیمان ابراهیم» را پیش برد تا کشورهای

ونزوئلا در محاصره آمریکا؛ چرا چین و روسیه مادورو را مثل خامنه‌ای تنها گذاشتند؟



دیدار خامنه‌ای و مادورو / آذر ۱۳۹۴

سرنگونی مادورو را دارد چین و روسیه او را تنها گذاشتند، درست مثل تنها ماندن علی خامنه‌ای در جنگ ۱۲ روزه. در همین ارتباط روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی می‌نویسد: درحالی‌که هدف آمریکا سرنگونی مادورو است، اما روسیه، چین، کوبا، جمهوری اسلامی ایران و دیگر قدرت‌های ضدآمریکایی اکنون، چیزی بیش از چند جمله حمایتی ارائه نمی‌کنند. در این گزارش آمده، مانند جمهوری اسلامی که هنگام حمله‌های نظامی اسرائیل و آمریکا عملاً تنها ماند، ونزوئلا نیز می‌بیند که متحدانش در زمان بحران در حاشیه قرار گرفته‌اند.

در بخشی از این گزارش آمده نزدیک‌ترین شرکای ونزوئلا مانند کوبا، ایران و نیکاراگوئه از نظر اقتصادی فرسوده‌اند و ظرفیت مداخله در ونزوئلا را ندارند. روسیه و چین نیز با چالش‌هایی روبه‌رو هستند که علاقه آنها به نگرانی‌های امنیتی ونزوئلا را کاهش می‌دهد. برای روسیه، هزینه جنگ فرسایشی اوکراین، و برای چین، اقتصاد ضعیفی که سخاوتمندی آن را محدود می‌کند. تحریم‌های مالی تحت رهبری آمریکا علیه کاراکاس نیز تعامل با این کشور را دشوارتر کرده است.

هر دو کشور همچنین در تلاش‌اند با ترامپ توافق‌های بزرگ تجاری و دیپلماتیک مذاکره کنند و بنابراین انگیزه کمی دارند تا سرمایه‌سیاسی خود را بر سر ونزوئلا هزینه کنند. روسیه و چین در جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل نیز حمایتی دیپلماتیک ارائه کردند، اما حتی وقتی آمریکا تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را بمباران کرد، هیچ‌کدام مداخله نظامی نکردند.

هنجارها و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل» دانست و آن را محکوم کرد.

بقایای در ادامه گفت: «اقدامات تحریک‌آمیز و غیرقانونی آمریکا علیه حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی ونزوئلا خودسرانه و تهدیدی بی‌سابقه علیه ایمنی و امنیت هوانوردی بین‌المللی است.»

براساس آخرین بررسی‌ها تا ظهر یکشنبه ۹ آذرماه بوقت ایران هیچ هواپیمایی بر فراز ونزوئلا پرواز نمی‌کند.

این اقدام ترامپ در ادامه عملیات مقابله با قاچاق مواد مخدر از ونزوئلا به آمریکاست. براساس گزارش نهادهای امنیتی آمریکا، باندهای سازمان‌یافته قاچاق مخدر تحت رهبری رژیم ونزوئلا فعال‌اند.

استقرار نیروی دریایی آمریکا در دریای کارائیب و شرق اقیانوس آرام حلقه محاصره علیه رژیم مادورو را تنگ‌تر کرد. طی دو هفته گذشته حداقل ۲۱ کشتی هدف قرار گرفت. همچنین آمریکا ۵۰ میلیون دلار جایزه برای دستگیری نیکلاس مادورو رئیس‌جمهوری ونزوئلا تعیین کرده است؛ کسی که در دادگاه‌های فدرال آمریکا به اتهام «نارکو-تروریسم» و «توطئه برای واردات کوکائین» تحت تعقیب قرار دارد.

مادورو اتهامات ترامپ مبنی بر دخالت در تجارت مواد مخدر را رد کرده و گفته رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد او را برکنار کند تا دولتی همسوتر را جایگزین نماید.

مادورو تنها ماند

با وجود اینکه آمریکا ونزوئلا را محاصره کرده و قصد

● با شدت گرفتن تنش‌ها میان آمریکا و ونزوئلا، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده، اعلام کرد حریم هوایی ونزوئلا «به‌طور کامل» بسته شده است.

● روزنامه «والاستریت ژورنال» با اشاره به محاصره ونزوئلا می‌نویسد روسیه، چین، کوبا، ایران و دیگر قدرت‌های ضدآمریکایی اکنون، در حالی‌که هدف آمریکا سرنگونی نیکولاس مادورو است چیزی بیش از چند جمله حمایتی ارائه نمی‌کنند.

● ترامپ شنبه ۲۹ نوامبر (هشتم آذر) در «تروث‌سوشال»، نوشت: «خطاب به تمامی خطوط هوایی، خلبانان، قاچاقچیان مواد مخدر و قاچاقچیان انسان: حریم هوایی بر فراز و پیرامون ونزوئلا را کاملاً بسته تلقی کنید.» ● در واکنش به این تهدید اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اقدام ترامپ را «نقض فاحش هنجارها و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل» دانست و آن را محکوم کرد.

● «نزدیک‌ترین شرکای ونزوئلا مانند کوبا، ایران و نیکاراگوئه از نظر اقتصادی فرسوده‌اند و ظرفیت مداخله در ونزوئلا را ندارند. روسیه و چین نیز با چالش‌هایی روبه‌رو هستند که علاقه آنها به نگرانی‌های امنیتی ونزوئلا را کاهش می‌دهد. برای روسیه، هزینه جنگ فرسایشی اوکراین، و برای چین، اقتصاد ضعیفی که سخاوتمندی آن را محدود می‌کند.»

● روسیه و چین در جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل حمایت دیپلماتیک ارائه کردند، اما حتی وقتی آمریکا تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را بمباران کرد، هیچ‌کدام مداخله نظامی نکردند.

با شدت گرفتن تنش‌ها میان آمریکا و ونزوئلا، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده، اعلام کرد حریم هوایی ونزوئلا «به‌طور کامل» بسته شده است. روزنامه «والاستریت ژورنال» با اشاره به محاصره ونزوئلا می‌نویسد روسیه، چین، کوبا، ایران و دیگر قدرت‌های ضدآمریکایی اکنون، در حالی‌که هدف آمریکا سرنگونی نیکولاس مادورو است چیزی بیش از چند جمله حمایتی ارائه نمی‌کنند.

ترامپ شنبه ۲۹ نوامبر (هشتم آذر) در «تروث‌سوشال»، نوشت: «خطاب به تمامی خطوط هوایی، خلبانان، قاچاقچیان مواد مخدر و قاچاقچیان انسان: حریم هوایی بر فراز و پیرامون ونزوئلا را کاملاً بسته تلقی کنید.»

در مقابل، حکومت ونزوئلا اظهارات ترامپ را «خصمانه، یک‌جانبه و خودسرانه» خواند و اعلام کرد بیانیه ترامپ نشان‌دهنده «جاه‌طلبی‌های استعماری» او نسبت به آمریکای لاتین است.

اندکی پس از اعلام ممنوعیت هوایی بر فراز آسمان ونزوئلا، براساس داده‌های پروازی سایت فلیت‌رادار چندین فروند هواپیما که از آسمان ونزوئلا خارج شدند.

در واکنش به این تهدید اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اقدام ترامپ را «نقض فاحش

ولیعهد رضا پهلوی و رهایی ملت او



شاهزاده رضا پهلوی / پاریس / فرانسه / ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ / رویترز

می‌شود، اما به تنهایی موجب فروپاشی نظام نخواهد شد. می‌توان گفت که این رژیم تئوکراتیک ناگزیر در زیر فشارهایی چندجانبه سقوط خواهد کرد، و به ویژه تحت فشار نسل‌های جوان ایران که اکثریت قاطع جمعیت را تشکیل می‌دهند.

بر پایه داده‌های CIA، World Factbook، Index Mun- و di، جمعیت ایران در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۴ حدود ۹۰ میلیون نفر برآورد می‌شود.

تقسیم‌بندی سنی:

- ۱۴-۰ سال: حدود ۲۰/۷ میلیون

- ۱۹-۱۵ سال: حدود ۵/۵ میلیون

- ۲۴-۲۰ سال: حدود ۵/۵ میلیون

با جمع این گروه‌ها، جمعیت زیر ۲۵ سال حدود ۳۱ تا ۳۲ میلیون نفر است.

اگر گروه ۲۹-۲۵ سال نیز که حدود ۶/۷ میلیون نفر محاسبه شود، این رقم از ۳۸ میلیون عبور می‌کند.

به عبارتی ایران کشوری است با اکثریت جوان، تحصیل‌کرده و آگاه از اینکه می‌توانند آینده‌ای بهتر داشته باشند.

از داخل کشور، اخبار از لایه‌لای ترک‌های روزافزون رژیم به ما می‌رسد. نارضایتی داخلی رو به افزایش است، سرخوردگی پس از چهل و شش سال حکومت روحانیون گسترده‌تر می‌شود، و اصلاحات نیز ناممکن است زیرا سپاه پاسداران به عنوان نگهبان و ناظر رهبری عمل می‌کند.

به دلیل سرکوب خشن داخل ایران، پرحرارت‌ترین مباحث درباره آینده سیاسی در میان دیاسپورا و جامعه نزدیک به ده میلیون ایرانی خارج از کشور جریان دارد.

همه شخصیت‌های اپوزیسیون زیرزمینی و فعالان جامعه مدنی یکسان نیستند.

ایرانیان، سازمان مجاهدین خلق (یا همان شورای

صحنه ایران قرار داد و برتری ملی‌گرایی و سکولاریسم را ریشه‌کن کرد و به شکل‌گیری نوعی حکومت انجامید که بنا بر ویژگی‌هایش در جهان اسلام بی‌سابقه است.

اصل ملی‌گرایی سکولار، که در دوره شاه شکوفا بود، به دست همان رژیم جمهوری اسلامی با همه ابزارها سرکوب شد تا جای خود را به بنیادگرایی اسلامی بدهد. از نظر آنان ایران هیچ است و اسلام شیعه همه چیز.

امروز، پس از نزدیک پنج دهه از آن رویدادهایی که توازن شکننده خاورمیانه را ویران کرد؛ جمهوری اسلامی، زاده خمینی و ادامه یافته به دست جانشینش خامنه‌ای، در ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین وضعیت خود قرار دارد. ایران امروز کشوری است خم‌شده زیر بحران اقتصادی (تورمی که در سپتامبر ۲۰۲۵ بیش از ۴۵ درصد ثبت شد و از بالاترین‌ها در جهان است)، بحران سیاسی و بحران نظامی.

اقتصاد داخلی در شرایط وخیمی است، حساب‌های عمومی دولت به دلیل سال‌ها هزینه‌های سنگین نظامی برای جنگ‌های نیابتی در لبنان، یمن و عراق از هم فروپاشیده است؛ مردابی تراژیک برای رژیم، که باید به آن از دست دادن هژمونی در سوریه را نیز افزود.

در ژوئن گذشته بمباران جنگنده‌های اسرائیل و آمریکا عملاً پدافند هوایی زمینی رژیم در ایران را نابود کرد و کنترل فضای هوایی کشور را به دشمنان قسم‌خورده رژیم در تهران سپرد.

اخیراً سازمان ملل بار دیگر تحریم‌ها علیه رژیم آیت‌الله‌ها را بازگرداند، زیرا گفتگوهای دقیقه نودی میان ایران و قدرت‌های اروپایی - بریتانیا، فرانسه و آلمان - برای حل بن‌بست چنددهه‌ای در برنامه تکثیر هسته‌ای ناکام ماند.

اگرچه این بمباران‌ها شاخصی آشکار از شکنندگی ایران خامنه‌ای است، ایرانی که روز به روز شبیه یک ببر کاغذی‌تر

● در میانه سال ۱۹۷۸، برجسته‌ترین دیپلماسی‌های جهان غرب و سرویس‌های اطلاعاتی آنان ادعا می‌کردند که ایران در وضعیت «پیشاانقلابی» قرار ندارد و از درک طوفانی که تنها چند ماه بعد منجر به سرنگونی حکومت سکولار شاهنشاه محمدرضا پهلوی و برپایی رژیم تئوکراتیک بنیادگرای روح‌الله خمینی شد، بازماندند.

● پس از چهل و شش سال، می‌دانیم که آنچه بیش از ضربه معترضین خیابانی به سقوط شاه انجامید، چرخش پشت‌پرده رهبران اصلی جامعه بین‌المللی بود؛ همانانی که تا لحظه‌ای پیش متحد او بودند و در ژانویه ۷۹ در اجلاس گوادلوپ این تغییر رویکرد را رقم زدند.

● قانون اساسی پیشین یک سال پس از درگذشت شاهنشاه در قاهره، شاهزاده رضا پهلوی را شاه بالفعل اعلام کرد. از آن زمان او سرسختانه در صحنه بین‌المللی حضور داشته و به عنوان مهم‌ترین مخالف رژیم تئوکراتیک- بنیادگرای ایران عمل کرده است.

ماریوفیلیپو برامبیلای کارپیانو* - دهه‌هاست که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در رمزگشایی از ماهیت جمهوری اسلامی ایران، دوام درونی آن و راهبردش در سیاست خارجی، که بر پنهان‌کاری استوار است، دچار مشکل بوده‌اند؛ حیل‌های که برای مردمان خاورمیانه کاملاً شناخته‌شده است و در سنت اسلام ارتدوکس پیش‌بینی شده است.

با این حال، هنوز در میانه سال ۱۹۷۸، برجسته‌ترین دیپلماسی‌های جهان غرب و سرویس‌های اطلاعاتی آنان ادعا می‌کردند که ایران در وضعیت «پیشاانقلابی» قرار ندارد و از درک طوفانی که تنها چند ماه بعد منجر به سرنگونی حکومت سکولار شاهنشاه محمدرضا پهلوی و برپایی رژیم تئوکراتیک بنیادگرای روح‌الله خمینی شد، بازماندند.

امروز، پس از چهل و شش سال، می‌دانیم که آنچه بیش از ضربه معترضین خیابانی به سقوط شاه انجامید، چرخش پشت‌پرده رهبران اصلی جامعه بین‌المللی بود؛ همانانی که تا لحظه‌ای پیش متحد او بودند و در ژانویه ۷۹ در اجلاس گوادلوپ این تغییر رویکرد را رقم زدند.

این تغییر ناخردانه پارادایم، شکافی را گشود که دولت شاهنشاهی ایران در آن سقوط کرد، نیروهای مسلح مسئول دفاع از نظم موجود را از صحنه خارج ساخت و دولت نخست‌وزیر لیبرال-دموکرات شاپور بختیار را به ناتوانی کامل کشاند.

در پویایی عینی خود، پس از ماه‌ها اعتصاب، تظاهرات و درگیری، انقلاب ایران ناگهان کشور را متوقف کرد، دستگاه دولتی را بلعید، بخش‌های حیاتی اقتصاد و صادرات را مسدود کرد و با شور ناشی از تعصب مذهبی و افراط‌گرایی سیاسی، فرماندهان ارتش را قتل‌عام کرد. دگرگونی بنیادینی که ایران در گذار از تاج به عمامه تجربه کرد، از حساس‌ترین فصل‌های تاریخ جهان معاصر باقی مانده است.

رژیم تئوکراتیک که رایجاً «حکومت آیت‌الله‌ها» نامیده می‌شود، همان ولایت فقیه است؛ که در معنای وسیع یعنی: قدرت فقیه. در غیاب امام دوازدهم، پیشوای مذهب شیعه، و در انتظار بازگشت او، فقیه اسلامی اختیار دارد حکومت کشور را نگاه دارد و قانون اساسی را بر اساس احکام شریعت تفسیر کند.

سدها سکوت شیعه‌گرایان در چشم بر هم زدن نابود شد؛ اندیشه آیت‌الله خمینی اسلام سیاسی را در مرکز

بارش

وضعیت نازنجی!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۵) مهر ۱۳۸۶



گرمایش زمین تقصیر گاو و گوسفندی است که گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کنند و انسانهایی که از ذکر خدا غافلند!

به‌طور متوسط برای هر انسان نباید از ۹۰ گرم در روز تجاوز کند. در این صورت است که پرورش دام نیز تقلیل پیدا می‌کند و نسل گاو و گوسفند در راه بقای نسل انسان فدا می‌شود.

خوب، آلودگی هوا که رو به فزونی است. ذخایر نفت و گاز هم رو به کاهش است و حالا، به دنبال جیره‌بندی بنزین باید منتظر جیره‌بندی گوشت و دست آخر جیره‌بندی اکسیژن باشیم. از طرفی جنگ و جدال و تهدید و تخویف در عرصه روابط بین‌المللی اعصاب سالم برایمان نگذاشته است. پس باید مراجعه کنیم به دکتر تون‌وینک مشاور خودکشی*.

اما نه؛ دکتر احمدی‌نژاد نسخه شفابخشی برای تمام دردها و مشکلات بشری دارد. او می‌گوید: «دنیا بداند که مشکلات بشریت امروز ناشی از دوری از خداوند و ذکر خداوند است. همه ناامنی‌ها، دلهره‌ها، کینه‌ورزی‌ها، تبعیض‌ها، فاصله‌ها و کدورت‌ها به‌خاطر دوری از ذکر خداوند است. اگر اقامه نماز واقعی صورت بگیرد بدون تردید مشکلات حل می‌شود». (از سخنان دکتر محمود احمدی‌نژاد در افتتاحیه شانزدهمین اجلاس سراسری نماز)

* تون وینک اهل هلند، دکتر در فلسفه و مشاور خودکشی است. در هلند، «اتانازی» یا مرگ با کمک پزشک (شاید واژه مرگ‌درمانی ترجمه ساده‌تر و بهتری برای euthanasie باشد) از سال ۲۰۰۲ قانونی شناخته شد و پزشک مجاز است به زندگی بیمارانی که امیدی به نجاتشان نیست و از بیماری غیر قابل علاج رنج می‌برند خانه دهد اما کمک به خودکشی مجاز نیست. اکنون طرفداران خودکشی تمیز نیز انجمنی تشکیل داده‌اند به نام «بنیاد افق» و برای مجاز شناخته شدن «اتو - اتانازی» فعالیت می‌کنند. دکتر تون‌وینک، که عمری است در موضوع خودکشی مطالعه می‌کند و چندین کتاب، از جمله کتابی به نام «فلسفه و عمل» در زمینه خودکشی نوشته است با این بنیاد همکاری دارد. تون‌وینک برای هر نوبت مشاوره ۵۰ یورو حق «ویزیت» می‌گیرد و هرگز به دیدن «بیماران» نمی‌رود، ضمناً به مراجعاتش اجازه نمی‌دهد در وصیتنامه خود پاداشی برای کمکهای او منظور دارند.

برایتان گفته بودم که کارشناسان محیط زیست علائم آخرالزمان را در افق مشاهده می‌کنند: «ارگانیزاسیون هوشناسی سازمان ملل متحد در گزارشی که مشابه آن را گروه کارشناسان تحولات جوئی (Giec) انتشار داده است یک رخداد وخیم اقلیمی را در سالهای ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌کند. گزارش با این نتیجه‌گیری پایان می‌یابد که نمی‌خواهیم پیام‌آور یک فاجعه باشیم ولی به‌موجب آنچه ما مشاهده می‌کنیم خطر بزرگی در پیش است. دگرگونی‌های کنونی در طبیعت، پیش درآمد این خطر در نیمه قرن حاضر به‌شمار می‌آید. خطری که پنج قاره را تهدید می‌کند و بر تمام ساخت و سازهای زندگی تأثیر خواهد گذاشت. هیچکس، در هیچ نقطه عالم از آثار زیانبار چنین رویدادی، مستقیم یا غیر مستقیم، مصون نخواهد بود...» (خبراندیش - کیهان ۱۱۷۰) خیرهای بدتری دارم ولو آن که به طعنه بگوئید اسمت را عوض کن و بگذار خوش‌خبرخان. این هفته کارشناسانی که در خصوص راههای پیشگیری از فاجعه مطالعه می‌کنند، کاهش مصرف گوشت را به‌وسیله آدمیزادگان برای عقب انداختن آخرالزمان ضروری شمرده‌اند. طبق تشخیص این گروه از دانشمندان، طایفه نشخوارکننده (گاو، گوسفند، بز، شتر...) از تولیدکنندگان عمده گازهای GES به‌ویژه بی‌اکسید دو کربن، یعنی آفت لایه اوزون به‌شمار می‌روند. بنابراین هرگاه جمعیت روی زمین به‌نسبت ۴۰ درصد از حالا تا سال ۲۰۵۰ افزایش پیدا کند و آدمیان همین مقدار گوشت مصرف کنند، خطرات ناشی از گرمایش اقلیمی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

چاره چیست؟ تقلیل مصرف گوشت تا نیاز کمتری به پرورش دام وجود داشته باشد.

به عبارت دیگر، طبق قدیم‌ترین سنت بشری در برابر قهر طبیعت (یا به تعبیری قهر خداوند)، باید حیوانات زبان‌بسته را فدای سلامت انسانها کرد. این یکی، دیگر آن که انسانها هم باید کمربندها را سفت کنند و خودشان را به روزه‌داری عادت دهند.

در دوران روزه‌داری، طبق نظر کارشناسان، مصرف گوشت

ملی مقاومت را منفور می‌دانند -فرقه‌ای اسلامی، مارکسیستی و تروریستی- که با پرداخت پول به مقامات فاسد غربی به دنبال کسب حمایت است اما هیچ پایگاه مردمی در ایران ندارد؛

همچنین حزب کمونیست توده نیز بی‌اثر است، همانند دیگر گروه‌های قوم‌محور.

در این چارچوب پیچیده، ولیعهد رضا پهلوی استثنایی و فرصتی ویژه به شمار می‌آید.

در ژانویه ۱۹۷۹، پس از پیروزی انقلاب خمینیستی و محکوم شدن به تبعید، شاهزاده رضا به خانواده‌اش پیوست: مراکش، باهاما، آمریکا، مکزیک، پاناما و مصر اینها مراحل یک سفر پررنج و عذاب‌آور با امید برای یافتن پناهگاهی امن بودند.

قانون اساسی پیشین، یک سال پس از درگذشت شاهنشاه در قاهره، شاهزاده رضا پهلوی را شاه بالفعل اعلام کرد. از آن زمان او سرستخانه در صحنه بین‌المللی حضور داشته و به عنوان مهم‌ترین مخالف رژیم تئوکراتیک-بنیادگرای ایران عمل کرده است، بیشتر به عنوان سازنده ائتلاف‌ها تا مدعی تاج و تخت، و خود را آماده هدایت مردمش به سوی دموکراسی مشروطه کرده است.

اعتبار او هر چه بیشتر از رهگذر شکست‌های جمهوری اسلامی تقویت می‌شود؛ شکست‌هایی که ایرانیان را وامی‌دارد دوران سلطنت سرنگون‌شده را «عصر طلایی ایران» بدانند.

برخی ناظران می‌گویند رضا پهلوی را بر اساس انتقاد از پدرش بی‌اعتبار کنند؛ اما این قابل بحث است، گذشته از اینکه او همان شخص نیست، وارث شاه آگاهانه از گذشته درس گرفته است.

از ۱۹۸۶ متاهل، دارای سه دختر، و امروز رهبری پخته و محبوب جوانان است؛ با فرهنگی سیاسی گسترده و بینشی روشن درباره گذار به ایرانی دموکراتیک، سکولار و غیرتهدیدکننده برای ثبات جهانی.

رضا پهلوی همچنان تضمین‌کننده گذاری امن به دموکراسی است؛ گذاری که می‌تواند کشور را ایمن سازد و از خلاء قدرت، که در خاورمیانه بسیار خطرناک است، جلوگیری کند.

احتمال زیاد وجود دارد که نیروهای نظامی و امنیتی منظم در ایران نقشی تعیین‌کننده در سقوط رژیم داشته باشند؛ آنان باید در لحظه خیزش بزرگ مردم تصمیمی تاریخی بگیرند.

در حال حاضر، نشانه‌های جدایی در میان مقامات رو به افزایش است و بسیاری از آنها مخفیانه با دفتر ولیعهد در تبعید در تماس هستند.

پیشنهاد برنامه‌ی سیاسی او همه طیف‌های سیاسی ایران -راست و چپ، سلطنت‌طلب و جمهوری‌خواه- و نیز همه گروه‌های قومی، زبانی و دینی را دربرمی‌گیرد.

مرحله بعدی برنامه‌ها، چنان‌که خود او توضیح داده، آغاز مرحله تدوین قانون اساسی با مشارکت همه نیروهای سیاسی است تا نهایتاً به همه‌پرسی آزاد برسد؛ همه‌پرسی‌ای که در آن ایرانیان بتوانند بدون هیچ پیش‌شرطی شکل جدید حکومت و نهادهای سیاسی خود را انتخاب کنند.

بدیهی است که تمامی نیروهای فعال کشور باید در این فرایند مشارکت کنند؛ نیروهایی که تغییر را پذیرفته‌اند و از دل آنان -در صورت تحقق این روند- طبقه سیاسی آینده ایران پدید خواهد آمد.

* ماریوفیلیپو برامبیلای دی کارپیانو - رئیس انجمن ایران-ایتالیا، مدیر دپارتمان تاریخ روابط بین‌الملل UNIMEIER



به دنبال تقدیم طرح قانون حمایت خانواده از طرف مهرانگیز منوچهریان از قم به شاه تلفن زدند که این زن کافر است، بیرونش کنید!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: آذر و دی ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۳۸ - ۹۳۵)



جامعه، دولت و جنبش زنان ایران (باب)

دکتر مهرانگیز دولتشاهی

بخشی از خاطرات دکتر مهرانگیز دولتشاهی را که به دوران کودکی و نوجوانی وی مربوط می‌شود برای مطالعه شما بر گزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند. این خاطرات برای نسلی که آن دوران را دیده خاطره‌انگیز است و برای جوان‌ترها شنیدنی و آموختنی، زیرا تصویری از زندگی ایرانیان را در نیمه اول قرن بیستم نشان می‌دهد. تصویری متفاوت با آنچه آنان در ایران دهه‌های آخر قرن دیده‌اند.

در سال ۱۳۲۵ آن دو به ایران بازگشتند و پس از چهار سال، بار دیگر راهی آلمان شدند و مهرانگیز از دانشگاه هایدلبرگ در رشته جامعه‌شناسی سیاسی دکترا گرفت.

خانم دولتشاهی از سال ۱۳۳۴ فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را با هدف دفاع از حقوق زن در ایران آغاز کرد. در همین سال «جمعیت راه نو» را بنیان گذارد. در سال ۱۳۳۸ در بنیانگذاری شورای عالی جمعیت‌های زنان ایران مشارکت داشت. در سال ۱۳۳۹ به نمایندگی «شورای عالی زنان ایران» به عضویت شورای بین‌المللی زنان درآمد. در سال ۱۳۴۲، در اولین دور مشارکت زنان در انتخابات، از کرمانشاه به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۴ سه دوره متوالی در مجلس بود. در ۱۳۵۴ به عنوان نخستین سفیر زن ایران به داهمارک رفت و تا سال ۱۳۵۷ (انقلاب اسلامی) این سمت را حفظ کرد. در دوران بعد از انقلاب، خانم دولتشاهی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را از جمله بنیانگذاری انجمن فرهنگ ایران، در پاریس دنبال گرفت.

خاطرات خانم دکتر مهرانگیز دولتشاهی با عنوان «جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» از طرف بنیاد مطالعات ایران «واشنگتن» انتشار یافته است.

این خاطرات از نوار مصاحبه مفصل شیرین سمیعی با مهرانگیز دولتشاهی (در سال ۱۹۸۴) استخراج و به وسیله غلامرضا افخمی ویراستاری شده است.

خانم مهرانگیز دولتشاهی که اینک در پاریس به سر می‌برد، در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی (۱۹۱۷ میلادی) تولد یافت. پدرش محمد علی میرزا مشکوه‌الدوله دوم از نوادگان محمد علی میرزا دولتشاهی فرزند فتحعلیشاه قاجار بود و مادرش اختراالملوک از خاندان هدایت.

وی پس از خاتمه دوره متوسطه، به آلمان رفت و در رشته روزنامه‌نگاری و وسایل ارتباط جمعی ادامه تحصیل داد.

در برلن با ناصر مسعود انصاری ازدواج کرد و زن و شوهر جوان در آلمان جنگ زده دوران سختی را گذراندند.

پس از آنکه نمایندگان زن به مجلسین شورا و سنا راه یافتند، در صدد تدوین و تصویب قانون حمایت خانواده برآمدند که به دلیل برخورد با موانع مذهبی و سنتی کار آسانی نبود. خانم مهرانگیز دولتشاهی در خاطرات خود از چگونگی تصویب این قانون سخن می‌گوید که داستانیست شنیدنی.

همان ماه‌های اولی که رفته بودیم به مجلس، در جمعیت «راه نو» نشستیم و با هم مشورت کردیم که حالا چه جوری در باره قانون حمایت خانواده عمل بکنیم. تصمیم گرفتیم یک نامه به رئیس مجلس بنویسیم و شش نامه هم به شش وکیل زن و برایشان نسخه‌ای از طرحی را که تهیه کرده بودیم بفرستیم و از آنها خواهش کنیم که به این امر رسیدگی بکنند. نامه‌ها را پریچهر حکمت امضاء کرد که نایب رئیس جمعیت راه نو بود. نامه‌ها که رسید رقتیم پیش رئیس مجلس (مهندس ریاضی) و او هم به اصطلاح سختی نشان نداد، آسان کنار آمد. قرار شد ما یک کمیسیون خصوصی تشکیل بدهیم و عده‌ای از حقوقدانان و اعضای کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی را هم دعوت کنیم که بیایند و با آنها صحبت کنیم تا این طرح پخته شود. این کار تقریباً سه سال طول کشید...

پنج تا از ما زنهایی که در مجلس بودیم عضو حزب ایران نوین بودیم. خانم زهت نفیسی عضو حزب مردم بود. در سنا دو نفر بودند: شمس‌الملوک مصاحب و مهرانگیز منوچهریان. خانم مصاحب خیلی در کارهای حقوقی و سیاسی کار نمی‌کرد. خودش فرهنگی بود. هر دو سناتور انتصابی بودند. خانم منوچهریان همیشه فعالیت اینجوری داشت و کتابی نوشته بود راجع به قوانین مربوط به زنها... مجلس شورای ملی هیچوقت دوشنبه‌ها تشکیل نمی‌شد. یک شنبه و سه شنبه و پنجشنبه تشکیل می‌شد. سنا شنبه و دوشنبه و چهارشنبه جلسه داشت.

یک روز دوشنبه بعد از ظهر دیدیم که روزنامه‌های عصر با خط درشت نوشتند امروز در سنا خانم منوچهریان لایحه حمایت خانواده را تقدیم سنا کرد. از جمله مواد مهمش درشت نوشتند که زن شوهردار حق دارد خانه‌ای غیر از خانه شوهرش داشته باشد و حقوق بچه خارج از ازدواج محفوظ بشود و از اینجور حرف‌ها. سر و صدا بلند شد. ما گفتیم ای داد بیداد، این چه کاری است که این خانم کرده



بودند. بعد خوب، دلش می‌خواست که این کار را در دامن سنا بگذارد، تا بالاخره تا اندازه‌ای کار در دست خودش باشد یا به اسم خودش تمام بشود. او همان روز صبح لایحه را داشته، شاید هم قبلاً تهیه کرده بوده، و می‌آورد به ۱۶:۱۵ سناتور می‌دهد، آنها هم امضاء می‌کنند و تقدیم می‌کند. تقدیم که می‌کند حالا فوری که در مجلس مطرح می‌شود، تازه قرار است برود به کمیسیون. روزنامه نگارها می‌آیند و طبعاً می‌پرسند چه داده‌ای. خانم منوچهریان به روزنامه‌نگارها می‌گوید این بود لایحه‌ای که ما داده‌ایم. روزنامه‌ها آن چیزهایی را که بیشتر به نظرشان چشمگیر می‌آمد، آنرا منعکس کردند. ما حالا در حزب نشستیم که چه بکنیم که هر چه زودتر خبر را برسانیم به هویدا و خسروانی. نشستیم و یک مطلبی برای هر کدامشان نوشتیم و تمام خانم‌ها هم بودند. خانم تربیت و اینها، همانهایی که به اصطلاح گردانندگان کارها بودیم. من گفتم که چون راننده من آنجاها را بلد است و می‌داند که ←

و حالا لایحه عقب می‌افتد. دودیدم آمدیم حزب و آنجا عقب هویدا و خسروانی می‌گردیم. خسروانی دبیر کل حزب و هویدا نخست وزیر بود. گفتند که اینها الان سعدآباد هستند، در شورای اقتصادی و حضور اعلیحضرت‌اند. می‌شد با آنها تماس گرفت. خدایا وقت دیر می‌شود! هر لحظه به ما تلفن می‌کنند که چه شده، این داستان کارتان را خراب می‌کند. معلوم شد خانم منوچهریان هم علاقه داشته به این کار و برای اینکه مساله پیش برود فکرکرده حالا دیگر موقعی رسیده که طرح خود را تقدیم کند.

این چه کاری بود؟!

خانم منوچهریان و خانم صفی‌نیا کسانی بودند که مبارزه کرده‌اند برای ورود به دانشکده حقوق. یعنی با اینکه دانشگاه باز شده بود و چادر نبود و زنها حق داشتند بروند دانشگاه، اما دانشکده حقوق زن نمی‌پذیرفت و این دو مبارزه کرده

دوران محمدرضا شاهی؛ ایران پایدارترین کشور خاورمیانه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

گفت: ایران پایدارترین و با ثبات‌ترین کشور خاورمیانه است. همچنین اضافه نمود: درباره ولیعهد آینده ایران باید بگویم که هم ملکه و هم من با هیجان در انتظار تولد نخستین فرزند خود در اواخر اکتبر و یا اوایل نوامبر هستیم...

محمدرضا شاه پیش از آنکه از سفرهای رسمی به سه کشور اروپایی بازگردد، ۷ خرداد ۱۳۳۹ در گفتگویی که درباره موقعیت ایران در خاورمیانه و روابط سیاسی آن با سایر کشورهای جهان با خبرنگار یونایتدپرس در ژنو داشت

دوران محمدرضا شاهی؛ محصلین ایرانی در خارجه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

شاهنشاهی پهلوی تمام توان خود را معطوف به ساختن ایرانی مدرن کرده بود. اجرای برنامه عمرانی دوم که با همین هدف انجام می‌شد، کشور را بیش از پیش به کارشناسان و متخصصان ایرانی در رشته‌های پزشکی، مهندسی، کشاورزی، علوم و آموزش و پرورش نیازمند ساخته بود.

روز ۲۸ امرداد ۱۳۳۹ سالگردی تاریخی در تقویم بود و به همین مناسبت شاه در پیامی برای مردم ایران ابراز داشت: «قیام ملی بیست و هشتم امرداد به ما اجازه داد که مبنای ناسیونالیسم مثبت را که اساس ایران نوین است برپایه عدالت اجتماعی قراردهیم».

کجا برود و چکار بکند، نامه‌ها را می‌دهم او برود. آدم فهمیده‌ای بود. گفتم به او می‌سپرم که نامه را بدهد و ضمناً بگوید به دست این دو نفر برسد، یک پاکت به اسم آقای هویدا و یکی هم برای خسروانی. راننده رفت، خیلی طول کشید، بعد که برگشت گفتیم چکار کردی، گفت اولاً کاغذ را قبول نمی‌کردند بپرند تو. می‌گفتند اگر نامه‌ای باشد باید برود دفتر، ما اجازه نداریم اینجا نامه بگیریم. من هم گفتم این برای حضور اعلیحضرت نیست، برای این دو نفر است. گفتند نمی‌شود، مگر اینجا بایستی تا خودشان که می‌آیند بیرون نامه را بدهی. او هم می‌ایستد تا شورای اقتصاد تمام می‌شود و اینها می‌آیند بیرون و کاغذ هر کدام را می‌دهد دستشان، اینها می‌خوانند و ناراحت می‌شوند که چکار بکنند. هویدا زودتر می‌رسد به خانه‌اش و تلفن می‌زند به حزب که چه شده. حالا روزنامه جلوی ماست. داد و بیداد، این چه کاری بود که کرده‌اند. خانم تربیت پای تلفن بود، با هویدا صحبت می‌کرد. یک دفعه هویدا گفت گوش، گوش... معلوم شد که اعلیحضرت او را پای تلفن خواسته‌اند.

اعلیحضرت از شورای اقتصاد می‌آید بیرون، می‌گویند از قم تلفن زده‌اند و واویلا، این زن کافر است و بیرونش کنید. شاه با هویدا صحبت می‌کند که چطور شده که این کار را کرده. مگر این زن دیوانه شده است.

این کار چرا بی‌مطالعه انجام شده. خوب، حالا دیگر کاری است که شده و ببینیم چکار می‌کنیم. بعد خسروانی هم آمد و قرار شد که فردا یک نفر صحبت بکند در مجلس، چون حالا که الان نمی‌توانیم لایحه را بدهیم. باید صبر کنیم و ببینیم چه می‌شود. خانم جهانیانی روز بعد صحبت کرد که ما هر کاری که بخواهیم بکنیم می‌خواهیم متین باشد و با سنن ما وفق بدهد و با موازین اسلام منطبق باشد. از این حرفها. از آن طرف هم آخوندها فشار آورده‌اند و می‌خواهند خانم منوچهریان را تکفیر کنند. خوب، طبعاً یک عده‌ای هم میانه افتادند که آنها این کار را نکنند. بالاخره زیر تیغه فشار آخوندها به خانم منوچهریان گفتند سه چهارم‌امی برود، دم نظر ها نباشد. رفت نمی‌دانم تفرش یا کجا که ولایتشان است و تهران نماند. بعد دوباره البته آمد...

تصویب لایحه حمایت خانواده

حالا مانده‌ایم که چکار بکنیم. یک فکر جدیدی باید بکنیم. هویدا پرسید که در کشورهای اسلامی دیگر چکارها کرده‌اند؟ من آنهایی را که اطلاع داشتم همه را تهیه کردم و به ایشان دادم. با وجود این هویدا گفت تلگراف زدند به سفارتخانه‌های خودمان در کشورهای اسلامی که مطالعه کنند آنجا چه کارها شده و بعد از چند هفته گزارشها آمد. قرار شد بنشینیم نگاه بکنیم. نشستیم و مقابله کردیم، دیدیم آنها یا کمتر ازما هست یا فووش در ردیف همین است و بهرحال همین کارهاست. آن وقت هویدا این لایحه را با دو تا از مجتهدها مطرح کرد، ولی نجف نفرستاد. یکی به [سید کاظم] عصار داد، پدر همین نصیر عصار، و یکی هم به [آیت الله محمد] سنگلجی. آن موقع سنگلجی زنده بود. آنها هم این را مطالعه کردند، گفتند عیبی ندارد و گفتند فقط یک چیزهایش را، چیزهای کوچکی، در آنها تغییر بدهیم. مثلاً دادگاه خودش دستور طلاق را ندهد، یعنی نظر بدهد که دیگر امکان سازش نیست، آن وقت دستور بدهند به مرد که حالا که امکان سازش نیست باید طلاق بدهی، که به اصطلاح حق طلاق که در قانون به دست مرد است از او بکلی گرفته نشود. والا دیگر همه‌اش تصویب شد. البته چندین ماه فاصله شد. بعد لایحه را خود دولت آورد و بعد ها شنیدیم که به نجف هم فرستاد. و همین شد که تقریباً سه سال و خرده‌ای ما در مجلس بودیم که تازه این لایحه در خرداد ۱۳۴۶ به تصویب مجلس رسید.

خامنه‌ای ارسال پیام به آمریکا از طریق عربستان را «دروغ محض» دانست



علی خامنه‌ای

● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پنجشنبه ششم آذرماه در یک پیام تلویزیونی ضمن قدردانی از اعضای بسیج با اشاره به جنگ با اسرائیل مدعی شد، «در جنگ ۱۲ روزه، ملت ایران هم آمریکا را شکست داد، هم صهیونیست‌ها را؛ بدون تردید. آمدند شرارت کردند، کتک خوردند و دست خالی برگشتند... یعنی به هیچ‌کدام از هدف‌های خودشان نرسیدند.»

● در بخشی از این پیام او بدون اشاره به نامه مسعود پزشکیان به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان [که پیش از سفر بن سلمان به آمریکا به دست او رسید] ارسال هرگونه پیام با واسطه به آمریکا را تکذیب کرد و گفت: «شایعاتی درست می‌کنند که دولت ایران به واسطه فلان کشور به آمریکا پیغام فرستاده است؛ این دروغ محض است و چنین چیزی وجود نداشت.»

● مصطفی کواکبیان مدیر اصلاح طلب روزنامه «مردم سالاری»، در مصاحبه با سایت «عصر ایران» مدعی شده بود که پزشکیان با اجازه رهبر جمهوری اسلامی از طریق عربستان برای ترامپ پیام فرستاده است. او گفت: «نامه‌ای از طرف آقای رئیس‌جمهور داده شد به بن سلمان و ایشان هم بردند برای آقای ترامپ و آقای ترامپ هم بلافاصله موضع‌گیری کرد.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پنجشنبه ششم آذرماه در یک پیام تلویزیونی ضمن قدردانی از اعضای بسیج با اشاره به جنگ با اسرائیل مدعی شد، «در جنگ ۱۲ روزه، ملت ایران هم آمریکا را شکست داد، هم صهیونیست‌ها را؛ بدون تردید. آمدند شرارت کردند، کتک خوردند و دست خالی برگشتند... یعنی به هیچ‌کدام از هدف‌های خودشان نرسیدند.»

خامنه‌ای در بخش دیگری از صحبت‌های خود جمهوری اسلامی را «کانون قدرت» دانست که «می‌تواند قدرتمندانه

عباس عراقچی: آمریکا اگر «غنی‌سازی صفر» می‌خواهد توافق غیرممکن است

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی در گفتگو با یکی از رسانه‌های عمانی بار دیگر تأکید کرد «آمریکا با سیاست غنی‌سازی صفر وارد مذاکره شد، سیاستی که ایران از ابتدا آن را غیرممکن اعلام کرده است.»

● عراقچی در بخشی از این مصاحبه عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره امکان مذاکره مستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، این احتمال را رد کرد و گفت: «ما هیچ‌گونه مشروعیتی برای رژیم صهیونیستی قائل نیستیم. این رژیم متعلق به این منطقه نیست و بر پایه غصب سرزمین ملت فلسطین شکل گرفته است.»

● او در همین مصاحبه مدعی شد جنگ ۱۲ روزه باعث شد جمهوری اسلامی بسیاری از شکاف‌های امنیتی را ببندد و نقاط ضعف‌اش را برطرف کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای شرکت در یک همایش به مسقط رفته است در یک برنامه تلویزیونی ادعا کرد «به توافق نزدیک بودیم و در پنج دور مذاکرات به راه‌حلی رسیدیم که می‌توانست مشکل را حل کند. اما این راه‌حل‌ها در واشنگتن رد شد و در نهایت نیروهای خواهان جنگ در آنجا غالب شدند.»

در شرایطی که مذاکرات میان جمهوری اسلامی با سه قدرت اروپا و آمریکا متوقف شده است، خبرگزار تسنیم شامگاه دوشنبه ۹ آذرماه گزارش داد در مسقط با هماهنگی یک مؤسسه نروژی و چند مؤسسه اروپایی دیگر نشستی با محور «میانجی‌گری» برگزار شد که عراقچی هم در آن حضور داشت.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در گفتگو با یکی از رسانه‌های عمان بار دیگر تأکید کرد «آمریکا با سیاست غنی‌سازی صفر وارد مذاکره شد، سیاستی که ایران از ابتدا آن را غیرممکن اعلام کرده است.»

او خطاب به آمریکایی‌ها گفت: «اگر غنی‌سازی صفر می‌خواهید، توافقی میان ما نخواهد بود. اما اگر بپای صفر می‌خواهید، ما توافق خواهیم کرد. عوامل داخلی در آمریکا نمی‌خواستند مذاکرات به نتیجه برسد و همین مانع توافق شد.»

در بخشی از این مصاحبه عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره امکان مذاکره مستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، این احتمال را رد کرد و گفت: «ما هیچ‌گونه مشروعیتی برای رژیم صهیونیستی قائل نیستیم. این رژیم متعلق به این منطقه نیست و بر پایه غصب سرزمین ملت فلسطین شکل گرفته است.»

بایستد و از های وهوی این و آن واهمه نکند» و اسرائیل و آمریکا را کشورهای «منفور» خواند.

در بخشی از این پیام او بدون اشاره به نامه مسعود پزشکیان به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان [که پیش از سفر بن سلمان به آمریکا به دست او رسید] ارسال هرگونه پیام با واسطه به آمریکا را تکذیب کرد و گفت: «شایعاتی درست می‌کنند که دولت ایران به واسطه فلان کشور به آمریکا پیغام فرستاده است؛ این دروغ محض است و چنین چیزی وجود نداشت.»

این در شرایطی است که مصطفی کواکبیان مدیر اصلاح طلب روزنامه «مردم سالاری»، در مصاحبه با سایت «عصر ایران» مدعی شده بود که پزشکیان با اجازه رهبر جمهوری اسلامی از طریق عربستان برای ترامپ پیام فرستاده است. او گفت: «نامه‌ای از طرف آقای رئیس‌جمهور داده شد به بن سلمان و ایشان هم بردند برای آقای ترامپ و آقای ترامپ هم بلافاصله موضع‌گیری کرد.»

در همین حال شبکه «ایران اینترنشنال» به نقل از منابع خود گزارش داد دولت آمریکا در پاسخ به درخواست مسعود پزشکیان از عربستان برای میانجی‌گری با هدف ازسرگیری مذاکره با آمریکا، یک بار دیگر بر شرایط سه‌گانه خود برای گفتگو با ایران تأکید کرده است.

یکی از شروط آمریکا «برچیدن کامل تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی» در ایران بود. همچنین ترامپ در یکی از مصاحبه‌های خود خواسته بود جمهوری اسلامی موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد.

استیو ویتکاف نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، پیش‌تر از جمهوری اسلامی خواسته بود برنامه هسته‌ای خود، از جمله غنی‌سازی را به‌طور کامل کنار بگذارد، نیروهای نیابتی خود را منحل کند و محدود شدن برنامه موشکی‌اش را بپذیرد.

وزارت خارجه آمریکا: خامنه‌ای به جای اسراف و حمایت از تروریسم به مردم ایران خدمت کند



میلیارد دلار در ۱۰ ماه اول سال ۲۰۲۵ به حزب‌الله تضعیف شده فرستاد و میلیون‌ها دلار هم به گروه‌های تروریستی دیگر فرستاده که قبلاً میلیارد‌ها دلار در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود و این سرمایه‌گذاری‌ها شکست خوردخورد بود. رژیم جمهوری اسلامی همچنین در تلاش است این گروه‌ها را با تسلیحات دوباره تجهیز کند، به آن‌ها آموزش بدهد و حمایت سیاسی ارائه دهد، در حالی که یارانه‌ها را برای ایرانیان عادی قطع می‌کند، دسترسی آن‌ها به اینترنت را محدود می‌سازد و آن‌ها را مجبور می‌کند با اقتصادی در حال فروپاشی، افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها، کمبود آب، آلودگی هوا و قطعی برق گسترده دست و پنجه نرم کنند.

وزارت خارجه آمریکا تأکید کرده است «اگر رژیم جمهوری اسلامی واقعاً به موضوع اسراف اهمیت می‌داد، به جای سرزنش مردم و تأمین مالی گروه‌های نیابتی‌اش، نیازهای ایرانیان را در اولویت قرار می‌داد و برای رفاه آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کرد. جسارت تأمین مالی ترور در خارج و همزمان متهم کردن ایرانیان عادی به اسراف، اولویت‌های واقعی رژیم را آشکار می‌کند.»

در پایان این پیام آمده «اگر خامنه‌ای واقعاً به اسراف اهمیت می‌دهد، بهتر است تمرکز خود را بر خدمت به مردم ایران بگذارد، نه بر دامن زدن به بی‌ثباتی فزاینده از مرزهای ایران.»

این پیام در حالی صادر شد که جمهوری اسلامی حاضر پذیرش شروط دونالد ترامپ برای توافق اتمی نیست و اعلام کرده حاضر نیست غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. در چنین شرایطی نرخ دلار در بازار تهران به بیش از ۱۲۰ هزار تومان رسید و موجی جدیدی از گرانی‌ها در کالاها و موادخوراکی به راه افتاد.

● رهبر جمهوری اسلامی ششم آذرماه ۱۴۰۴ در یک سخنرانی که به مردم گفت باید «از اسراف اجتناب کنیم» گفت و از آن‌ها خواست تا در موارد ضروری مانند مصرف آب، غذا، گاز، و بنزین صرفه‌جویی کنند. وزارت خارجه آمریکا به این اظهارات واکنش نشان داده و در «ایکس» نوشت: «این رژیم جمهوری اسلامی است که همچنان منابع را هدر می‌دهد.»

● در این نوشتار آمده «رژیم ایران بیش از یک میلیارد دلار در ۱۰ ماه اول سال ۲۰۲۵ به حزب‌الله تضعیف شده فرستاد و میلیون‌ها دلار هم به گروه‌های تروریستی دیگر فرستاده که قبلاً میلیارد‌ها دلار در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود و این سرمایه‌گذاری‌ها شکست خوردخورد بود.

● وزارت خارجه آمریکا تأکید کرده است «اگر رژیم جمهوری اسلامی واقعاً به موضوع اسراف اهمیت می‌داد، به جای سرزنش مردم و تأمین مالی گروه‌های نیابتی‌اش، نیازهای ایرانیان را در اولویت قرار می‌داد و برای رفاه آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کرد. جسارت تأمین مالی ترور در خارج و همزمان متهم کردن ایرانیان عادی به اسراف، اولویت‌های واقعی رژیم را آشکار می‌کند.»

رهبر جمهوری اسلامی ششم آذرماه ۱۴۰۴ در یک سخنرانی که به مردم گفت باید «از اسراف اجتناب کنیم» گفت و از آن‌ها خواست تا در موارد ضروری مانند مصرف آب، غذا، گاز، و بنزین صرفه‌جویی کنند. وزارت خارجه آمریکا به این اظهارات واکنش نشان داده و در «ایکس» نوشت: «این رژیم جمهوری اسلامی است که همچنان منابع را هدر می‌دهد.»

در این نوشتار آمده «رژیم ایران بیش از یک

است.» او افزود: «این رژیم موجودیت خود را با جنایت‌ها، کشتارها و نسل‌کشی حفظ کرده و بنابراین هیچ مشروعیتی برایش قائل نیستیم.»
در ادامه، مجری به سریال اسرائیلی «تهران» در نتفلیکس اشاره کرد و پرسید برخی تحلیلگران ضعف ایران را ناشی از «خیانت برخی عوامل داخلی» دانسته‌اند.



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی

عراقچی پاسخ داد: «من فیلم‌های تخیلی تماشا نمی‌کنم. این سریال نیز یک اثر تخیلی و داستان‌پردازانه است.» با این حال، او تأکید کرد وجود عناصر نفوذ در همه کشورها طبیعی است و حتی در اسرائیل نیز موارد مشابه مشاهده شده است؛ از جمله بازداشت فردی در یک مرکز حساس که اطلاعات را در اختیار ایران قرار می‌داد. وزیر خارجه ایران گفت جنگ اخیر موجب شد «بسیاری از شکاف‌های امنیتی بسته شود» و همان‌طور که نقاط ضعف ایران آشکار شد، برطرف گردید.

او افزود اسرائیل محاسبه کرده بود که با آغاز جنگ، «ملت ایران به خیابان‌ها ریخته و علیه دولت و نظام اعتراض خواهند کرد»، اما «ملت برعکس، برای حمایت از دولت و کشور به خیابان آمد» و انسجام ملی تقویت شد. عراقچی همچنین گفت اسرائیل تصور می‌کرد ترور فرماندهان در ساعات نخست موجب فروپاشی نیروهای مسلح می‌شود، اما فرماندهان جایگزین «فوراً منصوب شدند» و نیروهای ایرانی با روحیه بالاتر جنگیدند. او نتیجه گرفت: «این جنگ بر پایه سوءتفاهم و محاسبات اشتباه آغاز شد و تکرار آن نتیجه‌ای جز شکست مشابه نخواهد داشت.»

او در همین مصاحبه مدعی شد جنگ ۱۲ روزه باعث شد جمهوری اسلامی بسیاری از شکاف‌های امنیتی را ببندد و نقاط ضعف‌اش را برطرف کند.

طی ماه‌های اخیر دونالد ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی دو شرط را مطرح کرد: برچیدن کامل غنی‌سازی در ایران و پذیرفتن موجودیت اسرائیل که هیچ کدام با موافقت تهران روبرو نشد. با توجه به توقف مذاکرات و عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس برخی تحلیلگران می‌گویند احتمال حمله مجدد به ایران جدی است.

انفجار در دو نفتکش متعلق به ناوگان سایه روسیه در دریای سیاه



انفجار در نفتکش روسی در دریای سیاه

● شامگاه جمعه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ دو نفتکش که گفته شده بخشی از ناوگان سایه روسیه هستند، در دریای سیاه هدف قرار گرفته و آتش گرفتند.

● کمتر از یک ساعت بعد، اداره کل امور دریایی ترکیه گزارش داد نفتکش دیگری هم به نام «ویرات» در دریای سیاه نزدیک سواحل ترکیه «هدف قرار گرفت».

● عبدالقادر اورالوگلو، وزیر حمل و نقل و زیرساخت ترکیه، گفت: «تیم‌های امداد و نجات حاضر در محل گمان می‌کنند که این تانکرها هدف «حمله خارجی» قرار گرفته‌اند.

شامگاه جمعه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ دو نفتکش که گفته شده بخشی از ناوگان سایه روسیه هستند، در دریای سیاه هدف قرار گرفته و آتش گرفتند. اداره کل امور دریایی ترکیه اعلام کرد نخستین نفتکش به نام «کایروس» با پرچم گامبیا، در دریای سیاه، در حدود ۴۵ کیلومتری ساحل استان قوجاالی ترکیه دچار آتش‌سوزی شد. گزارش شد که آتش‌سوزی ناشی از برخورد یک «عامل خارجی» بود. نفتکش کایروس در حال حرکت به سمت بندر نوروراسییسک روسیه بود.

کمتر از یک ساعت بعد، اداره کل امور دریایی ترکیه گزارش داد نفتکش دیگری هم به نام «ویرات» در دریای سیاه نزدیک سواحل ترکیه «هدف قرار گرفت».

عبدالقادر اورالوگلو، وزیر حمل و نقل و زیرساخت ترکیه، گفت: «تیم‌های امداد و نجات حاضر در محل گمان می‌کنند که این تانکرها هدف «حمله خارجی» قرار گرفته‌اند. تلویزیون خپرتک هم گزارش داد که این نفتکش‌ها احتمالاً هدف پهپادهایی قرار گرفته‌اند که روی سطح آب پرواز می‌کنند.

بنا بر بیانیه اداره کل دریایی امور ترکیه، تیم‌های نجات به‌منظور ارائه کمک به محل اعزام شدند و همه ۲۰ خدمه نفتکش ویرات در سلامت هستند، اما دود سنگینی در موتورخانه نفتکش گزارش شد. الهام آکتاش، استاندار قوجاالی هم تأیید کرد همه ۲۵ خدمه نفتکش کایروس به‌طور ایمن از این نفتکش تخلیه شده‌اند. او افزود که تلاش برای خاموش کردن آتش همچنان ادامه دارد. آکتاش درباره علت آتش‌سوزی، از جمله اینکه آیا ممکن است کشتی‌ها با مین دریایی برخورد کرده باشند، اظهارنظر نکرد، اما گفت پس از تکمیل تحقیقات «بیانیه‌ای روشن‌تر» صادر خواهد شد.

آژانس کشتیرانی تریکا هم گزارش داد که نفتکش کایروس هنگام وقوع حادثه بدون بار حرکت می‌کرد و ممکن است با یک مین برخورد کرده باشد و در خطر غرق شدن باشد.

تغییر کاربری کشتی تجاری «تبوکان» به «ناوبندر کردستان» حامل پهپادهای انتحاری



عرشه کشتی نظامی «کردستان»

ناوبندر کردستان پیش از تبدیل به یک شناور نظامی شود، یک کشتی تجاری با نام «تبوکان» بود که ارتش خریداری کرد و از اواخر سال ۱۴۰۱ پروژه تغییر کاربری آن شروع شد و سپس چند ماه به صورت آزمایشی فعال بود.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران گزارش داد در قسمت جلویی عرشه این کشتی، هشت فروند موشک کروز ضدکشتی قادر و قدیر با بردهای ۲۰۰ و ۳۰۰ کیلومتر نصب شده است. بخشی از ادوات این کشتی پهپادهای انتحاری «کیان» با برد حدود دو هزار کیلومتر است.

همزمان ناوشکن «سهند» نیز به نیروی دریایی ارتش ملحق شده است. این ناوشکن ۱۶ تیرماه ۱۴۰۳ در اسکله بندرعباس غرق شده بود. همچنین پایگاه شناسایی «کردستان»، در حقیقت یک بندرشهر است که می‌تواند اقدامات مهمی را در زمینه پشتیبانی از یگان‌های رزم نیروی دریایی و غیر نیروی دریایی در دریا انجام دهد.

شهرام ایرانی فرمانده «نداجا» می‌گوید اولویت مأموریت این ناوشکن، عملیات اسکورت کشتی‌ها و مشارکت در رزمایش‌های مرکب و مشترک در چارچوب دیپلماسی دفاعی و دریایی است. او همچنین توضیح داد ناوبندر کردستان می‌تواند انواع نیازمندی‌های عملیاتی را در حوزه‌های پشتیبانی، پزشکی، ارتباطی، بالگردی، زیرآبی، غواصی، امدادرسانی سریع و ارسال مواد غذایی، سوخت و دارو تأمین کند.

حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش نیز در سخنانی عنوان کرد «امروز خطوط کشتیرانی و نفتکش‌های ما در خلیج عدن و مناطقی که دزدان دریایی در آن حضور دارند، به خوبی حفظ و صیانت می‌شوند که این مساله، خود نشانه وجود یک نیروی دریایی قوی و محکم در ایران اسلامی است.»

حامی فرمانده کل ارتش نیز الحاق این دو کشتی به نیروی دریایی را نشانه‌های «اقتدار» و «صلابت» دانست و تهدید کرد بیگانگان باید منطقه را ترک کنند. این در حالیست که برخی ناظران می‌گویند احتمال درگیری مجدد اسرائیل با جمهوری اسلامی جدی‌تر شده است.

● پایگاه شناسایی جمهوری اسلامی ایران، «کردستان» به نیروی دریایی ارتش، ملحق و از ناوشکن جمهوری اسلامی ایران، «سهند» رونمایی شد.

● خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران گزارش داد در قسمت جلویی عرشه این کشتی، هشت فروند موشک کروز ضدکشتی قادر و قدیر با بردهای ۲۰۰ و ۳۰۰ کیلومتر نصب شده است. بخشی از ادوات این کشتی پهپادهای انتحاری «کیان» با برد حدود دو هزار کیلومتر است.

● شهرام ایرانی فرمانده «نداجا» می‌گوید اولویت مأموریت این ناوشکن، عملیات اسکورت کشتی‌ها و مشارکت در رزمایش‌های مرکب و مشترک در چارچوب دیپلماسی دفاعی و دریایی است.

پایگاه شناسایی جمهوری اسلامی ایران، «کردستان» به نیروی دریایی ارتش، ملحق و از ناوشکن جمهوری اسلامی ایران، «سهند» رونمایی شد.

کشتی «کردستان» که گفته می‌شود اولین «ناوبندر» ارتش است به صورت رسمی به نیروی دریایی ملحق شد.

رسانه‌های حکومتی روز شنبه هشتم آذرماه گزارش داد امیر حاتم فرمانده کل ارتش، حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش، شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی و نماینده علی خامنه‌ای در استان سیستان و بلوچستان و امامان جمعه مناطق در مراسم الحاق «پایگاه شناسایی کردستان» حضور داشتند. این ناوبندر مجهز به «پد هلی‌کوپتر، شناورهای تندرو موشک‌انداز، یگان‌های پروازی پهپادی، رونده‌های زیرسطحی بدون سرنشین هوشمند و سامانه‌های جنگالی، موشکی و اطلاعاتی ساحل پایه و دریایپایه» است.

ادعا شد «این الحاقات با هدف ارتقای توان رزم دریایی، نمایش توان فنی، توسعه طرح‌های تسلیحاتی متناسب با تهدیدات، گسترش نوآوری در حوزه طراحی، افزایش عمق نفوذ راهبردی و دسترسی گسترده‌تر به آب‌های بین‌المللی صورت گرفت و ظرفیت عملیاتی و حضور دریایی نیروی دریایی ارتش در آب‌های دوردست تقویت خواهد شد.»

خبرنامه امیرکبیر: اهتزاز پرچم ملی شیر و خورشید ایران بر سکوی نخست المپیاد جهانی



علی رمضانی نخبه علمی در کنا رقبا

آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسرائیل، روسیه، لهستان، پرتغال و کشورهای دیگر» را «تجربه‌ای فراموش‌نشده» توصیف کرده و در ادامه نوشته است: «با کسب گرندپرایز (کاپ قهرمانی) و مدال طلای جهانی بیستمین المپیاد بین‌المللی میکروالکترونیک (IMEO 2025) توانستم پرچم ملی شیروخورشید ایران را بر سکوی نخست المپیاد جهانی برافراشته کنم.»

رمضانی این افتخار را «به همه دانشجویان ایرانی و جوانان آزادی‌خواه» تقدیم کرده و نوشته است که آن را به تمام کسانی پیشکش می‌کند «که رژیم جنایت‌کار و تبهکار جمهوری اسلامی از حق تحصیل محروم‌شان کرده است» و نیز «همه آنان که باور دارند زندگی به ما یک وطن بدهکار است.»

او در بخش دیگری از یادداشت به بازداشت خود در سال ۱۴۰۲ اشاره کرده و گفته است: «دو سال پیش که به خاطر بازگشایی مجدد و مدیریت «خبرنامه امیرکبیر» توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شدم، با خود عهد کردم که هرگز از مسیر آزادی، سربلندی و حق تحصیل دانشجویان ایران کناره نگیرم.»

رمضانی در بخش پایانی یادداشت خود، از هیئت تحریریه خبرنامه امیرکبیر، به ویژه اعضای که درون ایران حاضرند، تشکر کرد و چنین نوشت: «در این راه دشوار، سپاس بی‌دریغ خود را به هیئت تحریریه خبرنامه امیرکبیر، به ویژه اعضای پرشمار داخل ایران، تقدیم می‌کنم. دانشجویان مبارزی که علیرغم فعالیت در شرایط بسیار سخت و پرخطر ایران، با تعهد و شجاعت راستین خود، صدای جنبش دانشجویی ایران را به گوش جهانیان رساندند.»

المپیاد جهانی میکروالکترونیک همه ساله توسط شرکت چندملیتی آمریکایی Synopsys برگزار می‌شود. این برای نخستین بار در طول ۲۰ سال برگزاری المپیاد بین‌المللی میکروالکترونیک است که یک ایرانی موفق به دریافت گرندپرایز (کاپ قهرمانی) و مدال طلای جهانی المپیاد میکروالکترونیک می‌شود.

● علی رمضانی فعال دانشجویی و سردبیر خبرنامه امیرکبیر در یادداشتی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی لینکدین از جزئیات مسیر دشوار خود از بازداشت تا کسب عنوان قهرمانی در بیستمین المپیاد جهانی میکروالکترونیک (IMEO 2025) پرده برداشت.

● رمضانی افزود که پس از خروج از کشور و «تحمل درد دوری از میهن»، امسال توانسته از میان ۱۰۸۸ شرکت‌کننده از ۲۰ کشور جهان به جمع ۳۴ فینالیست مرحله نهایی راه یابد.

● این نخبه علمی رقابت در کنار جوانانی از «آمریکا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسرائیل، روسیه، لهستان، پرتغال و کشورهای دیگر» را «تجربه‌ای فراموش‌نشده» توصیف کرده و در ادامه نوشته است: «با کسب گرندپرایز (کاپ قهرمانی) و مدال طلای جهانی بیستمین المپیاد بین‌المللی میکروالکترونیک (IMEO 2025) توانستم پرچم ملی شیروخورشید ایران را بر سکوی نخست المپیاد جهانی برافراشته کنم.»

علی رمضانی فعال دانشجویی و سردبیر خبرنامه امیرکبیر در یادداشتی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی لینکدین از جزئیات مسیر دشوار خود از بازداشت تا کسب عنوان قهرمانی در بیستمین المپیاد جهانی میکروالکترونیک (IMEO 2025) پرده برداشت.

بنا به گزارش خبرنامه امیرکبیر که ششم آذرماه منتشر شد، رمضانی در این یادداشت می‌نویسد، «دو سال پیش که ماه‌ها برای کسب مدال در هجدهمین المپیاد جهانی میکروالکترونیک تلاش کرده بودم، شبانه توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شدم. بازداشتی که در نهایت به صدور حکم بیش از ۴ سال حبس منجر شد.»

رمضانی افزود که پس از خروج از کشور و «تحمل درد دوری از میهن»، امسال توانسته از میان ۱۰۸۸ شرکت‌کننده از ۲۰ کشور جهان به جمع ۳۴ فینالیست مرحله نهایی راه یابد. این نخبه علمی رقابت در کنار جوانانی از «آمریکا،

سفر همزمان دو مقام ارشد ترکیه و عربستان سعودی به تهران



دیدار عراقچی و سعود بن محمد الساطی در تهران

● هاگان فیدان وزیر خارجه ترکیه و سعود بن محمد الساطی معاون وزارت خارجه عربستان روز یکشنبه ۹ آذرماه ۱۴۰۴ همزمان به تهران آمدند و در دیدارهایی جداگانه با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفتگو کردند.

هاگان فیدان وزیر خارجه ترکیه و سعود بن محمد الساطی معاون وزارت خارجه عربستان روز یکشنبه ۹ آذرماه ۱۴۰۴ همزمان به تهران آمدند و در دیدارهایی جداگانه با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفتگو کردند. اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت این مذاکرات شامل بررسی روابط دوجانبه، تحولات منطقه‌ای و موضوعات مهم بین‌المللی است اما منابع غیررسمی مدعی شدند که غربی‌ها از طریق ترکیه و عربستان سعودی در مورد توقف مذاکرات اتمی و عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار فرستاده‌اند.

برخی منابع داخلی گزارش دادند گفته می‌شود این دیدارها بخشی از تلاش‌های دیپلماتیک برای آماده‌سازی نشست‌های سطح بالا در آینده است.

روزنامه «الاخبار» چاپ لبنان چهارم آذرماه گزارش داد دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا به بن‌سلمان ولیعهد عربستان سعودی اختیار داده است برای میانجی‌گری میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی وارد عمل شود.

پیش‌تر گفته شد جمهوری اسلامی از طریق سعودی‌ها به آمریکا پیام ارسال کرده است اما علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی این ادعا را «دروغ محض» دانست. غربی‌ها به واسطه ترکیه و عربستان برای کشاندن جمهوری اسلامی به مذاکره فشار وارد می‌کنند. ژان-نول بارو، وزیر خارجه فرانسه، اخیراً در دیدار با عباس عراقچی در پاریس از ایران خواست تا فوراً به تعهدات پادمانی و همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگردد.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یادداشتی با اشاره به سفر عراقچی به پاریس و دیدار با وزیر خارجه فرانسه نوشت، «اگر ندانیم وقتی با سیاستمدار اروپایی ملاقات می‌کنیم، با تفکر وحشی روبه‌رو هستیم، راه به خطا می‌رویم.» در این یادداشت آمده عراقچی و یک باند در دولت مذاکره با غربی‌ها را خطا توصیف کرده و تأکید کرده که بی‌نتیجه خواهد بود.

تهران در آستانه تخلیه است یا با بحران در گفتار سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند؟



● تهران گره‌گاه نمادین نظام است؛ نهاد انقلاب، مرکز اداری و ذهن استراتژیک دولت. موقعیت جغرافیایی آن نزدیکی به گسل‌های زلزله، آلودگی شدید، و جمعیت متراکم آن را به نقطه آسیب‌پذیر در جنگ‌های مدرن و منبع بالقوه بی‌ثباتی داخلی تبدیل می‌کند؛ زیرا هر تهدید جدی علیه شهر می‌تواند به سرعت به بحران گسترده سیاسی و امنیتی بدل شود.

● نمایش عمدی ضعف و آسیب‌پذیری محیط‌زیستی پیام ضمنی به جهان ارسال می‌کند: تحریم‌ها توان دولت را در مدیریت بحران آب و انرژی محدود کرده‌اند و این خود بهانه‌ای برای درخواست معافیت‌ها یا کمک فنی است. بدین ترتیب «تخلیه احتمالی» بخشی از راهبرد فشار بین‌المللی است، نه صرفاً بازتاب بحران محیط‌زیستی.

اظهارات مقامات ایرانی درباره احتمال تخلیه پایتخت به دلیل خشکسالی و آلودگی، فراتر از بازتاب یک بحران محیط زیستی است. باید توجه داشت که این اظهارات در واقع ابزاری چند بعدی سیاسی است که نشان می‌دهد دولت چگونه به مدیریت بحران می‌نگرد: از آزمودن واکنش مردم و متحدان داخلی گرفته تا بازتوزیع فشارها در درون ساختار قدرت و آماده‌سازی زمینه برای تصمیم‌گیری‌های سریع سیاسی و اقتصادی بر اساس سناریوهایی دقیق میان خطرات و فرصت‌ها.

پیش از هر تحلیل سیاسی یا اجرایی، باید یادآوری کرد که ایران تنها با پایتختی گرفتار بحران محیط‌زیستی روبرو نیست، بلکه کشوری است که مردم آن زیر فشار چالش‌های خشکسالی، آلودگی هوا و محرومیت در سطوح گوناگون زندگی رنج می‌برند؛ چالش‌هایی که به فهم عمیق مشکلات، مدیریتی ویژه و نگاهی دقیق همراه با همدلی و درک واقعیت‌ها نیاز دارد.

در سطح داخلی، این اظهارات ابزاری برای مدیران بوروکراسی و متحدان حکومتی است، زیرا به دولت اجازه می‌دهد بدون اعتراف صریح به شکست بلندمدت، واکنش عمومی را بیازماید. همزمانی این اظهارات با فراخوان کاهش مصرف و اعلام تعطیلات یا محدودیت‌های انرژی نشان‌دهنده کاربرد سنتی گفتار بحران در آماده‌سازی افکار عمومی برای پذیرش اقدامات دشوارتر در آینده است.

از منظر سیاست‌گذاری و بودجه، این اظهارات پوششی برای پیشبرد سیاست‌های پرهزینه مانند انتقال صنایع، ساخت نیروگاه‌های آب‌شیرین‌کن، و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و اسکان است. آن هم در شرایط فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های بین‌المللی. چنین چارچوبی این هزینه‌ها را ضروری جلوه می‌دهد نه اختیاری، و توجیه آن‌ها را در داخل و خارج آسان‌تر می‌کند و زمینه را برای مذاکره با نهادهای بین‌المللی جهت دریافت حمایت فنی یا مالی فراهم می‌سازد. در سطح اجتماعی، حکومت می‌کوشد خطر اعتراضات ناشی از کمبود آب و انرژی را کاهش دهد. تهدید تخلیه تهران همچون ابزاری برای مهار تهدیدهای داخلی عمل می‌کند و اجازه می‌دهد تدابیر امنیتی یا جابجایی محدود در مناطق آسیب‌پذیر قبل از گسترش اعتراضات اعمال شود. با این حال نمی‌توان انکار کرد که مردم واقعا از فشارهای محیط‌زیستی و اجتماعی رنج می‌برند و این رنج بخشی اساسی از فهم بحران و مشکلات روزمره آنهاست. در عمل، تخلیه کامل پایتخت از نظر لجستیکی و اقتصادی

ممکن نیست؛ آنچه محتمل است جابجایی‌های محدود، ایجاد مراکز اسکان موقت یا نقل‌وانتقال‌های کوتاه‌مدت است و نه کوچاندن کامل جمعیت.

در ساختار قدرت، این اظهارات عرصه درگیری جناح‌های مختلف نیز هست. جناح اصلاح‌طلب با رویکرد تکنوکراتیک از بحران برای توجیه اصلاحات استفاده می‌کند، در حالیکه جناح دیگر می‌کوشد بار مشکلات را بر دوش بخش‌های مختلف جامعه بیندازد. این تفاوت، ناهماهنگی در مواضع رسمی را توضیح می‌دهد و بازتاب‌دهنده مشکلات قدرت در درون نظام است. در سطح بین‌المللی، این اظهارات به عنوان ابزار چانه‌زنی ژئوپلیتیک تفسیر می‌شود. نمایش عمدی ضعف و آسیب‌پذیری محیط‌زیستی پیام ضمنی به جهان ارسال می‌کند: تحریم‌ها توان دولت را در مدیریت بحران آب و انرژی محدود کرده‌اند و این خود بهانه‌ای برای درخواست معافیت‌ها یا کمک فنی است. بدین ترتیب «تخلیه احتمالی» بخشی از راهبرد فشار بین‌المللی است، نه صرفاً بازتاب بحران محیط‌زیستی.

از منظر عملی، پرسش اصلی این است که آیا این اظهارات نشان‌دهنده طرحی آماده برای اجراست یا صرفاً یک گفتار سیاسی است؟

ظهور بودجه‌های اضطراری یا برنامه‌های محدود جابجایی کارکنان دولتی می‌تواند نشانه آمادگی نسبی باشد، اما اغلب نشانه‌ها حاکی از آن است که هدف اصلی، شکل‌دهی روایت ذهنی جامعه، در عین حفظ انعطاف برای مواجهه با رخدادهای ناگهانی است.

درک تهران نیازمند نگاهی فراتر از شهری آسیب‌دیده از خشکسالی و آلودگی است. تهران گره‌گاه نمادین نظام است؛ نهاد انقلاب، مرکز اداری و ذهن استراتژیک دولت. موقعیت جغرافیایی آن نزدیکی به گسل‌های زلزله، آلودگی شدید، و جمعیت متراکم آن را به نقطه آسیب‌پذیر در جنگ‌های مدرن و منبع بالقوه بی‌ثباتی داخلی تبدیل می‌کند؛ زیرا هر تهدید جدی علیه شهر می‌تواند به سرعت به بحران گسترده سیاسی و امنیتی بدل شود.

بر اساس این واقعیت‌ها، روشن است که اعلام تخلیه تهران

بیانی محیط‌زیستی نیست بلکه ابزاری چندلایه سیاسی داخلی، اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیک به شمار می‌رود. حقیقت پنهان در بهره‌گیری از بحران برای تغییر سریع تصمیمات و تقسیم هزینه‌های سیاست‌های ناخوشایند نهفته است، در عین اینکه حکومت انعطاف لازم برای مواجهه با سناریوهای غیرمنتظره را حفظ می‌کند. پایش نشانه‌های عملی بودجه‌ها، قراردادهای تحرکات لجستیکی تعیین خواهد کرد که آیا این گفتار به اجرا تبدیل می‌شود یا در حد ابزاری هشداردهنده باقی می‌ماند. اینهمه همراه با پذیرش این نکته است که تهران همچنان قلب نظام و نقطه ضعف آن است، و مردم نیز واقعا زیر فشارهای محیط‌زیستی و اجتماعی قرار دارند؛ فشارهایی که جزء جدایی‌ناپذیر هر تحلیل جامع است!

این واقعیت پرسش انسانی عمیق‌تری را مطرح می‌کند: مردم تهران چگونه احساس می‌کنند وقتی میان خشکسالی فزاینده، آلودگی مداوم و تهدید احتمالی تخلیه زندگی می‌کنند؟ یک شهروند چگونه میان زندگی روزمره و آگاهی از اینکه در مرکز مدیریت دولت زندگی می‌کند جایی که هر گام سیاسی و اقتصادی با دقت محاسبه می‌شود، تعادل برقرار می‌کند؟ در نهایت، پرسش این است که دولت تا چه حد می‌تواند میان تصمیمات سیاسی خود و نیازهای روزمره مردم توازن برقرار کند؟

و اگر بدترین سناریو را در نظر بگیریم، اجرای تخلیه کامل تهران شهری با ۹ تا ۱۰ میلیون جمعیت، موجب آوارگی عظیم، بحران پناهگاه، غذا و آب، و تهدید ثبات اجتماعی و روانی مردم خواهد شد. همزمان قلب اقتصاد ایران تقریباً از کار می‌افتد و فشارهای سنگینی بر حمل‌ونقل، انرژی و زیرساخت شهرهای مقصد ایجاد می‌شود، سناریویی که تنها با آمادگی‌های گسترده و بی‌سابقه از فاجعه کامل جلوگیری خواهد کرد.

نویسنده: ساهله الموشی

منبع: ایندپندنت عربی

ترجمه: کیهان لندن

جنبش دانشگاهی ایران پس از انقلاب؛ تفاوت‌های بنیادین با دوره پیش از انقلاب



دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - جنبش دانشگاهی در ایران از نیمه قرن بیستم تا امروز، همواره آینه از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور بوده است. اما انقلاب ۱۳۵۷ و تحولات پس از آن مسیر این جنبش را به‌طور بنیادی دگرگون ساخت؛ نه فقط از نظر محتوای مطالبات، بلکه در ساختار سازمانی دانشگاه‌ها، رابطه آن‌ها با دولت و شیوه‌های سرکوب و بازتولید ایدئولوژی. این نوشتار تحلیلی، سعی دارد تحول تاریخی، بحران‌ها، ظرفیت‌های بازتولید مقاومت و تفاوت‌های مهم میان دو دوره «پیش از انقلاب» و «پس از انقلاب» را به‌صورت فشرده و مستند بررسی کند.

۱. وضعیت دانشگاه پیش از انقلاب؛ عرصه نسبتاً باز نقد و تولید فکر

در دوره پهلوی (به ویژه دهه‌های ۱۳۳۰-۱۳۵۷) دانشگاه‌های بزرگ مانند دانشگاه تهران به تدریج تبدیل به کانون‌هایی برای شکل‌گیری و انتشار ایده‌های سیاسی و اجتماعی مخالف حکومت شدند. با وجود سرکوب‌سازی سیاسی در صحنه عمومی کشور، دانشگاه به‌عنوان فضای نیمه‌آزاد عمل می‌کرد و گروه‌های ملی‌گرا، چپ‌مارکسیست و جریان‌های اسلامی در آن هم‌زیستی و رقابت فکری داشتند. دانشگاه محل انجمن‌های علمی، مطبوعات دانشجویی و حلقه‌های نقد بود؛ بنابراین دانشگاه نقش جایگزین احزاب و سازمان‌های مدنی سرکوب‌شده را ایفا می‌کرد. این دوره با وجود محدودیت‌ها، از نظر تنوع فکری و تولید نظری، غنای قابل‌توجهی داشت.

۲. پاره‌پاره‌سازی و «انقلاب فرهنگی»؛ تغییر ساختاری بنیادین (۱۳۵۹-۱۳۶۲)

نخستین تغییر ساختاری و عمیق پس از انقلاب، تعطیلی سراسری دانشگاه‌ها و اجرای پروژه‌ای که بعدها «انقلاب فرهنگی» یا «پاک‌سازی نظام آموزش عالی» خوانده شد بود. دانشگاه‌ها برای مدتی طولانی تعطیل شدند، شمار زیادی از اساتید و دانشجویان حذف و از ورود بسیاری جلوگیری شد، و نظام‌گزينش و استخدام به‌گونه‌ای بازطراحی شد که وابستگی ایدئولوژیک و توصیه‌های سیاسی معیار شدند. پیامد این دوره، تضعیف نهادین‌شده استقلال دانشگاه، کاهش تنوع فکری در هیئت‌های علمی و ورود سازمان‌دهی‌شده نیروهای سیاسی موافق حکومت به عرصه آموزش عالی بود. این تغییرات ساختار آموزشی و محتوایی تولید دانش را برای دهه‌ها جهت‌مند کرد.

۳. بازگشایی و موج‌های کنترل ایدئولوژیک (دهه ۶۰ و ۷۰): رشد کمی در برابر کاهش کیفیت

پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، سیاست کلی حکومت تلفیقی از کنترل ایدئولوژیک و توسعه کمی آموزش عالی بود. در این دوره شاهد گسترش دانشگاه‌ها و تأسیس مؤسسات نوظهور (از جمله دانشگاه آزاد و مؤسسات پیام‌نور) هستیم که دسترسی به آموزش عالی را افزایش دادند، اما به‌همراه آن «آسیب کیفیتی»، تضعیف بخش‌های علوم انسانی و خروج بخش قابل‌توجهی از نخبگان نیز رخ داد. سیاست‌گزينشی در استخدام هیئت علمی و فضای امنیتی دانشگاه باعث شد تولید علمی به‌ویژه در حوزه‌های انتقادی تضعیف شود و دانشگاه در بسیاری موارد بدل به محلی برای بازتولید دیدگاه‌های رسمی گردد.

۴. بازگشت جنبش دانشجویی در قالب‌های موج‌دار: ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱
با وجود فشارها، دانشگاه به‌صورت دوره‌ای دوباره صحنه

بالا برند اما کیفیت همگن و استقلال علمی کاهش یافت. شیوه بسیج و تکنولوژی: نسل‌های جدید دانشجویان از ابزارهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای سازمان‌دهی و نشر مطالب استفاده کردند؛ این نکته باعث شد جنبش‌ها سریع‌تر و شبکه‌ای‌تر شوند، ولی هم‌زمان ابزارهای نظارتی و سرکوب نیز تکامل یافتند.

ظرفیت‌های پایداری و مسیرهای آینده

با وجود سال‌ها فشار و تلاش برای همگون‌سازی ایدئولوژیک، دانشگاه هنوز یکی از معدود مکان‌هایی است که در آن جریان‌های انتقادی، مطالبه‌گر و نواندیش پدید می‌آیند. علل مهم پایداری عبارت‌اند از:
نسل گسترده تحصیل‌کردگان جوان که نسبت به نسل‌های قبل سیاسی‌تر و شبکه‌ای‌تر هستند؛

ماهیت درونی دانشگاه به‌عنوان محل پرسشگری و نقد؛ پیوندهای بین نسلی (اساتید منتقدی که هنوز شبکه‌های فکری را حفظ کرده‌اند) و ارتباطات بین‌المللی علمی که مانع انزوای کامل دانشگاه می‌شود.

با این حال، مسیر آینده بستگی مستقیم به معادلات قدرت درون نظام، سیاست‌های آموزشی و فضای امنیتی-قضایی دارد. راه‌حل‌های اصلاحی پایدار نیازمند گسترش استقلال علمی، تضمین آزادی تشکله‌ها و بازگرداندن فرصت‌های برابر علمی هستند. تغییرات پس از انقلاب، دانشگاه ایران را از «کانون نسبی تنوع فکری» به نهادی که به‌طور سیستماتیک تحت فشار ایدئولوژیک و امنیتی قرار گرفته است، تبدیل کرد؛ اما هر بار که جامعه با بحران یا موجی از ناراضیاتی مواجه شده است، دانشگاه نقش خود را به‌عنوان موتور اعتراض مدنی بازیافته است.

بنابراین، خوانش دقیق جنبش دانشگاهی در ایران نیازمند توجه هم‌زمان به سطوح ساختاری (قوانین، گزينش، مؤسسات نوظهور) و سطح فرهنگی-سیاسی (نسل‌ها، تکنولوژی، مطالبات هویتی) است. جوانی جمعیتی ایران ونوزایش فکری نسل جوان، امید آن را می‌دهد که جنبش دانشگاهی نقش کلیدی در مبارزات ملت ایران و آینده آن ایفا کند.

اعتراض اجتماعی شد. مهم‌ترین نمونه‌ها عبارتند از:
اعتراضات تابستان ۱۳۷۸ (ژوئیه ۱۹۹۹) که با حمله به خوابگاه‌ها و واکنش گسترده دانشجویی همراه شد و به‌عنوان نقطه عطف نسل جدید دانشجویان یاد می‌شود. این شورش دانشجویی موجب بروز شبکه‌های اعتراضی در شهرهای مختلف شد و به نسلی که زیر دعوای سیاسی داخل نظام رشد کرده بود هویت داد.

نقش دانشگاه‌ها و جوانان تحصیل‌کرده در جنبش سبز ۱۳۸۸ که از دانشگاه تهران و مراکز آموزش عالی دیگر نیرو گرفت؛ حرکت‌هایی که ماهیت اعتراضی مدنی و خواهان اصلاحات سیاسی داشت و دانشگاهیان یکی از ستون‌های حمایتی آن به‌شمار می‌آمدند.

اعتراضات پس از قتل مهسا امینی (سپتامبر ۲۰۲۲ / شهریور ۱۴۰۱) که نشان داد دانشجویان و اساتید همچنان می‌توانند جرقه معترضان گسترده‌تر جامعه باشند؛ در این مرحله، کمپین‌ها، اعتصابات صنفی و تحصن‌های دانشگاهی نقش محوری در گسترش شعار «زن، زندگی، آزادی» ایفا کردند و دولت با واکنش سنگین، بازداشت‌ها و اخراج‌ها پاسخ داد. گزارش‌های بین‌المللی و مأموریت‌های حقیقت‌یاب سازمان‌های جهانی نیز نسبت به خشونت سرکوب هشدار دادند.

تفاوت‌های کلیدی میان دو دوره؛ خلاصه مقایسه‌ای

استقلال نهادی و تنوع فکری: پیش از انقلاب دانشگاه‌ها فضای نسبی برای تنوع فکری داشتند؛ پس از انقلاب، به‌ویژه در دوره انقلاب فرهنگی، این تنوع به‌طور سیستماتیک کاهش یافت و نهادها تحت کنترل ایدئولوژیک قرار گرفتند. نقش سیاسی دانشگاه: در هر دو دوره دانشگاه محل اعتراض بوده است، اما پیش از انقلاب دانشگاه عمداً علیه رژیم متمرکز سلطنتی فعالیت می‌کرد؛ پس از انقلاب، دانشگاه که‌گاه موتور اعتراض بوده اما معمولاً با سازوکارهای سرکوب، نفوذ نهادهای موازی (بسیج، نیروهای امنیتی) و محدودیت ساختاری روبه‌رو شده است.

سرمایه انسانی و کیفیت علمی: گسترش کمی پس از انقلاب همراه با خروج نخبگان و افت کیفیت در برخی رشته‌ها بود؛ دانشگاه‌های جدید توانستند پوشش آموزش را

دوران محمدرضا شاه؛ یک گام جلوتر از رخدادها

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)

شهریور ۱۳۳۹ روزنامه تایمز لندن در مقاله‌ای به بررسی چگونگی شرایط سیاسی و اقتصادی ایران پرداخت و نوشت: پیشرفت‌های شگفت‌انگیز در زمینه عمران و آبادی نه تنها در تهران بلکه در سایر شهرهای ایران به خوبی نشان می‌دهد که وضع ایران از سایر کشورهای منطقه به مراتب عالی‌تر است.

۱۳ شهریور ۱۳۳۹ مجله اکونومیست در مقاله‌ای نوشت: شاه ایران همیشه یک گام از جریان رخدادها

ویدئو



جلوتر است، او نشان داده که در نظر دارد به ناگواری پیوندهای ایران و شوروی پایان دهد و دگرگونی بزرگی آورد.

چالش‌ها در برابر فرصت‌ها

بزرگ‌ترین چالش: [حکومت] ایران، منبع اصلی هرج و مرج، ترور و جنگ علیه اسرائیل و منطقه. جنگ ۱۲ روزه رژیم جمهوری اسلامی را ضعیف و آسیب‌پذیر نشان داد، به گونه‌ای که قادر به حفاظت از تأسیسات یا مقامات ارشد خود نبود. همچنین فرصتی نادر برای سرنگونی دیکتاتوری اسلام‌گرا ایجاد کرد.

اقتصاد ایران روز به روز فرو می‌پاشد، فقر افزایش می‌یابد، نیروهای تحصیل‌کرده فرار می‌کنند و منابع آب در حال تمام شدن است. بله، به طور واقعی. مخازن یکی پس از دیگری بسته می‌شوند، شیرهای آب در مناطق وسیع خشک می‌شوند و ناآرامی‌ها افزایش می‌یابد. رژیم به شدت سرکوب می‌کند و اینترنت را برای کنترل اوضاع قطع می‌کند.

منابع اسرائیلی و واشنگتن، فروپاشی رژیم را در میان ناآرامی‌های مدنی قابل تحقق می‌دانند. این می‌تواند وضعیت امنیتی و راهبردی اسرائیل را تغییر دهد و بزرگ‌ترین تهدید موجودیت آن را از میان ببرد. علاوه بر این، بودجه حزب‌الله، حوثی‌ها، حماس و دیگر گروه‌های تروریستی تحت حمایت ایران را کاهش می‌دهد. فرصت‌ها شامل عربستان سعودی و دیگر کشورهاست.

روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد که دیدار محمد بن‌سلیمان، ولیعهد سعودی، با دونالد ترامپ در کاخ سفید توانست انتظارات شروع روند عادی‌سازی را برآورده کند. با این حال، همه می‌دانند که این روند به‌زودی آغاز می‌شود، احتمالاً پس از جنگ. تماس‌ها برای جزئیات مانند عبور پروازها از فضای عربستان، توافقات تجاری، امنیتی و سایرین با سعودی‌ها، مستقیم و غیرمستقیم در جریان است.

اشاره نتانیاهو به پیشرفت «زیر راداری»؟ کاملاً ممکن است - شاید در حال طراحی توافقی باشد که به بن‌سلیمان امکان دهد در مقابل خواسته‌هایش پیروزی اعلام کند، در عوض دریافت جنگنده‌های F-35 یا حتی یک راکتور هسته‌ای آمریکایی. یک توافق یا مذاکرات عادی‌سازی با عربستان، پیروزی بزرگی برای اسرائیل و نتانیاهو خواهد بود و سایر کشورها را به «پیمان ابراهیم» جذب می‌کند، روابط با اسرائیل، پیمان‌های تجاری و پیشرفت واقعی در حل بحران فلسطین. محتوای ضمنی در نامه نتانیاهو این است که او قادر است این دستاوردهای راهبردی را به‌دست آورد، یا دقیق‌تر بگوییم، تنها او می‌تواند.

نتانیاهو این موضوع را در درخواست عفو از رئیس‌جمهور اسحاق هرتزوک مطرح کرد و افزود که در ماه‌های آینده، تحولات خارق‌العاده‌ای در خاورمیانه مورد انتظار است. «اسرائیل هیوم» همچنین با اشاره به روند پیش‌برنده توافق عادی‌سازی و همکاری‌های احتمالی میان اسرائیل و عربستان سعودی و فرصت‌ها و دستاوردهای موجود در این مسیر نوشت: «پیام ضمنی در نامه نتانیاهو این است که او می‌تواند این دستاوردهای راهبردی را محقق کند - یا دقیق‌تر



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل

بگوییم: تنها او قادر است.»

برخی از این تحولات همین حالا در حال وقوع‌اند. تفاهم‌هایی که بین ایالات متحده، اسرائیل، کشورهای عربی و دیگران شکل می‌گیرد، نیازمند آمادگی جدی، فعالیت دیپلماتیک و امنیتی و توجه مداوم است. در حال حاضر، اسرائیل با حمایت آمریکا، در تلاش برای دستیابی به توافق بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ غزه است، از جمله خلع سلاح حماس، غیرنظامی‌سازی نوار غزه و در نهایت گسترش توافقات صلح.

این مسائل غیرواقعی نیستند؛ بیش از دو سال از آغاز جنگ با کشتار هفتم اکتبر می‌گذرد. خاورمیانه خود را برای تغییرات چشمگیر آماده می‌کند و اسرائیل نقش اصلی را، مستقیم یا غیرمستقیم با پشتیبانی یا همراهی آمریکا ایفا می‌کند.

اسرائیل هیوم:

درخواست عفو

نتانیاهو نشانه‌هایی از

احتمال سقوط رژیم

ایران دارد

● روزنامه «اسرائیل هیوم» نامه رسمی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، به رئیس‌جمهوری این کشور برای درخواست عفو خود در پرونده «فساد» را مرتبط با مسئله ایران می‌داند. این روزنامه می‌نویسد احتمالاً این نامه نشانه‌هایی از تحولات احتمالی پشت‌پرده مرتبط با سرنگونی جمهوری اسلامی است.

● در این گزارش که اول دسامبر (۱۰ آذرماه) منتشر شد به نقل از منابع اسرائیلی و آمریکایی آمده، «منابع اسرائیلی و آمریکایی فروپاشی رژیم ایران را در میان ناآرامی‌های مردمی قابل‌تصور می‌دانند؛ رخدادی که می‌تواند وضعیت امنیتی و راهبردی اسرائیل را دگرگون کرده و بزرگ‌ترین تهدید موجودیتی آن را برطرف کند.»

روزنامه «اسرائیل هیوم» نامه رسمی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، به رئیس‌جمهوری این کشور برای درخواست عفو خود در پرونده «فساد» را مرتبط با مسئله ایران می‌داند. این روزنامه می‌نویسد احتمالاً این نامه نشانه‌هایی از تحولات احتمالی پشت‌پرده مرتبط با سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در این گزارش که اول دسامبر (۱۰ آذرماه) منتشر شد به نقل از منابع اسرائیلی و آمریکایی آمده، «منابع اسرائیلی و آمریکایی فروپاشی رژیم ایران را در میان ناآرامی‌های مردمی قابل‌تصور می‌دانند؛ رخدادی که می‌تواند وضعیت امنیتی و راهبردی اسرائیل را دگرگون کرده و بزرگ‌ترین تهدید موجودیتی آن را برطرف کند.»

اعلام کردند دو نفتکش را با پهپادهای دریایی در دریای سیاه هدف قرار دادند و مسئولیت حمله را پذیرفتند. در همین حال خبرگزاری رویترز گزارش داد پس از حمله به نفتکشها در دریای سیاه هزینه حمل کالا از طریق این آبراه افزایش یافت. به گفته منابع صنعت کشتیرانی ترس از حملات بیشتر سبب بالا رفتن هزینه بیمه «ریسک جنگ» شده است.

دریای سیاه برای حملونقل غلات، نفت و فرآوردههای نفتی اهمیت حیاتی دارد. آبهای آن میان بلغارستان، گرجستان، رومانی و ترکیه، و همچنین روسیه و اوکراین مشترک است.

منابع کشتیرانی و بیمه گفتند که نرخ بیمه ریسک جنگ برای یک دوره معمولی هفت روزه، که توسط بیمهگران به صورت جداگانه و بر اساس ارزش کشتی تعیین می شود، برای سفر به بنادر اوکراین از ۴/۰ درصد در هفته گذشته به ۵/۰ افزایش یافته است.

بیمه ریسک جنگ برای بنادر روسیه در دریای سیاه نیز که معمولاً بالاتر است بین ۵/۰ تا ۸/۰ درصد اعلام شد.

به گفته یک مقام سرویس امنیتی اوکراین، دو نفتکش مورد حمله - که تحت تحریمهای غرب بودند - در حالی هدف پهپادهای دریایی قرار گرفتند که خالی بودند و به سمت نووراسیپسک، یکی از پایانههای بزرگ نفتی روسیه در دریای سیاه، حرکت می کردند.

مانرو اندرسون، رئیس عملیات شرکت بیمه ریسک جنگ دریایی «وسل پروتکت»، گفت این حوادث نشان دهنده کارزار اوکراین برای محدود کردن درآمد نفتی روسیه است و این موضوع «برداشت بیمهگران از قصد و توانایی» طرفها را شکل می دهد.



اصابت شهاب (قایق انفجاری) به کشتی روس در دریای سیاه

او افزود: «نرخها مطابق با این ارزیابی افزایش یافته اند. برای سفر به بنادر روسیه، بیمهگران دامنه گسترده تری از نقاط احتمالی حمله و احتمال تکرار آن را در نظر می گیرند.» «با افزایش فعالیت اوکراین، احتمال اقدام متقابل روسیه نیز بالا می رود. این موضوع شیب ریسک را برای هر دو مسیر به شکلی برابرتر نسبت به گذشته تغییر می دهد.»

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه روز دوشنبه گفت حمله به کشتیهای تجاری در دریای سیاه غیرقابل قبول است و به «تمام طرفهای مرتبط» هشدار داد.

آندری ریژنکو، تحلیلگر دریایی و معاون پیشین ستاد نیروی دریایی اوکراین، گفت که این آخرین حوادث، نخستین حملات به کشتیهای غیرنظامی و با پرچم غیرروسی در آبهای بین المللی بوده است.

سومین کشتی روس در دریای سیاه مورد اصابت قرار گرفت؛ رویترز: «خطر جنگ» نرخ بیمه کشتیها و حمل بار را افزایش داد

● رسانه های ترکیه روز سه شنبه ۲ دسامبر (۱۱ آذرماه) گزارش دادند یک کشتی در دریای سیاه هدف حمله قرار گرفته است. این کشتی در زمان حادثه از روسیه به سوی گرجستان در حرکت بود. جزئیات بیشتری درباره نوع حمله و میزان خسارت تاکنون منتشر نشده است.

● شامگاه جمعه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ دو نفتکش دیگر که بخشی از ناوگان سایه روسیه هستند، در دریای سیاه هدف قرار گرفته و آتش گرفتند. منابع اوکراینی با انتشار ویدیوهایی از عملیات هدفگیری این دو کشتی اعلام کردند که اوکراین پشت این حملات بود. اندکی بعد مقامات امنیتی اوکراین اعلام کردند دو نفتکش را با پهپادهای

دریایی در دریای سیاه هدف قرار دادند و مسئولیت حمله را پذیرفتند.

رسانه های ترکیه روز سه شنبه ۲ دسامبر (۱۱ آذرماه) گزارش دادند یک کشتی در دریای سیاه هدف حمله قرار گرفته است. این کشتی در زمان حادثه از روسیه به سوی گرجستان در حرکت بود. جزئیات بیشتری درباره نوع حمله و میزان خسارت تاکنون منتشر نشده است.

شامگاه جمعه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ دو نفتکش دیگر که بخشی از ناوگان سایه روسیه هستند، در دریای سیاه هدف قرار گرفته و آتش گرفتند. منابع اوکراینی با انتشار ویدیوهایی از عملیات هدفگیری این دو کشتی اعلام کردند که اوکراین پشت این حملات بود. اندکی بعد مقامات امنیتی اوکراین

رزمایش سپاه پاسداران در آذربایجان شرقی با همکاری کشورهای عضو شانگهای

● حدود ۴۸ ساعت پس از عملیات رزمی سپاه پاسداران و ارتش در مرزهای غربی ایران با اقلیم کردستان عراق، نیروی زمینی سپاه اعلام کرد که میزبان رزمایش ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» خواهد بود که با مشارکت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در منطقه آذربایجان شرقی برگزار می شود.

● سرهنگ پاسدار شهرام عسکریان معاون روابط عمومی نیروی زمینی سپاه می گوید، «رزمایش سهند که به استناد ابلاغ ستادکل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعامل و همکاری وزارت خارجه و کمیته اجرایی ضدتروریسم سازمان همکاری شانگهای طراحی شده، از اهمیت راهبردی ویژه ای برخوردار است.»

حدود ۴۸ ساعت پس از عملیات رزمی سپاه پاسداران و ارتش در مرزهای غربی ایران با اقلیم کردستان عراق، نیروی زمینی سپاه اعلام کرد که میزبان رزمایش ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» خواهد بود که با مشارکت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در منطقه آذربایجان شرقی برگزار می شود. خبرگزاری «تسنیم» گزارش داد این عملیات از روز دوشنبه ۱۰ آذرماه ۱۴۰۴ در منطقه عملیاتی تیپ مکانیزه «امام زمان» شهرستان شبرستان آغاز خواهد شد.

سرهنگ پاسدار شهرام عسکریان معاون روابط عمومی نیروی زمینی سپاه می گوید، «رزمایش سهند که به استناد ابلاغ ستادکل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعامل و همکاری وزارت خارجه و کمیته اجرایی ضدتروریسم سازمان همکاری شانگهای طراحی شده، از اهمیت راهبردی ویژه ای برخوردار است.»

جزئیات بیشتری از این رزمایش منتشر نشده است اما شهروندان در شبکه های اجتماعی ویدیوهایی از نقل و انتقال تجهیزات و ادوات نظامی در جاده های مناطق غربی و شمال غربی ایران منتشر کردند. مشخص نیست کدام کشورهای عضو شانگهای در این رزمایش مشارکت دارند. چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان از اعضای شانگهای هستند.

سپاه پاسداران همزمان در برخی مناطق ایران در حال تست سامانه های پدافندی است. در همین ارتباط روابط عمومی منطقه سوم دریایی سپاه پاسداران در ماهشهر اعلام کرده عملیات تست سامانه های پدافندی تا چهارشنبه ۱۲ آذرماه ادامه خواهد داشت و امکان شلیک این سامانه ها وجود دارد. سپاه از مردم خواسته از مراحل تست این سامانه ها عکس و فیلم تهیه و منتشر نکنند.

خامنه‌ای و انکار گفتگو با آمریکا



● سیگنال‌های جدید رژیم ایران از لبنان، عراق و یمن، نگاه جمهوری اسلامی به نقش بازوهایش در مرحله آینده را آشکار می‌کند.

● نبرد تهران با آتش‌بسی که رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ آن را تحمیل کرد پایان یافت؛ نبرد لبنان با توافقی تحمیلی که «حزب‌الله» پذیرفت خاتمه گرفت؛ جنگ غزه نیز با تصویب طرح ترامپ به پایان رسید؛ و در همین میان، رژیم اسد در سوریه سقوط کرد و جمهوری اسلامی از سرزمین شام بیرون رانده شد.

پهانه‌جویی و توجیه‌های «حزب‌الله» در لبنان برای چسبیدن به سلاح و سازمان نظامی‌اش میان دو سقف در نوسان است: سقفی آشکار که همان مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل است، و سقفی پنهان که بر دفاع از مذهب و چیرگی بر فرزندان طوایف و مذاهب دیگر استوار است؛ آن هم در کشوری مثل لبنان که ساختار نظامش بر توازنی دقیق میان گروه‌های متعدد و نظامی پارلمانی-دموکراتیک بنا شده است.

اما این دو سقف بر یک ستون واحد استوارند: بدون رژیم جمهوری اسلامی در تهران، حزب پایان می‌یابد و هیچ یک از گفت‌وگوهای که بر آن تکیه می‌کند دیگر ارزشی نخواهد داشت.

ایران خمینی که این حزب را ایجاد کرد، تأمین مالی نمود، نیروهایش را آموزش داد و آن را مسلح کرد، همان مرجعی است که نقش‌ها و مأموریت‌هایی را که باید انجام دهد تعیین می‌کند؛ چه در «مقابله با اسرائیل» و متحد کردن «عرصه‌ها» در برابر آن، چه در رویارویی با عرب‌ها، دولت‌هایشان و نظام‌هایشان، و کشاندن جنگ‌ها به منابر و میدان‌ها، زیر چتری از تهدیدهای بی‌پایان علیه آمریکایی‌ها مبنی بر اخراج آنان از «غرب آسیا» و این تهدیدها پیشتر از زبان حسن نصر الله دبیرکل پیشین «حزب‌الله» که به دست اسرائیل کشته شد، خارج می‌شد زمانی که گفت آمریکایی‌ها اگر «عمودی بیایند، افقی بازگردانده خواهند شد».

جمهوری اسلامی یک بار خود و پیروانش را به لحظه آزمون رساند؛ نبرد غزه جرقه‌ای بود که سال‌ها آماده‌سازی و شعارهای حذف «کیان صهیونیستی» را منفجر کرد. حمله غزه، گفت‌وگو و طرح‌های جمهوری اسلامی را در میدان آزمایش قرار داد؛ «حماس» وارد نبردی شد که «حزب‌الله» نیز به‌زودی و همراه با حوثی‌های یمن و «حشد» عراق به آن خواهد پیوست. اسرائیل به سرعت حمایت بین‌المللی نامحدودی را جلب کرد که توان آن برای ویران‌سازی غزه و سپس حرکت به سمت «ناپودی» دیگر مخالفانش را دوچندان ساخت.

در لبنان توانمندی‌های اساسی «حزب‌الله» ناپود شد؛ در یمن حکومت حوثی پس از مجموعه‌ای از ضربات مرگبار فروپاشید؛ و در عراق، جایی که نفوذ جمهوری اسلامی برجسته است، فرماندهان شبه‌نظامیان به هدایت رهبرانشان فهمیدند که باید زود عقب‌نشینی کنند. سپس ضربه بزرگ در حمله اسرائیل به تهران فرود آمد و فرماندهان سپاه کشته شدند و سپس با حمله آمریکا و هم‌ارانش مهم‌ترین سایت هسته‌ای در فردو، تکمیل شد.

نبرد تهران با آتش‌بسی که ترامپ آن را مقرر کرد پایان یافت، نبرد لبنان با توافقی تسلیم‌گونه‌ی حزب‌الله پایان یافت، و جنگ غزه با تصویب طرح ترامپ مختومه شد، و هم‌زمان،

موضعش در لبنان همخوان است: در لبنان نیز جمهوری اسلامی بر سلاح «حزب‌الله» که عملاً علیه اسرائیل به کار نمی‌رود پافشاری می‌کند، تا از این طریق سیطره‌اش بر کشور را تضمین کند؛ حتی در انتخابات آتی که انتظار نمی‌رود تعادل سیاسی را بر هم بزند، زیرا سلاح در دست نیروی رأی‌دهنده‌ی وفادار به رژیم ایران است.

از همین منظر، نه از منظر تحریک حزب‌الله به آغاز جنگ با اسرائیل، باید اظهارات مقام‌های ایرانی در حمایت از حزب الله و تهدیدات سنگین آنان را فهمید؛ این اظهارات شاید برگ‌های جمهوری اسلامی در مذاکره با آمریکا و اسرائیل را تقویت کند، اما در عمل یک مأموریت دارد: تضعیف بیشتر دولت ملی لبنان و تثبیت قدرت دولت وابسته به تهران در دولت ملی لبنان دقیقاً مانند عراق و یمن.

تمامی مسئولان رژیم تهران در تمجید از ضرورت وجود شبه‌نظامیان ولی‌فقیه در لبنان سخن گفتند. آخرین نفر، علی ولایتی مشاور نزدیک رهبر، بود که به تفصیل درباره مأموریت‌های این شبه‌نظامیان و مسئولیت جمهوری اسلامی در قبال آنها سخن گفت.

ولایتی تأکید کرد که تهران از گزینه حمایت از «حزب‌الله» دست نخواهد کشید و خلع سلاح آن را «فاجعه‌بار» دانست. او تصریح کرد که «وجود حزب‌الله برای لبنان مهم‌تر از نان روزانه شده است» و افزود جمهوری اسلامی همچنان از «حزب‌الله و جبهه مقاومت» حمایت خواهد کرد.

این اظهارات خشم گسترده‌ای را در بالاترین سطوح لبنان برانگیخت و عمق مداخلات رژیم تهران در این کشور و موانعی را که در برابر بازگشت به زندگی طبیعی، توقف حملات اسرائیلی و ساخت نهادهای قانونی و حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی ایجاد می‌کند آشکار ساخت.

اما امید به مهار این مداخلات اندک است؛ در سایه وحشتی که لبنانی‌ها میان خطر جنگ اسرائیلی و تهدید جنگ داخلی ناشی از فشار جمهوری اسلامی تجربه می‌کنند، و در حالی که موازنه قدرت داخلی تغییر نکرده و «حزب‌الله» همچنان دولت را به چالش می‌کشد، انتظار یافتن راه‌حل دشوار است. وضعیت موجود تا حد زیادی نتیجه نیاز جمهوری

رژیم اسد درسوریه که مهمترین حلقه ارتباط تهران به لبنان و جهان عرب بود، سقوط کرد و رژیم ایران از سرزمین شام به شکل فجیع طرد شد.

هیچ توافق اسرائیلی-ایرانی شکل نگرفت، و رژیم ایران «زخمی و فرسوده» در برابر شروط سه‌گانه آمریکا یعنی توقف غنی‌سازی، مهار برنامه موشکی، و قطع حمایت از شبه‌نظامیان وابسته در منطقه قرار گرفت که تاکنون پاسخ تسلیم را نداده است.

روابط جمهوری اسلامی و آمریکا همچنان بر ریسمان اسرائیل آویزان مانده است، و با اینکه تهران بارها از آمادگی برای بازگشت به مذاکره سخن گفت و واسطه‌های عرب نیز کوشیدند گفتگوی بین‌المللی-ایرانی را احیا کنند، اما جمهوری اسلامی همچنان بر عناصر قدرت مورد ادعایش «غنی‌سازی، موشک‌ها و شبه‌نظامیان» پافشاری می‌کند.

رژیم ایران می‌داند که پذیرش مذاکره بر سر این سه بند، موجی از اعتراضات داخلی را برخواهد انگیزد که شاید به سقوط نظام بیانجامد؛ در شرایطی که اوضاع اقتصادی و معیشتی روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. جمهوری اسلامی از فرصت آتش‌بس برقرار از ۲۵ ژوئن گذشته بهره می‌گیرد تا توان نظامی داخلی و منطقه‌ای‌اش را ترمیم کند و در عین حال سطح چالش را در برابر آمریکایی‌ها بالا ببرد، بی‌آنکه این امر به معنای بازگشت حتمی به پیش از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ باشد؛ چرا که نبرد با اسرائیل بسیار پرهزینه بود.

اوج‌گیری تنش رژیم تهران در سخنان رهبر نظام علی خامنه‌ای دیده می‌شود؛ آنجا که قاطعانه می‌گوید هیچ مذاکره و هیچ پیمانی با آمریکا وجود ندارد. نمایندگان او نیز در مسیرهای متفاوت، ولی با ماهیتی مشابه، به شبه‌نظامیان محور دستورالعمل می‌دهند. در عراق، تهران کوشید نامزد‌هایش را در قالب بزرگ‌ترین ائتلاف پارلمانی به پیروزی برساند و رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی پس از اعلام نتایج انتخابات عراق، آشکارا خواستار تسلط کامل فرقه‌ای بر قدرت و پایان مشارکت دیگر گروه‌ها شدند.

دیگر نبرد با اسرائیل عنوان اصلی تلاش جمهوری اسلامی برای چیرگی بر عراق نیست، و موضع تهران در آنجا با

روسیه از شهروندان خود خواست در سفر به ایران از عکاسی خودداری کنند



ساختمان سفارت روسیه در تهران

از سوی مقامات ایرانی پیش‌بینی شده بود. حکومت ایران به ویژه بعد از جنگ ۱۲ روزه قوانین سخت‌گیرانه‌ای درباره عکاسی به‌ویژه در نزدیکی ساختمان‌های دولتی، تأسیسات نظامی، زیرساخت‌ها و برخی اماکن عمومی اعمال کرد. برخی از این اماکن فاصله بسیار نزدیکی با بناهای تاریخی دارند. تا پیش از انتشار این پیام سفارت در شبکه‌های اجتماعی، هیچ گزارشی از وقوع حادثه‌ای منتشر نشده بود؛ با این حال رسانه‌های مستقر در مسکو پس از آن پرس‌وجو کردند که آیا اتفاقی رخ داده است یا خیر.

ورود گردشگران روس به ایران افزایش یافته است، زیرا مقاصد سنتی اروپایی پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، به دلیل محدودیت‌های ویزا و بسته‌شدن مسیرهای پروازی کمتر در دسترس قرار دارند.

اتحادیه صنعت گردشگری روسیه (RST) اعلام کرد هشدار سفارت احتمالاً مربوط به زیرساخت‌های نظامی و راهبردی است و نه جاذبه‌های عمومی گردشگری هرچند این موضوع را تأیید نکرد. آرتور عبدیوقانوف، رئیس بخش رسانه‌ای RST، گفت پیام سفارت احتمالاً ماهیت توصیه‌ای دارد و بیشتر بر زیرساخت‌های خاص یا ساختمان‌های نظامی متمرکز می‌کند. او خاطرنشان کرد که چنین محدودیت‌هایی در منطقه امری رایج امنیتی است.

او گفت: «به احتمال زیاد این ممنوعیت تنها مربوط به اماکن دارای زیرساخت‌های ویژه است، اما برای گردشگران مستقل، مکان‌های تاریخی یا طبیعی اولویت دارند. عکاسی از طبیعت در جایی که هیچ سازه‌ای وجود ندارد، احتمالاً همچنان مجاز است.»

او افزود که اتحادیه هنوز نمی‌تواند این فرضیات را به‌طور رسمی تأیید یا رد کند.

وزارت توسعه اقتصادی روسیه خردادماه راهنمایی صادر کرده بود که در آن به گردشگران و توراپراتورهای روس توصیه شده بود به دلیل وضعیت امنیتی، از سفر به ایران و اسرائیل خودداری کنند. این توصیه تا ۳ دسامبر همچنان معتبر است.

● سفارت روسیه در تهران با انتشار یک اطلاعیه به شهروندان خود هشدار داد از عکاسی در جریان سفرشان به ایران خودداری کنند. این سفارتخانه همچنین تأکید کرد شهروندانش «به‌طور دقیق از قوانین محلی پیروی کنند و احتیاط و دقت لازم را به‌خرج دهند».

● در این اطلاعیه که سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) رسانه‌ای شد آمده، «به‌منظور جلوگیری از حوادث ناخواسته و تخلفات غیرعمد، به شهروندان روسیه اکیداً توصیه می‌شود هنگام سفر به جمهوری اسلامی ایران از گرفتن عکس و فیلم خودداری کنند».

● حکومت ایران به ویژه بعد از جنگ ۱۲ روزه قوانین سخت‌گیرانه‌ای درباره عکاسی به‌ویژه در نزدیکی ساختمان‌های دولتی، تأسیسات نظامی، زیرساخت‌ها و برخی اماکن عمومی اعمال کرد.

سفارت روسیه در تهران با انتشار یک اطلاعیه به شهروندان خود هشدار داد از عکاسی در جریان سفرشان به ایران خودداری کنند. این سفارتخانه همچنین تأکید کرد شهروندانش «به‌طور دقیق از قوانین محلی پیروی کنند و احتیاط و دقت لازم را به‌خرج دهند».

در این اطلاعیه که سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) رسانه‌ای شد آمده، «به‌منظور جلوگیری از حوادث ناخواسته و تخلفات غیرعمد، به شهروندان روسیه اکیداً توصیه می‌شود هنگام سفر به جمهوری اسلامی ایران از گرفتن عکس و فیلم خودداری کنند».

این هشدار در حالی صادر می‌شود که رفت‌وآمد میان روسیه و ایران پس از اعمال تحریم‌های غرب علیه هر دو کشور افزایش یافته است و جمهوری اسلامی طی سال‌های اخیر برای جذب گردشگران بیشتر از روسیه تلاش کرده تا درآمدهای گردشگری خود را تقویت کند.

مقام‌های روسی و مسئولان گردشگری ایران اعلام کرده‌اند که تعداد ورود گردشگران روس به ایران در سال ۲۰۲۴ در حد «ده‌ها هزار نفر» بوده و برآوردها رقمی حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر را نشان می‌دهد نه صدها هزار نفری که در ابتدا

→ اسلامی به حفاظت از نظام و رهبرش است؛ و لبنان در استراتژی تهران سنگری پیش‌روی برای دفاع از این نظام است؛ چه در جنگ، چه در مذاکره.

تنش و ترس در میان رهبر جمهوری اسلامی اخیراً به اوج رسیده است. اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات ایران، به صراحت گفته «دشمن در پی قتل رهبر انقلاب است» و حمله علیه ایران شامل «حملات سایبری، تلاش برای ایجاد ناآرامی اجتماعی و جنگ روانی» است. او افزود خامنه‌ای «ستون و محور» جمهوری اسلامی است و دشمن گاهی با ترور و گاهی با حملاتی از داخل کشور می‌کوشد رهبری را هدف قرار دهد.

روزنامه روسی «ایزوستیا» نیز این هفته در مقاله‌ای از نگرانی‌های تازه تهران نوشت؛ از جمله اینکه کشور با خشکسالی بی‌سابقه در ۶۰ سال اخیر روبروست، و علاوه بر بحران آب، از احتمال وقوع جنگی تازه با اسرائیل بیمناک است. رسانه‌ها گزارش داده‌اند که تل‌آویو آماده تکرار جنگ علیه تهران است. روزنامه روسی اشاره کرد که مقامات اسرائیلی از گزارش‌هایی درباره بازایی توان موشکی جمهوری اسلامی و تلاش آن برای مسلح‌سازی دوباره متحدانش، به ویژه «حزب‌الله»، ناخشنودند.

آنچه روزنامه روسی نوشت و مسئولان جمهوری اسلامی به روشنی به آن اذعان دارند دلیل تنش گفتار رژیم تهران در اصرار بر «حزب‌الله لبنان» و «حشد الشعبی عراق» است؛ و اینکه سخنان خامنه‌ای بیش از آنکه خطاب به آمریکا باشد، خطاب به داخل ایران است.

در برابر پافشاری آمریکا بر شروطش برای مذاکره و آماده‌سازی‌های اسرائیل برای ازسرگیری جنگ، خامنه‌ای شتابان کوشید انسجام داخلی نیروهایش و آرامش محور مقاومت را حفظ کند؛ او اکنون هرگونه تماس با آمریکا را انکار کرد. خامنه‌ای گفت: «شایعه کرده‌اند که ایران از طریق کشوری پیمای به آمریکا فرستاده است؛ این کاملاً دروغ است. چنین چیزی اصلاً وجود ندارد».

خامنه‌ای افزود: «آمریکایی‌ها حتی به دوستان خود خیانت می‌کنند. از رژیم صهیونیستی جنایتکار حمایت می‌کنند؛ برای نفت و معادن حاضرند هر جنگی را شعله‌ور کنند. امروز این گرایش به آمریکای لاتین هم رسیده است و شایسته نیست جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد رابطه یا همکاری با چنین کشوری باشد.»

رهبر جمهوری اسلامی خطاب‌هایی هم به همسایگان داشت و از وضعیت ونزوئلا برای توجیه موضع قاطعش علیه آمریکا استفاده کرد؛ پس از آنکه پیش‌تر اجازه برخی گفتگوها را داده بود که نتیجه‌ای مطابق میل‌اش نداشت. او همزمان تلاش‌های رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان و تماس‌های وزیر خارجه‌اش عباس عراقچی درباره آمادگی برای مذاکره را نیز نفی کرد؛ امری که نشان می‌دهد موضع آمریکا تغییری نکرده و جمهوری اسلامی نتوانسته از شروط سه‌گانه‌ای که پیش از جنگ ژوئن به تهران ابلاغ شده بود خود را رها کند.

در چنین فضای، پزشکیان چاره‌ای جز متمرکز بر مشکلات آب و محیط زیست پایتخت ندارد، و این مشاوران رهبر در امور راهبردی و نظامی‌اند که به صحنه می‌آیند و از حمایت «حزب‌الله» و «حشد الشعبی» و هر کس که لازم باشد برای آزار ترامپ و طرح‌هایش سخن می‌گویند و هزینه بیشتری بر همسایگان عرب تحمیل می‌کنند.

نویسنده: تونی فرانسیس
منبع: ایندپندنت عربی
ترجمه: کیهان لندن

اسلام‌گرایی ۵۷؛ معامله دو سر باخت برای غرب

● فرد صابری در مقاله‌ای با عنوان «اسلام‌گرایی ۵۷؛ معامله دو سر باخت برای غرب» می‌نویسد اروپایی‌ها نباید به بهانه «خلاء قدرت» یا «هرج و مرج» از تغییر در ایران فرار کنند.

● «نگاهی به همسایگان ایران نشان می‌دهد؛ کمتر از پنج دهه‌ی گذشته، امارات، قطر و حتی عربستان سعودی روستاهایی با چند صد هزار نفر جمعیت بودند. امروز دبی آسمان را می‌شکافت، قطر جام جهانی برگزار کرد و ریاض در حال تبدیل شدن به هاب مالی منطقه است. هیچ‌کدام با سلاح هسته‌ای یا موشک بالستیک به این جایگاه نرسیدند؛ با ثبات سیاسی، جذب سرمایه خارجی، باز کردن درها به جهان و احترام به حقوق اولیه شهروندان رسیدند».

● «ایران اما در همین مدت از کشوری که بزرگ‌ترین پالایشگاه خاورمیانه (آبادان) را داشت، دانشگاه پهلوی با ام‌آی‌تی رقابت می‌کرد و زنانش آزادانه درس می‌خواندند و کار می‌کردند؛ به جایی رسید که جوانانش برای یک ویزای شنگن صف می‌کشند، بنزین را لیتر لیتر می‌زنند و دخترانش به خاطر روسری به زندان می‌روند. این عقب‌ماندگی تصادفی نیست؛ نتیجه مستقیم همان معامله ۱۹۷۹ است که غرب با اسلام‌گرایان کرد و هنوز هم از ترس «بدتر شدن اوضاع» ادامه می‌دهد».

● «غرب دیگر نباید بترسد. نباید به بهانه خلاء قدرت یا هرج و مرج از تغییر در ایران فرار کند. تجربه سقوط دیوار برلین، انقلاب چکسلواکی، اتحاد مجدد آلمان و دموکراتیزه شدن کره جنوبی نشان داد که وقتی مردم یک کشور تصمیم به تغییر گرفته‌اند، هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد - مگر با سرکوب خونین که هزینه‌اش برای همه بسیار گران‌تر است».

فرد صابری - در سال ۱۹۷۹، وقتی اسلام‌گرایان در ایران روی کار آمدند، غربی‌ها در بن‌بستی قرار گرفتند که منافع بلندمدت آن‌ها را قربانی مطامع کوتاه مدت نمود. آن‌ها راه سومی نداشتند؛ ملایان را در ایران به‌عنوان اشغالگر پذیرفتند و به رسمیت شناختند.

در خیابان‌های تهران دو نیروی اصلی اسلام‌گرایان رادیکال و چپ‌های مارکسیست از فدائیان خلق تا حزب توده با نعردهای ضد‌آمریکایی و امپریالیسم‌ستیزی در کنار هم با خمینی بیعت کردند.

کشورهای غربی که راه را برای روح‌الله خمینی و رفقا باز کرده و فرش قرمز پهن کرده بودند، به‌عنوان تسهیل‌کنندگان هجوم اسلام‌گرایان به ایران، در صف اول نمازجماعت (نمایش اشغالگری شرعی اسلام‌گرایان) در تهران شرکت کردند اما خیلی زود زانو زدند زیرا اتفاقات ناگواری روی داد، اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری دیپلمات‌ها، اولین هدیه‌ی غرب‌ستیزی خمینیسیم به حامیان غربی این تفکر ویرانگر بود.

این رخداد عجیب اتفاقی نبود بلکه، می‌توان آن را «معامله جنگ سرد» نامید. در آن دوران غربی‌ها اسلام‌گرایان را اهرمی مناسب علیه شوروی می‌دانستند در حالیکه کاملاً می‌دانستند طرفداران چپ مسکو همراه با طیف‌های مختلف ضد تمدن غرب نیز در زیر پرچم خمینی سینه می‌زنند.

چندان طول نکشید که پیامدهای شکست سیاست غرب در همراهی و حمایت از فاجعه‌ی خمینی در ابعاد مختلف خود را نشان داد. آن‌ها همه چیز را باخته بودند؛ هم سیاست



بازگشت روح‌الله خمینی به ایران با پرواز «ایر فرانس» / بهمن ۱۳۵۷

آزادی سیاسی و اجتماعی هزینه می‌دهد؛ نه آرزوی خلافت اسلامی دارد، نه رویای سوسیالیسم قرن بیستم. آن‌ها فقط می‌خواهند مثل بقیه دنیا زندگی کند و به جهان آزاد بپیوندد؛ اینترنت آزاد، پاسپورت معتبر، دانشگاه بدون حجاب اجباری، اقتصاد بدون تحریم، امنیت بدون «گشت ارشاد» و پلیس شریعت و حقوق فردی می‌خواهد. این کمترین خواسته‌ای است که یک ملت پس از نیم قرن سرکوب و عقب‌ماندگی می‌تواند داشته باشد که در ایران به نسل وی یا پیروزی مشهور شده است.

نگاهی به همسایگان ایران نشان می‌دهد؛ کمتر از پنج دهه‌ی گذشته، امارات، قطر و حتی عربستان سعودی روستاهایی با چند صد هزار نفر جمعیت بودند. امروز دبی آسمان را می‌شکافت، قطر جام جهانی برگزار کرد و ریاض در حال تبدیل شدن به هاب مالی منطقه است. هیچ‌کدام با سلاح هسته‌ای یا موشک بالستیک به این جایگاه نرسیدند؛ با ثبات سیاسی، جذب سرمایه خارجی، باز کردن درها به جهان و احترام به حقوق اولیه شهروندان رسیدند.

ایران اما در همین مدت از کشوری که بزرگ‌ترین پالایشگاه خاورمیانه (آبادان) را داشت، دانشگاه پهلوی با ام‌آی‌تی رقابت می‌کرد و زنانش آزادانه درس می‌خواندند و کار می‌کردند؛ به جایی رسید که جوانانش برای یک ویزای شنگن صف می‌کشند، بنزین را لیتر لیتر می‌زنند و دخترانش به خاطر روسری به زندان می‌روند. این عقب‌ماندگی تصادفی نیست؛ نتیجه مستقیم همان معامله ۱۹۷۹ است که غرب با اسلام‌گرایان کرد و هنوز هم از ترس «بدتر شدن اوضاع» ادامه می‌دهد.

اما بدتر از یک رژیم اسلام‌گرا دیگر وجود ندارد. رژیمی که ۴۶ سال است با گروگان‌گیری، ترور، سرکوب و صدور بحران زنده مانده، دیگر هیچ مشروعیتی حتی در میان حامیان سابقش ندارد. حکومتی که بر ورودی وزارت خارجه‌اش حک شده نه شرقی نه غربی، امروز بزرگ‌ترین شریک تجاری پکن و مسکو در منطقه است. برنامه هسته‌ای که قرار بود «اهرم مذاکره» باشد، فقط برای انرژی صلح‌آمیز باشد، امروز به مپ نزدیک‌تر از همیشه است. موشک‌های بالستیک ملایان ←

و هم اقتصاد و مهمتر ارزش‌های غربی را قربانی آتش‌بازی‌ای کرده بودند که بسیار زود به‌سوی خود آنان زیانه کشید. در آن هنگام تمام نگاه‌ها به ایران بود و تلاش‌هایی هم فاجعه‌ی به وقوع پیوسته مانند عملیات «پنجه عقاب» برای نجات گروگان‌ها از سوی آمریکا انجام شد اما با شکست مواجه شد. دیگر دیر شده بوده و اسلام‌گرایان مشغول قتل‌عام بودند و تنها یک سیاستمدار در قامت محمدرضاشاه پهلوی همه‌چیز را پیش از وقوع با شناخت در پاسخ به تاریخ بیان کرد که، شاید سقوط ایران در آینده ابعاد گسترده‌ای به خود بگیرد و به دنبال خود کشورهای دوست و متحد را ساقط نماید.

اکنون بعد از ۴۷ سال بعد، پس از آن منطق قدیمی به‌عنوان یک تجربه، هنوز در برخی اتاق‌های فکر غربی ادعا می‌شود؛ اگر این رژیم سقوط کند، چه کسی جلوی نفوذ روسیه و چین را می‌گیرد؟ تئوری خلاء قدرت و هرج و مرج را مطرح می‌کنند یا می‌خواهند بدانند اوضاع منطقه‌ای با ایران بدون جمهوری اسلامی قابل به چه سمتی خواهد رفت. تمام این سوالات در حالی مطرح می‌شود که غربی‌ها، در روزگار پناه دادن و حمایت از تروریسم خمینیسیم هرگز به آن نیاندیشیدند و حال که به عمق خواست اجتماعی در ایران اشراف دارند، چنین استدلال‌های بی‌اساسی را برجسته می‌سازند.

اروپا بعد از فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» چه کرد؟

اکنون به اروپا یک انتقاد اساسی وارد است؛ بعداز فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، هیچ اراده‌ای از سوی سازمان ملل و اتحادیه‌ی اروپا برای اجرای دقیق و عملی مکانیسم وجود ندارد و آن مفاد بر روی کاغذ قید شده است. این در حالی است؛ جمهوری اسلامی کهاکان عملاً به جنایات پوتین در اوکراین کمک می‌کند، به راهزنی دریایی می‌پردازد و همچنان به گروگان‌گیری می‌پردازد و دولت‌های اروپایی در مقابل این اعمال دست به معامله و باج‌دادن متوسل می‌گردد.

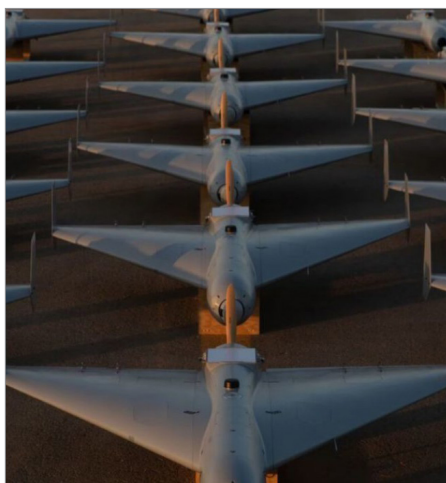
ایران امروز با ایران ۱۳۵۷ بسیار متفاوت است. نسلی که امروز بارها خیابان‌ها را به تسخیر خود درآورده و برای

استقرار یگان پهپادهای انتحاری آمریکا در خاورمیانه



نسل جدید پهپادهای انتحاری آمریکا مستقر در خاورمیانه

(منجنیق)، برخاست با کمک موشک و سامانه‌های پرتاب زمینی و خودرویی متحرک می‌شود. به گفته درباردار برد کوپر، فرمانده سنتکام «این نیروی ویژه جدید شرایط استفاده از نوآوری به عنوان یک عامل بازدارنده را فراهم می‌کند. تجهیز سریع‌تر نیروهای ماهر



ما به توانمندی‌های پیشرفته پهپادی، قدرت و نوآوری ارتش آمریکا را به نمایش می‌گذارد و بازیگران متخاصم را باز می‌دارد.»

در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۵ سنتکام نیروی ضربت مشترک برای به‌کارگیری سریع (REJTF) را به رهبری مدیر ارشد فناوری خود راه‌اندازی کرد تا روند تجهیز نیروهای مستقر به قابلیت‌های نوظهور را شتاب بخشد.

یگان «ضربت عقرب» در چارچوب همین برنامه فعالیت می‌کند و بخش توانمندی‌های آن را پیش می‌برد.

● هدف از استقرار این نخستین یگان پهپادهای یک‌طرفه تهاجمی (انتحاری) افزایش توان پهپادی ارزان‌قیمت و مؤثر ایالات متحده در این منطقه اعلام شده تا با سرعت بالا در اختیار نیروهای عملیاتی قرار گیرد.

● این یگان متشکل از پهپادهای کم‌هزینه لوکاس (LU-CAS) برد عملیاتی گسترده‌ای دارند و برای عملیات خودکار بدون هدایت مستقیم انسانی طراحی شده‌اند.

● به گفته درباردار برد کوپر، فرمانده سنتکام «این نیروی ویژه جدید شرایط استفاده از نوآوری به عنوان یک عامل بازدارنده را فراهم می‌کند. تجهیز سریع‌تر نیروهای ماهر ما به توانمندی‌های پیشرفته پهپادی، قدرت و نوآوری ارتش آمریکا را به نمایش می‌گذارد و بازیگران متخاصم را باز می‌دارد.»

فرماندهی مرکزی ایالات متحده چهارشنبه سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) اعلام کرد که نخستین اسکاادران پهپادهای تهاجمی یک‌طرفه یا انتحاری خود را در خاورمیانه مستقر کرده است. به گفته سنتکام، این یگان برای تسریع در تولید و به‌کارگیری پهپادهای ارزان‌قیمت ایجاد شده است.

این اقدام بخشی از استقرار نیروی ویژه «اسکورپیون استرایک» یا «نیروی ضربت عقرب» در خاورمیانه است. هدف از استقرار این نخستین یگان پهپادهای یک‌طرفه تهاجمی (انتحاری) افزایش توان پهپادی ارزان‌قیمت و مؤثر ایالات متحده در این منطقه اعلام شده تا با سرعت بالا در اختیار نیروهای عملیاتی قرار گیرد.

این یگان متشکل از پهپادهای کم‌هزینه لوکاس (LU-CAS) برد عملیاتی گسترده‌ای دارند و برای عملیات خودکار بدون هدایت مستقیم انسانی طراحی شده‌اند.

پهپادهای این یگان می‌توانند به روش‌های مختلفی به پرواز درآیند که از جمله شامل پرتاب با پرتابگر عادی

→ در ایران نه برای بازدارندگی بلکه، برای شلیک شدن به اروپا است چنانچه امروز آنها در در اوکراین فرود می‌آیند. با این حال، برخی سیاستمداران غربی هنوز می‌گویند: «باید با این رژیم مذاکره کرد، چون جایگزین ندارد». این همان منطقی است که روزگاری صدام حسین را «ضامن ثبات» می‌نامید و بعد در ۲۰۰۳ به بهانه سلاح کشتار جمعی سرنگونش کردند و منطقه را به آتش کشیدند. تفاوت اینجاست که مردم ایران برخلاف عراق ۲۰۰۳، خودشان جایگزین را ساخته‌اند؛ ایران نه افغانستان است و نه عراق اما، جمهوری اسلامی، همان طالبان است با این تفاوت که هنوز به طالبان برخلاف ملایان تهران، اعتبار سیاسی بین‌المللی اعطاء نشده است!

از شاهزاده رضا پهلوی که پرچم تاریخی و ملی ایران را بالا نگه داشته تا فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران مستقل، کارگران، معلمان، دانشجویان و به‌ویژه زنان پیشرو، همه یک صدا می‌گویند: ما آماده‌ایم. ما دولت آینده را می‌شناسیم: حکومتی سکولار، دموکراتیک، غیرمتمرکز و پاسخگو که حقوق همه شهروندان - فارغ از قوم، مذهب، جنسیت و گرایش - را تضمین کند. ما نیازی به دخالت نظامی خارجی نداریم؛ فقط کافی است دست از حمایت ملایان-پاسداران بردارید و از خواست ملت ایران حمایت کنید.

ایران آزاد نه تنها تهدید نیست، بلکه بزرگ‌ترین تضمین ثبات خاورمیانه خواهد بود. کشوری با حدود ۹۰ میلیون جمعیت و اکثریت تحصیل‌کرده، منابع عظیم انرژی، موقعیت ژئوپلیتیک بی‌نظیر با مردمانی که از ایدئولوژی خسته شده‌اند، می‌تواند همان نقشی را ایفا کند که آلمان پس از ۱۹۴۵ یا کره جنوبی پس از ۱۹۸۸ ایفا کرد؛ از خاکستر دیکتاتوری و جنگ برخیزد و به قدرت اقتصادی و سیاسی تبدیل شود که همه از آن سود می‌برند.

چین و روسیه امروز در ایران نفوذ دارند چون تحریم‌ها و انزوای تحمیلی راه دیگری نگذاشته است. اگر درهای ایران به روی جهان باز شود، هیچ‌کدام از این دو کشور نمی‌توانند حتی یک درصد آنچه آمریکا، اروپا و ژاپن می‌توانند عرضه کنند، ارائه دهند. جوان ایرانی امروز به جای کالای چینی، آیفون می‌خواهد؛ به جای دانشگاه مسکو و پکن، هاروارد و سوربن؛ به جای گردش در سوچی و شانگهای، به پاریس و نیویورک سفر خواهد رفت و صنعت اروپا بازار بزرگ ایران را قبضه می‌کند.

غرب دیگر نباید بترسد. نباید به بهانه «خلاء قدرت» یا «هرج و مرج» از تغییر در ایران فرار کند. تجربه سقوط دیوار برلین، انقلاب چکسلواکی، اتحاد مجدد آلمان و دموکراتیزه شدن کره جنوبی نشان داد که وقتی مردم یک کشور تصمیم به تغییر گرفته‌اند، هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد - مگر با سرکوب خونین که هزینه‌اش برای همه بسیار گران‌تر است.

زمان آن رسیده که رهبران غربی همان شجاعتی را نشان دهند که رونالد ریگان در ۱۹۸۷ در برابر دیوار برلین نشان داد. همان‌طور که او خطاب به گورباچف گفت: «این دیوار را خراب کنید»، امروز باید خطاب به خامنه‌ای و دار و دسته‌اش بگویند: «این بس است. زمان رفتن شماست.»

ایران و ملت‌اش شایسته‌ی آن است که دوباره به جایگاه تاریخی خود بازگردد؛ نه به عنوان یک تهدید، نه به عنوان یک «مسئله»، بلکه به عنوان یک دوست، شریک و قدرتی متمم، ثروتمند و صلح‌جو که تعادل واقعی را به خاورمیانه و جهان بازمی‌گرداند. حمایت از جنبش آزادی‌خواهی در ایران، معامله‌ی دو سر بخت غرب را حتی پس از ۴۷ سال فاجعه، به یک معامله دو سر برد برای دو طرف تبدیل خواهد کرد!

رویترز: دولت عراق از طبقه‌بندی حزب‌الله و حوثی‌ها به عنوان گروه تروریستی عقب‌نشینی کرد



محمد السودانی نخست وزیر عراق

● ساعاتی پس از آنکه گفته شد دولت عراق، گروه حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن را در فهرست «سازمان‌های تروریستی» قرار داده و اموال آنها را مسدود می‌کند نهادهای دولتی عراق این خبر را تکذیب کردند.

● کمیته مسدودسازی اموال تروریست‌ها توضیح داد که تصمیم شماره ۶۱ سال ۲۰۲۵ که در روزنامه رسمی عراق منتشر شده، صرفاً شامل نهادها و افرادی است که با داعش و القاعده ارتباط دارند و هیچ ارتباطی با فعالیت‌های حزب‌الله لبنان یا انصارالله یمن ندارد.

● طبق گفته دو منبع بانکی، نامه‌ای از سوی معاون موقت رئیس بانک مرکزی خطاب به «کمیته مسدودسازی اموال تروریست‌ها» خواستار حذف بندی شد که نام این گروه‌ها در آن قرار داشت.

ساعاتی پس از آنکه گفته شد دولت عراق، گروه حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن را در فهرست «سازمان‌های تروریستی» قرار داده و اموال آنها را مسدود می‌کند نهادهای دولتی عراق این خبر را تکذیب کردند.

خبرگزاری رویترز پنجشنبه ۴ دسامبر (۱۳ آذرماه) در همین ارتباط نوشت بانک مرکزی عراق در واکنش به گزارش‌هایی مبنی بر مسدودسازی اموال گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران، بیانیه صادر کرد.

کمیته مسدودسازی اموال تروریست‌ها توضیح داد که تصمیم شماره ۶۱ سال ۲۰۲۵ که در روزنامه رسمی عراق منتشر شده، صرفاً شامل نهادها و افرادی است که با داعش و القاعده ارتباط دارند و هیچ ارتباطی با فعالیت‌های حزب‌الله لبنان یا انصارالله یمن ندارد.

این کمیته تأکید کرد که اقدام اخیر بر اساس درخواست دولت مالزی و در چارچوب قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل (مصوب ۲۰۰۱) اتخاذ شده و هدف آن محدود به گروه‌های تروریستی مشخص شده است.

طبق گفته دو منبع بانکی، نامه‌ای از سوی معاون موقت

آزادی موقت علیرضا برمرزپورناک از متهمان «پرونده اکباتان» با وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی

● علیرضا برمرزپورناک از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ در پرونده معروف به «پرونده اکباتان» شامگاه چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۴ با سپردن وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی به طور موقت آزاد شد.

● علیرضا به همراه پنج متهم دیگر با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده بود اما حکم اعدام در شهریورماه امسال لغو شد.

● پرونده اکباتان یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌سازی‌های نهادهای امنیتی در جریان اعتراضات سراسری سال‌های گذشته است که در پی کشته شدن آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان در اعتراضات ۱۴۰۱ تشکیل شد.

● علیرضا برمرزپورناک اصلاً در تصاویر مربوط به ضرب و جرح بسیجی کشته‌شده حضور نداشته اما از سوی نهادهای امنیتی و قضایی به عنوان متهم به قتل شناخته شد!

علیرضا برمرزپورناک از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ در پرونده معروف به «پرونده اکباتان» شامگاه چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۴ با سپردن وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی به طور موقت آزاد شد.

به گزارش منابع حقوق بشری علیرضا برمرزپورناک، از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ که در پرونده معروف به «پرونده اکباتان» و با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی متهم شناخته شده بود، بطور موقت از زندان آزاد شد.

بر اساس گزارش‌ها آزادی علیرضا برمرزپورناک پس از ماه‌ها تلاش بی‌وقفه خانواده‌اش برای تأمین وثیقه سنگین ۵۰ میلیارد تومانی، در شامگاه چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۴ امکان‌پذیر شد.

پرونده اکباتان یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌سازی‌های نهادهای امنیتی علیه شهروندان در جریان اعتراضات سراسری سال‌های گذشته است.

در جریان اعتراضات چهارم آبان ۱۴۰۱ آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری کرد و با پرونده‌سازی شماری از شهروندان در اکباتان را بازداشت کرد. این پرونده ۱۴ متهم دارد که علیه شش تن از آنها حکم اعدام صادر شد. میلاد آرمون، علیرضا کفایی، نوید نجاران، امیرمحمد خوش‌اقبال، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک محکوم به اعدام شدند.

دیگر متهمان این پرونده نیز به اتهاماتی چون «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» محکوم شده‌اند.

رئیس بانک مرکزی خطاب به «کمیته مسدودسازی اموال تروریست‌ها» خواستار حذف بندی شد که نام این گروه‌ها در آن قرار داشت.

نخست‌وزیر محمد شیاع السودانی در پاسخ به درخواست مالزی گفت عراق تنها با مسدودسازی دارایی‌های افراد و نهادهای مرتبط با داعش و القاعده موافقت کرده است و آنچه در تصمیم «کمیته مسدود اموال تروریست‌ها» آمده، بازتاب‌دهنده واقعیت نبوده و مواضع خطا را منعکس کرده است. او گفت دستور تحقیقات فوری برای یافتن علت خطا و «مجازات مسئولان» را صادر کرده است.

السودانی افزود مواضع سیاسی و انسانی عراق درباره «تجاوز علیه مردم‌مان در لبنان یا فلسطین» اصولی است و «قابل تحریف یا اغراق نیست».

حسین مؤنس، نماینده وابسته به کتائب حزب‌الله عراق پنجشنبه دولت را به رفتار «غیرمسئولانه» متهم کرد و گفت دولت «قدرت دفاع از مردم خود یا حاکمیت عراق» را ندارد.

تلاش آمریکا برای مهار نفوذ جمهوری اسلامی ایران ایالات متحده مدت‌هاست که به دنبال کاهش نفوذ ایران در عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه است؛ کشورهایی که تهران در آن‌ها متحدانی در چارچوب «محور مقاومت» دارد که ضربات سنگینی از اسرائیل دریافت کرده است.

حکومت ایران، عراق همسایه و متحدش را برای دور زدن فشار تحریم‌ها حیاتی می‌داند. اما بغداد که شریک هر دو کشور آمریکا و ایران است، تلاش می‌کند از گرفتار شدن در تنش‌های ناشی از سیاست واشنگتن برای فشار بر تهران پرهیز کند.

جمهوری اسلامی از طریق شبه‌نظامیان شیعه و احزاب سیاسی متحد خود در بغداد، نفوذ نظامی، سیاسی و اقتصادی قابل‌توجهی در عراق دارد اما در سال گذشته به دلیل حملات سنگین اسرائیل به نیروهای نیابتی‌اش تضعیف شده و آسیب‌پذیری بیشتری در برابر فشار آمریکا پیدا کرده است.

هشدار وزیر خارجه ژاپن به عراقچی درباره ضرورت «همکاری فوری» جمهوری اسلامی با آژانس و مذاکره با آمریکا



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

بازرسان اجازه دسترسی به سایت‌های اتمی کلیدی را نداد. بعد از جنگ ۱۲ روزه نیز رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها به جمهوری اسلامی هشدار داد «برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها با غرب، باید همکاری خود را با بازرسان سازمان ملل به‌طور جدی بهبود دهد.» او با اشاره به سرنوشت مبهم بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران و عدم دسترسی بازرسان به سایت‌های اصلی، عنوان کرد: «می‌توانید انتظار داشته باشید که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بگوید، بسیار خوب، به خاطر این که آنجا جنگی رخ داده پس شما در یک طبقه‌بندی متفاوت و [در بازرسی] استثناء هستید، من مجبورم گزارش دهم که نظارت کاملی نسبت به این مواد ندارم.»



● وزیر خارجه ژاپن در گفتگوی تلفنی با عباس عراقچی، از جمهوری اسلامی خواسته فوری همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر بگیرد. او همچنین بر اهمیت از سرگیری زودهنگام مذاکرات بین جمهوری اسلامی و آمریکا تأکید کرده است.

● توشیمیتسو موتگی دوشنبه ۱۰ آذرماه ۱۴۰۴ در این مکالمه به ضرورت از سرگیری مذاکره با آمریکا تأکید کرده است.

وزیر خارجه ژاپن در گفتگوی تلفنی با عباس عراقچی، از جمهوری اسلامی خواسته فوری همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر بگیرد. او همچنین بر اهمیت از سرگیری زودهنگام مذاکرات بین جمهوری اسلامی و آمریکا تأکید کرده است.

توشیمیتسو موتگی دوشنبه ۱۰ آذرماه ۱۴۰۴ در این مکالمه به ضرورت از سرگیری مذاکره با آمریکا تأکید کرده است. رسانه‌های داخلی ایران گزارش دادند که عباس عراقچی به همتای ژاپنی خود گفت: «این آمریکاست که باید با جلب اعتماد ایران به دیپلماسی بازگردد.

یک روز پیش از این معاون وزیر خارجه عربستان سعودی و وزیر خارجه ترکیه به تهران آمدند و در دیدارهای جداگانه با عباس عراقچی گفتگو کردند. منابع غیررسمی گزارش دادند که در آن دیدارها نیز به عراقچی درباره ضرورت همکاری با آژانس هشدار داده بودند. سه قدرت اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه) سه شرط برای مذاکره پیش روی جمهوری اسلامی قرار دادند: مذاکره با آمریکا، توقف پشتیبانی از گروه‌های نیابتی و توقف ساخت و توسعه موشک‌های بالستیک و پایبندی به تعهدات برجام، اما دولت آمریکا خواسته تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی در ایران برچیده شود. جمهوری اسلامی از ماه‌ها پیش از جنگ ۱۲ روزه به

علیرضا برمرز پورناک اصلا در تصاویر مربوط به ضرب و جرح بسیجی کشته‌شده حضور نداشته اما از سوی نهادهای امنیتی و قضایی به عنوان متهم به قتل شناخته شد!

علیرضا برمرز پورناک متولد دی ۱۳۷۶ است و از جمله اولین بازداشت‌شدگان پرونده کشته‌شدن آرمان علی‌وردی



علیرضا برمرز پورناک

بود. به گزارش منابع حقوق بشری علیرضا در ابتدا توسط اطلاعات سپاه انقلاب اسلامی استان تهران بازداشت و پس از نزدیک به یک هفته به آگاهی تهران تحویل داده می‌شود. بازداشت علیرضا توسط اطلاعات سپاه در محله آبشار تهران و پس از آن صورت گرفت که ماموران دو نفر از دوستان علیرضا را دستگیر کرده و خواهان شناسایی او شده بودند. به گفته یک منبع آگاه «تصویر علیرضا تنها در فیلم تعقیب آرمان علی‌وردی توسط شماری از جوانان موجود است و در تصاویر مربوط به ضرب و شتم او، علیرضا حضور ندارد.» یکی از نکات مهم درباره «پرونده اکباتان» تلاش نهادهای امنیتی و قضایی برای مخفی نگه داشتن ابعاد آن است بطوری که حتی نام همه متهمان این پرونده نیز مشخص نیست.

وکلاي متهمان از ابتدا بر روند ناعادلانه دادرسی، نبود اسناد کافی برای اثبات اتهام قتل علیه متهمان، و پرونده‌سازی نهادهای امنیتی تأکید داشتند.

در نهایت در اواخر تابستان امسال حکم اعدام شش متهم پرونده لغو شد اما شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران که حکم قصاص شش متهم پرونده اکباتان تهران را صادر کرده بود برای آزادی چهار متهم پرونده قرار وثیقه ۵۰ میلیاردی صادر کرد. حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، علیرضا کفایی و امیرمحمد خوش‌اقبال مشمول استفاده از حق آزادی موقت شناخته شدند اما برای هر یک از آنان قرار وثیقه ۵۰ میلیاردی صادر شد.

وثیقه سنگین ۵۰ میلیارد تومانی برای آزادی این چهار متهم در حالی صادر شد که بر اساس ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قراردادهای قضایی از جمله وثیقه باید مستدل و موجه و در تناسب کامل با نوع و اهمیت جرم انتسابی، شدت مجازات آن و همچنین سابقه متهم و جنسیت و وضعیت روحی و جسمانی او صادر شوند و صدور قراردادهای غیر موجه و غیر قانونی برای مقام صادر کننده مجازات در پی دارد.

اکنونمیست: بسیاری در اسرائیل معتقدند جنگ مجدد با جمهوری اسلامی ایران در راه است



تهرآن، جنگ ۱۲ روزه

● هفته‌نامه «اکنونمیست» در گزارشی که ۲۷ نوامبر (ششم آذرماه) منتشر شد نوشت اسرائیلی‌ها فکر می‌کنند جنگ دیگری با جمهوری اسلامی ایران در آینده نزدیک اتفاق خواهد افتاد.

● یک مقام اطلاعاتی اسرائیل می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند تحمل کند که ما در هر قدمی از آن‌ها جلوتر بوده‌ایم. آن‌ها حتماً باید نشان دهند که می‌توانند ما را هم غافلگیر کنند.»

● براساس این گزارش در میان ناظران مسائل ایران در اسرائیل دو دیدگاه اصلی وجود دارد. برخی، از جمله همین مقام اطلاعاتی، معتقدند ایران پس از دو سال، به‌زودی تلاش خواهد کرد با یک حمله غافلگیرکننده علیه اسرائیل، بخشی از اعتبار ازدست‌رفته خود در منطقه را بازگرداند.

● گروه دیگر اما می‌گویند اکنون تمام تمرکز خود را روی بقا گذاشته و می‌کوشد توانایی‌های نظامی را که در جنگ هوایی ۱۲ روزه با اسرائیل نابود شد، دوباره بسازد. اکنونمیست می‌نویسد، با این حال هر دو گروه اتفاق نظر دارند که ایران به‌دنبال انتقام خواهد بود؛ تنها پرسش این است که این انتقام زودتر اتفاق می‌افتد یا دیرتر.

هفته‌نامه «اکنونمیست» در گزارشی که ۲۷ نوامبر (ششم آذرماه) منتشر شد نوشت اسرائیلی‌ها فکر می‌کنند جنگ دیگری با جمهوری اسلامی ایران در آینده نزدیک اتفاق خواهد افتاد.

یک مقام اطلاعاتی اسرائیل می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند تحمل کند که ما در هر قدمی از آن‌ها جلوتر بوده‌ایم. آن‌ها حتماً باید نشان دهند که می‌توانند ما را هم غافلگیر کنند.»

براساس این گزارش در میان ناظران مسائل ایران در اسرائیل دو دیدگاه اصلی وجود دارد. برخی، از جمله همین مقام اطلاعاتی، معتقدند ایران پس از دو سال، به‌زودی تلاش خواهد کرد با یک حمله غافلگیرکننده علیه اسرائیل، بخشی از اعتبار ازدست‌رفته خود در منطقه را بازگرداند.

محمدباقر قالیباف: تعلیق همکاری با آژانس برای جمهوری اسلامی تولید قدرت کرد

● یک هفته پس از تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نهم آذرماه ۱۴۰۴ در سخنانی گفت، تعلیق همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مستولان اجرایی کشور تولید قدرت کرده است.

● ژان-نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه، در دیدار با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاریس، از ایران خواست تا فوراً به تعهدات پادمانی و همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگردد اما بعید است فشارهای او تأثیری در تصمیم جمهوری اسلامی داشته باشد.

● با استمرار وضعیت فعلی انتظار می‌رود که در جلسه بعدی شورای حکام آژانس، قطعنامه‌ای بسیار تندتر علیه ایران صادر شود و برخلاف قطعنامه فعلی که بیش از ۱۰ کشور جهان به آن رای مثبت دادند، تعداد بسیار بیشتری از کشورها به آن رای مثبت دهند.

یک هفته پس از تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی



هشدار گروسی به جمهوری اسلامی:
اگر بخواهید از جنگ جلوگیری کنید باید به
بازرسان اجازه بازدید از سایت‌ها را بدهید

در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نهم آذرماه ۱۴۰۴ در سخنانی گفت، تعلیق همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مستولان اجرایی کشور تولید قدرت کرده است.

رافائل گروسی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر تأکید کرده است که آژانس خواهان ازسرگیری همکاری کامل با ایران است اما مقامات جمهوری اسلامی اجازه بازدید از تأسیسات اتمی مپاران شده در جنگ ۱۲ روزه [فردو، اصفهان و نطنز] را به بازرسان آژانس نمی‌دهند.

گروه دیگر اما می‌گویند اکنون تمام تمرکز خود را روی بقا گذاشته و می‌کوشد توانایی‌های نظامی را که در جنگ هوایی ۱۲ روزه با اسرائیل نابود شد، دوباره بسازد. اکنونمیست می‌نویسد، با این حال هر دو گروه اتفاق نظر دارند که ایران به‌دنبال انتقام خواهد بود؛ تنها پرسش این است که این انتقام زودتر اتفاق می‌افتد یا دیرتر.

راز زیمت، پژوهشگر موسسه مطالعات امنیت ملی در تل‌آویو، می‌گوید ایران همین حالا در حال تسلیح مجدد



حزب‌الله لبنان است؛ ارتش اسرائیل نگران است که ایران شبه‌نظامیان عراقی را فعال کند تا مانند گذشته حزب‌الله در لبنان، از خاک عراق به سوی اسرائیل موشک شلیک کنند. نگرانی دیگر، احتمال حمله به سفارتخانه‌های اسرائیل یا اهداف مشابه است.

به نوشته اکنونمیست، همه این شیوه‌های تلافی‌جویی از طریق نیروهای نیابتی- قرار است شرایط را برای حمله مستقیم اسرائیل به ایران دشوارتر کند. اما هر دو جریان تحلیلگران ایران در اسرائیل متفق‌القول‌اند که این ترفند جواب نخواهد داد؛ واکنش اسرائیل سریع، شدید و مستقیم متوجه خود ایران خواهد بود.

دولت عراق، حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن را سازمان تروریستی اعلام کرد



حامیان حزب الله / عکس: رویترز

ابومحمد الجولانی، رئیس هیئت تحریر الشام، به احمد الشرع تغییر یافت.

این اقدام، جدیدترین گام دولت عراق در زمینه به‌روز رسانی فهرست‌های تروریسم و تعهدات مربوط به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و توافق‌نامه‌های بین‌المللی مربوطه است.

طبق آنچه در روزنامه الوقائع العراقیه آمده است، اتهام حزب الله و انصارالله «مشارکت در ارتکاب اقدام



تروریستی» عنوان شده است.

کمیته مسدودسازی اموال تروریست‌ها کمیته‌ای تشکیل یافته در دبیرخانه هیات دولت عراق است که ریاست آن را رئیس بانک مرکزی برعهده دارد و معاونت آن با مدیر مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم است.

در این کمیته نمایندگانی با پست مدیرکلی یا سرپرست وزارتخانه‌های چون و وزارت دارایی، کشور، خارجه، دادگستری، ارتباطات، علوم و فناوری، هیات پاکدستی، دستگاه مبارزه با تروریسم و دستگاه امنیت ملی حضور دارند.

● دولت عراق اعلام کرد حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن را به‌عنوان «نهادهای تروریستی» شناسایی کرده و دستور می‌دهد تمامی اموال و دارایی‌های آن‌ها مسدود شود.

● این تصمیم مربوط به «مسدودسازی دارایی‌های تروریستی» ۲۴ نهاد طبقه‌بندی‌شده به‌عنوان سازمان تروریستی است که از جمله شامل حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن، به دلیل «مشارکت در اقدامات تروریستی» می‌شود.

دولت عراق یک اقدام مهم امنیتی، روز پنجشنبه چهارم دسامبر ۲۰۲۵ (۱۳ آذرماه) حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن را به عنوان سازمان تروریستی اعلام کرد.

این تصمیم دولت عراق که پس از انتشار در روزنامه رسمی «الوقائع العراقیه» علنی شد، باعث خواهد شد کمیته مسدودسازی دارایی‌های تروریستی در دبیرخانه هیات دولت، اموال حزب الله و حوثی‌ها در عراق را مسدود و با هرگونه فعالیت آنها برخورد قانونی کنند.

این تصمیم مربوط به «مسدودسازی دارایی‌های تروریستی» ۲۴ نهاد طبقه‌بندی‌شده به‌عنوان سازمان تروریستی است که از جمله شامل حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن، به دلیل «مشارکت در اقدامات تروریستی» می‌شود.

طبق اعلام دولت عراق: «این تصمیم بر اساس تصمیمات رسمی صادره از سوی کمیته مسدودسازی دارایی‌ها، مربوط به شناسایی نهادها و افرادی که تحت پوشش رویه‌های مبارزه با تروریسم و تامین مالی آن قرار دارند، منتشر شده است.»

روزنامه الوقائع العراقیه همچنین اصلاحیه‌ای درباره عنوان رئیس موقت سوریه منتشر کرد، بر اساس تصمیمی که توسط کمیته تحریم‌های داعش و القاعده در شورای امنیت سازمان ملل صادر شده، عنوان

شورای حکام آژانس متشکل از ۳۵ کشور از جمهوری اسلامی خواست «بدون تأخیر» در مورد وضعیت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی و سایت‌های هسته‌ای مورد حمله قرارگرفته اطلاع‌رسانی کند.

پس از صدور قطعنامه در شورای حکام، جمهوری اسلامی «توافق قاهره» برای ازسرگیری بازرسی‌های آژانس را لغو



محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی

کرد.

گروسی پیش‌تر در مصاحبه با شبکه «فرانس ۲۴» تأکید کرد که حملات آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه با جمهوری اسلامی پایگاه صنعتی و فناوریانه غنی‌سازی ایران را به‌شدت تضعیف کرده، اما انبار مواد هسته‌ای که عمدتاً در همان سایت‌های هدف قرارگرفته باقی مانده برای ساخت چند سلاح هسته‌ای کفایت می‌کند.

ژان-نول بارو وزیر خارجه فرانسه، در دیدار با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاریس، از ایران خواست تا فوراً به تعهدات پادمانی و همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگردد اما بعید است فشارهای او تأثیری در تصمیم جمهوری اسلامی داشته باشد.

با توجه به تعلیق همکاری‌های ایران و آژانس انتظار می‌رود که در نشست بعدی شورای حکام، مدیرکل گزاری تند علیه ایران صادر کند و ایران را به بی‌توجهی به تعهداتش در توافقی‌های پادمانی متهم کند؛ گزارشی که مبنای قطعنامه بعدی شورای حکام آژانس علیه ایران خواهد شد.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نهاد سیاست‌گذار در این سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود و محتوای مصوبات آن برای مدیرکل و دبیرخانه آژانس الزام‌آور است. به همین دلیل صرف تصویب قطعنامه هفته گذشته باعث خواهد شد تا مدیرکل آژانس موظف به گزارش دهی دوره‌ای به شورای حکام در مورد رعایت مفاد تعهدات پادمانی و مطالبات قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران شود.

با استمرار وضعیت فعلی انتظار می‌رود که در جلسه بعدی شورای حکام آژانس، قطعنامه‌ای بسیار تندتر علیه ایران صادر شود و برخلاف قطعنامه فعلی که بیش از ۱۰ کشور جهان به آن رای ممتنع دادند، تعداد بسیار بیشتری از کشورها به آن رای مثبت دهند.

وضعیت تکاندهنده و نیمه مخروب «کاخ مروارید»، کاخ شاهدخت شمس پهلوی



در فهرست میراث ملی به ثبت رسید و سال ۹۳ عرصه و حریم آن مصوب و ابلاغ شد. در همین سال مدیریت مجموعه به میراث فرهنگی واگذار شد، اما مالکیت اصلی همچنان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باقی مانده است! سه سال پیش عزت‌الله ضرغامی وزیر وقت میراث فرهنگی، در بازدید از مجموعه کاخ مروارید دستور داده بود به سرعت وضعیت مالکیت مجموعه حل و این بنا برای بازدید عموم آماده شود. مدیرکل وقت میراث فرهنگی البرز هم اعلام کرده بود مرمت بنا به زودی آغاز می‌شود. پس از سه سال هنوز مرمت بنا آغاز نشده است. هنوز وضعیت مالکیت مشخص نیست!

شهیار محمودی، معاون میراث فرهنگی البرز که چند سالی مدیریت پایگاه ملی کاخ مروارید را هم به عهده داشت، درباره وضعیت بنا و الزامات مرمت آن به روزنامه «پیام ما» گفته «با توجه به اینکه مالکیت مجموعه در اختیار نهاد دیگری است، بودجه چندانی هم به مرمت آن تخصیص پیدا نمی‌کند. با اعتبارات دولتی محدود که سالانه یک یا دو میلیارد تومان است، حداقل ۳۰ سال زمان نیاز است تا بخشی از مشکلات بنا رفع شود. برآورد کلی این است که این مجموعه حداقل ۴۰۰ میلیارد تومان سرمایه نیاز دارد تا به‌طور کامل مرمت و به‌شکل اولیه خود بازگردد.»

همچنین نادر زنبالی مدیر میراث فرهنگی استان البرز نیز مدعی شده انتقال مالکیت کاخ مروارید به زودی انجام خواهد شد: «بعد از چندین جلسه، به نقطه نهایی رسیده‌ایم. پرونده در گردش کار است تا مجموعه به میراث فرهنگی به‌عنوان نماینده دولت واگذار و سند آن به‌نام دولت ثبت شود. قرار است دولت در ازای ۱۰۱ هکتار زمین این مجموعه، زمین معوضی را به سپاه واگذار کند. می‌توان گفت این روند ظرف یک تا دو ماه آینده نهایی خواهد شد.»

فعالان میراث فرهنگی امیدوارند با انتقال مالکیت کاخ مروارید، روند مرمت این کاخ و حفظ آن به عنوان یکی از بناهای تاریخی ارزشمند کشور آغاز شود.

شده بود.»
کاخ مروارید در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ با زیربنای ۲۵۰۰ متر در بلوار ارم مهرشهر کرج و توسط بنیاد فرانک لوید رایت و با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیون دلار آمریکا ساخته شد. طراحی این بنای منحصر به فرد ویلیام وسلی پیترز معمار معروف آمریکایی بود.

سازه اصلی و طرح کاخ به شکل یک سفره‌ماهی است که صدفی را دربرگرفته است. همه فضاهای معماری در زیر سقفی با فرم حلزونی و با نورگیرهای گوناگون و به‌شکل دانه‌های مروارید ساخته شده است. در گوشه شمالی کاخ و در محوطه بیرونی دریاچه نیز به‌شکل باله‌های سفره‌ماهی طراحی و ساخته شده است.

این بنا دربردارنده فضاهای گوناگونی از جمله تالار طلایی بار، دفتر مخصوص شمس، تالار پذیرایی، سالن سینما، سالن بیلارد، استخر، آب‌نما، محل نگهداری پرندگان کمیاب، اتاق‌های خواب است و یکی از مهم‌ترین بخش‌های این کاخ اتاق صدف است که دارای تزیینات مختلفی بوده، به‌خصوص نمای بیرونی آن که به صورت حلزونی شکل ساخته شده است. در طراحی فضای بیرونی دریاچه کوچکی از سه طرف کاخ را احاطه کرده و به زیبایی آن افزوده است.

بعد از انقلاب این بنای ارزنده توسط بنیاد مستضعفان مصادره شد. این بنیاد اقدامی برای حفظ و نگهداری از کاخ نکرد و در نهایت در سال ۱۳۸۶ کاخ مروارید و ۱۰۱ هکتار از زمین‌های اطرافش در قراردادی غیرقانونی از سوی بنیاد مستضعفان به مبلغ ۷۰ میلیارد ریال به بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فروخته شد.

اوایل دهه ۹۰ بود که خبر رسید بنیاد تعاون قصد دارد در محدوده این بنا هفت هزار واحد مسکونی بسازد. خبری که با واکنش‌های بسیار مواجه شد و در نهایت طرح تغییر کاربری اراضی محدوده کاخ مروارید به تجاری و مسکونی از سوی شورای عالی معماری و شهرسازی رد شد.

در همه این سالها اما کاخ مروارید به حال خود رها شده بود. این در حالی بود که در سال ۸۱ مجموعه کاخ مروارید،

● حسین مهاجری عضو شورای اسلامی شهر کرج اعلام کرده در کاخ مروارید، کاخ شاهدخت شمس پهلوی، «سقف‌ها فرو ریخته، دیوارها و مبلمان داخلی به‌شدت آسیب دیده‌اند و عملاً با فضای رهاشده‌ای مواجه هستیم.»
● بعد از انقلاب این بنای ارزنده توسط بنیاد مستضعفان مصادره شد. این بنیاد اقدامی برای حفظ و نگهداری از کاخ نکرد و در نهایت در سال ۱۳۸۶ کاخ مروارید و ۱۰۱ هکتار از زمین‌های اطرافش در قراردادی غیرقانونی از سوی بنیاد مستضعفان به مبلغ ۷۰ میلیارد ریال به بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فروخته شد.

● در همه این سالها کاخ مروارید به حال خود رها شده بود. این در حالی بود که در سال ۸۱ مجموعه کاخ مروارید، در فهرست میراث ملی به ثبت رسید و سال ۹۳ عرصه و حریم آن مصوب و ابلاغ شد.

- کاخ مروارید در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ با زیربنای ۲۵۰۰ متر در بلوار ارم مهرشهر کرج و توسط بنیاد فرانک لوید رایت و با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیون دلار آمریکا ساخته شد.

حسین مهاجری عضو شورای اسلامی شهر کرج اعلام کرده در کاخ مروارید، کاخ شاهدخت شمس پهلوی، «سقف‌ها فرو ریخته، دیوارها و مبلمان داخلی به‌شدت آسیب دیده‌اند و عملاً با فضای رهاشده‌ای مواجه هستیم.»

کاخ مروارید به عنوان یکی از برجسته‌ترین بناهای ایران و یکی از مهم‌ترین آثار معماری مدرن جهان با اقدامی سازمانیافته از سوی جمهوری اسلامی به ویرانی کشیده است.

مالکیت این کاخ در دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و برخی مدیران میراث فرهنگی می‌گویند قرار است دولت مالکیت آن را در دست بگیرد.

اکنون حسین مهاجری گفته «کاخ مروارید سال‌هاست رها شده و آسیب زیادی دیده است. شهرداری کرج پیش‌تر اعلام آمادگی کرده بود با جذب سرمایه‌گذار، این کاخ را به موزه تبدیل کند، حتی طرحی با عنوان «موزه جواهرات» مطرح

استعفای رئیس و نائب رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران پس از بازداشت گروهی سینماگران



پژمان بازگی، سام درخشانی

● پژمان بازگی، بازیگر و رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران، صبح روز سه‌شنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۴ با انتشار متنی در صفحه اینستاگرامش از استعفا از این سمت خبر داد.

● پارسا پیروفر، سحر دولتشاهی، ستاره پسیانی، مهران میری از جمله بازیگرانی هستند که گفته شده در این مهمانی بازداشت شدند. احمد سلگی نویسنده و کارگردان تئاتر نیز از بازداشت‌شدگان در این مهمانی بود.

● اتهامات بازداشت‌شدگان مواردی چون «تجمع غیرقانونی»، «جریحه‌دار کردن عفت‌عمومی»، «شرب‌خمر» و «نگهداری مشروبات الکلی» اعلام شده است.

پژمان بازگی رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران، و سام درخشانی نائب رئیس این انجمن از سمت‌های خود استعفا دادند. این استعفاهای پس از بازداشت شماری از بازیگران در جشن تولد خصوصی علی شادمان بازیگر سینما و تئاتر صورت گرفته است.

پژمان بازگی، بازیگر و رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران، صبح روز سه‌شنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۴ با انتشار متنی در صفحه اینستاگرامش از استعفا از این سمت خبر داد.

در پیام پژمان بازگی بدون اشاره به فشارهای اخیر به سینماگران آمده «پس از چند سال، استعفای خود را به دلایل شخصی و کاری از سمت ریاست انجمن بازیگران اعلام می‌کنم. در طول این دوران، تمام تلاش را به کار گرفتم تا در مسیر ارتقای کیفیت انجمن و حفظ شان و شخصیت اعضا قدم بردارم.»

با فاصله کوتاهی از اعلام استعفای پژمان بازگی، سام درخشانی بازیگر و نایب رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران نیز اعلام کرد از سمت خود استعفا داده است. این دو استعفا پس از موج جدید فشار بر سینماگران صورت گرفته است.

هفته گذشته مأموران امنیتی و انتظامی با حمله به خانه علی شادمان و همزمان با برگزاری جشن تولد این بازیگر او را به همراه شماری از مهمانان بازداشت کردند.

بر اساس گزارش‌ها ۲۰ نفر در این مهمانی بازداشت شدند. پارسا پیروفر، سحر دولتشاهی، ستاره پسیانی، مهران میری از جمله بازیگرانی هستند که گفته شده در این مهمانی بازداشت شدند. احمد سلگی نویسنده و کارگردان تئاتر نیز از بازداشت‌شدگان در این مهمانی بود.

همچنین ادعا شده ۳۸ لیتر مشروبات الکلی دست‌ساز توسط مأموران کشف و ضبط شده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آنست که علی شادمان همچنان در بازداشت به سر می‌برد اما دیگر بازداشت‌شدگان با سپردن وثیقه و بطور موقت تا صدور رأی دادگاه آزاد شده‌اند.

اتهامات بازداشت‌شدگان مواردی چون «تجمع غیرقانونی»، «جریحه‌دار کردن عفت‌عمومی»، «شرب‌خمر» و «نگهداری مشروبات الکلی» اعلام شده است.

حمله به مهمانی خصوصی علی شادمان و بازداشت شماری از هنرمندان با واکنش گسترده‌ای روبرو شد. رضا کیانیان بازیگر با انتشار متنی نوشته «هر وقت مشکلات بزرگ کشور مثل آب، برق، گاز، گرانی و آلودگی هوا شدید

پلیس‌امنیت نیز حضور داشته‌اند. برخوردها آرام نبوده و بازداشت‌شدگان را با ون و درحالی‌که به «ع.ش»[علی شادمان] دستبند قیانی زده شده بود، منتقل کردند. برخلاف آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، میهمانی در یکی از برج‌های مجتمع «آ.اس.پ» برگزار شده است.

کامبیز نوروزی، حقوقدان در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته که شرب‌خمر در فضای بسته و خصوصی، مجوز به ضابطان قضایی برای ورود به حریم شخصی افراد را نمی‌دهد: «وقتی رفتاری در حریم خصوصی رخ می‌دهد، مقام قضایی یا ضابط، اجازه ورود برای کشف جرم ندارد. شرب‌خمر از جرایمی نیست که ماهیت آن بتواند چنین دخالتی را توجیه کند؛ برخلاف مواردی مانند تولید مواد مخدر در منزل که قانون صراحتاً اجازه ورود می‌دهد.»

این حقوقدان با اشاره به برخی عناوین مطرح‌شده در گزارش‌های اولیه از جمله «جریحه‌دار کردن عفت‌عمومی» و «اشاعه فحشا»، اتهام‌های واردشده را فاقد وجهت حقوقی می‌داند: «هنگامی که مراسمی در یک محیط بسته و خصوصی برگزار می‌شود، اساساً مکان عمومی تلقی نمی‌شود که بتوان از جریحه‌دار شدن عفت‌عمومی سخن گفت. اشاعه فحشا نیز زمانی معنا دارد که رفتاری در معرض دید عموم قرار گیرد، درحالی‌که میهمانی خصوصی مصداق چنین وضعیتی نیست.»

کامبیز نوروزی درباره پیامدهای چنین برخوردهای از سوی حکومت هشدار داده است: «جامعه ایران اکنون تحت فشارهای شدید اقتصادی، روانی و نگرانی‌های مربوط به آینده کشور قرار دارد. چنین مداخلاتی تنها بر این فشارها می‌افزاید و شکاف میان مردم و نهادهای حاکمیتی را عمیق‌تر می‌کند. هر کسی که دغدغه آرامش جامعه و ثبات کشور را دارد، باید از اقداماتی که حریم خصوصی شهروندان را مخدوش می‌کند، پرهیز کند.»

بر اساس آنچه روزنامه «هم‌میهن» نوشته قرار است رسیدگی به اتهامات هنرمندان بازداشت‌شده در این مهمانی در دادسرای ارشاد انجام شود.

میشه، بعضیا سریع میرن سراغ به حاشیه تازه تا حواس مردم پرت بشه.»

رضا کیانیان افزوده «الان هم به‌جای حل مشکلات، گیر دادن به چند تا بازیگر جوون و زندگی‌شون و با جنجال درست کردن میخوان بحران اصلی رو مخفی کنن. این رفتارها فقط چند روز مردم رو سرگرم می‌کنه، ولی مشکلات اصلی همچنان سر جاشه.»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده حمله به مهمانی خصوصی علی شادمان در پی گزارش‌های مردمی صورت گرفته است. روزنامه «هم‌میهن» اما گزارش داده ماجرا آن‌طور که خبرگزاری فارس ادعا کرده، نیست. در خبر این رسانه اشاره شده بود که مأموران پس از دریافت گزارش‌های مردمی درباره برگزاری یک میهمانی مختلط در یکی از ویلاهای شمال تهران، با هماهنگی مقام قضایی وارد محل شده‌اند و شرکت‌کنندگان را بازداشت کرده‌اند. در ادامه گزارش «هم‌میهن» آمده اصل ماجرا نه گزارش مردمی، که گزارش «ک.د» است. «ک.د» یکی از کارگردان‌ها و فیلمنامه‌نویس‌های سینمایی و شبکه نمایش خانگی است که گویا با علی شادمان اختلاف‌های مالی میلیاردری دارد. «ک.د» که از جمله کارگردان‌های بانفوذ و قدرتمند به شمار می‌رود، وقتی متوجه می‌شود «ع.ش» میهمانی تدارک دیده، موضوع را گزارش می‌دهد.

در عملیات بازداشت هنرمندان، برخوردها آرام نبوده و بازداشت‌شدگان را با ون و درحالی‌که به «ع.ش» دستبند قیانی زده شده بود، منتقل کردند. برخلاف آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، میهمانی در یکی از برج‌های مجتمع «آ.اس.پ» برگزار شده است.

«هم‌میهن» اصل ماجرا به اختلاف مالی میان میزبان و یک کارگردان پرنفوذ به نام «ک.د» بر می‌گردد، نه گزارش مردمی. عملیات بازداشت با حضور مأموران پلیس امنیت انجام شد و برخوردها آرام نبوده است؛ برخی بازداشت‌شدگان همان شب و تعدادی دیگر فردای آن‌روز با قید وثیقه آزاد شدند. این گزارش افزوده در عملیات بازداشت هنرمندان، مأموران

آمار غیرواقعی دولت از نرخ خودکشی در ایران؛ آمار واقعی افزایشی و «نگران‌کننده» است



● رئیس انجمن روانپزشکان ایران گفته دولت با پنهان‌کاری درباره آمار خودکشی، بحران را کوچک جلوه می‌دهد؛ در حالی که نرخ خودکشی در ایران طی سال‌های اخیر چنان افزایش یافته که به میانگین جهانی رسیده و حتی از آن عبور کرده است.

● در حالیکه سازمان بهزیستی نرخ خودکشی در ایران را ۶ تا ۷ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند، به عقیده کارشناسان نرخ خودکشی طی یک دهه گذشته از ۴/۷ در سال ۱۳۹۰ به حدود ۹/۷ نفر در سال ۱۴۰۳ رسیده است.

● آمارهای غیررسمی نیز بیانگر افزایش نرخ خودکشی، و همچنین کاهش سن اقدام به خودکشی در ایران طی سالهای گذشته است. از زنان خانه‌دار، نوجوانان، دانشجویان و کارگران و دیگر اقشار با تشدید بحران‌های اقتصادی و تشدید احساس ناکامی و ناامیدی اقدام به خودکشی می‌کنند.

رئیس انجمن روانپزشکان ایران با رد آمار سازمان بهزیستی درباره خودکشی در کشور، از افزایش «نگران‌کننده» نرخ خودکشی در کشور خبر داده است.

وحید شریعت رئیس انجمن روانپزشکان ایران گفته دولت با پنهان‌کاری درباره آمار خودکشی، بحران را کوچک جلوه می‌دهد؛ در حالی که نرخ خودکشی در ایران طی سال‌های اخیر چنان افزایش یافته که به میانگین جهانی رسیده و حتی از آن عبور کرده است.

وحید شریعت گفته «در حالیکه سازمان بهزیستی نرخ خودکشی در ایران را ۶ تا ۷ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند، متخصصان این رقم را قدیمی و نادرست می‌دانند.

آمارهای موجود غالباً غیررسمی و منتشرنشده نشان می‌دهد خودکشی طی یک دهه اخیر روندی شدیداً افزایشی داشته و نرخ آن از ۴/۷ در سال ۱۳۹۰ به حدود ۹/۷ نفر در سال ۱۴۰۳ رسیده است.»

رئیس انجمن روانپزشکان ایران تأکید کرده «محرم‌نامه‌سازی داده‌ها نه تنها بحران را حل نمی‌کند، بلکه عمق بحران را پنهان می‌کند، مانع تصمیم‌گیری علمی می‌شود، و فرصت مداخله مؤثر را از نظام سلامت روان می‌گیرد.

جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی کشور سه روز پیش از کاهش نرخ خودکشی در کشور خبر داد. در حالی که سازمان جهانی بهداشت میانگین نرخ خودکشی در جهان را حدود ۱۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر اعلام کرده، سیدجواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی در نشست خبری اخیر خود گفته نرخ خودکشی در ایران کمتر از میانگین جهانی و حدود ۶ تا ۷ نفر است

رئیس سازمان بهزیستی کشور همچنین مدعی اجرای طرحی شد که آمار خودکشی در ایران را نصف می‌کند: «در مراکز مشاوره در تهران طرحی را در حال انجام هستیم برای کسانی که خودکشی ناموفق داشتند یا زمینه خودکشی دارند و طرح ما اگر پیاده شود حداقل ۵۰ درصد، خودکشی کاهش پیدا خواهد کرد.»

آمار اقدام موفق و ناموفق به خودکشی در ایران دقیق نیست و همواره نسبت به درستی این آمار تردیدهایی

اقتصادی و تشدید احساس ناکامی و ناامیدی اقدام به خودکشی می‌کنند.

از جمله در سالهای گذشته نرخ خودکشی در میان دانشجویان و تازه فارغ‌التحصیلان پزشکی با افزایش قابل توجهی روبرو بوده است.

بر اساس گزارش‌های ثبت شده، در سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۱۶ دستیار تخصصی پزشکی خودکشی کرده‌اند. نازیلا شاه‌منصوری روانپزشک در شهریور ۱۴۰۳ گفته بود که فشار روانی بر پزشکان زن به مراتب بیشتر است. به گفته او، در میان ۱۳ مورد خودکشی ثبت‌شده در سال گذشته، ۱۱ نفر زن بوده‌اند. این در حالیست که بطور عمومی، خودکشی منجر به مرگ در مردان از زنان بیشتر است.

نازیلا شاه‌منصوری گفته بود که پزشکان زن حدود ۱۲۰ درصد بیشتر از جمعیت عمومی زنان افکار خودکشی را تجربه می‌کنند، در حالیکه این درصد برای پزشکان مرد ۴۰ درصد است. این آمار نشان می‌دهد زنان پزشک به دلیل فشارهای کاری، مسئولیت‌های چندگانه و چالش‌های اجتماعی و حرفه‌ای، در معرض آسیب‌های روانی شدیدتری هستند و ضرورت اقدامات پیشگیرانه و حمایت‌های مؤثر در سطح وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی بیش از پیش احساس می‌شود.

روزنامه «شرق» شهریور امسال و در آستانه ۱۰ سپتامبر، برابر با ۱۹ شهریورماه، به عنوان «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» گزارش داد سال ۱۴۰۴، پزشکی در ایران با یک بحران خاموش آغاز شد: موج خودکشی پزشکان و زیدنت‌ها که در بسیاری موارد رسانه‌ای نشد، اما فشارهای سنگین کاری، رقابت‌های ناسالم و کمبود حمایت‌های روانی، زندگی جوان‌ترین اعضای جامعه پزشکی را تهدید می‌کند.

وجود داشته است. بسیاری از خانواده‌ها موارد خودکشی عضو خانواده را پنهان کرده و گزارش نمی‌دهند. در برخی موارد نیز مرگ ناشی از خودکشی به عنوان مسمومیت یا موارد دیگر ثبت و گزارش می‌شود.

حمید یعقوبی، رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی، سال گذشته اعلام کرد آخرین آمار رسمی کشور درباره خودکشی مربوط به قبل از سال ۱۴۰۱ است. به گفته او، بر اساس داده‌های سال ۱۴۰۱، رتبه ایران در میان کشورهای جهان ۱۶۰ بوده است.

رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی همچنین گفته بود در سال ۱۳۹۵ بیش از ۷۹ هزار نفر اقدام به خودکشی کرده‌اند و این رقم تا سال ۱۴۰۱ حدود ۵۱ درصد افزایش داشته است.

طبق برآوردهای او، از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ سالانه حدود ۱۰ درصد به مرگ‌های ناشی از خودکشی اضافه شده است؛ به این ترتیب نرخ خودکشی از ۴/۷ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ به ۸/۱ در سال ۱۴۰۱ و ۸/۹ در سال ۱۴۰۲ رسیده و در سال ۱۴۰۳ به ۹/۷ نفر افزایش یافته است.

داده‌های بین‌المللی نیز در سال ۲۰۲۳ نرخ خودکشی در ایران را حدود ۷ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند؛ رقمی که نسبت به ۲۰۱۱ (۴/۷ نفر) افزایش قابل توجهی داشته و ایران را در رتبه ۱۴۰ جدول جهانی قرار داده است. گزارش‌های داخلی نیز از ۷ هزار مرگ ناشی از خودکشی در سال ۲۰۲۴ خبر داده‌اند؛ در حالی که این عدد در سال ۲۰۲۳ حدود ۶ هزار نفر بوده است.

گزارش‌های پراکنده و آمارهای غیررسمی نیز بیانگر افزایش نرخ خودکشی، و همچنین کاهش سن اقدام به خودکشی در ایران طی سالهای گذشته است. از زنان خانه‌دار، نوجوانان، دانشجویان و کارگران و دیگر اقشار با تشدید بحران‌های

خشکسالی ویران کننده در ایران؛ مرگ تالاب گاوخونی به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسید



اصفهان «در حال حاضر به دلیل کاهش شدید آورد رودخانه آب آشامیدنی مورد تهدید قرار گرفته است. ذخیره سد زاینده‌رود نیز اکنون حدود ۱۳۴ میلیون مترمکعب است و از تراز خود که ۱۶۰ میلیون مترمکعب است عبور کرده‌ایم. ما به دنبال تأمین آب از سایر منابع هستیم، اما با از دست رفتن یخچال‌های طبیعی به علت افزایش دما و خشکسالی موجب کاهش ورودی آب به حداقل شده است.»

او افزوده دانشگاه علوم پزشکی به‌عنوان متولی سلامت نسبت به پیامدهای بهداشتی ناشی از خشک شدن تالاب هشدار می‌دهد. هنگامی که ما تالاب را از دست بدهیم اثرات مستقیمی بر سلامت جامعه به دلیل انتشار گرد و غبار ناشی از خشکی و تبدیل این اراضی به کانون‌های گرد و غباری خواهد داشت، زیرا تالاب‌های ما در پایین دست قرار دارند و خاک آن‌ها به دلیل تجمع در پایین دست حاوی آلاینده‌های زیادی است، برای سلامت ساکنان مجاور و کسانی که از این ذرات معلق متأثر می‌شوند، اثرات سوئی دارد، حتی اگر حاوی فلزات سمی و آلاینده و فلزات سنگین نباشند و برای موضوعات تنفسی و ریوی بسیار آسیب‌زا است.

این مقام مسئول افزوده استان اصفهان اکنون با پدیده بسیار جدی فرونشست که از آن به‌عنوان زلزله خاموش یاد می‌شود، روبه‌رو است. لازم است برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه‌ای انجام گیرد که هیچ‌یک از فعالیت‌ها موجب تشدید این پدیده و رسیدن به نقطه برگشت‌ناپذیر نشود. این رویکرد در استان در حال شکل‌گیری است و امیدواریم فعالیت‌های ما منجر به تشدید این پدیده نباشد. در استان اصفهان فرونشست نقاط جمعیتی و شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بسیاری از آثار تاریخی ارزشمند استان که نماد تمدن غنی این منطقه هستند تحت تهدید جدی قرار گرفته‌اند.

خشکسالی از یکسو تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی را با چالش روبرو کرده و از سوی دیگر خسارت‌های جبران‌ناپذیر محیط زیستی از جمله خشکی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها و گسترش فرونشست را تشدید کرده است. تالاب گاوخونی در استان اصفهان از جمله قربانیان مدیریت محیط زیست جمهوری اسلامی است و به گفته مدیر کل سازمان حفاظت محیط زیست استان اصفهان اکنون مرگ این تالاب به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسیده و امیدی به احیای آن نیست.

داریوش گل‌علیزاده مدیر کل سازمان حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفته ادامه خشکسالی و قطع جریان دائمی زاینده‌رود، فرونشست زمین و مرگ تالاب گاوخونی را به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسانده و حتی آب آشامیدنی را هم در آستانه تهدید قرار داده است. او با بیان اینکه «قطع جریان دائمی زاینده‌رود پیامدهای گسترده‌ای برای استان اصفهان به ویژه مناطق پایین‌دست ایجاد کرده» گفته «یکی از مهم‌ترین تبعات آن تشدید فرونشست زمین به دلیل تغذیه نشدن آبخوان‌ها است. جریان زاینده‌رود نقش مؤثری در تغذیه آبخوان داشت و مانع تشدید فرونشست آن می‌شد.»

مدیر کل سازمان حفاظت محیط زیست استان اصفهان افزوده با توجه به تداوم خشکسالی طی پنج تا شش سال اخیر و کاهش شدید ورودی به آبخوان، در کنار افزایش برداشت از چاه‌ها، سفره‌های زیر زمینی، مصرف پساب در صنعت و گاهی آبیاری‌ها، روند فرونشست به شکل نگران‌کننده‌ای تشدید شده است.

داریوش گل‌علیزاده افزوده برای جریان‌یافتن زاینده‌رود به ۱۳۶ میلیون مترمکعب آب و برای احیای گاوخونی به ۱۷۶ میلیون مترمکعب نیاز است. به گفته مدیر کل سازمان حفاظت محیط زیست استان

● خشکسالی از یکسو تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی را با چالش روبرو کرده و از سوی دیگر خسارت‌های جبران‌ناپذیر محیط زیستی از جمله خشکی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها و گسترش فرونشست را تشدید کرده است.

● تالاب گاوخونی در استان اصفهان از جمله قربانیان مدیریت محیط زیست جمهوری اسلامی است و به گفته مدیر کل سازمان حفاظت محیط زیست استان اصفهان اکنون مرگ این تالاب به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسیده و امیدی به احیای آن نیست.

● داده‌های سازمان هواشناسی نشان می‌دهد با توجه به میانگین بلندمدت ۶ میلی‌متر بارش از ابتدای پاییز تا پایان هفته نخست آذرماه، میزان بارش‌ها نسبت به سال‌های گذشته با کاهش چشمگیر ۹۹/۳ درصدی همراه بوده است.

کاهش بارندگی‌ها سبب ثبت رکوردهای بی‌سابقه‌ای در رابطه با خشکسالی و پیامدهای آن در ایران شده است. به گفته مدیر کل محیط زیست استان اصفهان مرگ تالاب گاوخونی به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسیده و امیدی به احیای آن نیست.

در دومین هفته آذرماه همچنان بارندگی‌ها در ایران به شکل بی‌سابقه‌ای با کاهش روبروست. احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران سازمان هواشناسی معتقد است ایران «یکی از خشک‌ترین پاییزهای پنج دهه اخیر» را تجربه کرده است.

احد وظیفه گفته «هیچ‌وقت چنین پاییز کم‌بارشی را در دوره‌های آماری ندیده‌ایم». اکنون حدود ۷۰ روز از پاییز گذشته و بسیاری از نقاط کشور هیچ‌گونه بارشی نداشته‌اند. من که نزدیک سه دهه در هواشناسی فعالیت دارم چنین وضعی را رویت نکرده‌ام و داده‌های آماری پنج دهه گذشته هم همین را تأیید می‌کنند.

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران سازمان هواشناسی افزوده «چون سدها خالیست، علاقه داریم بارش‌های سیل آسارخ دهد و سدها را پر کند اما احتمال رخداد این بارش‌ها کم است. با این حال بارش در بالادست به شکل برف است و این شرایط برای ذخیره آب آینده مناسب است. زمانی که توده‌های هوا وارد فاز سرد زمستانی می‌شود، احتمال بارش‌های رگباری سیل‌آسا کم می‌شود.»

بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی، از ابتدای فصل جاری تا ۷ آذرماه بارش با میانگین ۳/۹ میلی‌متر ثبت شده که بر این اساس ایران نسبت به بارش ۳۳/۵ میلی‌متری در بلندمدت با ۸۸/۳ درصدی کاهش بارش روبرو بوده است.

داده‌های سازمان هواشناسی نشان می‌دهد با توجه به میانگین بلندمدت ۶ میلی‌متر بارش در این بازه زمانی، میزان بارش‌ها نسبت به سال‌های گذشته با کاهش چشمگیر ۹۹/۳ درصدی همراه بوده است.

همچنین از ابتدای سال آبی جاری، «بارش در تمامی استان‌ها کمتر از حد نرمال بوده است و در این زمینه چهار استان بوشهر، خراسان جنوبی، قم و یزد بدترین وضعیت را تجربه می‌کنند، چرا که ۱۰۰ درصد کمتر از حد نرمال طی سال آبی جاری بارش دریافت کرده‌اند.

قیمت دلار از مرز ۱۲۰ هزار تومان گذشت؛ دلائل افزایش قیمت ارز چیست؟



● قیمت هر دلار آمریکا در ساعت ۹ صبح چهارشنبه ۱۲ آذرماه به ۱۲۰ هزار و ۶۰۰ تومان رسید. قیمت دلار روز گذشته در کانال ۱۱۸ هزار تومان قرار داشت.

● هر یورو نیز روز در صبح چهارشنبه با قیمت بی‌سابقه ۱۴۰ هزار و ۴۹۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۵۹ هزار و ۷۶۰ تومان، هر درهم امارات ۳۳ هزار و ۵۰ تومان، و هر لیر ترکیه ۲۸۴۰ تومان معامله شد.

● قیمت هر سکه طلا در صبح چهارشنبه به ۱۲۷ میلیون و ۵۰۰ تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۱۲ میلیون و ۳۲۰ هزار تومان اعلام شد.

● دولت با کسری شدید بودجه روبروست و اقداماتی که برای جبران کسری بودجه انجام می‌شود از جمله استقراض از نظام بانکی و یا برداشت از صندوق توسعه ملی همگی سبب افزایش نقدینگی می‌شود. افزایش نقدینگی نیز یکی از مهمترین عوامل تحریک تورم در اقتصاد ایران و در نهایت سقوط ارزش پول ملی است.

● تحلیلگران معتقدند در یک سناریوی واقع‌بینانه اگر شرایط سیاسی نه بهتر شود و نه بدتر، و تورم همچنان بالا بماند، دلار می‌تواند در محدوده ۱۴۵ هزار تومان افزایش پیدا کند. سناریوی بدبینانه قیمت دلار را در کانال ۱۶۵ هزار تومان در ماه‌های آینده پیش‌بینی می‌کند.

افزایش تقاضا برای ارز در بازار غیررسمی و تشدید فشار بر نرخ‌ها شده است.

فعالان بازار می‌گویند بخشی از واردکنندگان که اکنون امکان تأمین ارز از منابع خارج از شبکه بانکی را دارند، عملاً به سمت خرید ارز از بازار آزاد رفته‌اند و این رفتار، کنار انتظارات تورمی، به افزایش تنش در بازار انجامیده است.

پیمان مولوی تحلیلگر اقتصادی هفته گذشته با پیش‌بینی رسیدن قیمت دلار به کانال ۱۲۰ هزار تومان گفته بود «موتور رشد نقدینگی و رشد کسری بودجه روشن است. از طرفی موتور رشد اقتصادی خاموش است و عدم قطعیت در اقتصاد ایران در بالاترین سطح خود حتی از زمان جنگ قرار گرفته است و فعالان اقتصادی هیچ چشم‌انداز روشنی از آینده ندارند؛ بنابراین این دلایل موجب شده که قیمت دلار به سمت گرانی حرکت کند.»

پیمان مولوی افزوده بود «در شرایط کنونی، بحث‌های ژئوپلیتیک، بحث‌های اقتصاد سیاسی و بحث‌های بین‌المللی بر اقتصاد کشور حاکم شده است. بنابراین، اگر بخواهیم راهکاری بدهیم که این راهکار هم‌اکنون بتواند به وضع موجود کمک کند، این نسخه، آزادی کامل اقتصادی است.»

تحلیلگران معتقدند در یک سناریوی واقع‌بینانه اگر شرایط سیاسی نه بهتر شود و نه بدتر، و تورم همچنان بالا بماند، دلار می‌تواند در محدوده ۱۴۵ هزار تومان افزایش پیدا کند. در سناریوی بدبینانه نیز در صورتی که تنش‌های سیاسی بیشتر شود و محدودیت ارزی تشدید گردد، بازار وارد فاز هیجانی خواهد شد. در این شرایط، دلار می‌تواند تا ۱۶۵ هزار تومان رشد کند. معاملات آتی طلا نیز برای اردیبهشت آینده سطح حدود ۱۵۵ هزار تومان برای دلار را نشان می‌دهد که با سناریوی بدبینانه همخوانی دارد.

کسری بودجه جدی‌تر شده است. دولت برای تأمین منابع، مجبور به افزایش فروش اوراق شده که این موضوع نیز به محرکی بیشتر برای افزایش نقدینگی و در نهایت افزایش بیش از پیش تورم می‌شود.

این در حالیست که آمارهای رسمی نشان می‌دهد تورم در مهر و آبان امسال نیز با افزایش پرسرعتی روبرو بوده و فشار سنگینی بر هزینه‌های خانوار وارد کرده است. افزایش قیمت خوراکی‌ها نیز دوباره به محرک اصلی تورم تبدیل شده و همین موضوع انتظارات تورمی را در بازار ارز تشدید کرده است. در چنین شرایطی، تغییر نرخ دلار برای بسیاری از فعالان اقتصادی یک واکنش طبیعی نسبت به رشد سطح عمومی قیمت‌ها ارزیابی می‌شود.

همچنین به طور کلی افزایش قیمت ارز به دولت کمک می‌کند بخشی از کسری بودجه را با دریافت ریال بیشتر از بانک مرکزی در ازای ارز، تبدیل کند.

از سوی دیگر رشد اقتصادی ایران طی ماه‌های گذشته با کاهش چشمگیری روبرو شده است. منفی شدن رشد اقتصادی نیز سبب کاهش ارزش پول ملی، یا به بیان دیگر افزایش قیمت ارز شده است.

در آنسو افزایش ریسک‌های اقتصادی به علت انسداد مسیر مذاکرات و تداوم تحریم‌ها نیز انتظارات تورمی و ریسک‌های اقتصادی را افزایش داده است. به عقیده بسیاری از کارشناسان این موضوع نیز بر افزایش قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی موثر بوده است.

در این میان، مصوبه تازه هیئت دولت مبنی بر واردات کالاهای اساسی از استان‌های مرزی و واردات بدون انتقال ارز یکی از موضوعاتی است که در روزهای گذشته توجه بسیاری از تحلیلگران بازار را به خود جلب کرده است. این سیاست که هدف اصلی آن تسهیل تأمین کالاهای ضروری عنوان شده، در عمل باعث

قیمت‌ها در بازار ارز ایران همچنان روند افزایشی روزهای گذشته را ادامه داده است. قیمت هر دلار آمریکا صبح روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه از مرز ۱۲۰ هزار تومان عبور کرد. عوامل اقتصادی در کنار افزایش انتظارات تورمی و بن‌بست در روابط بین‌الملل ایران بر افزایش قیمت ارز طی روزهای گذشته موثر بوده است.

قیمت هر دلار آمریکا در ساعت ۹ صبح چهارشنبه ۱۲ آذرماه به ۱۲۰ هزار و ۶۰۰ تومان رسید. قیمت دلار روز گذشته در کانال ۱۱۸ هزار تومان قرار داشت.

همزمان هر یورو نیز روز در صبح چهارشنبه با قیمت بی‌سابقه ۱۴۰ هزار و ۴۹۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۵۹ هزار و ۷۶۰ تومان، هر درهم امارات ۳۳ هزار و ۵۰ تومان، و هر لیر ترکیه ۲۸۴۰ تومان معامله شد.

قیمت هر سکه طلا در صبح چهارشنبه به ۱۲۷ میلیون و ۵۰۰ تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۱۲ میلیون و ۳۲۰ هزار تومان اعلام شد.

قیمت دلار چند ماه پیش و در جریان جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل نیز بار دیگر از مرز ۱۲۰ هزار تومان عبور کرده بود.

افزایش روزهای گذشته قیمت‌ها در بازار ارز، یا به بیان دیگر سقوط پرسرعت ارزش پول ملی ایران، به دلائل مختلفی رخ داده است.

نخست آنکه دولت با کسری شدید بودجه روبروست و اقداماتی که برای جبران کسری بودجه انجام می‌شود از جمله استقراض از نظام بانکی و یا برداشت از صندوق توسعه ملی همگی سبب افزایش نقدینگی می‌شود. افزایش نقدینگی نیز یکی از مهمترین عوامل تحریک تورم در اقتصاد ایران است.

از سوی دیگر با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال، بحث

کمبود و نایاب شدن دارو در ایران؛ داروهایی با بارکد ایرانی در داروخانه‌های عراق!



● یک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با اشاره به بحران کمبود دارو در کشور، گفته جان بسیاری از بیماران به دلیل نایاب بودن داروهای حیاتی در خطر است.

● داروسازان می‌گویند وزارت بهداشت ارز مورد نیاز واردات دارو را تخصیص نمی‌دهد. آنها افزایش هزینه‌های تولید دارو در داخل کشور را از جمله مهمترین دلایل افزایش قیمت دارو عنوان می‌کنند.

● داروی فمارا (Femara) یکی از مهمترین داروهای شیمی درمانی در درمان سرطان پستان، به تازگی با وجود نایاب شدن در ایران، با بارکد ایرانی در داروخانه‌های عراق دیده شده است.

● معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان غذا و دارو گفته «اختلاف قابل توجه قیمت دارو میان ایران و کشورهای همسایه، بستر اصلی شکل‌گیری قاچاق معکوس است».

یک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با اشاره به بحران کمبود دارو در کشور، تحریم‌ها و عدم انتقال ارز را عامل اصلی این وضعیت دانسته و گفته جان بسیاری از بیماران به دلیل نایاب بودن داروهای حیاتی در خطر است. این در حالیست که گزارش‌ها نشان می‌دهد با وجود بحران کمبود دارو در کشور، بخش زیادی از داروهای ساخت ایران از جمله داروی درمان سرطان از داروخانه‌های عراق سر درآورده است.

همایون سامه یح نجف آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «شرق» با تأیید مشکلات جدی بیماران در دسترسی به دارو به علت گرانی و کمیابی گفته «مشکلات بسیار و کمبودها نیز فراوان است. انتقال پول صورت نمی‌گیرد و به تبع آن واردات مواد اولیه اتفاق نمی‌افتد و داروهای حیاتی بسیار کم است. جان بسیاری از بیمارانی که در آستانه مرگ هستند، با یک داروی بسیار ارزان قیمت نجات پیدا می‌کند، اما متأسفانه این داروها در دسترس نیستند».

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده «من اخیراً با کمبودهایی مواجه شدم که مردم به خاطر آن‌ها با من تماس می‌گیرند، به‌ویژه در زمینه کمبود داروهایی که حیات افراد به آن‌ها وابسته است».

همایون سامه یح نجف آبادی همچنین گفته «ارز کم است و بانک مرکزی و دیگر نهادها با مشقت زیاد در حال تأمین واردات دارو هستند، اما وقتی که نمی‌توانند ارز را انتقال دهند، چه باید کرد؟»

او مدعی شده «انتقال ارز به خاطر تحریم‌ها دچار مشکل شده و این وضعیت بسیار سخت است. مشکلات بسیار زیاد است و هزینه‌های دولت بالا و درآمد آن کم است که همین‌ها باعث ایجاد مشکلات اساسی شده است. باید در مورد این مسائل فکر شود و راه‌حلی برای برون‌رفت از آن‌ها پیدا شود».

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در حالی موضوع کمبود و گرانی دارو را به «تحریم» پیوند زده که بارها اعلام شده اقلام دارویی

اینهمه در حالیست که به گفته برخی کارشناسان دولت به جای مبارزه با مافیاهای فعال در قاچاق دارو، قیمت دارو در داخل کشور را افزایش می‌دهند تا با کاهش اختلاف میان قیمت دارو در ایران و کشورهای همسایه مانع از قاچاق شوند!

فریبرز دین پرور، اقتصاددان اگر دولت قیمت دارو را افزایش دهد تا قاچاق کمتر شود، بار اصلی آن بر دوش مصرف‌کننده نهایی خواهد بود؛ یعنی بیمار. در حوزه سوخت ممکن است بگوییم مصرف‌کننده می‌تواند مصرفش را مدیریت کند، اما در حوزه دارو چنین چیزی ممکن نیست.

این اقتصاددان تأکید کرده که «دلیل قاچاق فقط اختلاف قیمت نیست. ضعف نظارتی، شبکه توزیع ناکارآمد، جعل نسخه، نبود کنترل دیجیتال کافی و فساد ساختاری عوامل مهم‌تر هستند. اگر این عوامل رفع نشوند، حتی با افزایش قیمت هم قاچاق ادامه می‌یابد».

ملیحه امامی کارشناس حوزه سلامت نیز گفته وقتی دارو گران شود، مردم دیرتر به پزشک مراجعه می‌کنند، بیماری پیشرفته‌تر می‌شود و در نهایت هزینه‌های درمان برای سیستم بسیار بیشتر خواهد شد. او ادامه می‌دهد: گمان نکنیم افزایش قیمت باعث حذف قاچاق می‌شود. در بسیاری موارد، افزایش قیمت موجب افزایش انگیزه قاچاق می‌شود، مگر اینکه نظارت و توزیع اصلاح شود.

این کارشناس تأکید کرده «در مورد شیرخشک نیز همین الگو را دیدیم. کمبود ایجاد شد، قاچاق مقصر معرفی شد، دولت قیمت را آزادتر کرد و بعد از مدتی باز هم مشکل تکرار شد. دلایل این است که مشکل ساختاری است، نه قیمتی. در نهایت اگر دولت بخواهد با «قیمت‌درمانی» مشکلات دارویی را حل کند، «نتیجه‌اش مرگ خاموش بیماران کم‌درآمد» خواهد بود».

و غذایی تحت تحریم قرار ندارند؛ همچنین داروسازان می‌گویند وزارت بهداشت ارز مورد نیاز واردات دارو را تخصیص نمی‌دهد و از سوی دیگر افزایش هزینه‌های تولید دارو در داخل کشور را از جمله مهمترین دلایل افزایش قیمت دارو عنوان می‌کنند.

از سوی دیگر صنعت دارویی ایران نیز، مانند دیگر بخش‌ها، تحت کنترل مافیها قرار دارد و همین موضوع اختلال در توزیع دارو در بازار ایجاد کرده است. این مافیا به قاچاق گسترده دارو مشغول است و همین موضوع یکی از دلایل کمیاب یا نایاب شدن داروها در درون کشور است. داروهای ساخت داخل یا داروهایی که با ارز دولتی وارد می‌شوند توسط این مافیا به کشورهای همسایه قاچاق و آنجا با قیمت بالاتر به فروش می‌رسد.

در همین رابطه نقی شهابی‌مجد معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان غذا و دارو گفته «اختلاف قابل توجه قیمت دارو میان ایران و کشورهای همسایه، بستر اصلی شکل‌گیری قاچاق معکوس است».

نقی شهابی‌مجد توضیح داده دارو در کشور بر پایه ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تأمین می‌شود و همین اختلاف باعث شده برخی اقلام دارویی از مسیرهای غیررسمی از کشور خارج شوند.

وبسایت «فرارو» گزارش داده که داروی فمارا (Femara) یکی از مهمترین داروهای شیمی درمانی در درمان سرطان پستان، به تازگی با وجود نایاب شدن در ایران، با بارکد ایرانی در داروخانه‌های عراق دیده شده است.

در این گزارش آمده اگر در داروخانه‌های ایران پیدا شود چیزی حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد؛ اما نیست. نمونه‌های آن را با بارکد ایرانی در داروخانه‌های عراق پیدا کردند که با قیمت حدودی ۹ میلیون به فروش می‌رسد.

دور تازه اعتراضات کارگران پیمانی پارس جنوبی؛ هشدار درباره تغییر شیوه اعتراضات در صورت بی‌اعتنایی مسئولان



● کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی در سومین مرحله اعتراضات پاییز امسال قرار است روز سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۴ از ساعت ۷ صبح مقابل فرمانداری عسلویه تجمع کنند.

● سازمان‌دهندگان تجمع ۱۸ آذر از کارگران خواسته‌اند به همراه خانواده‌های خود و همچنین به‌صورت یکپارچه با لباس کار و کلاه ایمنی در این گردهمایی حاضر شوند.

● رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر هشدار داده که «اگر مطالبات اصلی ما که چند مورد اساسی است محقق نشود، مجبوریم شیوه اعتراضات را تغییر دهیم».

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی در عسلویه قرار است دور تازه‌ای از اعتراضات را در روز هجدهم آذرماه برگزار کنند. این کارگران که پیشتر در روزهای ششم و بیستم آبان نیز دو دور دیگر از اعتراضات را برگزار کردند اعلام کرده‌اند اینبار به همراه اعضای خانواده در این اعتراضات شرکت خواهند کرد.

به گزارش منابع کارگری، کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی در سومین مرحله اعتراضات پاییز امسال قرار است روز سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۴ از ساعت ۷ صبح مقابل فرمانداری عسلویه تجمع کنند.

دور جدید اعتراضات، پس از دو مرحله پیشین اعتراضات در ۶ آبان که به صورت تجمع درون پالایشگاه و ۲۰ آبان که به صورت حضور یکپارچه بیش از سه هزار کارگر مقابل ستاد مجتمع برگزار شده بود، انجام می‌شود.

همچنین سازمان‌دهندگان تجمع ۱۸ آذر از کارگران خواسته‌اند به همراه خانواده‌های خود و همچنین به‌صورت یکپارچه با لباس کار و کلاه ایمنی در این گردهمایی حاضر شوند.

بر اساس اطلاعیه کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز بوشهر، مطالبات اصلی کارگران پیمانکاری در شش محور مطرح شده است:

اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام همسان‌سازی دستمزد

اجرای طرح اقماری دو به دو نیروهای اداری و پشتیبانی تعیین تکلیف رانندگان خودروهای استیجاری ساماندهی وضعیت نیروهای پشتیبان ایمنی و رعایت قانون کار و شرایط عرف کارگاهی پرداخت حق کمپ

تأمین ایاب و ذهاب هوایی برای کارگران پیمانکاری خبرگزاری «ایلنا» روز سه‌شنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۴ در گزارشی به خواسته‌های کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری پارس جنوبی پرداخته و نوشته پیشتر وعده‌های بسیاری برای حل مشکلات کارگران داده شد بود که به گفته‌ی رئیس انجمن صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر، بخشی از این وعده‌ها محقق شده اما مشکلات اصلی همچنان پابرجاست.

علیرضا میرغفاری رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به عدم تحقق وعده مسئولان گفته «معمولاً زمانی که ما دست به اعتراض می‌زنیم، جلسات

تشکیل می‌شود و به محض توقف اعتراض‌ها، پیگیری نیز متوقف می‌شود».

علیرضا میرغفاری گفته اعتراضات کارگران پیمانی پارس جنوبی سال گذشته و به صورت هفتگی برگزار می‌شد. «پس از آن، جلسه‌ای با حضور نماینده دشتستان، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزارت نفت، معاون حقوقی و امور پیمان‌های وزارت نفت و جمعی از نمایندگان کارگران در وزارت نفت تشکیل شد. در آن جلسه، یکی از مدیران، بازه زمانی سه‌ماهه‌ای را برای بررسی شرایط و تعیین تکلیف خواسته‌ها درخواست کردند و ما نیز این مهلت را پذیرفتیم».

این فعال کارگری در ادامه گفته «ما با حسن نیت فرصت دادیم تا بررسی‌ها انجام شود؛ زیرا هدف ما رفع تبعیض‌های دستمزدی و رفاهی است و قصدی برای برگزاری تجمعات مکرر نداشتیم».

او افزوده «پس از پایان بازه سه‌ماهه و هنگام تصمیم برای آغاز دوباره اعتراض‌ها، کشور درگیر شرایط حساس و جنگ شد و ما تصمیم گرفتیم اعتراضات را متوقف کنیم اما متأسفانه پاسخی به مطالبات ما داده نشد».

رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر توضیح داده که «سال گذشته در جلسه‌ای در منطقه ویژه پارس مقرر شد ماهی یک‌بار کارگروه کارگری با حضور یکی از اعضای شورای تأمین شهرستان عسلویه تشکیل شود تا مشکلات به صورت مستمر حل‌وفصل شود اما این جلسات فقط یک‌بار برگزار شد و ادامه پیدا نکرد».

بی‌اعتنایی مسئولان به خواسته‌های کارگران که سالهاست در بنیانه و با برگزاری اعتراضات تکرار می‌شود سبب تدارک دور تازه‌ای از اعتراضات از سوی این کارگران شده است.

افزایش تورم و گرانی روزافزون کالاها و خدمات در ماه‌های گذشته سبب افزایش فشار بر اقشار کارگری شده است. همچنین دولت مسعود پزشکیان نیز نتوانسته به وعده‌های خود در رابطه با بهبود شرایط اقتصادی و حمایت

از سفره خانوارهای کم‌درآمد عمل کند.

در آنسو چشم‌انداز اقتصادی کشور نیز با توجه به تشدید تحریم‌ها و انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل، منفی است. اینهمه سبب افزایش اعتراضات و تجمعات اقشار کم‌درآمد مانند کارگران، بازنشستگان و پرستاران و ... در هفته‌های گذشته شده است.

آمارهای حکومتی نیز بیانگر افزایش پرسرعت تورم و تحمیل فشار تورم بر اقشار حقوق‌بگیر کم‌درآمد است. برای نمونه بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران تورم مواد خوراکی در آبان‌ماه امسال رکوردهای تازه‌ای را ثبت کرده است. تورم ماهانه اقلام خوراکی به ۴/۷ درصد، نقطه‌ای به ۶۶ درصد و سالانه آن به ۴۶/۱ درصد رسیده، در حالی که این مقدار در بخش غیرخوراکی به ترتیب ۲/۶، ۴۱/۲ و ۳۷/۵ درصد بوده است. تورم نقطه‌به‌نقطه میوه و خشکبار در آبان با بیش از ۱۰۸ درصد در رتبه اول تورم نقطه به نقطه بوده است. پس از آن، تورم نقطه‌به‌نقطه نان و غلات با بیش از ۱۰۰ درصد در رتبه دوم قرار دارد. سبزیجات و حبوبات با ۶۹ درصد و چای و سایر نوشیدنی‌ها با ۶۸/۳ درصد در رتبه‌های بعدی هستند. اینهمه بیانگر تشدید فشار معیشتی بر اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و کوچک‌تر شدن سفره آنها است.

در چنین شرایطی تحلیلگران معتقدند اگر دولت پزشکیان نتواند به سرعت برنامه‌های حمایتی موثری از اقشار کم‌درآمد و تنگدست طراحی و اجرا کند، احتمال بروز اعتراضات گسترده و سراسری افزایش پیدا خواهد کرد.

در همین رابطه علیرضا میرغفاری رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر نیز هشدار داده که «اگر مطالبات اصلی ما که چند مورد اساسی است محقق نشود، مجبوریم شیوه اعتراضات را تغییر دهیم. هر نوع اعتراضی حق کارگران است و ما در چارچوب قانون برای احقاق حقوق خود اقدام خواهیم کرد. بسته به شرایط تصمیم‌گیری می‌کنیم و راهکارهای مختلفی پیش‌روی ما وجود دارد».

وضعیت بحرانی آلودگی هوای تهران و چند کلانشهر ایران؛ سازمان هواشناسی هشدار «آماده باش» داد

شاخص آلودگی هوا در شهرهای اندیمشک، خرمشهر، شادگان، ماهشهر و ملائانی در محدوده قمرز و ناسالم برای همه گروه‌ها و در آبادان، آغاجری، اهواز، بهبهان، دزفول، کارون، شوشتر و لالی در وضعیت نارنجی و ناسالم برای گروه‌های حساس قرار گرفت.

مقامات حکومتی نه تنها اقدام موثری برای کاهش آلودگی هوا انجام نمی‌دهند بلکه با افزایش مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های تولید برق، و به علت کمبود گاز، بر آلودگی هوای کلانشهرها افزوده‌اند. در این میان تنها اقدام عملی در شرایط بحرانی آلودگی هوا تعطیلی مدارس و ادارات و دورکار کردن بخشی از کارمندان بخش دولتی است.

در همین رابطه یکی از مدیران استان تهران در گفتگو با خبرنگار «فارس» اعلام کرده «با توجه به شرایط آلودگی هوا، کارگروه اضطرار آلودگی هوای استان تهران عصر روز جمعه هفتم آذرماه برگزار خواهد شد». این مدیر که نام او ذکر نشده گفته «در نشست کارگروه اضطرار آلودگی هوا، درباره غیرحضور شدن مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین نحوه دورکاری ادارات استان تهران برای دو روز آینده تصمیم‌گیری خواهد شد».

مهدی پیرهادی رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی اسلامی شهر تهران نیز روز جمعه هفتم آذرماه با انتقاد از عملکرد دستگاه‌های مسئول در اجرای قانون هوای پاک، گفت: «دستگاه‌های مسئول باید به مردم پاسخ دهند که چرا ترک‌فعل کرده‌اند؟»

مهدی پیرهادی با بیان اینکه ۲۳ دستگاه در این قانون مسئولیت دارند، گفته «۱۴ دستگاه از جمله وزارتخانه‌های نفت، نیرو، کشور، راه و شهرسازی، اقتصاد، صمت، بهداشت، آموزش و پرورش، ارتباطات، شهرداری‌ها، سازمان حفاظت محیط زیست، پلیس راهور، نیروی انتظامی و صدا و سیما وظایف مستقیم دارند، اما متأسفانه تعدادی از این دستگاه‌ها به وظایف خود عمل نکرده‌اند».

رئیس کمیسیون سلامت شورای اسلام شهر تهران با استناد به گزارش‌های کمیسیون اصل ۹۰، دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور، گفته «ترک‌فعل‌های گسترده در اجرای قانون هوای پاک محرز است و قوه قضائیه باید با متخلفان برخورد قاطع کند. مردم هنوز احساس نکرده‌اند که با مدیران ناکارآمد برخورد شده باشد».

او با انتقاد از رویکرد تکراری برخی مدیران اظهار کرده که «بسیاری از مدیران در کشور در زمان مناسب اقدام لازم را انجام ندادند و می‌گویند هوا آلوده شده است. قانون هوای پاک سال ۹۶ تصویب شد، اما پیش از آن نیز دستورالعمل‌های مرتبط وجود داشت. اگر قرار بود این قوانین نتیجه بدهد، امروز به این وضعیت نمی‌رسیدیم. تا زمانی که کانون‌های اصلی آلودگی مانند خودروهای فرسوده از رده خارج نشوند، تغییری اتفاق نخواهد افتاد». بر اساس داده‌های شرکت کنترل کیفیت هوا، تهران در سال ۱۴۰۴ تنها شش روز هوای پاک داشته و بیش از نیمی از روزهای سال برای گروه‌های حساس ناسالم بوده است. همچنین از ابتدای امسال تاکنون، هوای پایتخت شش روز در وضعیت پاک، ۱۲۳ روز قابل قبول، ۱۰۶ روز ناسالم برای گروه‌های حساس، ۱۲ روز ناسالم، دو روز بسیار ناسالم و دو روز در شرایط خطرناک قرار داشته است.



خواهد رسید و دستگاه‌های امدادرسان به ویژه بخش‌های بهداشت و درمان باید در حالت «آماده باش» باشند.

اداره کل هواشناسی استان تهران پیوست صدور هشدار خودداری از تردد غیر ضروری برای تمام گروه‌ها در ساعت‌های اوج آلودگی هوا و استفاده از ماسک بهداشتی برای ترددهای ضروری در مناطق پر تردد شهر را توصیه کرده است.

شرکت کنترل کیفیت هوای تهران صبح جمعه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ اعلام کرده میانگین کیفیت هوای تهران با آلاینده شاخص ذرات معلق کوچک‌تر از ۲/۵ میکرون روی عدد ۱۶۰ ثبت شده و در محدوده «ناسالم» است.

میانگین کیفیت هوای تهران در ۲۴ ساعت گذشته نیز روی عدد ۱۷۶ بود که به معنای «ناسالم» برای همه است و نشان می‌دهد وضعیت آلودگی هوا در طول شیانروز گذشته با وجود بارش خفیف باران تداوم داشته است.

جعفر برزگر رئیس اداره پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوای استان تهران هم اعلام کرد که تپویه مقطعی هوای تهران در روز گذشته کم‌اثر بوده و احتمال تداوم آلودگی هوا تا اواسط هفته آینده وجود دارد.

در مشهد، شاخص لحظه‌ای کیفیت هوا در هفتم آذرماه با ثبت عدد ۱۵۳ در وضعیت قمرز و در شرایط ناسالم برای تمامی گروه‌ها قرار گرفت. کیفیت هوای این شهر در ۲۴ ساعت گذشته با شاخص کلی ۱۶۰ در وضعیت قمرز (ناسالم برای تمامی گروه‌ها) قرار داشت.

هوای کلانشهر اصفهان نیز بر اساس داده‌های ۱۳ ایستگاه سنجش فعال منتهی به ساعت ۱۰ صبح هفتم آذر با میانگین ۱۵۲، همچنان وضعیت قمرز و ناسالم برای عموم افراد جامعه را نشان می‌دهد.

همچنین هوای ۱۴ شهر استان خوزستان در صبح جمعه در وضعیت بنفش، قمرز و نارنجی بود. بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، شاخص کیفی هوا در شهر هویزه به عدد ۲۳۲ رسید و این شهر در وضعیت «بنفش» یعنی «بسیار ناسالم» قرار گرفت.

● سازمان هواشناسی کشور روز جمعه هفتم آذرماه با صدور هشدار آلودگی سطح نارنجی «شماره ۳»، از وقوع یک وضعیت بحرانی در کیفیت هوا در برخی از کلانشهرهای کشور در تاریخ‌های ۸ و ۹ آذر ۱۴۰۴ خبر داد.

● اداره کل هواشناسی استان تهران ظهر روز جمعه هفتم آذرماه اعلام کرد در صورت عدم مهار منابع آلاینده ثابت و متحرک، کیفیت هوا به شرایط بسیار ناسالم خواهد رسید و دستگاه‌های امدادرسان به ویژه بخش‌های بهداشت و درمان باید در حالت «آماده باش» باشند.

● بر اساس اعلام سازمان هواشناسی، طی روزهای آینده غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا افزایش شدید خواهد داشت و این شرایط خطرناک به ویژه شهرهای بزرگ مانند تهران، کرج، اصفهان، اراک، مشهد، تبریز، ارومیه و اهواز را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

● مقامات حکومتی نه تنها اقدام موثری برای کاهش آلودگی هوا انجام نمی‌دهند بلکه با افزایش مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های تولید برق به علت کمبود گاز، بر آلودگی هوای کلانشهرها افزوده‌اند.

وضعیت بحرانی آلودگی هوا در کلانشهرهای ایران ادامه دارد و وضعیت هوا در چند شهر کشور از جمله تهران، اصفهان و مشهد، همچنان در وضعیت قمرز و ناسالم برای همه افراد قرار دارد. سازمان هواشناسی تهران نسبت به تداوم آلودگی و افزایش آلاینده‌ها در پایتخت هشدار داده و تأکید کرده باید دستگاه‌های امدادرسان در حالت «آماده باش» باشند.

آلودگی هوا در کلانشهرهای ایران برای چندمین روز پیاپی ادامه یافته است. سازمان هواشناسی کشور روز جمعه هفتم آذرماه با صدور هشدار آلودگی سطح نارنجی «شماره ۳»، از وقوع یک وضعیت بحرانی در کیفیت هوا در برخی از کلانشهرهای کشور در تاریخ‌های ۸ و ۹ آذر ۱۴۰۴ خبر داد. بر اساس اعلام سازمان هواشناسی، طی این مدت غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا افزایش شدید خواهد داشت. همچنین این شرایط خطرناک به ویژه شهرهای بزرگ مانند تهران، کرج، اصفهان، اراک، مشهد، تبریز، ارومیه و اهواز را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

سازمان هواشناسی تأکید کرده «افزایش غلظت آلاینده‌ها و بالا رفتن شاخص آلودگی هوا در حد ناسالم برای تمام گروه‌ها پیش‌بینی شده است. در صورت عدم اقدامات لازم برای کنترل منابع آلاینده (هر دو ثابت و متحرک)، ممکن است شاخص آلودگی به آستانه خطرناک برسد».

صادق ضیاییان رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا، از پایداری جو و ادامه آلودگی هوا در شهرهای بزرگ و صنعتی کشور خبر داد و گفته در همه نقاط کشور به جز استان‌های حاشیه دریای مازندران و خراسان شمالی، تا روز یکشنبه نهم آذرماه جوی پایدار حاکم خواهد بود که می‌تواند در شهرهای بزرگ و صنعتی موجب افزایش غلظت آلاینده‌ها و کاهش کیفیت هوا شود.

اداره کل هواشناسی استان تهران نیز ظهر روز جمعه هفتم آذرماه ۱۴۰۴ در رابطه با کیفیت هوای تهران در روزهای آینده هشدار داد و اعلام کرد در صورت عدم مهار منابع آلاینده ثابت و متحرک، کیفیت هوا به شرایط بسیار ناسالم

فرونشست زمین؛ زلزله خاموش در ایران



روزبه اسکندری، پژوهشگر محیط‌زیست - فرونشست زمین، از جدی‌ترین و خطرناک‌ترین بحران‌های محیط‌زیستی ایران محسوب می‌شود؛ پدیده‌ای که بسیاری از متخصصان آن را «زلزله خاموش» و «سرطان زمین» می‌نامند.

فروریزش زمین در تهران

برخلاف زلزله‌های ناگهانی، فرونشست به آرامی و بدون لرزش رخ می‌دهد و هیچگونه هشدار فوری برای آن وجود ندارد، به همین دلیل تشخیص و مقابله با آن بسیار دشوار است. با این حال، پیامدهای آن برای زیرساخت‌های شهری و روستایی، زندگی روزمره مردم، ایمنی ساختمان‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل و خطوط انتقال آب و انرژی، و به‌طور کلی آینده پایداری سرزمین بسیار جدی است. فرونشست می‌تواند سکونتگاه‌ها و زمین‌های کشاورزی را به تدریج از بین برد و در بسیاری از مناطق، تغییرات دائمی در ساختار زمین ایجاد کند که جبران آن حتی با سال‌ها مدیریت منابع آب ممکن نخواهد بود.

چرا زمین در ایران نشست می‌کند؟

ریشه اصلی فرونشست در ایران، برداشت بی‌رویه و غیرقابل کنترل آب از آبخوان‌ها است. میزان برداشت آب از منابع زیرزمینی فراتر از توان طبیعی بازپر شدن آنها رفته و این امر تعادل ظریف چرخه طبیعی آب را بر هم زده است. وقتی آب به اندازه‌ای پمپاژ می‌شود که آبخوان فرصت بازسازی و تغذیه خود را از دست می‌دهد، فشار زیادی به ساختار زمین وارد می‌شود و زمین دچار تغییرات دائمی و غیرقابل بازگشت می‌شود.

از دیدگاه ژئوتکنیکی، فرونشست زمانی رخ می‌دهد که کاهش شدید «هد هیدرولیکی» باعث تراکم سازه‌ای لایه‌های رسوبی آبخوان شود، به‌ویژه در لایه‌های کم‌نفوذ و ریزدانه مانند رس و سیلت. وقتی «هد هیدرولیکی» به زیر سطح تاریخی یا «هد پیش‌تلفیق» سقوط کند، تراکم رخ داده غیر کشسان و دائمی خواهد بود؛ یعنی حتی اگر برداشت آب متوقف شود یا آبخوان‌ها دوباره تغذیه شوند، زمین دیگر به حالت اولیه باز نمی‌گردد.

ایران؛ رکورددار فرونشست در میان کشورهای در حال توسعه

میانگین فرونشست زمین در بسیاری از کشورها، کمتر از ۵ سانتی‌متر در سال است، اما در ایران وضعیت بسیار وخیم و نگران‌کننده است. در مناطق وسیعی از کشور، نرخ نشست زمین چندین برابر متوسط جهانی گزارش شده و برخی دشت‌ها سالانه تا ۳۰ سانتی‌متر فرونشست را تجربه می‌کنند، عددی که در سطح جهان کم‌سابقه است. این نرخ بالای فرونشست زمین، پیامد مستقیم برداشت بی‌رویه آب زیرزمینی و مدیریت ناکارآمد منابع آب است که فشار زیادی بر ساختار زمین وارد می‌کند و قابلیت بازسازی طبیعی آبخوان‌ها را برای همیشه مختل می‌سازد.

دلایل اصلی این بحران محیط‌زیستی در ایران شامل توسعه بی‌برنامه کشاورزی، حفر بیش از ۸۰۰ هزار حلقه چاه -که بخش بزرگی از آنها غیرمجاز هستند- و فقدان نظارت و مدیریت تقاضا در بخش آب می‌شود. این شرایط نه تنها تعادل چرخه طبیعی آب را بر هم زده، بلکه زیرساخت‌های شهری، کشاورزی و زندگی روزمره مردم را نیز در معرض

از خانه‌ها و برج‌ها در مناطق متأثر از فرونشست دچار ترک و آسیب شده و ایمنی ساکنان به خطر می‌افتد.

آسیب به شبکه‌های شهری: خطوط گاز، آب، فاضلاب و کابل‌های برق و مخابرات در اثر نشست زمین دچار شکستگی و اختلال می‌شوند.

خطر برای حمل‌ونقل: تونل‌های مترو، مسیرهای راه‌آهن و جاده‌ها در مناطق درگیر فرونشست در معرض آسیب جدی قرار دارند.

تخریب زمین‌های کشاورزی و نشست خاک: زمین‌های زراعی و باغ‌ها تحت فشار فرونشست قرار گرفته و بهره‌وری کشاورزی کاهش می‌یابد.

افزایش خطر سیلاب: تغییرات سطح زمین و نشست خاک می‌تواند مسیر جریان آب را تغییر دهد و خطر وقوع سیلاب در مناطق شهری و روستایی را افزایش می‌دهد.

راه برون رفت چیست؟

راهکار اصلی مقابله با فرونشست زمین، مدیریت سختگیرانه برداشت آب زیرزمینی و اصلاح فوری الگوی مصرف آب در کشاورزی است. برای رسیدن به این هدف ضروری است که حفر چاه‌های جدید متوقف شود و چاه‌های غیرمجاز شناسایی و مسدود گردند. علاوه بر این، کاهش سطح زیرکشت محصولات پراپر و گسترش روش‌های آبیاری کم‌مصرف می‌تواند فشار بر منابع آب زیرزمینی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. بازچرخانی آب در صنایع، تقویت مدیریت تقاضا و تدوین برنامه‌های بلندمدت برای بهره‌برداری پایدار از منابع آب نیز از اقدامات حیاتی دیگر به شمار می‌آیند.

فرونشست زمین ممکن است «خاموش» باشد و هیچ هشدار برای ساکنان و مسئولان ندهد، اما پیامدهای آن بلندمدت و جبران‌ناپذیر است. اگر امروز تصمیم‌های سخت و جدی برای کنترل این پدیده گرفته نشود، فردا مقابله با خسارت‌ها بسیار دشوار خواهد بود و بخش‌های وسیعی از زیرساخت‌ها، زمین‌های کشاورزی و بافت شهری با خطر فروپاشی تدریجی روبرو خواهند شد.

خطر قرار داده است. ادامه این روند می‌تواند پیامدهای بلندمدت و جبران‌ناپذیری برای سرزمین و منابع آبی ایران داشته باشد.

کدام مناطق ایران در وضعیت فوق‌بحرانی هستند؟

یافته‌های سازمان نقشه‌برداری کشور و پژوهشکده‌ها نشان می‌دهد که فرونشست زمین در ایران بسیار گسترده است و تاکنون به بیش از ۴۰۰ دشت از مجموع ۶۰۹ دشت کشور رسیده است. این وضعیت بخش بزرگی از فلات مرکزی ایران را درگیر کرده است.

کانون‌های بحرانی فرونشست در کشور شامل مناطق مختلفی است. در تهران، به‌ویژه در جنوب و جنوب‌غرب شهر، مناطقی مانند ۱۷، ۱۸ و ۲۰ با نرخ فرونشست ۳۰ تا ۳۶ سانتی‌متر در سال مواجه هستند. در اصفهان و دشت مپیار، این پدیده تهدید جدی برای بناهای تاریخی و میراث فرهنگی محسوب می‌شود. مشهد و چناران نیز با آسیب به خطوط حمل‌ونقل، ساختمان‌ها و تأسیسات زیرسطحی روبرو هستند. در کرمان، فرونشست گسترده همراه با خسارت‌های شدید به بافت تاریخی و شهری گزارش شده است. در یزد و دشت یزد-اردکان، خطر جدی متوجه خطوط راه‌آهن و شبکه‌های انتقال آب است، در حالی که در قزوین به‌ویژه نواحی کشاورزی که برداشت آب زیرزمینی در آنها بالا است، با مشکلات مشابه مواجه‌اند. همدان، به ویژه مناطق کبودرآهنگ و فامنین، نرخ فرونشست بسیار بالا و نگران‌کننده‌ای دارد.

پیامدها؛ فرونشست چگونه زندگی شهروندان را تهدید می‌کند؟

فرونشست زمین پیامدهای گسترده و ملموسی بر زندگی شهری و زیرساخت‌های کشور دارد. از جمله مهم‌ترین اثرات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ترک خوردگی ساختمان‌ها و کاهش ایمنی سازه‌ها: بسیاری



وقتی سیاست و ورزش در هم می آمیزند؛ حضور کریستیانو رونالدو در ضیافت افتخاری کاخ سفید برای بن سلمان

سلمان این عملیات را تأیید کرده بود. هر چند او همچنان هر گونه دخالت را انکار می کند.

با این حال، در دیدار خصوصی پیش از ضیافت، ترامپ بار دیگر انتقادهای درباره پرونده حقوق بشر و قتل خاشقچی را رد کرد و با خطاب کردن پرسشهای خبرنگاران به عنوان «اخبار جعلی»، نشان داد که قصد ندارد روابط اقتصادی و سیاسی با عربستان را تحت الشعاع این پرونده قرار دهد.

سرمایه گذاریهای کلان

ترامپ در این دیدار اعلام کرد که عربستان قصد دارد صدها میلیارد دلار در آمریکا سرمایه گذاری کند. وعدهای که اگر عملی شود، بنیان اقتصادی روابط دو کشور را وارد مرحلهای جدید خواهد کرد. از این منظر، ضیافت باشکوه کاخ سفید بخشی از «عادی سازی مجدد» روابط ریاض و واشنگتن در دوره پس از خاشقچی به حساب می آید.

حضور رونالدو در کنار رهبران سیاسی و اقتصادی جهان، بار دیگر نشان داد که عربستان چگونه از ورزش، به ویژه فوتبال و جذب ستاره های جهانی برای تغییر چهره بین المللی خود، افزایش نفوذ نرم و ایجاد هم افزایی با قدرت های غربی استفاده می کند. این مدل، که در سال های اخیر با میزبانی رقابت های بزرگ، خرید باشگاه ها و جذب چهره های مطرح شدت یافته، اکنون در سطح دیپلماسی سیاسی نیز خود را نشان می دهد.

در چنین چارچوبی، مهمانی شام اخیر نه یک مراسم تشریفاتی ساده، بلکه نمایش قدرت، سرمایه گذاری و دیپلماسی ورزشی عربستان در کنار اولویتهای اقتصادی و سیاسی دولت ترامپ بود ترکیبی که می تواند مسیر جدیدی در روابط واشنگتن-ریاض ترسیم کند.

نهادهای اطلاعاتی آمریکا گفته اند که ولیعهد سعودی این عملیات را تأیید کرده بود، اما او هر گونه دخالت را رد می کند.

پیش از ضیافت شام، ترامپ دیداری دوستانه با ولیعهد داشت و در این دیدار پرسشها درباره وضعیت حقوق بشر در عربستان و همچنین انتقادهای از قتل خاشقچی را رد کرد. وقتی یک خبرنگار درباره این قتل سؤال کرد، ترامپ آن را «اخبار جعلی» خطاب کرد و گفت: «لازم نیست مهمان ما را با چنین سؤالی در موقعیت سخت قرار بدهی!»

گذاری و پروژه های موفق گذاشته است.

با اینکه، علاقه وافر بارون ترامپ به ورزش فوتبال و آشنایی با مشهورترین فوتبالیست جهان نکته مهم و قابل توجهی است اما بطور کلی برگزاری این ضیافت با شکوه چند وجهه دارد.

حضور کریستیانو رونالدو، ستاره جهانی فوتبال، در ضیافت شامی که دونالد ترامپ در کاخ سفید و به افتخار سفر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، برگزار کرد، تنها یک حضور تشریفاتی نبود، بلکه نمونه ای آشکار از پیوند استراتژیک «دیپلماسی ورزشی» با معادلات قدرت در سطح جهانی است.

رونالدو که از زمان پیوستن به باشگاه النصر در پایان سال ۲۰۲۲ به چهره محوری پروژه ورزشی و تبلیغاتی عربستان تبدیل شده، اکنون عملاً بخش مهمی از برندسازی جدید ریاض در عرصه بین المللی است.

قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری او، و تهدید آن برای دو سال دیگر، نشان دهنده اهمیت این ستاره برای صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان، نهادی تحت مدیریت مستقیم ولیعهد آن کشور است. حضور او در چنین ضیافتی، از نگاه تحلیلگران، بخشی از تلاش ریاض برای استفاده از چهره های جهانی جهت عادی سازی تصویر سیاسی خود در غرب ارزیابی می شود.

نشست قدرت های اقتصادی و ورزشی بر سر یک میز حضور چهره هایی چون تیم کوک، مدیرعامل اپل، ایلان ماسک، بنیانگذار تسلا، و جیانی اینفانتینو رئیس فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال) در مراسم شام کاخ سفید نشان می دهد که این مراسم تنها یک شام سیاسی نبود، بلکه نشست غیررسمی میان غول های فناوری، اقتصاد و فوتبال جهان محسوب می شد. این ترکیب می تواند نشانه ای باشد از تلاش مشترک آمریکا و عربستان برای تقویت همکاری های گسترده تر، از سرمایه گذاری و انرژی گرفته تا نفوذ ورزشی و تکنولوژیک.

این سفر نخستین حضور ولیعهد عربستان در ایالات متحده پس از هفت سال است. دوره ای که از زمان قتل جمال خاشقچی، خبرنگار «واشنگتن پست» در سال ۲۰۱۸ در کنسولگری عربستان در استانبول و انزوای دیپلماتیک ریاض آغاز شد. نهادهای اطلاعاتی آمریکا معتقدند که بن

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، روز سه شنبه ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵ در مراسمی باشکوه از محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، استقبال کرد. در مهمانی شام مجلی که به افتخار بن سلمان در کاخ سفید برگزار شد، شماری از مقامات و چهره های شناخته شده از جمله کریستیانو رونالدو ستاره پرتغالی فوتبال حضور داشتند.

کریستیانو رونالدو از زمان پیوستن به باشگاه النصر در پایان سال ۲۰۲۲، به چهره اصلی فوتبال عربستان تبدیل شده است. او با قراردادی بسیار سنگین که ارزش آن حدود ۲۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می شود، به این باشگاه پیوست و در ماه ژوئن نیز قرارداد خود را برای دو سال دیگر تمدید کرد.

باشگاه النصر متعلق به صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان است. نهادی دولتی که ریاست آن بر عهده ولیعهد سعودی است.

ترامپ در این مراسم از حضور رونالدو تشکر کرد و او را با پسر ۱۹ ساله اش، بارون، آشنا کرد. او با لحنی شوخ طبعانه گفت: «بارون توانست او را ببیند و فکر می کنم حالا احترام بیشتری برای پدرش قائل است، فقط به خاطر اینکه من او را به رونالدو معرفی کردم.»

بارون ترامپ، کوچک ترین فرزند پرزیدنت دونالد ترامپ و تنها فرزند ملانیا بانوی اول آمریکا، علاقه خاصی به فوتبال دارد. او زمانی آرزو داشت که فوتبالیست حرفه ای شود و حتی با آکادمی «دی سی یونایتد» قرارداد امضا کرد. اما به گفته پدرش، قد بسیار بلندش باعث شد نتواند این مسیر را ادامه دهد. با این حال، علاقه اش به دنبال کردن کردن فوتبال و رونالدو پرتغالی هرگز کم رنگ نشده است.

بارون طرفدار پر و پا قرص تیم آرسنال است و علاقه اش به ورزش فراتر از یک هواداری ساده است. پاتریک مالینز، مهاجم پیشین دی سی یونایتد، درباره او گفته بود: «بارون واقعا با فوتبال آشناست و همیشه دوست دارد بیشتر یاد بگیرد.»

بارون در سال ۲۰۱۷، وقتی تنها ۱۱ سال داشت، در تیم زیر ۱۲ سال دی سی یونایتد بازی کرد و چهار مسابقه رسمی انجام داد، اما در ادامه تصمیم گرفت فوتبال حرفه ای را کنار بگذارد. بارون با وجود علاقه شدیدش به فوتبال، حالا مسیر متفاوتی را انتخاب کرده و تمرکز خود را روی تجارت، سرمایه

بیانیه ۱۷۲ نماینده مجلس شورای اسلامی درباره مشکلات اقتصادی کشور

مسعود پزشکیان به تازگی با ادعای اینکه تلاش و راهبرد کشور باید این باشد که لایحه بودجه سال آینده را بدون کسری به مجلس شورای اسلامی تحویل دهد گفته بود «برای تحقق این مسئله همه وزارتخانه‌ها موظف به بررسی این موضوع هستند که هر وزارتخانه چقدر باید هزینه‌های جاری‌اش را کاهش دهد و اجرای انضباط مالی را جدی‌تر دنبال کنیم».

مهدی پازوکی اقتصاددان این ادعای مسعود پزشکیان را «شوخی» خوانده و گفته «به حدی هزینه‌های غیرضرور پرمبارند که فقط اگر جلوی نصف این هزینه‌ها گرفته شود، بخش زیادی از مشکلات کشور حل می‌شود. شلختگی

نقدینگی را به شکل وام‌های چندبرابر به خود و بستگان خود تخصیص می‌دهند».

این بیانیه همچنین افزوده نتیجه روند کنونی اینست که دولت با وجود دارایی عظیم، نقدینگی در اختیار ندارد، در حالی که شبکه بانکی خصوصی هر روز پول خلق می‌کند و بر پیچیدگی بحران اقتصادی می‌افزاید.

در بیانیه خطاب به مسعود پزشکیان آمده «اگر اراده‌ای جدی برای اصلاح ساختار اقتصادی وجود دارد، مسیر آن روشن است. نخست انحلال یا ادغام بانک‌های خصوصی ناتراز و توقف چرخه خلق پول بی‌ضابطه، دوم: ساماندهی و انضباط بخشیدن به بانک‌های دولتی و ممنوعیت خلق

این بیانیه به یکی از مهمترین مشکلاتی که سبب کسری بودجه دولت می‌شود اشاره نکرده است: پولپاشی به نهادها و سازمان‌های ایدئولوژیک و تبلیغاتی حکومت که نقشی در تولید و رشد اقتصادی ندارند اما بخش زیادی از بودجه کشور را می‌بلعند!

این بیانیه در حالی تنها عملکرد ساختار بانکی و خلق پول از سوی بانک‌های خصوصی را مورد توجه قرار داده که به اعتقاد کارشناسان، نظام مافیایی حاکم بر اقتصاد ایران از جمله در نظام بانکی مهمترین بحران اقتصاد کشور است.

۱۷۲ نماینده مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای ریشه اصلی مشکلات اقتصادی کشور را فعالیت معیوب نظام بانکی ارزیابی کرده‌اند که سبب خلق پول و افزایش تورم شده است. نمایندگان امضاکننده این بیانیه خواستار انحلال یا ادغام بانک‌های خصوصی ناتراز و توقف چرخه خلق پول بی‌ضابطه شدند.

۱۷۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم با اشاره به مشکلات اقتصادی خواستار انحلال یا ادغام بانک‌های خصوصی ناتراز و توقف چرخه خلق پول بی‌ضابطه در اقتصاد کشور شدند.

این بیانیه به «ضرورت تصمیم‌گیری قاطع دولت» در حوزه اقتصاد تأکید کرده و ریشه اصلی نابسامانی‌های اقتصادی کشور را خلق پول ارزیابی کرده است.

نمایندگان با اشاره به آخرین گزارش بانک مرکزی نوشتند «حجم نقدینگی کشور حدود ۱۱ هزار همت است، در حالی که دارایی‌های دولت حداقل ۹ برابر این رقم و بالغ بر ۱۰۰ هزار همت برآورد می‌شود. این یعنی تقریباً تمام ظرفیت نقدینگی بالقوه کشور در اختیار دولت است؛ اما امکان بهره‌برداری نقدی از آن وجود ندارد».

در بخش دیگری از این بیانیه آمده «دارایی‌های معادن، جنگل‌ها، ساختمان‌ها و املاک دولتی ارزش واقعی دارند، اما به دلیل عدم مولدسازی و قفل شدن منابع، هیچ جریان درآمدی موثری برای دولت ایجاد نمی‌کنند. امروز بانک‌های خصوصی با خلق بی‌ضابطه پول، رقابت در افزایش سود سپرده و جذب منافع مردم، عملاً نقدینگی کشور را به سمت فعالیت‌های غیرمولد منحرف کرده‌اند».

این بیانیه تأکید کرده که آمارها نشان می‌دهد بانک آینده با بیش از ۴۵۰ هزار میلیارد تومان اضافه برداشت و ۵۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی، که بخش زیادی از آن غیرقابل وصول است و کفایت سرمایه منفی ۵۰۰ درصد دارد. همچنین بانک‌های سامان، گردشگری، ایران زمین و اقتصاد نیز سالانه هزاران میلیارد تومان اضافه برداشت از بانک مرکزی داشته و نقش جدی در بحران ناترازی ایفا کرده‌اند.

در بیانیه ۱۷۲ نماینده مجلس با بیان اینکه تنها مانده تسهیلات کلان همین چند بانک بیش از ۷۸۰ هزار میلیارد تومان است، یعنی سه برابر یارانه یک سال، آمده است: «دولت با سستی نفت می‌فروشد، مالیات می‌گیرد تا تولید را حمایت کند و منابع محدود خود را صرف رفع مشکلات مردم نماید، اما بانک‌های خصوصی مانند زالو همان



زیادی در بخش مخارج دولت دیده می‌شود که مصادیق عینی هم دارد. درست است که اقتصاد خراب است اما باید سعی کنیم آن را درست کنیم. یکی دیگر از مشکلات موجود، عدم شفافیت کافی در بودجه است».

مهدی پازوکی افزوده «اگر دولت بخواهد کسری بودجه نداشته باشد باید به توازن بین منابع درآمدی خود و مخارج برسد. درآمدهای دولت ما یا مالیات است یا نفت. در شرایطی که ما داریم، درآمدهای نفتی هم کاهش پیدا کرده است. بنابراین دولت باید بودجه جاری خود را بر اساس مالیات تنظیم کند».

این اقتصاددان توضیح داده که «دولت به اندازه مالیات، باید بودجه جاری داشته باشد؛ چرا که هر اندازه کم بیاورد مجبور است از پول نفت برداشته و در بودجه جاری هزینه کند. این، درواقع برخلاف برنامه بودجه است چرا که قرار بود از برنامه چهارم به بعد، بودجه جاری، فقط از طریق مالیات تأمین شود. طی سالهای اخیر بودجه جاری دولت، به شدت با هزینه‌های اضافی رو به رو شده است. معاونت اجرایی رئیس جمهور، حدود ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال بودجه دارد. بنابراین رئیس جمهوری باید از خود شروع کند. بودجه‌ای که در ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی هزینه می‌شود توجیهی ندارد».

پول خارج از چهارچوب، سوم: کاهش نرخ بهره بانکی برای هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید، چهارم: مولدسازی واقعی و شفاف دارایی‌های راکد دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین ظرفیت معطل مانده کشور».

در پایان این بیانیه آمده است: «مردم و نمایندگان مجلس شورای اسلامی باور دارند که حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی تنها با جراحی عمیق نظام بانکی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم دارایی دولت امکان‌پذیر است. امیدواریم دولت با شجاعت، دقت و شفافیت، آغازگر این تحول تاریخی باشد».

این بیانیه در حالی تنها عملکرد ساختار بانکی و خلق پول از سوی بانک‌های خصوصی را مورد توجه قرار داده که به اعتقاد کارشناسان، نظام مافیایی حاکم بر اقتصاد ایران از جمله در نظام بانکی مهمترین بحران اقتصاد کشور است. از سوی دیگر این بیانیه به «ظرفیت‌های دارایی‌های عظیم» دولت اشاره کرده و عملکرد بانک‌های خصوصی را از جمله دلائل کسری بودجه نشان داده است اما به یکی از مهمترین مشکلاتی که سبب کسری بودجه دولت می‌شود اشاره نکرده است: پولپاشی به نهادها و سازمان‌های ایدئولوژیک و تبلیغاتی حکومت که نقشی در تولید و رشد اقتصادی ندارند اما بخش زیادی از بودجه کشور را می‌بلعند!

مرگی که پیش از مرگ رخ می‌دهد؛ بررسی علل و پیامدهای خودکشی و مرز باریک میان ماندن و رفتن در جامعه ایران



«آنچه هست» و «آنچه باید باشد» هر روز بیشتر می‌شود و افراد، به ویژه نسل جوان، خود را در چرخه‌ای از ناامیدی و خشم فروخورده می‌بینند. در پی تداوم این سطح از فشار روانی و فکری میزان استرس در جامعه افزایش می‌یابد که خود علائم افسردگی و ناامیدی را تشدید می‌کند.

بحران آزادی و هویت بر زندگی فردی

از دست دادن آزادی‌های فردی و اجتماعی که از همان روزهای اول استقرار حکومت اسلامی بر جامعه ایران تحمیل شد. این محدودیت‌ها، از پوشش تا سبک زندگی، موجب آن گردیده که افراد زیادی از جامعه برای دستیابی به ابتدایی‌ترین حقوق خود ناچار به مبارزه با این حاکمیت دیکتاتوری بپردازند.

این احساس ناتوانی مزمن در کنترل و هدایت زندگی فردی یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در جامعه ایران گردیده است.

در جامعه‌ای که حقوق آزادانه فردی براساس باورهای خرافی مذهبی، سنتی و به اصطلاح فرهنگی به یک آرزو تبدیل گردیده است. این تناقض میان «زندگی واقعی مردم و انتظاراتشان» و «نوع حاکمیت موجود» شکافی عمیق ایجاد کرده است؛ شکافی که در آن ناسازگاری اخلاقی، فشار روانی و سردرگمی هویتی هر روز گسترش می‌یابد.

ناامنی اجتماعی و فرسایش اعتماد

عدم امنیت اجتماعی و بی‌اعتمادی، و تجربه‌های پی‌درپی آزاردهنده -چه کلامی، چه رفتاری و چه جنسی- در سطح جامعه به افزایش انزوای اجتماعی دامن زده‌اند. ←

محصول فرسایشی طولانی مدت و پیچیده‌ای است که در آن اختلالات روانشناختی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد، نابرابری‌های اقتصادی، آشفتگی اجتماعی، بی‌عدالتی، و ناکارآمدی ساختاری و تجربه مکرر «احساس بی‌قدرتی» نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند؛ عواملی که همگی می‌توانند میل یا اقدام به خودکشی را افزایش دهند.

در واقع، افکار خودکشی در بسیاری از موارد بیانگر میل واقعی به مرگ نیستند؛ بلکه نشان‌دهنده رنج عاطفی شدید، احساس بن‌بست و تلاش ناامیدانه برای پایان دادن به دردی هستند که فرد راه دیگری برای رهایی از آن نمی‌بیند. فهم این واقعیت، نقطه‌ی آغاز هر تحلیل دقیق و هر اقدام مؤثر برای پیشگیری، حمایت و مداخله است.

فشار ساختاری و احساس خفگی اجتماعی

یکی از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری چنین واکنش‌هایی، گسترش وحشت، ناامنی روانی و فشار ساختاری است.

در طی چند دهه گذشته، بکارگیری خشونت توسط ارگان‌های دولتی و سازوکارهایی همچون بازداشت‌های خودسرانه، خشونت سازمان‌یافته و ابزارهای سرکوب، تلاش داشته‌اند نوعی قدرت مطلق خود را تثبیت کنند. استمرار این وضعیت، سطح استرس اجتماعی را افزایش داده و نشانه‌های افسردگی، ناامیدی و درماندگی را تشدید کرده است. این فشارها نوعی «احساس خفگی جمعی» ایجاد کرده‌اند؛ احساسی که در آن فرد تصور می‌کند نه ابزار مؤثری برای تغییر دارد و نه مسیر قابل دسترس و روشنی برای پیگیری حقوق بنیادین خود پیدا می‌کند. در نتیجه، فاصله میان

دکتر محمد طباطبایی* - یکی از بحران‌های جامعه امروز ایران، روند رو به رشد آمار خودکشی است. در این راستا، آمار تکانه‌دهنده‌ای وجود دارد؛ تعداد قابل توجهی از مردم هر روزه با چالشی عمیق میان‌امید و ناامیدی روبرو هستند. به ویژه آمارهای موجود حاکی از افزایش نگران‌کننده خودکشی در کشور است. تنها در طی حدود ۲۰ سال گذشته، میزان خودکشی در کشور از ۲/۴ در هر ۱۰۰ هزار نفر به بالای ۳/۶ در هر ۱۰۰ هزار نفر رسیده است؛ یعنی با رشدی بالای ۴۴ درصدی روبرو هستیم. هر چند این آمار نیز وخامت واقعی این بحران را کامل بازگو نمی‌کند.

این چالش، لایه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی جامعه ایران را تحت‌تأثیر قرار داده است. از یکسو، خشم انباشته و احساس ناتوانی در ایجاد تغییر، و از سوی دیگر، نارضایتی درونی و دائمی نسبت به شرایط موجود، فضای عمومی را آکنده از این احساس ناامیدی کرده که «چیزی درست نیست»، و «همسویی» با این وضعیت به درستی وجود ندارد. در چنین فضایی، معنا، امید و انگیزه به آسانی می‌توانند جای خود را با بی‌معنایی، یأس و پوچی بدهند. بر اساس نظریه «آلبرت بندورا» بعضی افراد با آموختن و درونی کردن احساس درماندگی، در شرایط بحرانی خودکشی را به عنوان یک راه حل برمی‌گزینند. این وضعیت هرگز به این معنا نیست که افراد جامعه ایران گرایش ذاتی به مرگ دارند؛ بلکه نشان می‌دهد که در مواجهه با مجموعه‌ای پیچیده از فشارهای اجتماعی، اقتصادی و عاطفی، گاهی پایان دادن به زندگی در نگاه برخی افراد به عنوان آخرین راه برای رهایی از رنج تجربه می‌شود. این «خشم نهفته و خاموش» یک پدیده لحظه‌ای و تصمیم‌آنی نیست؛ بلکه

قانون حمایت از معلولان ۱۸ سال پیش تصویب اما همچنان اجرایی نشده است

● صبح روز چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۴ همزمان با روز جهانی معلولان، جمعی از معلولان کشور در اعتراض به وضعیت معیشتی و اجرا نشدن قانون حمایت از معلولان مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

● معلولان با اعتراض به ادعای گرامیداشت روز جهانی معلولان از سوی دولت می‌گویند تا زمانی که حتی یک فرد دارای معلولیت پشت نوبت دریافت ویلچر، عصا یا کمک‌هزینه معیشتی باشد، هیچ جشن و گرمی‌داشتی موضوعیت ندارد.

● بهروز مروتی فعال حقوق معلولان با اشاره به اینکه «بیش از ۹۵ درصد افراد دارای معلولیت زیر خط فقر مطلق هستند» گفته «در حوزه اشتغال نیز هزاران نفر پشت نوبت استفاده از مواد قانونی مربوط به کمک‌هزینه ارتقای کارایی یا پرداخت حق بیمه معلولان هستند».

● به گفته بهروز مروتی ایران کشوری معلول‌زا است بطوریکه «سالانه ده‌ها هزار نوزاد معلول متولد می‌شوند و ده‌ها هزار نفر بر اثر تصادفات، حوادث کار یا بیماری‌ها دچار معلولیت می‌شوند».

شماری از معلولان در ایران همزمان با روز جهانی معلولان در اعتراض به اجرا نشدن قانون حمایت از معلولان مصوب سال ۸۶ و افزایش مشکلات معیشتی و درمانی مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. معلولان با اعتراض به ادعای گرامیداشت این روز از سوی دولت می‌گویند تا زمانی که حتی یک فرد دارای معلولیت پشت نوبت دریافت ویلچر، عصا یا کمک‌هزینه معیشتی باشد، هیچ جشن و گرمی‌داشتی موضوعیت ندارد.

صبح روز چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۴ همزمان با روز جهانی معلولان، جمعی از معلولان کشور در اعتراض به وضعیت معیشتی و اجرا نشدن قانون حمایت از معلولان مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

خبرگزاری «ایلنا» با گزارش از اعتراضات معلولان نوشته افراد دارای معلولیت در ایران به خصوص در سال‌های اخیر از مشکلات سخت معیشتی رنج می‌برند. قانون حمایت از حقوق معلولان، به خصوص بندهای مربوط به پرداخت کمک هزینه معیشتی و حمایت از اشتغال معلولان یا به مرحله‌ای اجرا نرسیده و یا به صورت بسیار حداقلی اجرا شده است.

بهروز مروتی فعال صنفی حقوق معلولان، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به اجرا نشدن قانون حمایت از معلولان گفته «وقتی دولت قانون را اجرا نمی‌کند، مجلس شورای اسلامی بی‌تفاوت است و قوه قضاییه نیز برخوردی ندارد، این یعنی ارکان حاکمیت در جریان ظلمی هستند که طی هشت سال و نیم به افراد دارای معلولیت

ساختاری، ناامیدی جمعی و احساس ناتوانی مواجه بوده، بازسازی امید و معنایابی مهمترین گام برای برون‌رفت از بحران‌های روانی و اجتماعی امروز است. افزایش «نور امید» در جامعه نه اینکه میبایستی به عنوان یک آرزو در نظر گرفته و تداعی شود، بلکه فرآیندی لازم و ضروری و همچنین قابل ساختن است که با مجموعه‌ای از تغییرات فردی و جمعی و مسئولیت‌پذیری همگانی امکان‌پذیر می‌شود.

نخست آنکه ایجاد معنا در تلاش روزمره و پذیرش مسئولیت شخصی نقش مهمی در ترمیم این زخم عمومی و روان آسیب‌دیده ایفا می‌کند. زمانی که فرد در خود نیروی امید را بازآفرینی میکند و این احساس شکل می‌گیرد که در محدوده توان خود قادر است تغییری هرچند کوچک ایجاد کند، نگرش «بی‌قدرتی» به تجربه «توانمندی» تبدیل می‌شود. همچنانکه ویکتور فرانکل معناگرایی را کلید حفظ امید به زندگی می‌دانست که انسان می‌تواند در خود به آن دست یافت و این معنی‌بخشی به انسان کمک می‌کند تا در شرایط دشوار در مسیر زندگی‌اش اثرگذار باشد و با سختی‌ها کنار بیاید و امید به زندگی را از دست ندهد.

در کنار این مسئولیت فردی در معنابخشی، ایجاد و تقویت شبکه‌های حمایتی عاطفی، اجتماعی و حرفه‌ای نقشی کلیدی دارد.

جامعه تنها زمانی می‌تواند امید و انگیزه را بازتولید کند که افراد در پیوندی زنده با یکدیگر، امکان گفتگو، همدلی و حمایت داشته باشند. شبکه‌های حمایتی برای بهداشت و درمان، در کنار خانواده و دوستان، احساس دیده‌شدن، شنیده‌شدن و اهمیت داشتن را در فرد تقویت می‌کنند و در نتیجه او را از انزوای روانی نجات می‌دهند. اما فقدان آموزش درست در خانواده‌هایی که دچار سنت‌گرایی افراطی، خرافات و نگرانی بیش از حد از حفظ آبرو هستند، زمینه‌ساز تقابل بین نسل‌ها می‌شود. این شکاف نسلی، همراه با فشارهای اقتصادی، باعث می‌شود نسل جوان (نسل زد) که دنیای خود را در بر اساس ارزش‌ها و باورهای جدید (متأثر از فضای دیجیتال و اینترنت) بنا نهاده‌اند، دچار سرخوردگی مزمن شوند. این امر یکی دیگر از عوامل مهم افسردگی در میان جوانان ایران است.

از سویی دیگر در جامعه‌ای که چشم‌اندازی روشن و رهبری توانمند برای هدایت مسیر آینده وجود نداشته باشد، اضطراب جمعی‌اش افزایش یافته و انگیزه عمل در آن کاهش می‌یابد. در این مسیر احساس همراهی با یک نیروی هدایت‌گر توانا و قدرتمند میتواند انسجام روانی جامعه را بالا ببرد و نیروی همبستگی را فعال کند.

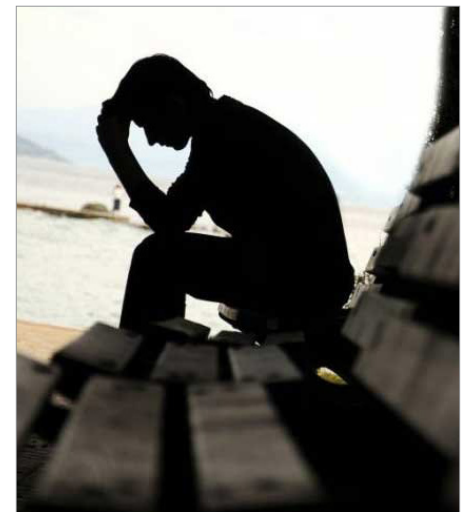
همچنین، بهره‌گیری گسترده‌تر از روان‌درمانی و مداخله‌های تخصصی و علمی سلامت روان (و اجتناب از توسعه روانشناسی زرد) ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی است. که آموزش مدیریت هیجان، تنظیم احساسات، افزایش تاب‌آوری و بازسازی کارآمدی روانی به افراد کمک می‌کند خلأیت، تأثیرگذاری و نیروی عمل خود را باز یابند.

در پایان این نوشته می‌توان در مجموع چنین نتیجه گرفت که گذار از وضعیت کنونی نیازمند ترکیبی هماهنگ از افزایش خودکارایی و توانمندی در سطح فردی، همبستگی در سطح اجتماعی، و باورمندی به مدیریت در سطح ساختاری است. امید نه‌تنها می‌تواند بازآفرینی شود، بلکه با حضور معنا، حمایت و مداخلات روان‌شناختی، به نیرویی پایدار برای تغییر فردی و اجتماعی تبدیل خواهد شد.

*دکتر محمد طباطبایی، روانشناس، روانکاو، پژوهشگر و عضو انجمن روان درمانی تحلیلی آلمان

➡ در جامعه‌ای که «ترس جایگزین اعتماد»، و «پنهان کاری جایگزین صداقت» می‌شود، افراد ارتباط سالم خود را با دیگران از دست می‌دهند و شبکه‌های حمایتی تضعیف می‌شود. این فرایند، یکی از محرک‌های مهم و زمینه‌ساز برای پریشانی روانی، افسردگی و احساس بی‌پناهی است. در چنین بستری که تلاش فردی، پشتکار، توانایی، مهارت‌های به دست آمده، شایستگی و کارکردها منبای پیشرفت را شکل نمی‌دهند، افراد جایگاه واقعی خود را پیدا نمی‌کنند. رشد و ترقی به‌جای آنکه بر توانایی استوار باشد، به روابط، رشوه، فساد و نابرابری گره خورده است. هنگامی که مسیرهای رشد شخصی و حرفه‌ای مسدود می‌شود و ضوابط جای خود را به روابط می‌دهند، آنچه را که مارتین زیگلن احساس درماندگی می‌نامد و بدینگونه بی‌افقی تشدید می‌گردد.

در پی ترس‌های شکل گرفته، امید به آینده‌های بهتر و انگیزه برای ساختن آینده‌های مطلوب هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. افرادی که دل به آینده‌های بهتر در آن سوی مرزها می‌بندند، سعی بر آن دارند تا روزنه‌ای از امید را در فضای خارج از کشور بیابند. اما این فرصت برای همه افراد جامعه در دسترس نیست و در بسیاری از موارد، این امید نیز شکلی سرابگونه نیز دارد. در نتیجه، ناامیدی اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور تشدید شده و آن را می‌توان به عنوان یکی دیگر از عوامل موثر در شکل‌گیری احساس رنج و سختی در



ادامه زندگی و افزایش نیاز به پایان دادن این فضای ناامید کننده برشمرد. با ایجاد شکاف در درون جامعه و توسعه بی‌اعتمادی، خودخواهی و خودمحوری و همچنین توسعه خشونت به عنوان یک مکانیزم دفاعی و رفتاری احساس ناکامی افزایش می‌یابد و در پی آن پرخاشگری بیشتر می‌شود.

احساس ناتوانی در مقابل این شرایط اجتماعی که در آن انسان بطور غیرانسانی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و برخوردهای پرخاشگرانه نابجا صورت می‌گیرد و حتی با انکار و لغزش کلامی و آزار لفظی و جنسی همراه می‌شود، موجب افزایش ناامیدی، بی‌معنایی و عدم کنترل بر شرایط حاکم می‌گردد و چنین احساساتی به حدی می‌رسند که برخی افراد پایان دادن به زندگی خود را (خودکشی) تنها راه پایان دادن به وضعیتی می‌دانند که هیچ گشایشی در آن نمی‌بینند.

راهکارهای روانشناختی و اجتماعی
در شرایطی که جامعه ایران سال‌هاست با فشارهای

اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان پس از هشت سال هنوز در گام‌های ابتدایی متوقف مانده، گفته «در بهترین سال بودجه‌ای فقط ۲۲ درصد از نیازهای این قانون تأمین شده و حتی مشخص نیست همین مقدار نیز چقدر پرداخت شده است.»

این فعال صنفی همچنین از نامناسب بودن فضای شهری، آموزشی و حمل‌ونقل نیز انتقاد کرد و افزوده «اینکه هنگام عبور معلولان چند نفر باید بدون کمک کنند، خود یک پرسش فلسفی است. چرا اصلاً باید معابر ما این‌گونه طراحی شده باشد؟»

جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی کل کشور امروز چهارشنبه ۱۲ آذرماه در پیامی به مناسبت روز جهانی معلولان اعلام کرد «روز جهانی معلولان فرصتی است تا

اردیبهشت ۱۳۹۷ ابلاغ شد. این قانون در حالی ۱۸ سال پیش تصویب و هشت سال پیش ابلاغ شده که همچنان بخش عمده آن اجرایی نشده است.

بهرروز مروتی گفته «از آذر ۱۳۹۷ تاکنون بابت عدم اجرای این قانون، اعتراضات گسترده‌ای داشته‌ایم، اما طی این سال‌ها تغییر محسوسی در معیشت معلولان رخ نداده است. سالی تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش در مستمری اعلام می‌شود، اما هیچ‌گاه به طور شفاف گفته نشد که این افزایش از چه میزان به چه میزان رسیده است. به عنوان مثال، امسال مستمری از یک میلیون تومان به یک میلیون و چهارصد هزار تومان افزایش یافته که معادل حدود یک و نیم کیلو گوشت است. با چنین مبلغی واقعاً نمی‌دانم چگونه می‌توان زندگی کرد!»

روا داشته شده است. این وضعیت به نوعی آپارتاید علیه معلولان تبدیل شده است. هر چه شعارها بزرگ‌تر و اغواگرتر می‌شوند، در عمل این آپارتاید سخت‌تر و محکم‌تر می‌شود.»

او افزوده «مشکلات تنها به معیشت محدود نیست. در حوزه درمان، توانبخشی، مراقبت و نگهداری نیز افراد دارای معلولیت با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند. به عنوان مثال، هزینه پرستار ۲۴ ساعته کمتر از ۳۵ میلیون تومان نیست، در حالی که دولت تنها چهار میلیون تومان کمک‌هزینه حق پرستاری پرداخت می‌کند. صدها هزار نفر پشت نوبت دریافت این خدمات هستند. در واقع در همه‌ی حمایت‌هایی که دولت برای افراد دارای معلولیت در نظر گرفته، ده‌ها هزار نفر پشت صف دریافت این خدمات هستند.»



بار دیگر این پیام انسان گرایانه را در جامعه طنین انداز کنیم که «افراد دارای معلولیت حق دارند از مؤدت و احترام، فرصت‌های اجتماعی برابر، امنیت و سلامت بهره‌مند شوند.» برخلاف آنچه معلولان گزارش می‌دهند، رئیس سازمان بهزیستی کل کشور مدعی شده که «به روز رسانی و فراگیرسازی خدمات مورد نیاز گروه‌های دارای معلولیت همواره در مدار توجه سازمان بهزیستی بوده و بخش عمده ای از ظرفیت‌های تخصصی و منابع اعتباری سازمان به این امر اختصاص یافته که نتیجه آن ارائه خدمات تخصصی در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی، توانبخشی و مراقبتی است.» اینهمه در حالیست که به گفته بهروز مروتی ایران کشوری معلول‌زا است بطوریکه «سالانه ده‌ها هزار نوزاد معلول متولد می‌شوند و ده‌ها هزار نفر بر اثر تصادفات، حوادث کار یا بیماری‌ها دچار معلولیت می‌شوند. اما هیچ برنامه‌ای برای آنان وجود ندارد. سازمان بهزیستی صرفاً به نهادی توزیع‌کننده یارانه تبدیل شده است. بهزیستی، به عنوان سازمان متولی حمایت از حقوق معلولان، خود در نقض سیستماتیک حقوق افراد دارای معلولیت، دست دارد.»

این فعال حقوق معلولان افزوده «مطابق ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان، دولت مکلف است کمک‌هزینه معیشتی به میزان حداقل دستمزد سالانه شورای عالی کار به افراد دارای معلولیت شدید و فاقد شغل پرداخت کند اما پس از سال‌ها اعتراض، این مبلغ از حدود دویست هزار تومان به یک میلیون تومان رسیده است، در حالی که حداقل دستمزد سالانه اکنون بیش از ده میلیون و چهارصد هزار تومان است. یعنی تنها حدود یک‌دهم مبلغ واقعی پرداخت می‌شود. افزون بر این، بیش از ۳۰۰ هزار نفر پشت نوبت دریافت همین کمک‌هزینه معیشتی هستند.» او همچنین گفته «حتی اگر این مبلغ به افراد تعلق بگیرد، مجموع دریافتی آنان با مستمری یک میلیون و چهارصد هزار تومانی و یارانه حدود سیصد تا چهارصد هزار تومانی، به سختی به سه میلیون تومان می‌رسد. این در حالی است که خط فقر گاه تا سی میلیون تومان اعلام می‌شود. بنابراین با سه میلیون تومان نمی‌توان زندگی کرد.» اشکانی آذر ماسوله، عضو هیئت مدیره انجمن نابینایان کشور، در گفتگو با خبرگزاری «مهر» نیز با اشاره به اینکه

این فعال حقوق معلولان با اشاره به اینکه «بیش از ۹۵ درصد افراد دارای معلولیت زیر خط فقر مطلق هستند» گفته «در حوزه اشتغال نیز هزاران نفر پشت نوبت استفاده از مواد قانونی مربوط به کمک‌هزینه ارتقای کارایی یا پرداخت حق بیمه معلولان هستند. این خدمات می‌توانستند مشوقی برای اشتغال باشند، اما به دلیل محدودیت بودجه ارائه نمی‌شوند.»

بهرروز مروتی تأکید کرده «هر سال وضعیت بدتر می‌شود. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند و همه‌چیز با شعار و پروپاگاندا پایان می‌یابد. به عنوان نمونه، روز سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۴ در سالن اجلاس سران مراسم گرامیداشت برگزار شد. ما سال‌های قبل نیز شاهد چنین جشن‌هایی بودیم، اما جز شعار و سخنان کلی، نتیجه‌ای نداشته است. این مراسم‌ها پوششی برای نقض سیستماتیک حقوق افراد دارای معلولیت است.»

قانون حمایت از حقوق معلولان در سال ۱۳۸۶ تصویب شد اما سال‌ها روی کاغذ مانده بود. اواخر سال ۱۳۹۶ این قانون مورد بازنگری قرار گرفت و اصلاح شد و در نهایت در

سخنگوی دولت پزشکian از برنامه برای مبارزه با «بی‌حجابی» خبر داد



- فاطمه مهاجرانی از برنامه دولت پزشکian برای مبارزه با «بی‌حجابی» خبر داده و گفته «در این زمینه قرار است جلوی جریانات سازمان یافته گرفته شود».
- سخنگوی دولت پزشکian گفته وزارتخانه‌ها متناسب با وظایف خود، گزارش‌های مختلف را در بازه‌های زمانی مشخص تولید می‌کنند.
- مسعود پزشکian نیز سه روز پیش طی سخنانی گفته بود باید الگوهای مناسب در زمینه حجاب و عفاف به جامعه معرفی شوند.
- هفته گذشته نیز رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت مسعود پزشکian تأیید کرد که علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، درباره «ناهنجاری‌های اجتماعی و حجاب» ابلاغیه‌ای محرمانه به دولت ارسال کرده است.

سخنگوی دولت پزشکian اعلام کرده گزارش وضعیت حجاب به مسعود پزشکian و علی‌خامنه‌ای ارائه شده و قرار است جلوی «جریانات سازمان‌یافته» در رابطه با «بی‌حجابی» گرفته شود.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکian صبح روز سه‌شنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۴ در جمع خبرنگاران از برنامه دولت برای مبارزه با «بی‌حجابی» خبر داده و گفته «گزارش وضعیت حجاب نیز در زمان مقرر به رئیس‌جمهور و مقام معظم رهبری ارائه شده است» و «در این زمینه قرار است جلوی جریانات سازمان یافته گرفته شود».

سخنگوی دولت پزشکian گفته وزارتخانه‌ها متناسب با وظایف خود، گزارش‌های مختلف را در بازه‌های زمانی مشخص تولید می‌کنند.

سخنگوی دولت چهاردهم در حالی از برنامه دولت برای مبارزه با بی‌حجابی خبر داده که مسعود پزشکian نیز سه روز پیش طی سخنانی گفته بود باید الگوهای مناسب در زمینه حجاب و عفاف به جامعه معرفی شوند.

مسعود پزشکian در جمع هیئت دولت و در نشستی با عنوان بررسی «راهبردها و راهکارهای آسیب‌زدایی از عرصه‌های اجتماعی؛ برنامه اقدام زیست اجتماعی سالم و عقیفانه» این سخنان را مطرح کرده بود. او تأکید کرده بود که «در گام نخست باید از بروز هنجارشکنی در جامعه پیشگیری کنیم و این اقدام باید با حکمت و درایت پیش برود» و «در این حوزه لازم است از ظرفیت محلات و مساجد و علمای دینی نیز بهره‌مند شویم».

مسعود پزشکian در بخش دیگری از سخنانش گفته بود «ورزشکاران، مدل‌آوران و چهره‌های فرهنگی، سرمایه‌های اجتماعی کشور هستند و می‌توان از جایگاه آنان برای معرفی الگوهای مناسب به جامعه و نسل جوان بهره گرفت. حجاب برتر باید به‌عنوان نمادی از خلایقیت، توانمندی، علم و صداقت افراد مطرح و الگوسازی شود».

هفته گذشته نیز الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت مسعود پزشکian، تأیید کرد که علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، درباره «ناهنجاری‌های اجتماعی و حجاب» ابلاغیه‌ای محرمانه به دولت ارسال کرده است.

الیاس حضرتی همچنین گفته اعضای کابینه پزشکian با ابلاغیه محرمانه رهبر جمهوری اسلامی موافقت کرده است. الیاس حضرتی تأکید کرده بود «نظر آقای رئیس‌جمهور درباره حجاب همواره مشخص و شفاف بوده، همان‌طور که بنده، خانم بهروزآذر و آقای ربیعی دیدگاه و باوری قاطع و

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴ در نشست شورای عالی قوه قضاییه اعلام کرد «طی ایام اخیر مجدداً دستوراتی را در راستای مقابله قانونی و قاطعانه با جریانات سازمان‌یافته‌ی مروج ناهنجاری‌های اجتماعی و مظاهر این ناهنجاری‌ها صادر کرده‌ایم».

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی «بی‌حجابی و نیمه‌برهنگی» را از جمله مصداق‌های ناهنجاری‌های اجتماعی خوانده و گفته «دادستان کل و سایر دادستان‌ها در تهران و نقاط مختلف کشور، نامه‌نگاری‌ها و هماهنگی‌هایی را با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی انجام داده‌اند؛ ضمن قدردانی از آنها، تأکید دارم که در این رویکرد اتخاذ شده، باید تسریع و تعجیل داشت و ایضاً امور مربوطه را با تدبیر، برنامه، هماهنگی و هدایت پیش برد».

غلامحسین محسنی اژه‌ای روز جمعه ۲۳ آبان ۱۴۰۴ نیز در جلسه شورای اداری استان قم موضوعی مشابه درباره حجاب گرفته و گفته بود: «دشمن درصدد است ارزش‌های دینی و ملی را از اذهان جوانان ما بزداید و ناهنجاری‌های اجتماعی را ترویج و تبلیغ کند. یک غود از تلاش‌های دشمن در قضیه برهنگی و بی‌حجابی است و یک نمود دیگر آن، در قضیه فضای مجازی است؛ البته نباید از نظر دور داشت که فضای مجازی، کارکردهای مثبت و نافع نیز دارد و باید از آن بهره برد».

رئیس قوه قضاییه افزوده بود «به دادستان کل کشور و همه دادستان‌ها در سراسر کشور دستور داده‌ام که از دستگاه‌های امنیتی و انتظامی بخواهند جریانات سازمان‌یافته و مرتبط با بیگانه در زمینه ناهنجاری‌های اجتماعی را شناسایی کرده و به قوه قضاییه معرفی کنند. در قبال آن دسته از افرادی نیز که به‌صورت غیرتشکیلاتی مبادرت به ناهنجاری اجتماعی می‌کنند باید از ظرفیت حوزه، دانشگاه، وزارت آموزش و پرورش، مبلغین و... استفاده کرد».

به نظر می‌رسد نگرانی عمیق مقامات جمهوری اسلامی از بروز موج تازه‌ای از اعتراضات مردمی در پی وخیم شدن شرایط اقتصادی علت اصلی سازماندهی نیروهای امنیتی، انتظامی و قضایی به بهانه حجاب اجباری است.

مشخص داشته و داریم. به هر حال همه ما مسلمان هستیم و به دین، آیین و مذهب و احکام شرعی خود معتقدیم.» اظهارات مقامات دولت درباره مبارزه با «بی‌حجابی» پس از آن برجسته شده که اول آذرماه یک فایل صوتی ۱۱ دقیقه‌ای در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که گوینده در آن جزئیاتی از ارائه یک گزارش از جانب وزارت اطلاعات به علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در مورد وضعیت حجاب را مطرح می‌کرد. معاون تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه نیز روز سه‌شنبه چهارم آذرماه در سخنانی ارائه گزارشی به رهبر جمهوری اسلامی درباره وضعیت حجاب را تأیید کرده و گفته بود خامنه‌ای این گزارش را «تکانه‌دهنده» خوانده است.

حسین رفیعی، معاون حوزه‌های علمیه گفته بود «سه ماه پس از پایان جنگ تحمیلی وزیر اطلاعات وقت گزارشی از تحولات جریان‌های معارض فرهنگی و طرح‌های هدایت‌شده در موضوع بدحجابی به محضر رهبر معظم انقلاب ارائه می‌کند. این گزارش آن‌چنان تکان‌دهنده بود که ایشان پس از ملاحظه ناراحتی شدید خود را ابراز کرده و در پارافی خطاب به رئیس‌جمهور، دستوراتی مهم صادر می‌کنند».

معاون حوزه‌های علمیه افزوده بود «باید دستگاه‌های تبلیغی و امور مساجد برای مقابله برنامه‌ریزی کنند، با افراد مخالف در قضیه حجاب چه متدین و انقلابی چه دیگران در باب عوارض آن سهل‌انگاری‌ها که امروز به اینجا رسیده گفت‌وگوی اقناعی کنند، به هر حال وظیفه دینی و سیاسی همه ما برخورد فکری، عملی و زبانی ما منکر بزرگ است.» این مقام حوزه علمیه افزوده بود «اسناد موجود نشان می‌دهد بی‌حجابی بخشی از طرح‌های امنیتی و اطلاعاتی سرویس‌های بیگانه برای تضعیف جمهوری اسلامی است».

حسین رفیعی همچنین گفته بود «بی‌حجابی یک جریان تصادفی نیست؛ طراحی‌شده تا جامعه را دچار دوگانگی، تنش و فرسایش اجتماعی کند و مسیر تغییر جمهوری اسلامی از طریق فرهنگ را برای دشمن هموار سازد».

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه نیز روز

مشکلات ناشی از آلودگی هوا اقبال فقیر و کم‌درآمدها را هدف می‌گیرد



این گزارش افزوده تحقیقات نشان می‌دهد در تهران، مشهد، اصفهان و اهواز، بیش از ۶۵ درصد ساکنان مناطق با آلودگی شدید، در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که متوسط عمرشان بالای ۳۰ سال است و حداقل‌های تهویه، عایق‌بندی یا کیفیت ساخت را ندارند.

از سوی دیگر بیش از ۷۰ درصد ساکنان این مناطق به جای اتومبیل‌های شخصی کم‌آلاینده، به حمل‌ونقل عمومی یا موتورسیکلت وابسته‌اند؛ یعنی همان وسایلی که بیشترین مواجهه چهره‌به‌چهره با دود و آلاینده‌ها را ایجاد می‌کنند.

در مقابل، در مناطق برخوردار شهرها، آمارها نشان می‌دهد بیش از ۵۵ درصد خانواده‌ها از دستگاه‌های تصفیه هوا استفاده می‌کنند، خودروهای جدید و کم‌آلاینده‌تری دارند، و در محیط‌هایی با فضای سبز بیشتر و تردد کمتر زندگی می‌کنند.

«اقتصاد نیوز» تأکید کرده همین تفاوت‌های ظاهر آکوچک و روزمره، در عمل فاصله قابل‌توجهی در سلامت ایجاد می‌کند؛ طبق داده‌های تحلیلی منتشرشده در مطالعات شهری، نرخ ابتلا به بیماری‌های تنفسی در محلات کم‌درآمد تا ۲/۵ برابر بیشتر از محلات برخوردار است و میزان بستری ناشی از آلودگی هوا در این مناطق تا ۳ برابر بالاتر ثبت شده است.

گزارش تحلیلی کیفیت هوای تهران و دلایل افزایش آلودگی هوا که در وبسایت سازمان حفاظت محیط زیست منتشر شده نیز نشان می‌دهد روند تغییرات غلظت ذرات معلق در سطح شهر یکنواخت نیست و برخی نواحی، به ویژه مناطق غربی و جنوب‌غربی تهران با شرایط نگران‌کننده‌تری مواجه شده‌اند.

بر اساس گزارش سازمان حفاظت محیط زیست نواحی جنوبی، جنوب‌غربی و غربی شهر تهران به‌طور مستمر غلظت‌های بالاتری از ذرات معلق را نسبت به سایر بخش‌های شهر تجربه می‌کنند. از مهمترین دلایل این تمرکز بالای آلاینده‌ها در نواحی مذکور، می‌توان به تولید آلاینده در این مناطق و نیز ورود و انتقال آلاینده‌های ناشی از منابع خارج از محدوده شهر به سمت درون شهر تهران اشاره کرد.

یک ماه نشان دهنده وضعیت فاجعه بار آلودگی هواست.» رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران خواستار شفاف‌سازی آمارها از سوی وزارت بهداشت شد و گفت «با این مدل حکمرانی امیدی به تغییر وضعیت جدی در بحث آلودگی هوا نداریم؛ سال‌های سال است که قوه مجریه به تکالیف خودش عمل نمی‌کند. قوه مقننه نظارت عالی را انجام نمی‌دهد و قوه قضاییه به ترک فعل‌ها رسیدگی نمی‌کند. تنها راه پیش رو تغییر مدل حکمرانی در این حوزه است و مسیر باید از طریق قوه مقننه پیگیری شود و وگرنه همین وضعیت ادامه خواهد داشت.»

پیشتر یک مقام دانشکده علوم پزشکی اهواز از دستور ویژه استانداری خوزستان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی برای سانسور آمار مراجعه شهروندان به این مراکز به علت مشکلات ناشی از آلودگی هوا شده بود. استانداری خوزستان تأکید کرده بود آمارها نباید در اختیار روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها قرار بگیرد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد آلودگی هوا در ایران که دامنه آن از بحران زیست محیطی به بحران اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته، اقبال کم‌درآمد و فقیر را بیش از اقبال ثروتمند هدف قرار می‌دهد.

وبسایت «اقتصاد نیوز» در اینبار گزارشی داده که آمارهای نظام سلامت در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که خانواده‌های دهک‌های اول تا چهارم، ۴۰ تا ۵۵ درصد درآمد ماهانه‌شان را صرف درمان بیماری‌های قلبی و تنفسی می‌کنند؛ بیماری‌هایی که بخش مهمی از آن‌ها ریشه در آلودگی هوا دارد.

همچنین سهم «پرداخت از جیب» برای درمان بیماری‌های مزمن در ایران یکی از بالاترین‌ها در منطقه بوده است و بیش از ۷ درصد خانواده‌های کم‌درآمد در سال با «هزینه‌های کمرشکن درمان» مواجه شده‌اند؛ هزینه‌هایی که پس از پرداخت، خانواده را عملاً به زیر خط فقر می‌رانند. اما نکته این است که گروه‌هایی که بیشترین هزینه را می‌پردازند، دقیقاً همان‌هایی هستند که کمترین توان محافظت از خود را دارند.

● آمارهای نظام سلامت در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که خانواده‌های دهک‌های اول تا چهارم، ۴۰ تا ۵۵ درصد درآمد ماهانه‌شان را صرف درمان بیماری‌های قلبی و تنفسی می‌کنند؛ بیماری‌هایی که بخش مهمی از آن‌ها ریشه در آلودگی هوا دارد.

● در تهران، مشهد، اصفهان و اهواز، بیش از ۶۵ درصد ساکنان مناطق با آلودگی شدید، در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که متوسط عمرشان بالای ۳۰ سال است و حداقل‌های تهویه، عایق‌بندی یا کیفیت ساخت را ندارند.

● بیش از ۷۰ درصد ساکنان این مناطق به جای اتومبیل‌های شخصی کم‌آلاینده، به حمل‌ونقل عمومی یا موتورسیکلت وابسته‌اند؛ یعنی همان وسایلی که بیشترین مواجهه چهره‌به‌چهره با دود و آلاینده‌ها را ایجاد می‌کنند.

● محمد اسماعیل توکلی رئیس اورژانس تهران روز یکشنبه نهم آذرماه ۱۴۰۴ در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرد سهم مأموریت‌های مرتبط با آلودگی هوا در اورژانس این استان به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.

● رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران: آمار فوتی سازمان بهشت زهرا تا ماه قبل میانگین روزی ۱۸۰ نفر بود و امروز به روزی ۲۲۰ نفر رسیده است؛ رشد ۲۰ درصدی در یک ماه نشان دهنده وضعیت فاجعه بار آلودگی هواست.

آلودگی هوا در استان‌های مختلف ایران سبب افزایش مراجعه شهروندان به مراکز درمانی به علت مشکلات ناشی از آلودگی هوا و همچنین افزایش آمار مرگ به این علت شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد اقبال کم‌درآمد و فقیر بیش از اقبال ثروتمند در ایران در معرض آسیب‌های ناشی از آلودگی هوا هستند.

آلودگی هوا در هفته‌های گذشته در کلانشهرها و شهرهای صنعتی ایران افزایش پیدا کرده است. افزایش استفاده از سوخت مازوت و همچنین گازوئیل‌هایی با درصد بالای گوگرد سبب تشدید آلودگی هوا شده است.

گزارش‌ها حاکی از افزایش آمار بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا، افزایش آمار مراجعه به مراکز درمانی، افزایش آمار عملیات اورژانس و همچنین افزایش آمار مرگ ناشی از آلودگی هوا در کشور است.

اگر چه وزارت بهداشت آمار دقیق و روشنی از گستردگی بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا را منتشر نمی‌کند اما اظهارات پراکنده مقامات حکومتی بیانگر شرایط بحرانی در کشور است.

محمد اسماعیل توکلی رئیس اورژانس تهران روز یکشنبه نهم آذرماه ۱۴۰۴ در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرد سهم مأموریت‌های مرتبط با آلودگی هوا در اورژانس این استان به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. رئیس اورژانس تهران با بیان اینکه «۲۲ درصد از ۹۳ هزار مأموریت اورژانس استان تهران مربوط به آلودگی هوا بود» گفت «در ۸ روز اخیر، ۲۸ هزار مأموریت انجام شده که ۳۱ درصد آن مرتبط با آلودگی بوده است.»

همچنین مهدی بابایی رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران روز دوشنبه یازدهم آذرماه گفت «آمار فوتی سازمان بهشت زهرا تا ماه قبل میانگین روزی ۱۸۰ نفر بود و امروز به روزی ۲۲۰ نفر رسیده است؛ رشد ۲۰ درصدی در

رمزگشایی از منشور کوروش کبیر در گفتگو با دکتر محمود کویر



دکتر محمود کویر، یکی از کارشناسان برجسته تاریخ ایران، در گفتگو با «کیهان لندن» درباره این منشور که بیش از ۵۲۸ سال پیش از میلاد نوشته شد، و همچنین اهمیت آن در روزگار امروز توضیح می‌دهد. کتیبه کوروش در سال ۱۲۵۸ خورشیدی (۱۸۷۹ میلادی) در بابل کشف شد، و در حال حاضر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

منشور کوروش کبیر، به عنوان یکی از نخستین اسناد مربوط به حقوق بشر جهان که بر احترام به تنوع فرهنگی تأکید دارد، هفتم نوامبر ۲۰۲۵ برابر با ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در صحن چهل‌وسومین کنفرانس عمومی یونسکو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، در سمرقند به رسمیت شناخته شد.

نمایش «این مال کیه؟»؛ نخستین تجربه کارگردانی بهرنگ پورمحمد پس از مهاجرت



و مشکلات زنان در دوران بارداری پی می‌برند. اشاره به خرافه‌های فرهنگی، همچون رمالی و جادوگری، و تأثیر آنها موضوع دیگر این نمایش بود. سخنان عجیب و غیرمنطقی واعظان دینی در رسانه‌های حکومتی، دستمایه طنز در این نمایش قرار گرفته بود. تماشاگران از اینکه در طول اجرا فارغ از مشکلات روزمره و نگرانی‌های خاص ایرانی‌ها در مورد میهن‌شان فرصت یافتند که دو ساعت شاد را تجربه و ذهن خود را سبک کنند، رضایت داشتند.

نمایش کمدی «این مال کیه؟» با طراحی و کارگردانی بهرنگ پورمحمد، بازیگر و کارگردان، در روزهای ۱۵ و ۲۱ نوامبر ۲۰۲۵ در سالن «آرتس دیو» لندن روی صحنه رفت. این نمایش اولین تجربه کارگردانی بهرنگ پورمحمد پس از مهاجرت است. او با پیشینه بازیگری و کارگردانی در ایران، اینبار با اجرا برای تماشاگران ایرانی ساکن لندن، تجربه جدیدی کسب کرد. موضوع اصلی این نمایش کمدی، درباره بارداری غیرمنتظره دو مرد است، که در نتیجه، به چالش‌ها

کاهش ۹۹/۳ درصدی بارش‌ها نسبت به سالهای گذشته؛ زنگ خطر امنیت غذایی به صدا در آمد

● با توجه به میانگین بلندمدت ۶ میلی‌متر بارش از ابتدای پاییز، میزان بارش‌ها نسبت به سالهای گذشته با کاهش چشمگیر ۹۹/۳ درصدی همراه بوده است.

● امیر محمودی، مدیر عامل سد و نیروگاه کرخه اعلام کرد که با کاهش آب سد دریاچه، نیروگاه از مدار تولید برق خارج شده است.

● رئیس بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به نزدیک بودن میزان بارش پاییزه به صفر در بخش زیادی از مزارع کشور اعلام کرد که ادامه این وضعیت می‌تواند بخش عمده یا تمام مزارع دیم را از بین ببرد و تولید گندم را به شدت کاهش دهد.

● سعید مشهوری تحلیلگر اقتصادی: کاهش بارندگی، افت سفره‌های آب زیرزمینی و فرسایش خاک موجب شده تولید محصولات اساسی مانند گندم و برنج کاهش یابد. هر گونه اختلال در تجارت خارجی می‌تواند عرضه مواد غذایی را مختل کند.

● هاشم اورعی کارشناس ارشد انرژی با اشاره به عمق بحران کمبود آب در کشور و راهکارهای سطحی مقامات گفته «وقتی وزیر نیرو مردم را به ذخیره‌سازی آب در آفتابه و قابلمه‌های خانه‌هایشان توصیه می‌کند یعنی هیچ فهمی از ابعاد بحران آب ندارد.»

کاهش بارندگی‌ها ادامه دارد و آب ذخیره پشت سدهای کشور در وضعیتی بحرانی قرار گرفته و چند نیروگاه تولید برق از مدار خارج شده است. فعالان صنفی بخش کشاورزی درباره کاهش قابل توجه محصولات کشاورزی از جمله گندم دیم به علت کاهش بارندگی‌ها و کمبود آب هشدار می‌دهند.

خبرگزاری «ایسنا» روز یکشنبه ۹ آذر ۱۴۰۴ با انتشار آمارهای سازمان هواشناسی و با تأکید بر اینکه «در هفت روز منتهی به هفتم آذرماه هیچ بارشی در کشور به ثبت نرسیده است» نوشت بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی، از ابتدای فصل جاری تا ۷ آذرماه بارش با میانگین ۳/۹ میلیمتر ثبت شده که نسبت به بارش ۳۳/۵ میلی‌متری در بلندمدت با ۸۸/۳ درصدی کاهش بارش مواجه‌ایم.

این گزارش افزوده «با توجه به میانگین بلندمدت ۶ میلی‌متر بارش در این بازه زمانی، میزان بارش‌ها نسبت به سالهای گذشته با کاهش چشمگیر ۹۹/۳ درصدی همراه بوده است.»

خبرگزاری «ایسنا» تأکید کرده از ابتدای سال آبی جاری، «بارش در تمامی استان‌ها کمتر از حد نرمال بوده است و در این زمینه چهار استان بوشهر، خراسان جنوبی، قم و یزد بدترین وضعیت را تجربه می‌کنند، چرا که ۱۰۰ درصد کمتر از حد نرمال طی سال آبی جاری بارش دریافت

→ کرده‌اند.

در شرایطی که همه استان‌های کشور با بحران کاهش بارندگی روبرو هستند، استان تهران در وضعیتی بحرانی‌تر نسبت به دیگر استان‌ها قرار دارد. در حالی که میانگین بارش تهران در بلند مدت ۴۶/۹ میلیمتر است ولی در سال آبی جاری تنها به طور میانگین ۱/۲ میلیمتر بارش دریافت

جمعیت ۱۷ میلیونی هستند. سد امیرکبیر تنها ۵ درصد پرشدگی دارد، سد لار یک درصد، سد طالقان ۳۱ درصد و مجموعه لتیان و ماملو مجموعاً تنها ۷ درصد پرشدگی را ثبت کرده‌اند. این وضعیت در سایر استان‌ها نیز مشاهده می‌شود و سدهایی مانند بوکان، دوستی، طرق، رودبال و چند سد در هرمزگان و گلستان با کمترین سطح ذخیره در

سعید مشهوری تحلیلگر اقتصادی نیز در یادداشتی در هفته‌نامه «تجارت فردا» نوشته «شواهد نشان می‌دهد امنیت غذایی ایران در سال‌های اخیر به دلایل اقتصادی، اقلیمی و سیاسی به‌طور جدی به خطر افتاده است. نخستین عامل، تورم و کاهش قدرت خرید مردم است؛ افزایش مداوم قیمت مواد غذایی باعث شده بخش بزرگی از خانوارها



کرده است که نشان دهنده کاهش ۹۷/۴ درصدی بارش در این استان است.

علی بیت‌اللهی، رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، هفته گذشته طی سخنانی بحران کمبود آب در ایران را «بسیار جدی» خواند و هشدار داد در صورت نبود مدیریت مناسب، زندگی شمار زیادی از شهروندان در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

به گفته علی بیت‌اللهی پاییز ۱۴۰۴ از نظر میزان بارندگی در پنج دهه اخیر بی‌سابقه بوده و به‌عنوان «خشک‌ترین پاییز کشور» در این مدت به ثبت رسیده است.

کاهش بارندگی‌ها از ابتدای پاییز، و پس از بهار و تابستانی خشک و کم‌بارش، وضعیت سدهای کشور را نیز بحرانی کرده است. بر اساس تازه‌ترین گزارش وزارت نیرو، ورودی آب به سدهای کشور از ابتدای سال آبی جاری تاکنون با کاهش ۳۸ درصدی نسبت به سال گذشته روبه‌رو شده است.

بر اساس آمار رسمی مجموع ورودی آب سدها ۲ میلیارد و ۳۳۰ میلیون مترمکعب بوده، در حالی که سال گذشته همین زمان این مقدار ۳ میلیارد و ۷۸۰ میلیون مترمکعب بوده است. خروجی سدها نیز با ۲۴ درصد کاهش به ۴ میلیارد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب رسیده که نشان‌دهنده اعمال محدودیت و مدیریت بیشتر بر خروج آب است.

حجم فعلی آب ذخیره‌شده در مخازن کشور ۱۶ میلیارد و ۷۲۰ میلیون متر مکعب اعلام شده که نسبت به رقم ۲۲ میلیارد و ۷۱۰ میلیون مترمکعب سال گذشته، کاهش ۲۶ درصدی را نشان می‌دهد. میانگین پرشدگی سدها نیز از ۳۳ درصد به ۳۲ درصد رسیده و در مناطق پرجمعیت کشور، برخی سدها به زیر ۱۰ درصد رسیده‌اند. در تهران و البرز پنج سد اصلی تأمین‌کننده آب شرب

سال‌های اخیر مواجه‌اند.

امیر محمودی، مدیر عامل سد و نیروگاه کرخه نیز روز گذشته اعلام کرد که با کاهش آب سد دریاچه، نیروگاه ازمدار تولید برق خارج شده است.

مدیر عامل سد و نیروگاه کرخه گفته «تراز فعلی مخزن سد کرخه ۱۸۰ متر است که نسبت به تراز طبیعی بهره‌برداری ۴۰ متر کاهش دارد».

کرخه بزرگ‌ترین سد خاکی ایران و یکی از نیروگاه‌های مهم تولید برق این کشور است. عملیات اجرایی سد کرخه در سال ۱۳۷۰ آغاز شد و در سال ۱۳۸۰ به پایان رسید. این سد دارای سه واحد نیروگاه برق آبی با توان تولیدی ۴۰۰ مگاوات است که به گفته مدیرعامل آن اکنون تولید برق در هر سه واحد آن متوقف شده است.

یکی از مهمترین ابعاد کاهش بارندگی‌ها و تشدید خشکسالی کشور، اثر بر امنیت غذایی کشور است. در همین رابطه عطاءالله هاشمی رئیس بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به نزدیک بودن میزان بارش پاییزه به صفر در بخش زیادی از مزارع کشور اعلام کرد که ادامه این وضعیت می‌تواند مانند سال گذشته بخش عمده یا تمام مزارع دیم را از بین برد و تولید گندم را به شدت کاهش دهد.

عطاءالله هاشمی گفته «کمبود بارش در پاییز، کشت گندم دیم را با خطر نابودی روبرو کرده است. در صورت عدم بارندگی، خسارات سال گذشته که منجر به از بین رفتن ۸۰ درصد مزارع دیم شد، تکرار خواهد شد».

رئیس بنیاد ملی گندمکاران توضیح داده «سال گذشته ۱۶/۵ میلیون تن گندم تولید و ۱۲/۵ میلیون تن به صورت تضمینی خریداری شد. امسال تولید به حدود ۱۱ میلیون تن و خرید تضمینی به ۷/۷ میلیون تن رسیده که عمدتاً ناشی از کاهش بارندگی است. کمبود بارش، حتی راندمان تولید مزارع آبی را نیز کاهش خواهد داد».

توان خرید پروتئین و لبنیات را از دست بدهند. در کنار آن، تحریم‌های بین‌المللی با محدود کردن واردات بذر، کود و نهاده‌های کشاورزی، تولید داخلی را کاهش داده و هزینه‌های تولید را بالا برده‌اند».

این تحلیلگر اقتصادی افزوده «از سوی دیگر، بحران آب و تغییرات اقلیمی ظرفیت کشاورزی کشور را به‌شدت محدود کرده است. کاهش بارندگی، افت سفره‌های آب زیرزمینی و فرسایش خاک موجب شده تولید محصولات اساسی مانند گندم و برنج کاهش یابد. این مسئله وابستگی به واردات را افزایش داده و هرگونه اختلال در تجارت خارجی می‌تواند عرضه مواد غذایی را مختل کند».

در این میان اما دولت مسعود پزشکیان هیچ راهکار کارآمد و موثری برای عبور از بحران عمیق کم‌آبی در کشور ارائه نداده و مقامات، از جمله رئیس دولت و وزیر نیرو، نیز راهکارهایی را مطرح می‌کنند که با واکنش کارشناسان روبرو می‌شود. برای نمونه مسعود پزشکیان گفته باید تهران تخلیه شود و یا عباس علی‌آبادی وزیر نیرو از طرح انتقال آب از خلیج فارس به تهران دفاع کرده است!

هاشم اورعی کارشناس ارشد انرژی و استاد دانشگاه در گفتگو با «اقتصاد ۱۲۰» با اشاره به عمق بحران کمبود آب در کشور و راهکارهای سطحی مقامات از جمله مسعود پزشکیان گفته «وقتی وزیر نیرو مردم را به ذخیره‌سازی آب در آفتابه و قابلمه‌های خانه‌هایشان توصیه می‌کند یعنی هیچ فهمی از ابعاد بحران آب ندارد».

او تأکید کرده «اعلام نظر اشتباهی مثل انتقال پایتخت از طرف رئیس‌جمهور یک مملکت کاملاً غلط بود و فقط مردم را نگران کرد و ترساند».

هاشم اورعی همچنین با اشاره به اینکه «ظرفیت سدهای مشهد به زیر ۳ درصد رسیده» گفته مسعود پزشکیان اگر به فکر تخلیه است باید تمام شهرهای کشور را تخلیه کند.

تبدیل «سنگر ملی» به «دفتر بخشنامه» در فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ چهار دهه واژه‌سازی از «رایانه» تا «آماجه»

● نهادی که روی کاغذ باید مهمترین سنگر پاسداری از زبان ملی باشد، در ذهن بخش بزرگی از جامعه به «دفتر واژه‌هایی» تبدیل شده که بیشتر بر صفحه مصوبات باقی می‌مانند تا بر زبان مردم.

● فرهنگستان اول، در سال ۱۳۱۴، بیش از آنکه یک اداره باشد، بیانیه‌ای فرهنگی بود. در رأس آن، محمدعلی فروغی نشسته بود و در کنار او نام‌هایی چون ملک‌الشعراى بهار، علی‌اکبر دهخدا و بدیع‌الزمان فروزان‌فر دیده می‌شد. ● پیش از انقلاب، «شهرداری» جای «بلدیه» را گرفت، «دادگستری» به جای «وزارت عدلیه» نشست، «دانشگاه» و «دانشکده» جای نام‌های فرنگی نشستند، «هواپیما» به جای «طیاره» آمد، «زیردریایی» جای «تحت‌البحری» را گرفت و «چاپخانه» «مطبعه» را کنار زد.

● پس از انقلاب ۵۷، فرهنگستان سوم با نام «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» کار خود را آغاز کرد. ریاست فرهنگستان در اختیار چهره‌هایی قرار گرفت که بیش از آنکه با کار ادبی و زبانی شناخته شوند، نامشان با سیاست گره خورده است؛ از حسن حبیبی تا وضعیت کنونی با غلامعلی حداد عادل، رئیس پیشین مجلس و از نزدیکان هسته اصلی قدرت.

● نسل جدید از یک سو سالها در فضای رسمی، تحت فشار متون عربی و مذهبی اجباری از کودگستان تا دبیرستان بوده و نسبت به این زبان تحمیلی دلزدگی پیدا کرده، و از سوی دیگر، در رسانه و شبکه‌های اجتماعی با موجی از انگلیسی‌دست و پا شکسته روبه‌رو است که نشانه «مدرن بودن» و «کول بودن» جا زده می‌شود.

● تازمانی که در رأس فرهنگستان بیش از آنکه یک چهره ادبی و علمی بنشینند، نهاد یک جناح سیاسی می‌نشیند، طبیعی است که محصول این نهاد هم «حکومتی» دیده شود، نه «زبان‌محور».

س. روزبه - اگر امروز از یک جوان نسل جدید بپرسید «فرهنگستان زبان و ادب فارسی چه می‌کند»، به احتمال زیاد نه به یاد فردوسی و حافظ و سعدی می‌افتد و نه به یاد تصحیح شاهنامه و واژه‌نامه‌های علمی، بلکه چند واژه نامأنوس و سوژه شوخی به ذهنش می‌رسد؛ چیزهایی شبیه «خوشاب» به جای کمپوت، «خمیر برگ» به جای لازانیا یا «آماجه» به جای بازی دارت. این تصویر، خود خلاصه‌ای است از وضعیت نهادی که روی کاغذ باید مهمترین سنگر پاسداری از زبان ملی باشد، اما در ذهن بخش بزرگی از جامعه به «دفتر واژه‌هایی» تبدیل شده که بیشتر بر صفحه مصوبات باقی می‌مانند تا بر زبان مردم.

در نزدیک به نود سالی که از آغاز رسمی فرهنگستان می‌گذرد، این نهاد چند بار تغییر نام و ساختار داده است: فرهنگستان اول در سال ۱۳۱۴ در دوره رضاشاه، فرهنگستان دوم در اواخر دهه ۱۳۴۰ و فرهنگستان سوم از سال ۱۳۶۸ تا امروز. مأموریت اعلام‌شده در همه این دوره‌ها یکی بوده است: صیانت از زبان فارسی و معادل‌سازی برای واژه‌های بیگانه. تفاوت، در منطق اداره، نوع نگاه به زبان و نسبت با جامعه است؛ تفاوتی که امروز خود را به شکل شکاف عمیق میان «وظیفه روی کاغذ» و «اعتبار در ذهن مردم» نشان می‌دهد.



«مصوب فرهنگستان» بوده‌اند. «شهرداری» جای «بلدیه» را گرفت، «دادگستری» به جای «وزارت عدلیه» نشست، «دانشگاه» و «دانشکده» جای نام‌های فرنگی نشستند، «هواپیما» به جای «طیاره» آمد، «زیردریایی» جای «تحت‌البحری» را گرفت و «چاپخانه» «مطبعه» را کنار زد. واژه‌هایی چون «کارمند»، «دامپزشک»، «درمانگاه»، «راه‌آهن»، «پالایش» و «پروتشناسی» نیز از همین خانواده‌اند؛ واژه‌هایی خوش‌آهنگ، کوتاه و کاملاً فارسی که از دل نیاز واقعی نهادهای تازه، شهر مدرن و علوم نو بیرون آمدند و همان اهل قلم در مطبوعات و آموزش آن‌ها را در دهان مردم نشان‌دند.

در سطح بالاتر، این واژه‌سازی‌ها معنایی روشن داشت: دور شدن تدریجی از عناوین ثقیلی که ریشه در عربی فقهی و عثمانی داشت و نزدیک‌تر کردن زبان اداری و حقوقی به فهم شهروند. تغییر نام «عدلیه» به «دادگستری» فقط جابه‌جایی یک کلمه نبود؛ حرکت کوچکی بود به سمت آنکه مردم احساس کنند «قانون» به زبان خودشان با آن‌ها سخن می‌گوید، نه به زبان متنی دور و دشوار. فرهنگستان دوم در دهه چهل، در مقیاسی مدرن‌تر و هم‌زمان با رشد دانشگاه‌ها و علوم جدید، همان مسیر را ادامه داد.

غلبه سیاست بر ادب: فرهنگستان سوم در قامت یک نهاد دولتی

پس از انقلاب ۵۷، فرهنگستان سوم با نام «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» کار خود را آغاز کرد. ساختار روی کاغذ، منظم و گسترده است: صدها عضو حقیقی و وابسته، گروه‌های واژه‌گزینی برای دهه‌ها رشته علمی، انتشار واژه‌نامه‌های بسیار و مصوبات فراوان. اما تفاوت اصلی در ترکیب رهبری و نوع نسبت با قدرت سیاسی است. از همان آغاز، ریاست فرهنگستان در اختیار چهره‌هایی قرار

هویت گمشده؛ واژه‌سازی‌های پرهزینه و اعتبار ازدست‌رفته در چهار دهه اخیر، یعنی دوران جمهوری اسلامی

فرهنگستان سوم مدعی است به تنهایی برای ده‌ها هزار واژه بیگانه معادل تصویب کرده است. رئیس فرهنگستان از «بیش از شصت و پنج هزار» واژه و صدها دفتر واژه‌نامه به عنوان کارنامه سی ساله یاد می‌کند و در بودجه رسمی نیز رقم این نهاد از حدود دوازده میلیارد تومان در میانه دهه نود خورشیدی به بیش از صد میلیارد تومان در بودجه ۱۴۰۳ رسیده است.

پرسش ساده اما همچنان سر جای خود باقی است: با این حجم واژه‌سازی و این بودجه رو به رشد، فرهنگستان در عمل چه تأثیری بر زبان مردم، آموزش، ادبیات و رابطه نسل‌ها با فارسی گذاشته است؟ و نتیجه آن در جامعه و متون و کتب درسی و محاورات و مکاتبات چه بوده است؟

میراث موفق: وقتی اهل قلم، زبان «دادگستری» و «شهرداری» را ساختند

برای فهم پاسخ، باید از جایی شروع کرد که فرهنگستان هنوز زیر سایه مستقیم سیاست تعریف نشده بود. فرهنگستان اول، در سال ۱۳۱۴، بیش از آنکه یک اداره باشد، بیانیه‌ای فرهنگی بود. در رأس آن، محمدعلی فروغی نشسته بود و در کنار او نام‌هایی چون ملک‌الشعراى بهار، علی‌اکبر دهخدا و بدیع‌الزمان فروزان‌فر دیده می‌شد؛ همه پیش از هر چیز نویسنده، شاعر، مصحح متون کلاسیک و استاد دانشگاه بودند، نه کارگزاران رسمی دستگاه قدرت.

حاصل این غلبه اهل قلم، واژه‌هایی بود که امروز ستون فقرات زبان ما هستند و کمتر کسی به یاد می‌آورد روزی

این پدیده دیگر فقط یک انتخاب زبانی ساده نیست؛ کم‌کم به پروژه‌ای نانوشته برای تحقیر زبان مادری تبدیل می‌شود. برندها و نهادهای عمومی با بودجه‌های کلان تبلیغاتی، به جای همکاری با نویسندگان فارسی‌دوست، سراغ «کانتنت کریتور»ها (تولید کنندگان محتوی) می‌روند که هرچه واژه انگلیسی بیشتری در متن جا بدهند، فکر می‌کنند محتوایشان «مدرن‌تر» و «جذاب‌تر» است. در چنین فضایی، نسل جدید فارسی را نه به عنوان زبانی غنی و توانمند، بلکه به عنوان زبانی «قدیمی» و «غیر به‌روز» می‌شناسد که برای جذاب شدن، حتماً باید به انگلیسی آغشته شود. این در حالی است که شاعران و نویسندگان بسیاری –در داخل و در میان مهاجران– در شعر نو، رمان و ترجمه‌های جدی در حال جان دادن دوباره به زبان فارسی‌اند، اما نبود سیاست‌گذاری درست و تمرکز غلط فرهنگستان و دولت باعث شده این تلاش‌ها در کتاب درسی، رسانه رسمی و آموزش عمومی منعکس نشود.

راهکار نجات: استقلال از قدرت و گوش سپردن به اهل زبان

اینجاست که نقش اعتماد و استقلال روشن می‌شود. زبان را نمی‌توان با مصوبه و بخشنامه نجات داد. زبان را کسانی زنده نگه می‌دارند که با آن شعر می‌گویند، داستان می‌نویسند، ترجمه می‌کنند، در کلاس درس با متن سر و کار دارند و در زندگی روزمره با آن حرف می‌زنند. نهادهای فرهنگستان فقط زمانی می‌تواند در این فرآیند نقش مثبت داشته باشد که دو شرط ساده و سخت را بپذیرد:

استقلال نسبی از سیاست و گوش سپردن به اهل زبان. شکست فرهنگستان در جذب اعتماد عمومی، باعث شده است که مرکز ثقل نوآوری زبانی به خارج از نهادهای رسمی ایران و به جامعه بزرگ ایرانیان خارج از کشور (دیاسپورا) منتقل شود.

تا زمانی که در رأس فرهنگستان بیش از آنکه یک چهره ادبی و علمی بنشینند، نهاد یک جناح سیاسی می‌نشیند، طبیعی است که محصول این نهاد هم «حکومتی» دیده شود، نه «زبان‌محور». تا زمانی که واژه‌ها در کمیسیون‌های بسته ساخته و از بالا ابلاغ می‌شوند، بدون آنکه با نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران، آموزگاران و خود کاربران زبان آرموده شوند، بخش بزرگی از آن‌ها روی کاغذ می‌مانند. تا وقتی اولویت، به جای ساده‌کردن زبان قانون، قراردادهای پزشکی و آموزش عمومی، صرف جنگ لفظی با واژه‌های حاشیه‌ای می‌شود، گره اصلی زبان – یعنی همان لایه مبهم عربی فقهی و حذف آرام شاهنامه و حافظ از زندگی درسی – دست‌نخورده باقی می‌ماند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌تواند دوباره به نهادهای شبیه آنچه نامش وعده می‌دهد تبدیل شود، اما نه در نقش کنونی‌اش به عنوان دفتری برای انباشت واژه‌ها. این نهاد اگر کوچک‌تر، مستقل‌تر و پاسخ‌گوتر شود، اگر گوشش را بر زبان مردم و اهل قلم بگذارد، اگر به جای «نمایش واژه‌سازی» به سمت ساده‌سازی زبان قدرت و بازگرداندن فردوسی و حافظ و سعدی به متن مدرسه و رسانه برود، آن‌وقت واژه‌هایی که در آن ساخته می‌شوند، شانس بیشتری خواهند داشت که نه فقط در مصوبات، که در دهان مردم هم به زندگی ادامه دهند. روزی که زبان رسمی قدرت به زبان روشن و انسانی نزدیک‌تر شود، بزرگ‌ترین خدمت ممکن به فارسی انجام شده است؛ خدمتی که هیچ «آماج» و «خمیر برگ» و «خوشابی» جای خالی آن را پر نخواهد کرد.

می‌دهد: جابجایی اولویت از جایی که زبان واقعا «درد» دارد، به جایی که بی‌خطرتر است. مأموریت رسمی فرهنگستان «پالایش زبان فارسی از واژه‌های بیگانه» است، اما تمرکز عملی بیشتر روی واژه‌های اروپایی و به‌خصوص انگلیسی بوده است. در زندگی روزمره ایرانیان، سنگین‌ترین و نامفهوم‌ترین لایه واژگان بیگانه، واژگان عربی فقهی و اداری است؛ همان زبانی که در قوه قضاییه، دادسراها، متون حقوقی و بخش‌هایی از دانشگاه و نهادهای دینی کاربرد دارد. اصطلاحاتی مانند «کان لم یکن»، «حد تعزیری»، «تعلیق مجازات»، «اعاده دادرسی»، «استرحام» و «استیذان» برای شهروند عادی نه آشناس و نه شفاف، در حالی که مستقیماً با جان، مال و آزادی او گره خورده است.

در دوره پهلوی، بخشی از پروژه واژه‌سازی معطوف به همین لایه بود؛ تبدیل «وزارت عدلیه» به «وزارت دادگستری» یا «بلدیه» به «شهرداری»، جدا از جنبه نمادین، تلاشی بود برای فارسی‌سازی و ساده‌سازی زبانی که بر سرنوشت حقوقی مردم اثر داشت. در فرهنگستان سوم، این روند تقریباً متوقف شده است. همان زبان عربی فقهی با همان ساختار و اصطلاحات، همچنان بر متن قانون و رویه قضایی سنگینی می‌کند و فرهنگستان عملاً ترجیح داده است در حوزه‌های کم‌خطرتر مانند فناوری، تغذیه و ورزش فعال‌تر باشد؛ جاهایی که اشتباه در واژه در نهایت به یک میم اینترنتی ختم می‌شود، نه به تفسیر مبهم یک حکم.

غیبت حافظ و فشار بیگانه: میدان خالی زبان در برابر نسل جدید

در کنار این همه، باید نقش نظام آموزشی و ادبیات را هم دید. زبان فارسی قرن‌ها پیش از هر فرهنگستانی، با شاهنامه فردوسی، غزل‌های حافظ، نثر سعدی، مثنوی مولوی و منظومه‌های نظامی شکل گرفته و آبدیده شده است. اگر امروز این زبان برای میلیون‌ها ایرانی در داخل و خارج از کشور حامل هویت و خاطره جمعی است، بیش از هر چیز به خاطر همین مت‌هاست، نه به خاطر مصوبات اداری. با این حال کافی است کتاب‌های درسی چند دهه اخیر را ورق بزنیم تا ببینیم سهم شاهنامه، حافظ، سعدی و دیگر شاعران اصیل در آموزش رسمی چقدر محدود و گزینشی شده است. بخش‌های درخشان ادب کلاسیک یا حذف شده یا به چند بیت خنثی تقلیل یافته که بیشتر برای آزمون تستی به کار می‌آیند تا برای ساختن رابطه عاطفی دانش‌آموز با زبان. جای خالی این میراث، با شعرهای سفارشی، مدیحه‌سرایی و مت‌هایی پر شده که هدف اصلی‌شان نه رشد زبان، که تبلیغ ایدئولوژی است. فرهنگستان، به عنوان نهاد رسمی زبان، در برابر این روند با سکوت کرده یا سهمش به چند نشست و همایش تشریفاتی محدود شده است.

در نتیجه، نسل جدید –به ویژه نسل زد– از یک سو سالها در فضای رسمی، تحت فشار متون عربی و مذهبی اجباری از کودکان تا دبیرستان بوده و نسبت به این زبان تحمیلی دلزدگی پیدا کرده، و از سوی دیگر، در رسانه و شبکه‌های اجتماعی با موجی از انگلیسی‌دست و پاشکسته روبه‌رو است که نشانه «مدرن بودن» و «کول بودن» جازده می‌شود. امروز در گفت‌وگوی روزمره نوجوانان و جوانان، ترکیباتی از این دست فراوان است: «ترند شده»، «اوکی‌ام»، «خیلی هایپ است»، «رای اکت داد»، «استوری گذاشت»، «دایرکت بده»، «فالو کن»، «ریپورتش کن»، «بنز کال»، «بنز زنگ»، «این ویدیو خیلی وایرال شد».

گرفت که بیش از آنکه با کار ادبی و زبانی شناخته شوند، نامشان با سیاست گره خورده است؛ از حسن حیثی تا وضعیت کنونی با غلامعلی حداد عادل، رئیس پیشین مجلس و از نزدیکان هسته اصلی قدرت. در میان اعضا البته زبان‌شناسان و ادبای برجسته‌ای نیز حضور دارند و کار پژوهشی جدی در حوزه فرهنگ‌نویسی انجام شده است، اما وزن یک ریاست سیاسی و بودجه ثابت و بالا باعث شده در ذهن جامعه، فرهنگستان سوم بیش از آنکه «مجمع اهل زبان» دیده شود، بخشی از دستگاه رسمی جمهوری اسلامی به نظر برسد؛ نهادهای که وظیفه‌اش صورت‌بندی و تثبیت زبان رسمی قدرت است. طبیعی است که این هویت اداری و سیاسی، بر سرنوشت واژه‌هایی که در آن ساخته می‌شود تأثیر مستقیم بگذارد.

از «نرم‌افزار» تا «خوشاب»: دو فهرست متناقض دستاوردهای فرهنگستان

در این میان، نمی‌توان برخی دستاوردها را نادیده گرفت. واژه‌هایی مانند «رایانه»، «نرم‌افزار»، «سخت‌افزار»، «کاربر»، «همایش» و تا حدی «بالگرد» در متون رسمی و بخشی از زبان روزمره جا افتاده‌اند. بسیاری از پژوهشگران و دانشجویان از فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های تخصصی فرهنگستان استفاده می‌کنند و نمی‌توان ادعا کرد که این نهاد در حوزه پژوهش زبانی بی‌کار بوده است.

اما کنار این موارد، فهرست بلند واژه‌هایی قرار دارد که یا از همان ابتدا برای گوش فارسی‌زبان سنگین و مصنوعی بوده‌اند، یا آن‌قدر دیر به میدان آمده‌اند که شانس زندگی در زبان را از دست داده‌اند. نمونه‌های شناخته‌شده کم نیستند: «خوشاب» برای کمپوت، «خمیر برگ» برای لازانیا، «دفت‌رک» برای بروشور، «ذخیره‌جا» برای رزرو، «درخش» برای فلاش دوربین و تازه‌تر از همه «آماج» برای بازی دارت. بسیاری از این واژه‌ها اگرچه از نظر ساخت در چهارچوب قواعد واژه‌سازی قرار می‌گیرند، اما با ریتم تند و فشرده فارسی امروز سازگار نیستند و در زبان گفتار جا باز نمی‌کنند؛ در بهترین حالت چند صباحی در کتاب درسی یا متن اداری می‌مانند و بعداً یا فراموش می‌شوند یا به سوژه شوخی تبدیل می‌شوند.

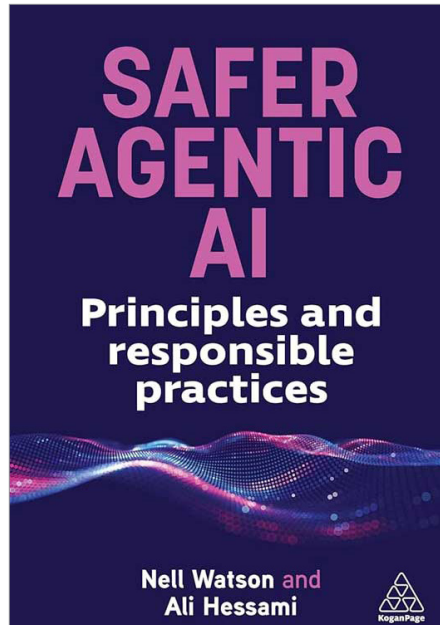
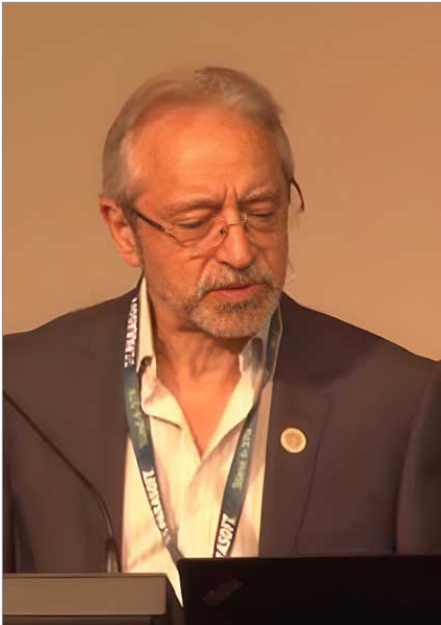
بدتر از این، جریان واژه‌هایی است که اصلاً فرهنگستان آن‌ها را تصویب نکرده، اما در ذهن مردم به حساب آن نوشته شده است: «دراز‌آویز زینتی» برای کراوات یا «کش‌لقمه» برای پیتزا از همین دست‌اند. خود فرهنگستان بارها اعلام کرده که در حوزه پوشاک و نام غذاها مصوبه‌ای نداشته، اما فرسایش اعتماد عمومی به جایی رسیده که هر ترکیب نام‌انوسی، بی‌درنگ بر پیشانی این نهاد می‌نشیند. تلاش برای تحمیل واژه‌ها از بالا، به مثابه دخالت در ساحت خصوصی زبان تلقی شده و پس زده می‌شود.

در کنار این، تأخیر مزمن در واژه‌گزینی را هم باید افزود. وقتی واژه‌ای مانند «پیتزا» یا «کامپیوتر» سال‌هاست در بازار، رسانه و محاوره جا افتاده، تلاش برای تحمیل معادل فارسی پسینی – حتی اگر خود واژه بد نباشد – شبیه دوییدن پشت سر قطاری است که مدت‌ها پیش ایستگاه را ترک کرده است. این فرسایش اعتماد به جایی رسیده که حتی واژه‌های نسبتاً موفق نیز زیر سایه برچسب «فرهنگستانی» قرار می‌گیرند و در شبکه‌های اجتماعی بیشتر به عنوان سوژه شوخی دیده می‌شوند تا ابزار بیان.

اولویت غلط: گریز از «عربی فقهی» و چسبیدن به «کمپوت»

در دل این تناقض‌ها، یک نکته کلیدی خود را نشان

بررسی چالش‌های اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی در گفتگو با پروفسور علی حسامی



● چندین نوع از اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی در دسترس عموم است و آنها را معمولاً با برنامه‌ای به نام الگوریتم که منشاء آن هم برمی‌گردد به دانشمند ایرانی، خوارزمی، بکار می‌گیرند. در این نمونه داده‌ها و اطلاعات خاصی را به هوش مصنوعی می‌دهند؛ هوش مصنوعی از آن داده‌ها نمونه‌برداری می‌کند و شناخت تولید می‌کند.

● هر فناوری هم جنبه‌های منفی دارد و هم جنبه‌های مثبت، و بی‌طرف هم نیست؛ ویژه‌گی‌های روابط انسانی از جمله عشق، محبت، دوستی و شفقت، همدلی و دلسوزی زمینه‌هایی است که به آسانی قابل جایگزینی توسط هوش مصنوعی نیست.

● داده‌هایی که افراد به هوش مصنوعی می‌دهند گاهی مواقع بر علیه خودشان مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و یا فروخته می‌شود. بنابراین باید توجه کنیم که جنبه‌های غیراخلاقی آن گسترده است.

در سالهای گذشته هوش مصنوعی موضوع بسیار داغی در سراسر دنیا شده و همه درباره آن صحبت می‌کنند. همه شواهد دال بر آن است که هوش مصنوعی در آینده نه چندان دور تمامی ابعاد زندگی انسانی را تحت الشعاع قرار خواهد داد. «کیهان لندن» برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این فناوری علمی با پروفسور علی حسامی گفتگو کرده است.

پروفسور علی حسامی استاد دانشگاه و متخصص در زمینه طراحی و توسعه سیستم‌های پیچیده با عملکردهای حیاتی است. او در زمینه حقوق بشر و هوش مصنوعی هم پژوهش‌های زیادی دارد و از طرف مجامع مهم بین‌المللی برای سخنرانی و یا گرداندن کارگاه‌هایی در این زمینه دعوت می‌شود. از جمله چندی پیش کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا از او برای سخنرانی در همین مورد دعوت کرده بود.

● پروفسور حسامی، هوش مصنوعی چیست و شما چگونه آن را تعریف می‌کنید؟

از دیدگاه من تفاوت اصلی هوش مصنوعی با هوش طبیعی اینست که بصورت خودکار و بوسیله طبیعت تولید نشده است. هوش مصنوعی که در حال حاضر داریم در واقع نوع خاصی از این تحول جدید علمی، صنعتی و فرهنگی است. برای ارائه تعریفی از هوش مصنوعی باید ابتدا خصوصیات هوش طبیعی را بشماریم تا مرزهای آن با هوش مصنوعی مشخص شود. البته با تذکر این نکته که محققان و صاحب‌نظران در این مورد با هم توافق کامل ندارند. ولی مجموعه ویژه‌گی‌هایی است که همه در این مورد کمابیش با هم توافق دارند. هوش طبیعی هفت هشت خصوصیت و یا زیرساخت دارد. یک شاخه‌ای و یا سیاه و سفید هم نیست، یعنی ما باهوش و یا بی‌هوش نداریم بلکه درجات مختلف هوش داریم. این درجات مختلف هم ربط دارد به شرایط کاربردی آن. یعنی در شرایط خاص ما یکی از خصوصیات هوش‌مان را بکار می‌بریم و تمام خصوصیات آن را همزمان بکار نمی‌بریم. تمام این خصوصیات به یکسان و یک درجه در تمام انسان‌ها وجود ندارد.

خصوصیت و زیرساخت اول: توانایی حل مسائل و مشکلات. موجودی با درجه پایین هوش توانایی حل مسائل

چیزی که مشابهت در واقعیت ندارد و بی‌نظیر است. شاهنامه فردوسی اوج خلاقیت است که با هدف نجات هویت و فرهنگ ایرانی و زبان پارسی در مقابل هجوم بیگانگان بوجود آمده است. قبل از فردوسی روایت اسطوره‌های ایرانی به چنین زبان فاخری نبوده و به این درجه از غنا و عمق نرسیده بوده است. فردوسی توانست دست تنها یک فرهنگ را از زوال نجات دهد.

خصوصیت و زیرساخت هشتم: توانایی یادآوری و حافظه. ما در زندگی و فعالیت‌های خود به داده‌های زیادی نیاز داریم که باید به خاطر بسپاریم تا مسائل را حل کنیم؛ از جمله مسیری که برای رسیدن به محل کار طی می‌کنیم باید به خوبی به حافظه‌مان سپرده باشیم.

در انسان‌ها این هشت خصوصیات هوش به یک سان و یک درجه نیست. در برخی خلاقیت بالاست، در برخی دیگر حافظه. در صورت نبودن یکی از این خصوصیات انسان نقصان دارد و هوش او جامع نیست. زندگی ما تا حد زیادی تحت تأثیر ویژه‌گی‌های این خصوصیات قرار دارد. اگر یکی از خصوصیات برشمرده در ما قوی‌تر باشد ما جذب حرفه‌ای می‌شویم که به آن توانمندی احتیاج داشته باشد.

حال ببینیم که هوش مصنوعی چیست. ما اگر بتوانیم در یک مجموعه و یا سیستم مکانیکی یا الکترونیک و یا برنامه‌ای، در حالت ترکیبی این هشت ویژه‌گی را گرد هم آوریم و به نسبت‌های مختلف به کار بندازیم، به آن سیستم، که بصورت طبیعی بوجود نیامده است، می‌گوییم هوش مصنوعی. این سیستم با هنر و توانمندی و خرد انسان‌ها ایجاد شده است و به هوش انسان شبیه است.

● چگونه می‌شود از هوش مصنوعی در جهت منافع و رفع نیازهای واقعی انسان استفاده کرد؟

چندین نوع از اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی در دسترس عموم است و آنها را معمولاً با برنامه‌ای به نام الگوریتم که منشاء آن هم برمی‌گردد به دانشمند ایرانی،

بغرنج و پیچیده را که احتیاج به نوآوری دارد را ندارد. میزان هوشی هم که برای حل مسئله نیاز است به شرایط کاربردی آن بستگی دارد.

خصوصیت و زیرساخت دوم: توانایی برنامه‌ریزی. یعنی تقسیم‌بندی یک کار پیچیده به چندین مرحله و تدوین برنامه جهت رسیدن به اهداف.

خصوصیت و زیرساخت سوم: داشتن منطق به این معنا که اگر شخصی بداند که A از B بزرگ‌تر است و B از C بزرگ‌تر است بنابراین، A از C هم بزرگ‌تر است. در انسان‌ها منطق و توان تجزیه و تحلیل یک چیز طبیعی و بنیادی است. اما این در هوش مصنوعی هنوز به آن معنا جا نیفتاده است. هوش مصنوعی هنوز به این مراحل نرسیده است که زیرساخت روابط را شناسایی کند.

خصوصیت و زیرساخت چهارم: قابلیت تفکر است. یعنی توانایی اندیشیدن در مورد مسائل پیچیده، در مورد خودمان، هستی که به شناخت بیشتر از آنها و پیدا کردن راهکارها منجر می‌شود.

خصوصیت و زیرساخت پنجم: قابلیت شناخت پیچیده‌گی در هستی، طبیعت و جامعه. از جمله درک مسائل بغرنج علمی مانند پیش‌بینی هواشناسی. شناخت پیچیدگی قابلیت است که از احساس و ادراک فراتر می‌رود. مثلاً ما سیاه را از سفید بلافاصله تشخیص می‌دهیم ولی پیش‌بینی هواشناسی مسئله بغرنجی است که به عوامل مختلف و شناخت عمیق از آنها بستگی دارد.

خصوصیت و زیرساخت ششم: قابلیت آموزش. انسان‌ها در برخورد با زندگی، مسائل مختلف، موفقیت‌ها و شکست‌های خود و دیگران و از تجربه مستقیم و یا از کتاب‌ها درس آموزی می‌کند. مگر کسانی که قدرت فراگیری پایینی دارند که این نقصان بزرگی است. انسان هوشمند قابلیت درس‌آموزی بالایی دارد.

خصوصیت و زیرساخت هفتم: خلاقیت و بدعت چه در هنرمندان، ادبا و شاعران و چه در دانشمندان که تولید

→ خوارزمی، بکار می‌گیرند. در این نمونه داده‌ها و اطلاعات خاصی را به هوش مصنوعی می‌دهند؛ هوش مصنوعی از آن داده‌ها نمونه‌برداری می‌کند و شناخت تولید می‌کند و این شناخت باعث می‌شود در زمینه خاصی، مثل تشخیص عکس‌های رادیولوژی عمل کند و روشن کند که آیا ریه‌های بیمارگردهای سرطانی دارند یا نه.

در واقع بر مبنای هوش مصنوعی ما دو نوع آپلیکیشن داریم. یکی در زمینه تخصصی و محدود، و دیگری عمومی‌تر و گسترده‌تر. به عبارت دیگر، اگر آپلیکیشن هوش مصنوعی در حوزه یکی از زیرساخت‌های هشت‌گانه‌ای که شمردیم عمل کند، تخصصی است. اگر دارای زیرساخت‌های فراگیر و عمومی‌تر باشد می‌توانیم از آن در زمینه‌های مختلف کسب اطلاعات کنیم.

هوش مصنوعی عمومی‌تر هنوز به حد هوش انسانی نرسیده است که تمام آن خصوصیات هشت‌گانه را یکجا داشته باشد. این آپلیکیشن از طریق اینترنت، موبایل و کامپیوتر قابل دسترسی است. ما می‌توانیم اطلاعات گوناگون، حتی روانی را، از آن بخواهیم. البته در این مورد روانکاوان هشدار داده‌اند که باید نهایت دقت و احتیاط را در کسب اطلاعات روانی از هوش مصنوعی کرد زیرا که جنبه دلسوزانه و همدلانه روانکاوان و روانشناسان در هوش مصنوعی در برخورد با بیمار و مراجعه‌کننده نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما صرف‌نظر از چنین مواردی در آینده نه چندان دور هوش مصنوعی می‌تواند به چیزی که ما در فارسی «علامه دهر» می‌گوییم نزدیک شود.

● ما چطور می‌توانیم اخلاقیات را حاکم بر تولید و نحوه استفاده از هوش مصنوعی کنیم تا فواید و سود آن تنها در انحصار یک اقلیت کوچک سوپروثروپند محدود نشود؟ نکته بسیار مهم و حساسی است. آری، در نهایت تولید و کاربرد این آپلیکیشن‌های هوش مصنوعی در مقیاس بزرگ که در دسترس همه جهانیان است در انحصار موسسات چندملیتی عظیم تجاری سودجو است. همین هم باعث می‌شود که یک سری از ملاحظات اخلاقی در آن رعایت نشود. مثلا اگر برای ساختن یک آپلیکیشن هوش مصنوعی لازم است از اطلاعات خصوصی افراد استفاده شود اغلب از راه‌های غیراخلاقی بدست می‌آورند. نمونه بیاورم. یک شرکت بزرگ پخش موسیقی اطلاعات بدست آمده از سلیقه موسیقایی مشتریان خود را به موسسه‌ای فروخته است که این موسسه از روی آن توانسته است به حالات روانی و گرایش‌های سیاسی آنها دست یابد. این عملا تجاوز به حریم خصوصی افراد است و از اطلاعات بدست آمده بدون توافق مشتریان بهره‌برداری شده است. حتی زمانیکه شما خرید می‌کنید از شما اطلاعاتی برای مقاصد بازاریابی بدون توافق شما بدست می‌آورند. یکی از دلایل مهم این امر آنستکه این پروژه‌های بزرگ توسط شرکت‌های عظیم چندملیتی انجام می‌شوند که خارج از کنترل دولت‌ها هستند و مقاصد سودزایی بی حد و حصر دارند. اینها زبان‌های غیرملموس با خود دارند. اضافه کنم که زمینه کاری من در ده سال گذشته تدوین استانداردها، معیارها و موازین اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی بوده‌است تا آنها را با ارزش‌های انسانی هماهنگ سازیم که به راستی مسئله بغرنجی است. متأسفانه فعلا چشم‌انداز مثبتی از این نظر وجود ندارد و کنترل و آزادی عمل در دست موسسات چندملیتی عظیم است. هوش مصنوعی امروز میدان رقابت چند کشور صنعتی بسیار پیشرفته، بخصوص بین آمریکا و چین، شده است. همه با سرعت در تلاشند از قافله دور نمانند.

● پیشرفت و تکامل هوش مصنوعی روی اقتصاد و به ویژه اشتغال چه تأثیری در آینده میان‌مدت و درازمدت خواهد گذاشت؟

گفتیم که دو نوع کاربرد هوش مصنوعی داریم: کاربردهای اختصاص و کاربردهای عمومی. در زمینه کاربرد تخصصی، هوش مصنوعی در آینده نه چندان دور می‌تواند به آسانی جایگزین مثلا متخصصینی شود که در زمینه‌هایی مانند رادیولوژی، نوشتن قرارداد و یا تولید متن و... کار می‌کنند. برای همین هم بود که چند سال پیش نویسندگان سناریو در هالیوود مجبور به اعتصاب شدند و خواستار اعمال محدودیت‌هایی در استفاده از هوش مصنوعی در حوزه کارشان شدند.

با سپردن داده‌های زیاد به هوش مصنوعی به آسانی عملکرد تخصصی هوش مصنوعی میسر می‌شود. همین چندی پیش شرکت آمازون تصمیم گرفت حدود ۱۴ هزار از کارکنانش را که البته هنوز درصدی کوچکی از حدود ۳۶۰۰۰ پرسنلش است اخراج کرده و با ربات‌های متکی به هوش مصنوعی جایگزین کند. پیش‌بینی می‌شود در ۵ سال آینده حدود ۳۰۰ میلیون شغل در جهان صنعتی از بین برود. البته واقعیت‌ها به این ناگواری هم نیست زیرا که شغل‌های جدیدی هم بوجود خواهند آمد.

شرکت‌های عظیم چندملیتی تصمیم گرفته‌اند که در آینده نزدیک هوش مصنوعی با کاربرد عمومی را به سطحی برسانند که تقریبا معادل توان ذهنی، فکری و خلاقیت انسان باشد که به آن AGI می‌گوییم. بعد از آنهم بالاتر خواهد رفت و به سطح فوق انسانی خواهد رسید که به آن ASI می‌گویند.

این امر باعث شده که دورنمای تاریکی در برابر بشریت قرارگیرد و باعث واهمه عمومی شود. البته شغل‌هایی که در آن خلاقیت خیلی بالا لازم است یا کارهای خدماتی مانند نگهداری از سالمندان و کودکان از این خطر مصون هستند. چندین کشور برنامه توسعه و رشد اقتصادی خودشان را روی پیشبرد فن‌آوری هوش مصنوعی بسیار توانمند گذاشته‌اند. این متأسفانه به قیمت تهاجم به شغل‌های زیادی و از بین رفتن آنها تمام خواهد شد. این امر جامعه انسانی را در برابر مسائل بغرنجی قرار خواهد داد.

● گسترش کاربرد هوش مصنوعی چه تأثیری روی روابط انسانی خواهد گذاشت؟

هر فناوری هم جنبه‌های منفی دارد و هم جنبه‌های خیر، و بی‌طرف هم نیست. یعنی اگر ما نسبت به عواقب استفاده از آن آگاه نباشیم ممکن است ضررهایی در پی داشته باشد. ویژگی‌های روابط انسانی از جمله عشق، محبت، دوستی و شفقت، همدلی و دلسوزی زمینه‌هایی است که به آسانی قابل جایگزینی توسط هوش مصنوعی نیست.

یکی از مسائل مهمی که در جهان غرب وجود دارد تنهایی انسان‌هاست. حتی در ایران خودمان با فرهنگ سنتی‌تر و از جمله نگهداری از والدین در ایام پیری، اکنون چند دهه است که خانه‌های سالمندان راه افتاده است.

سالمندان زیادی در جهان صنعتی به همراه ربات آورده‌اند. یعنی شرکت‌هایی به سالمندان تنها بصورت رباتی «دلسوز» خدمات می‌فروشند. سالمند هم هر چه درد دل، کمبود محبت و اسرار دارد با آن ربات درمیان می‌گذارد. تدریجا هم یک سالمند و یا یک جوان تنها تصور می‌کند رابطه‌ای با آن ربات ایجاد شده است و به آن وابسته می‌شود و فراموش می‌کند که شرکت‌هایی که این خدمات را به او می‌فروشند برای پُر کردن جیب‌شان است. شرکت‌ها با ترندهای مختلف این افراد را به ربات‌ها وابسته و به آن

معتاد می‌کنند.

اتفاق هم افتاده است که ربات‌ها توصیه‌های خطرناک کرده‌اند از جمله جوان تنهایی را تشویق به کشتن والدین بیگانه شده‌اش کرده‌اند و یا به جوانی دیگر راهکار خودکشی را پیشنهاد کرده‌اند. از نظر تأثیر هوش مصنوعی بر روابط انسانی، ما شرایط بسیار پیچیده و کاملا جدیدی داریم. توجه کنیم هوش مصنوعی آن درجه عاطفه و مهر انسانی ندارد. دوم اینکه آن داده‌هایی که افراد به هوش مصنوعی می‌دهند گاهی مواقع بر علیه خودشان مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و یا فروخته می‌شود. بنابراین باید توجه کنیم که جنبه‌های غیراخلاقی آن گسترده است. برخی از این شبکه‌ها چند صد میلیون کاربر و در نتیجه درآمد کلان از ارایه این خدمات دارند.

● با توجه به مسائلی که مطرح کرد آیا ما باید به استقبال این تحول بزرگ فناوری علمی برویم و ریسک‌های آن را بپذیریم یا اینکه باید تلاش شود که کنترل درست و منطقی بر کمیانی‌های عظیم در این عرصه اعمال شود تا فواید آن به مردم برسد؟

گفتم که هر فناوری هم جنبه‌های شر دارد و هم جنبه‌های خیر و بی طرف هم نیست. در تاریخ بشریت این نخستین بار است که هوش مستقل از مجموعه انسانی وجود دارد. در گذشته مستقل از انسان هوش فقط در میان برخی از حیوانات در سطح بسیار پایین بوده است. ما تمامی جوانب این پدیده را نمی‌شناسیم و به خیر و شر اجتماعی و اقتصادی آن کاملا واقف نیستیم.

ولی این یک تحول اجتناب‌ناپذیر است و جلوی پیشرفت آنرا نمی‌توان گرفت. باید با خرد و تدبیر به آن برخورد کرد و از ساده‌انگاری پرهیز کرد. پیش‌بینی خیلی‌ها آنست که در طی ۱۰ سال آینده توان فکری، تحلیلی و هوشمندی آن با انسان برابری کند. ما یک رفیق مصنوعی خواهیم داشت که بقول معروف همه فن حریف است و از همه چیز سر درمی‌آورد و اطلاعات کافی دارد. من هیچ شکی ندارم که هوش مصنوعی با اطلاعات سرشارش می‌تواند باعث خیر عمومی شود. ولی به دلیل نبود سابقه چنین پدیده‌ای در تاریخ بشریت ما باید هوشیار باشیم که کنترل‌مان را بر آن از دست ندهیم. متأسفانه دولت‌ها از نظر حمایت جامعه از مضرات این فناوری دیر جنیده‌اند. توجه کنیم که کودکان و جوانان در برابر محتواهای مخرب که در دنیای مجازی به راحتی در دسترس است آسیب‌پذیرتر هستند. قابلیت سوءاستفاده از این فن‌آوری از هر چیزی بیشتر است. هوش مصنوعی می‌تواند مشابهت‌سازی چهره و صدا و رفتار کند و بسیاری را فریب دهد و سوءاستفاده مالی شود و باعث سردرگمی شود.

ولی برخورد ما اما باید منطقی باشد و سطح آگاهی اجتماعی را بالا ببریم. در عین حال در هر سن و سالی باید تلاش کنیم که برآن مسلط شویم و بکارش بگیریم تا مورد سوءاستفاده تبهکاران قرار نگیریم. در عین حال به یاد داشته باشیم که جنبه‌های مثبت و مفید آن زیاد هستند. مثلا هوش مصنوعی می‌تواند یک پزشک دقیق و کم خرج را همراه شما کند که چنین چیزی در طول تاریخ بشریت نداشته‌ایم؛ فقط اشراف و طبقه بسیار بالا پزشک مخصوص داشته است. بنابراین، هوش مصنوعی از این نظر می‌تواند تعادل اجتماعی برقرار کند. ما باید فکرم‌ان را باز نگه داریم و اطلاعات‌مان را بالا ببریم تا از تله‌های زیادی که تبهکاران با استفاده از هوش مصنوعی در برابر ما گذاشته‌اند پرهیز کنیم و در آنها نیافتیم. برخی از ما قربانی تبهکاران خواهیم شد مگر اینکه دانش خودمان را بالا ببریم.

موج جدید گرانی‌ها با حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت بنزین



درصد، جای خارجی ۸۳ درصد و سیب‌زمینی ۸۲ درصد رشد داشته‌اند.

قیمت گوشت قرمز بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش داشته، اما افزایش‌های قبلی آن باعث شده بخش بزرگی از خانوارها امکان خرید نداشته باشند. قیمت مرغ و ماهی نیز حدود ۶۰ درصد افزایش داشته است.

از سوی دیگر گزارش مرکز آمار ایران از تورم آبان‌ماه نشان می‌دهد دهک‌های اول و دوم در حالی بیشترین نرخ‌های تورم ماهانه، سالانه و نقطه به نقطه را در این ماه احساس کردند که سید مصرفی ثروتمندان در دهک دهم، کمتر از باقی دهک‌ها افزایش قیمت داشت.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در آبان‌ماه، بیشترین نرخ تورم نقطه به نقطه در دهک هزینه‌ای دوم و با رقم ۵۱/۶ درصدی ثبت شد و دهک سوم با رقم ۵۱/۵ درصدی در رده بعدی قرار گرفت. همچنین تورم ماهانه برای دهک اول درآمدی که کم‌درآمدترین قشر هستند ۳/۹۷ درصد بوده است. این رقم برای دهک دهم به عنوان ثروتمندترین دهک ۳/۱۸ درصد اعلام شده است.

این ارقام در حالی افزایش فشار تورم بر دهک‌های پایین درآمدی را نشان می‌دهد که درآمدهای این اقشار متناسب با نرخ تورم افزایش نیافته است. از سوی دیگر مواردی چون تداوم افزایش تورم، و تصمیمات دولت از جمله افزایش قیمت بنزین و یا حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی، سبب افزایش فشار هزینه‌ای به خانوارهای کم‌درآمد خواهد شد.

کارشناسان و فعالان کارگری معتقدند افزایش قیمت بنزین که قرار است از ابتدای هفته آینده اجرایی شود سبب ایجاد موج تازه‌ای از افزایش قیمت کالاهای خدمات خواهد شد و بسیاری از اقشار کم‌درآمد توان رویارویی با موج جدید تورم را ندارند.

افزایش قیمت کالاهای خدمات می‌شود. این در حالیست که سال آینده نیز مانند سالهای گذشته قرار نیست دستمزدها متناسب با نرخ تورم و هزینه‌های زندگی افزایش پیدا کند. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران تورم مواد خوراکی در آبان‌ماه امسال رکوردهای تازه‌ای را ثبت کرده است. تورم ماهانه اقلام خوراکی به ۴/۷ درصد، نقطه‌ای به ۶۶ درصد و سالانه آن به ۴۶/۱ درصد رسیده، در حالی که این مقدار در بخش غیرخوراکی به ترتیب ۲/۶، ۴۱/۲ و ۳۷/۵ درصد بوده است.

تورم نقطه‌به‌نقطه میوه و خشکبار در آبان با بیش از ۱۰۸ درصد در رتبه اول تورم نقطه به نقطه بوده است. پس از آن، تورم نقطه‌به‌نقطه نان و غلات با بیش از ۱۰۰ درصد در رتبه دوم قرار دارد. سبزیجات و حبوبات با ۶۹ درصد و چای و سایر نوشیدنی‌ها با ۶۸/۳ درصد در رتبه‌های بعدی هستند.

در تورم مواد خوراکی، میانگین کشوری ۶۶ درصد بوده است، اما استان البرز با ۷۹/۳ درصد رتبه اول را داشته است. سمنان با ۷۷/۳ و یزد و قزوین با ۷۵ و ۷۴/۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. خراسان شمالی، مرکزی، خراسان رضوی، زنجان و گلستان نیز تورم خوراکی بالایی دارند.

بررسی قیمت‌های برخی اقلام خوراکی نشان می‌دهد که از مهرماه ۱۴۰۳ تا مهرماه امسال قیمت هر کیلو لوبیا چیتی با رشد ۲۵۵ درصد از ۱۲۴ هزار تومان به ۴۴۳ هزار تومان رسیده است. قیمت برنج ایرانی با رشد ۱۵۵ درصد به حدود ۳۱۶ هزار تومان، هلو با رشد ۱۳۸ درصد به ۱۳۸ هزار تومان و لپه با رشد ۱۳۵ درصد به ۲۴۱ هزار تومان افزایش یافته است.

طی این مدت قیمت هندوانه ۱۳۳ درصد، خربزه ۱۲۷ درصد، کدو سبز ۱۲۳ درصد، لوبیا قرمز ۱۲۲ درصد، سیب ۱۱۶ درصد، نخود ۱۰۵ درصد، انار ۹۷ درصد، پرتغال ۸۸

● در آبان‌ماه امسال تورم ماهانه اقلام خوراکی به ۴/۷ درصد، نقطه‌ای به ۶۶ درصد و سالانه آن به ۴۶/۱ درصد رسیده، در حالی که این مقدار در بخش غیرخوراکی به ترتیب ۲/۶، ۴۱/۲ و ۳۷/۵ درصد بوده است.

● گزارش مرکز آمار ایران از تورم آبان‌ماه نشان می‌دهد دهک‌های اول و دوم در حالی بیشترین نرخ‌های تورم ماهانه، سالانه و نقطه به نقطه را در این ماه احساس کردند که سید مصرفی ثروتمندان در دهک دهم، کمتر از باقی دهک‌ها افزایش قیمت داشت.

● درآمد اقشار حقوق‌بگیر در ایران در حالی تناسبی با هزینه‌های زندگی ندارد که اقداماتی چون افزایش قیمت بنزین و یا حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی، سبب افزایش فشار هزینه‌ای به خانوارهای کم‌درآمد خواهد شد.

● عبدالله وطنخواه فعال کارگری: با سیاست‌های دولت، تا پایان سال ابر تورم ۱۰۰ درصدی یا حتی بیشتر خواهیم داشت؛ و این در حالیست که قیمت‌ها در حوزه خوراکی‌ها و مسکن در بازه دو ساله اخیر، ۴۰۰ و ۵۰۰ درصد رشد داشته است.

● کارشناسان و فعالان کارگری معتقدند افزایش قیمت بنزین که قرار است از ابتدای هفته آینده اجرایی شود سبب ایجاد موج تازه‌ای از افزایش قیمت کالاهای خدمات خواهد شد و بسیاری از اقشار کم‌درآمد توان رویارویی با موج جدید تورم را ندارند.

تورم مواد غذایی در آبان امسال از تورم عمومی اقتصاد بیشتر بوده و سبب کوچک‌تر شدن سفره خانوارهای کم‌درآمد شده است. تصمیمات تیم اقتصادی دولت پزشکیان از جمله افزایش قیمت بنزین، و یا حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی نیز باعث ایجاد موج تازه‌ای از

آثیر خطر گرانی کالاهای اساسی؛ تورم ۶۰ درصدی تا پایان سال!



بانک مرکزی نیز بر سرعت تورم افزوده است. یک کارشناس اقتصادی با پیش‌بینی نرخ ۶۰ درصدی تورم تا پایان سال، جهش نرخ ارز در بازار آزاد، احتمال حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت بنزین را سه عامل تأثیرگذار بر رشد تورم دانسته است.

دولت مصوبه‌ای صادر کرده که واردات کالاهای اساسی از استان‌های مرزی را بدون مشخص شدن منشأ ارز مجاز می‌کند. اجرای این مصوبه می‌تواند موجی از افزایش قیمت کالاهای اساسی را به همراه داشته باشد؛ موضوعی که از دید کارشناسان ریشه آن رانت و ضعف نظارت بر اقتصاد مافیایی کشور از سوی دولت است!

بر اساس مصوبه جدید دولت واردات کالاهای اساسی از جمله برنج، روغن، گوشت، حبوبات و خوراک دام از استان‌های مرزی امکان‌پذیر است، بدون آنکه منشأ ارز تأمین‌کننده مشخص باشد.

مصوبه جدید دولت پزشک‌ها را بدون شک بر افزایش قیمت کالاهای اساسی از جمله مواد غذایی اثر خواهد گذاشت در ادامه سیاست حذف ارز ترجیحی و تک‌نرخ کردن قیمت ارز است که از سوی تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها دنبال می‌شود.

کارشناسان اما معتقدند اگر آزادسازی نرخ ارز بدون افزایش متناسب حقوق و دستمزدها، تعدیل مستمری بازنشستگان و تقویت پارانه اقشار کم‌درآمد انجام شود، نتیجه آن کاهش قدرت خرید و تشدید نابرابری خواهد بود. اما اگر سیاست ارزی همزمان با بسته‌های جبرانی معیشتی اجرا شود، می‌تواند به اصلاح ساختار اقتصادی، کاهش رانت و حرکت به سمت شفافیت و عدالت اقتصادی منجر شود.

در آنسو اما تورم‌فرازنده در حال حاضر نیز قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش داده و سفره خانوارهای کم‌درآمد را از بسیاری از اقلام خوراکی ضروری و

● بر اساس مصوبه جدید دولت واردات کالاهای اساسی از جمله برنج، روغن، گوشت، حبوبات و خوراک دام از استان‌های مرزی امکان‌پذیر است، بدون آنکه منشأ ارز تأمین‌کننده مشخص باشد.

● مصوبه جدید دولت پزشک‌ها را بدون شک بر افزایش قیمت کالاهای اساسی از جمله مواد غذایی اثر خواهد گذاشت در ادامه سیاست حذف ارز ترجیحی و تک‌نرخ کردن قیمت ارز است که از سوی تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها دنبال می‌شود.

● تورم‌فرازنده در حال حاضر نیز قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش داده و سفره خانوارهای کم‌درآمد را از بسیاری از اقلام خوراکی ضروری و مغذی خالی کرده است. ● فراموشی توفیقی فعال کارگری در یادداشتی نوشته بر اساس تحلیل اقتصاددانان، مدل فعلی پیشروی اقتصاد و سیاست‌های پولی، می‌تواند به تورم سه‌رقمی و بیش از صد درصدی در سال آینده منجر شود؛ این پیش‌بینی، زنگ خطر جدی را برای ثبات اقتصادی کشور به صدا در می‌آورد.

● احسان سلطانی، کارشناس و پژوهشگر اقتصادی: تورم در ماه‌های آینده بیشتر خواهد شد. با توجه به شرایط فعلی فکر می‌کنم تا پایان امسال نرخ تورم از ۶۰ درصد هم عبور کند.

● سهراب هاشمی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی: بودجه ۱۴۰۵ باید یک بودجه اصلاحی باشد نه صرفاً بودجه تداوم وضع موجود. در غیر این صورت، تمام ناترازی‌ها به سال بعد منتقل شده و اقتصاد وارد دور باطل جدیدی خواهد شد. شفافیت در مورد ارقام کسری و تعهد به اصلاحات ساختاری، مهم‌تر از هر رقمی در جداول بودجه است.

برخلاف وعده‌های تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها روند تورمی همچنان افزایشی است و اقدامات وزارت اقتصاد و

عبدالله وطنخواه، فعال صنفی کارگران و بازنشستگان، در اینباره گفته «واقعیت این است که بنزین یک کالای پایه است و با گرانی آن، مسلم است که سفره‌ی کوچک کارگران پاره پوره‌تر از این می‌شود به شکلی که دیگر حتی نمی‌توان آن را با قرض و قوله و سیلی به صورت زدن، به هم چسباند. در کنار اینها، سیاست‌های سرکوب مزدی و نئولیبرالی ادامه خواهد داشت که اوضاع را به سمت بحران جدی‌تر پیش می‌برد. در نتیجه، با سیاست‌های دولت، تا پایان سال ابر تورم ۱۰۰ درصدی یا حتی بیشتر خواهیم داشت؛ و این در حالیست که قیمت‌ها در حوزه خوراکی‌ها و مسکن در بازه دو ساله‌ی اخیر، ۴۰۰ و ۵۰۰ درصد رشد داشته است.»

علیرضا خرمی، فعال کارگری نیز در گفتگو با رسانه‌های داخلی گفته «حذف تنه‌ی ارز ترجیحی، کالاهای بسیاری را از سفره‌ها حذف می‌کند؛ مثلاً قیمت برنج با حذف ارز دولتی ۴۰۰ هزار تومان را هم رد می‌کند؛ در نتیجه چیزی برای سفره‌ی کارگران باقی نمی‌ماند.»

این فعال کارگری افزوده «با گرانی بنزین هم یک موج تورمی جدید به راه می‌افتد و این در حالیست که کارگران هیچ جای این معادلات نیستند؛ باید از دولت بپرسیم، کارگر و زندگی کارگر کجای این معادله است، چطور عناصر معادله را کنار هم چیدید که بیش از نیمی از جمعیت کشور را در تصمیم‌گیری‌های خود نادیده گرفتید؟»

او گفته «کارگر حتی توان پرداخت هزینه اینترنت هم ندارد، چه برسد به درمان و آموزش، در این شرایط از فرزندآوری و جوانی جمعیت می‌گویند؛ پیشنهادم به دولت و فرادستان این است که یک دیوار بکشید، کارگران را یک طرف بگذارید در محرومیت و فقر، ثروتمندان آن سمت دیوار باشند و راحت و بی‌خیال زندگی کنند.»

اینهمه در حالیست که بر اساس برخی گزارش‌های غیررسمی دولت تصمیم دارد در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ افزایش دستمزدها را تنها ۲۰ درصد در نظر بگیرد. این رقم هیچ نسبتی با تورم حدود ۵۰ درصدی کنونی اقتصاد ایران ندارد و سبب می‌شوند خانوارهای حقوق‌بگیر از کارگران و کارمندان تا بازنشستگان بیش از پیش به زیر خط فقر رانده شوند.

در همین رابطه مسعود دانشمند تحلیلگر اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی معتقد است دولت باید تلاش کند تورم را کنترل و قیمت‌ها را مهار کند: «وقتی تورم سالانه به ۴۰ درصد رسیده و در ماه‌هایی مثل فروردین نیز این عدد بیش از ۴۵ درصد است، ۲۰ درصد افزایش حقوق یعنی مردم باید ۲۵ درصد فقیرتر شوند. دولت تازه از خود می‌پرسد این ۲۵ درصد را قرار است چطور جبران کند؟ این راه حل درستی نیست که مدام روی معضل افزایش حقوق تمرکز کنیم. مسئله اصلی این است که چرا قیمت اقلام خوراکی به ویژه در ۱۵ الی ۲۰ سال اخیر، روند صعودی داشته و کنترل نشده است. مسئله اصلی نه وضعیت حقوق، بلکه وضعیت تورمی است که بدون محابا به حال خود رها شده است.»

مسعود دانشمند افزوده «مسئله اصلی این روزهای اقتصاد کشور حرکت به سمت ثبات قیمت‌ها است. ثبات قیمت‌ها می‌تواند با این روش رخ دهد که دولت ۲۰، ۳۰ قلم، کالای اساسی را به همه مردم ایران اعطا کند و نگوید این دهک می‌گیرد و آن دهک نمی‌گیرد و قیمت‌ها را تثبیت کند. در نتیجه مسابقه افزایش قیمت و دستمزد نیز تا حدودی کنترل می‌شود. اگر قرار باشد با همین روش پیش برویم، قیمت صادرات، بازرگانی داخلی و GDP کشور نیز مشکل پیدا می‌کند. همچنین رشد اقتصادی کشور منفی‌تر از منفی می‌شود.»

موج انتقادات به افزایش قیمت بنزین؛ حمایت روزنامه «کیهان» از تصمیم دولت اصلاح طلب پزشکيان

● در حالیکه افزایش قیمت بنزین به طور مستقیم بر افزایش قیمت کالاها و خدمات اثرگذار خواهد بود اما مقامات دولت طی روزهای گذشته تلاش کرده‌اند مصوبه دولت را توجیه کنند.

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که در ماه‌های گذشته که هیئت دولت مشغول برنامه‌ریزی برای گران کردن بنزین بود بارها مدعی شده بود دولت بنزین را ناگهانی گران نخواهد کرد گفته «تاکید می‌کنیم که هیچ تغییری در قیمت کالاهای اساسی صورت نمی‌گیرد.»

● حمیدرضا قاسمی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «جهاران» گفته بنزین یک کالای بی‌کششی است و هر ۱۰ درصد افزایش قیمت آن، به‌طور مستقیم ۱/۶ درصد سطح عمومی قیمت‌ها را بالا می‌برد.

● آلبرت بغزبان اقتصاددان و استاد دانشگاه گفته افزایش قیمت بنزین به زندگی مردم هزینه‌های جدیدی نیز تحمیل می‌کند. پس از افزایش قیمت بنزین قیمت کالاهای دیگر نیز افزایش می‌کند و به عنوان مثال اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند قیمت آجیل نیز افزایش پیدا می‌کند.

● رسول بخشی دست‌جری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی معتقد است که افزایش قیمت بنزین بدون حل تورم فاجعه‌ساز است.

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران که همواره از منتقدان دولت پزشکيان بوده نوشته از تصمیم افزایش قیمت بنزین حمایت می‌کند: «از تصمیم بنزینی دولت حمایت کنیم، حتی اگر بخشی از آن را نمی‌پسندیم.»

با مصوبه دولت پزشکيان قرار است از نیمه آذرماه جاری با ایجاد تغییراتی در یارانه سوخت، قیمت بنزین افزایش پیدا کند. مقامات دولت پزشکيان بارها مدعی شده بودند دولت برنامه ندارد امسال قیمت بنزین را افزایش دهد و حالا مصوبه ناگهانی دولت چهاردهم با واکنش کارشناسان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است.

بر اساس مصوبه دولت نرخ‌های اول و دوم کارت سوخت شخصی اتومبیل‌ها با قیمت‌های ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی بدون تغییر باقی می‌ماند. همچنین نرخ سومی معادل حداقل ۱۰ درصد قیمت خرید بنزین از پالایشگاه‌ها یعنی ۵۰۰۰ تومان ارائه خواهد شد. همچنین از نیمه آذرماه اتومبیل‌های نو مشمول کارت سوخت با نرخ اول و دوم نخواهند شد. اتومبیل‌های وارداتی، اتومبیل‌های فعال در مناطق آزاد تجاری، اتومبیل‌های دولتی به جز آمبولانس‌ها باید بنزین نرخ سوم استفاده کنند.

یکی دیگر از عوامل موثر بر افزایش تورم در اقتصاد ایران، کسری بودجه دولت است. دولت‌های مختلف حکومت طی سالهای گذشته در شرایط کسری بودجه اقداماتی نظیر استقرار از بانک مرکزی یا برداشت از صندوق توسعه ملی را در دستور کار قرار می‌دهند که سبب افزایش نقدینگی و تحریک تورم می‌شود.

این در حالیست که کارشناسان اقتصادی معتقدند چشم‌انداز اقتصاد ایران همچنان تحت سایه سنگین ناترازی‌های ساختاری و مزمن در بخش‌های حیاتی قرار دارد و رد پای این ناترازی‌ها به موتور محرک اصلی نااطمینانی اقتصادی، در بودجه سال آینده نیز به چشم می‌خورد.

در همین رابطه سهراب هاشمی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» در پاسخ به این پرسش که آیا ناترازی‌های فعلی در بخش بانک، انرژی و تولید به اندازه‌ای عمیق هستند که لایحه بودجه ۱۴۰۵ نتواند آنها را به سرعت ترمیم کند؟ گفته «وضعیت فراتر از یک چالش کوتاه‌مدت است و ریشه در ناکارآمدی‌های ساختاری دارد. بودجه به تنهایی یک درمان نیست بلکه صرفاً ابزاری برای مدیریت این بحران‌هاست.»

سهراب هاشمی افزوده «ناترازی بانکی که عمده‌تأ ناشی از کسری‌های دولت است، در عمل به نوعی بدهی پنهان تبدیل شده که هزینه فرصت سنگینی را بر تولید تحمیل می‌کند. اگر دولت در بودجه نتواند استقلال بانک مرکزی را تضمین کند و خلق پول برای جبران کسری را متوقف سازد، در واقع تورم آتی را از پیش پذیرفته است.»

این تحلیلگر مسائل اقتصادی با اشاره به موضوع یارانه‌های انرژی و در پاسخ به اینکه چگونه می‌توان با درآمدهای نفتی



نامنظم، بار سنگین یارانه‌های انرژی را مدیریت کرد؟ گفته که «تداوم قیمت‌گذاری دستوری انرژی نه تنها به دلیل تشویق مصرف بی‌رویه، نوعی بی‌عدالتی در حق مصرف‌کننده است، بلکه فشار مالی مستقیمی نیز بر دولت وارد می‌کند. افزایش شفافیت در قیمت‌گذاری و هدفمندسازی واقعی یارانه‌ها باید یکی از محورهای اصلی لایحه بودجه باشد تا بخشی از ناترازی مالی دولت جبران شود.»

این تحلیلگر مسائل اقتصادی با اشاره به اینکه بودجه ۱۴۰۵ باید یک بودجه اصلاحی باشد نه صرفاً بودجه تداوم وضع موجود، هشدار داده که «در غیر این صورت، تمام ناترازی‌ها به سال بعد منتقل شده و اقتصاد وارد دور باطل جدیدی خواهد شد. شفافیت در مورد ارقام کسری و تعهد به اصلاحات ساختاری، مهم‌تر از هر رقمی در جداول بودجه است.»

➡ مغذی خالی کرده است. آمارهای مرکز آمار ایران از نرخ تورم نیز نشان می‌دهد روند افزایش پُرسرعت نرخ تورم ادامه دارد و در آبان‌ماه امسال هر سه شاخص نرخ تورم سالانه، ماهانه و نقطه به نقطه با ثبت رکوردهای جدید، افزایش یافته است. فرامرز توفیقی فعال کارگری و تحلیلگر اقتصادی در یادداشتی نوشته بر اساس تحلیل اقتصاددانان، مدل فعلی پیشروی اقتصاد و سیاست‌های پولی، می‌تواند به تورم سه‌رقمی و بیش از صد درصدی در سال آینده منجر شود؛ این پیش‌بینی، زنگ خطر جدی را برای ثبات اقتصادی کشور به صدا در می‌آورد.

فرامرز توفیقی افزوده در این میان تعیین حقوق و دستمزد جامعه کارگری طی بیش از چهار دهه گذشته، همواره با اتکا به وعده‌های بهبود معیشت در آینده صورت گرفته است؛ با این وجود، تجربه نشان داده که این وعده‌ها هرگز محقق نشده و قدرت خرید دستمزد مصوب، حتی در همان زمان تعیین، توانایی پوشش هزینه‌های زندگی یک خانوار کارگری با بُعد تقریبی ۳.۳ نفر را نداشته است.

این فعال کارگری هشدار داده بدهی است که در شرایط کنونی و با توجه به نرخ فزاینده تورم، کارگران، بازنشستگان و حتی بخش قابل توجهی از کارمندان با مشکلات معیشتی عمیق و روزافزونی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ در این میان، خلأ متولی و راهکار مشخص برای نجات این اقشار از بحران اقتصادی، به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور تبدیل شده است.

احسان سلطانی، کارشناس و پژوهشگر اقتصادی نیز درباره چشم‌انداز نرخ تورم در ایران توضیح داده که «تورم در ماه‌های آینده بیشتر خواهد شد. با توجه به شرایط فعلی فکر می‌کنم تا پایان امسال نرخ تورم از ۶۰ درصد هم عبور کند. حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، جهش قیمت ارز در بازار آزاد و افزایش قیمت سوخت سه موضوع تاثیرگذار بر میزان نرخ تورم است.»

احسان سلطانی معتقد است که «اگر قیمت حامل‌های انرژی بالا برود و هم‌زمان نرخ ارز هم افزایش یابد، فشار مضاعفی بر مردم وارد می‌شود. این کار به هیچ وجه منطقی نیست و نباید یک‌باره انجام شود. در چنین شرایطی دولت باید سیاستی مرحله به مرحله و حساب شده داشته باشد، نه این که از چند جهت شوک قیمتی ایجاد کند.»

این پژوهشگر اقتصادی درباره تصمیم جدید دولت برای افزایش قیمت بنزین از نیمه آذرماه جاری گفته افزایش قیمت سوخت، تأثیر مستقیمی بر تورم دارد. وقتی قیمت بنزین افزایش یابد، هزینه‌ی حمل‌ونقل، تولید، خدمات و گرمایش افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه قیمت همه‌ی کالاها بالا می‌رود. او همچنین توضیح داده که فشار تورمی بر مردم بسیار زیاد شده است. گاهی روی یک کالا دو یا سه قیمت مختلف می‌بینیم. قیمت‌ها روز به روز تغییر می‌کند و مردم واقعا سردرگم شده‌اند. برخی می‌گویند ممکن است ارز ترجیحی حذف شود اگر چنین اتفاقی بیفتد، فشار قیمتی در بازار بیشتر هم خواهد شد.

به عقیده این اقتصاددان دولت به جای کاهش هزینه‌ها، فشار را بر دوش مردم گذاشته است: «به جای آن که از شرکت‌ها و افراد ثروتمند مالیات بگیرد، از مردم مالیات توری می‌گیرد. این روش فقط باعث فقیرتر شدن مردم و از بین رفتن طبقه متوسط می‌شود. نتیجه این سیاست‌ها افزایش فاصله‌ی طبقاتی و ثروتمندتر شدن عده‌ای خاص است.»

احسان سلطانی همچنین گفته «در سطح بین‌المللی هم باید واقع‌بین بود. درگیری با قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا بدون برنامه و توان مقابله، فقط فشار اقتصادی را بر مردم افزایش می‌دهد.»

مثل افزایش قیمت بنزین می‌بایست با کار کارشناسی انجام شود، به تجربه افزایش قیمت در دولت روحانی اشاره کرد و گفت: «در دولت قبل هم مجلس نادیده گرفته شد و حتی رئیس‌جمهور وقت گفت شب خوابیدم و صبح دیدم قیمت بنزین بالا رفته! این نوع تصمیم‌گیری قابل قبول نیست.»

محسن بیگلری تأکید کرده افزایش قیمت بنزین بدون مدیریت دقیق، زمینه‌ساز گرانی عمومی خواهد شد: «اگر پس از استفاده از سهمیه، مردم مجبور باشند بنزین پنج‌هزار تومانی بخرند، این افزایش حتماً روی سایر کالاها و خدمات اثرگذار خواهد بود؛ همان‌طور که در گذشته تجربه کرده‌ایم.»

رسول بخشی دستجردی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است که افزایش قیمت بنزین بدون حل تورم فاجعه‌ساز است.

حل مسائلی که پیش پایش قرار دارد، تصمیماتی اتخاذ کند که آثار آن می‌تواند در طول زمان به‌صورت مارپیچی بیشتر و بیشتر شود و در نهایت نیز اتفاقی را رقم زند. آلبرت بغزیان اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز در یادداشتی در وبسایت «خبرآنلاین» نوشته «خود دولت به این مسأله اذعان دارد که افزایش قیمت بنزین برای جامعه پیامدهای منفی خواهد داشت. سوال مهم این است که چرا دولت بین قوی‌تری کردن نظارت‌ها بر قاچاق سوخت و افزایش قیمت بنزین که بازدارندگی ندارد و تورم را نیز افزایش می‌دهد راه دوم را انتخاب کرده است که نه تنها دولت را به اهدافی نمی‌رساند، بلکه به زندگی مردم هزینه‌های جدیدی نیز تحمیل می‌کند؟ اتفاق دیگری که رخ خواهد داد این است که پس از افزایش قیمت بنزین قیمت کالاهای دیگر نیز افزایش می‌کند و به عنوان مثال اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند قیمت آجیل نیز افزایش

در حالیکه افزایش قیمت بنزین به طور مستقیم بر افزایش قیمت کالاها و خدمات اثرگذار خواهد بود اما مقامات دولت طی روزهای گذشته تلاش کرده‌اند مصوبه دولت را توجیه کنند.

محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان مدعی شده «مدیریت مصرف انرژی، اصلاح قیمت بنزین و تقویت طرح کالابرگ به‌عنوان مهم‌ترین راهکارهای کاهش فشار معیشتی و تورم بر مردم است.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان که در ماه‌ها و هفته‌های گذشته که هیئت دولت مشغول برنامه‌ریزی برای گران کردن بنزین بود بارها مدعی شده بود دولت بنزین را ناگهانی گران نخواهد کرد نیز مدعی شده «با توجه به عرضه بنزین سوپر که از فردا انجام می‌شود، تأکید می‌کنیم که هیچ تغییری در قیمت کالاهای اساسی صورت نمی‌گیرد.»

فاطمه مهاجرانی همچنین ادعا کرده که «عرضه این بنزین



رسول بخشی افزوده «قیمت بنزین چند سالی است تغییر نکرده و متناسب با تورم باید رشد می‌کرده و این رشد اتفاق نیفتاده و الان یک فشاری از این جانب به دولت وارد می‌شود، اما دولت نباید فکر کند این راهکار و نقطه اصلاح اقتصاد کشور است که مثلاً قیمت بنزین باید متناسب با تورم رشد کند تا مشکل حل شود چون مسئله وجود تورم است و اگر ما بتوانیم تورم را حل کنیم، دیگر لازم نیست شما بروید قیمت بنزین را دستکاری کنید.»

در این میان اما روزنامه «کیهان» چاپ تهران که همواره از منتقدان دولت پزشکیان بوده نوشته از تصمیم افزایش قیمت بنزین حمایت می‌کند! در مطلب «کیهان» آمده «از تصمیم بنزینی دولت حمایت کنیم، حتی اگر بخشی از آن را نمی‌پسندیم. قیمت بنزین به دلیل نحوه عملکرد دولت در اعلام آن و در نتیجه وقوع فاجعه آبان ۹۸، شش سال دست‌نخورده مانده بود و ادامه این روند وعدم تغییر قیمت عاقبت خوبی نداشت. دولت با اقدام سنجیده، اگر بتواند این تابو را بشکند، حتماً به نفع کشور خواهد بود. اینکه سهمیه اول و دوم پابرجاست... نشانه درایت است.»

پیدا می‌کند.» وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز در مطلبی نوشته کسری شدید بودجه و ناترازی انرژی، تاب‌آوری دولت در حفظ قیمت فعلی بنزین را کاهش داده و سیاست جدید دولت، تغییر نظام قیمت‌گذاری سوخت با هدف تقویت نقش کارت سوخت شخصی، کاهش مصرف و جلوگیری از افزایش واردات است.

محسن بیگلری دبیر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «رویداد۲۴» گفته «آقای پزشکیان در زمان انتخابات گفته بود بدون هماهنگی با مردم قیمت بنزین را افزایش نمی‌دهد؛ اما حالا نه تنها با مردم هماهنگی نشده بلکه حتی مجلس هم در جریان قرار نگرفته است.»

دبیر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی افزوده «من نماینده مجلس از طریق رسانه‌ها فهمیدم که بنزین سه‌نرخ شده است. این در حالی است که تصمیم به این بزرگی باید ابتدا با ما که نماینده مردم هستیم مطرح و بررسی کارشناسی می‌شد.» این نماینده مجلس با تأکید بر اینکه تصمیمات بزرگی

در راستای مصوبه دولت و بنا بر نیاز برخی اقشار مردم وارد شده و کاملاً از موضوع قیمت بنزین معمول مجزاست و هیچ‌گونه تغییری در بنزین سهمیه‌ای اول و دوم ایجاد نمی‌شود.»

در مقابل اما موجی از انتقادات از سوی کارشناسان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی متوجه تصمیم ناگهانی دولت پزشکیان شده است.

حمیدرضا قاسمی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «جهاران» گفته بنزین یک کالای بی‌کششی است و هر ۱۰ درصد افزایش قیمت آن، به‌طور مستقیم ۱/۶ درصد سطح عمومی قیمت‌ها را بالا می‌برد.

به گفته حمیدرضا قاسمی در مجموعه‌ای از اصلاحاتی که قرار است اتفاق بیفتد، اصلاحات قیمتی آخرین حلقه زنجیره است، و دولت باید به تناسب آنکه تمامی مسئولیت‌های خود را به نحو احسن اجرا کرده باشد، پس از آن انتظار داشته باشد که موضوع افزایش قیمت پیش بیاید.

او افزوده دولت را دعوت می‌کنم به استفاده از دانش انباشته گذشته و استفاده از تجربیات پانزده‌بار اتفاق افتاده قبلی و انداز می‌دهم از اینکه با یک دید کوتاه‌مدت و برای



اسرائیل هیوم: درخواست عفو
نتانیاهو نشانه‌هایی از احتمال سقوط
رژیم ایران دارد



افزایش ۲۰ درصدی تعرفه‌های
اینترنت تلفن همراه



وضعیت تکاندهنده و
نیمه مخروب «کاخ مروارید»،
کاخ شاهدخت شمس پهلوی



محکومیت جعفر پناهی به
زندان و ممنوعیت خروج از کشور



خبرنامه امیرکبیر:
اهتزاز پرچم ملی شیر و خورشید
ایران بر سکوی نخست المپیاد جهانی



قیمت دلار به بیش از
۱۱۶ هزار تومان رسید



ادعای قوه قضاییه:
عامل آتش‌سوزی جنگل‌های هیرکانی
دستگیر شد



موج انتقادات به افزایش قیمت بنزین:
حمایت روزنامه «کیهان» از تصمیم دولت
اصلاح‌طلب پزشک‌ان



دست‌کم ۱۵ نیروگاه در استان‌های
مختلف در حال مازوت‌سوزی هستند



دلار در مرز ۱۱۹ هزار تومان
و سکه بیش از ۱۲۶ میلیون تومان



تغییر کاربری کشتی تجاری
«تیوکان» به «ناویندر کردستان»
حامل پهپادهای انتحاری



کاهش ۹۹/۳ درصدی بارش‌ها نسبت
به سالهای گذشته!
زنگ خطر امنیت غذایی به صدا در آمد



خشکسالی ویران‌کننده در ایران:
مرگ تالاب گاوخونی به نقطه‌ای
بی‌بازگشت رسید



دعای باران و صرفه جویی!
طرح از س. روزبه



ترامپ به مادورو تا روز جمعه
فرصت داد از ونزوئلا برود



سومین کشتی روس در دریای سیاه
مورد اصابت قرار گرفت:
رویترز: «خطر جنگ» نرخ بیمه کشتی‌ها
و حمل بار را افزایش داد



۱۶ شهر خوزستان در
وضعیت بحرانی آلودگی هوا



۱۵۵ نماینده مجلس شورای
اسلامی خواستار اجرای قانون
«حجاب و عفاف» شدند



آمار غیرواقعی دولت از نرخ خودکشی در ایران:
آمار واقعی افزایشی و «نگران‌کننده» است



مشکلات ناشی از آلودگی
هوا اقشار فقیر و کم‌درآمدها را
هدف می‌گیرد



قانون حمایت از معلولان ۱۸ سال پیش
تصویب اما همچنان اجرایی نشده است



بررسی چالش‌های اخلاقی
استفاده از هوش مصنوعی در گفتگو
با پروفیسور علی حسامی



قیمت دلار از مرز ۱۲۰ هزار تومان گذشت:
دلایل افزایش قیمت ارز چیست؟



وزارت خارجه آمریکا:
خامنه‌ای به جای اسراف و حمایت از
تروریسم به مردم ایران خدمت کند



دور تازه اعتراضات کارگران پیمانی پارس جنوبی:
هشدار درباره تغییر شیوه اعتراضات
در صورت بی‌اعتنایی مسئولان



فیلم جعفر پناهی برنده دو جایزه اصلی فستیوال آسیا پاسیفیک شد



موج جدید گرانی‌ها با حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت بنزین



افزایش آمار ابتلا به آنفولانزا در ایران



تکانه‌دهنده؛ گوگرد موجود در سوخت نیروگاه‌های کشور تا ۵۹۲ بیشتر از حد مجاز است



رزمایش سپاه پاسداران در آذربایجان شرقی با همکاری کشورهای عضو شانگهای



انفجار در دو نفتکش متعلق به ناوگان سایه روسیه در دریای سیاه



خطر رد عضو در بیماران پیوندی با نایاب شدن داروی «مایفورتیک» در ایران



میانگین افسردگی در ایران دو برابر استاندارد جهانی است



تهران در آستانه تخلیه است یا با بحران در گفتار سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کند؟



وضعیت بحرانی آلودگی هوای تهران و چند کلانشهر ایران؛ سازمان هواشناسی هشدار «آماده باش» داد



آزیر خطر گرانی کالاهای اساسی؛ تورم ۶۰ درصدی تا پایان سال!



سفر همزمان دو مقام ارشد ترکیه و عربستان سعودی به تهران



ونزوئلا در محاصره آمریکا؛ چرا چین و روسیه مالدور را مثل خامنه‌ای تنها گذاشتند؟



محمدباقر قالیباف؛ تخلیق همکاری با آژانس برای جمهوری اسلامی نوین قدرت کرد



اسلام‌گرایی ۵۷؛ معامله دو سر باخت برای غرب



روسیه از شهروندان خود خواست در سفر به ایران از عکاسی خودداری کنند



هشدار وزیر خارجه ژاپن به عراقی درباره ضرورت «همکاری فوری» جمهوری اسلامی با آژانس و مذاکره با آمریکا



معاون عقیدتی سیاسی دفتر خامنه‌ای؛ آمریکا تمایلی به جنگ مستقیم با جمهوری اسلامی ندارد و در پی ایجاد اغتشاش است



منابع اسرائیلی: حکومت ایران از بیم حمله اسرائیل در پی بازسازی توان نظامی خود است



بیش از ۳۰ درصد از مأموریت‌های اورژانس در تهران مرتبط با آلودگی هوا است



نبدیل «سنگر ملی» به «دفتر بخشنامه» در فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ چهار دهه واژه‌سازی از «رایانه» تا «آماج»



روزنامه «تایمز اسرائیل»: حکومت در حال فروپاشی است اما رهبران آن جشن پیروزی می‌گیرند



اکونومیست: چرا جمهوری اسلامی اقدام به تلاش‌های غافلگیرکننده برای نزدیکی به آمریکا می‌کند؟



استعفای رئیس و نائب رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران پس از بازداشت گروهی سینماگران



سخنگوی دولت پزشکیان از برنامه برای مبارزه با «بی‌حجابی» خبر داد



عکس هفته | فرّ ایران پیروز است

جمهوری اسلامی چهل و هفت سال است هویت تاریخی از جمله نمادهای ملی ایرانیان را به سخره گرفته است. به تازگی هم در برنامه «بازمانده» به دو نماد ملی «درفش کاویانی» و «شیردال» توهین شد. ایرانیان آزادیخواه اما سالهاست با تکیه بر ملی‌گرایی علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند؛ از جمله در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ دانشجویان دانشگاه «علامه» با برافراشتن «درفش کاویانی» تظاهرات کردند و نوید «پایان» به جمهوری اسلامی دادند.